

ضمیمه
چهارم دختران آفتاب



سال چهارم - شماره‌های ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ - اردیبهشت تا تیر ۱۳۸۹



سلام الله علیها

نقش



وجود این مجموعه بانوان نخبه در رشته‌های مختلف ... نشان‌دهنده موفقیت نگاه نظام اسلامی و نگاه اسلام به زن است. امروز عدد مطلق و نسبی محققین زن، اساتید زن و دانشمندان زن در رشته‌های مختلف، به مراتب بیشتر از دوره طاغوت است؛ یعنی آن دوره‌ای که به نام طرفداری از زن، حجاب و عفاف و وجود فاصله‌ی بین زن و مرد را بکلی از بین برده بودند و روزبه‌روز هم این بی‌بندوباری را ترویج می‌کردند. امروز ما در نظام جمهوری اسلامی و زیر پوشش حجاب، زیر چادر، زیر مقنعه، این تعداد عظیم نخبه فکری، علمی، عملی، فعال سیاسی، صاحب‌نظران فرهنگی و هنری داریم.

دیدار با زنان نخبه، ۱۳/۴/۱۳۸۶



زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسانها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدا همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدا همه سعادت‌ها باید باشد. زن مبدا همه خیرات است.

دیدار با بانوان، ۲۶/۴/۱۳۵۸

از بیانات «مقام معظم رهبری» در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام :
گرچه انصافاً همین اخلاص و احساس مظلومیت در طول تاریخ برای توسعه شیعه
کار زیادی کرده است... لکن گنجینه ما خیلی قوی تر و غنی تر از این حرف هاست...



سال چهارم - شماره های ۳۸ و ۳۹ و ۴۰
اردیبهشت تا تیر ۱۳۸۹ - جمادی الاولی تا رجب ۱۴۳۱

فهرست مطالب

- بیانیه مهم مجمع درباره لزوم گسترش حجاب و عفاف / ۲
- با به پای ولایت: سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع پرستاران / ۴
- شورای عالی / ۸
- ویژه نامه: سومین جشنواره دختران آفتاب / ۱۱ تا ۱۳۴
- مقدمات
- جدول برنامه ها
- سخنرانی ها
- مقالات
- مصاحبه
- مراسم اختتامیه
- در حاشیه جشنواره
- آنان که حجاب را برگزیدند / ۱۳۵
- دیدار مدیران خبرگزاری ایونا با دبیر کل / ۱۳۶
- حمله رژیم صهیونیستی به کاروان آزادی / ۱۳۸ تا ۱۴۴
- ناوگان آزادی... کاروانی دربند
- پیام رهبر معظم انقلاب
- مطالبات مجمع جهانی اهل بیت (ع) از سازمان های بین المللی
- نامه دبیر کل مجمع به یکی از اسرای کاروان آزادی
- مراسم یادبود شهدای کاروان آزادی در تهران
- واکنش دبیر کل حزب الله لبنان



* گنجینه مجمع از اخبار، مطالب، نظرات و
پیشنهادهای خوانندگان استقبال می کند،
* ترتیب مقالات و موضوعات مجله، تابع امور
فنی و هنری است و گنجینه مجمع در اصلاح
مطالب آزاد است،
* مسؤولیت مقالات و آراء، بر عهده
نویسندگان آنهاست،

نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، مجمع
جهانی اهل بیت علیهم السلام، طبقه اول،
دفتر مجله و سایت
تلفن: ۰۲۵۱ - ۲۱۳۱۳۲۳ و
۰۹۱۲۱۵۱۲۲۶۳
نمابر: ۰۲۵۱ - ۲۱۳۱۲۵۸
نشانی الکترونیک:
akhbareshia@yahoo.com

مدیر مسؤول و سردبیر:
سید علیرضا حسینی عارف
مدیر اجرایی: حسین اختر
مدیر داخلی: سعید مهدیان
مدیر هنری: مهدی نقوی
صفحه آرایی: محمود کریمی
عکس: محمد حسین امامی
لیتوگرافی: ایران
چاپ: مجاب



گنجینه ی مجمع
ماهنامه خبری - اطلاع رسانی
مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

همزمان با ایام فاطمیه و سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - و در شرایطی که برخی ناهنجاری‌ها و حرمت‌شکنی‌های اخلاقی و اجتماعی موجب بروز دغدغه‌ها و نگرانی‌ها شده است، مجمع جهانی اهل بیت - علیهم‌السلام - بیانیه مهمی صادر کرد.
متن این بیانیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه ایام فاطمیه و سالروز شهادت بزرگ بانوی اسلام و الگوی متعالی زن مسلمان حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - و در شرایطی که برخی ناهنجاری‌ها و حرمت‌شکنی‌های اخلاقی و اجتماعی موجب بروز دغدغه‌ها و نگرانی‌های علماء و نخبگان و آحاد مردم مؤمن گشته است، مجمع جهانی اهل بیت - علیهم‌السلام - وظیفه خود می‌داند نکاتی را در این زمینه متذکر گردد:

۱. بدون شک اکثریت قریب به اتفاق ملت مسلمان ایران پایبند به دین مبین اسلام و پیرو قرآن و عترت دو یادگار گران سنگ پیامبر بزرگ خاتم الانبیاء حضرت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - و از ارادتمندان و پیروان حضرت زهرا (س) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) هستند. زنان آگاه و رشید این سرزمین الهی، عفاف و حجاب را در مکتب فاطمی آموخته‌اند و مردان غیور و شرافتمند نیز در تأسی به مقتدای خویش امیرمؤمنان علی - علیه‌السلام - مقید به حدود الهی و حافظ نوامیس مسلمانان هستند. آشکار است که در اسلام عفاف و حجاب تنها به زنان اختصاص ندارد و رعایت حجاب ظاهری و عفاف رفتاری و باطنی هم برای زنان و هم برای مردان لازم است.

۲. تظاهر عده‌ای قلیل - ولی چشمگیر - به رفتارهای ناشایست و نقض موازین شرعی و عرفی و قانونی جامعه اسلامی ایران، متأسفانه تصویر زشتی از جامعه ترسیم ساخته است. معدود افرادی که با اصرار و لجاجت در اماکن عمومی رفتارهای هنجارشکنانه و ضداسلامی از خود به نمایش می‌گذارند و محیط زیست اجتماعی و اخلاقی را آلوده می‌سازند و به ناامنی فرهنگی و اجتماعی دامن می‌زنند، خواسته یا ناخواسته به دشمنان ملت خدمت می‌کنند. اینان در ردیف سربازان جنگ نرم و شبیخون فرهنگی سیاسی صهیونیسم علیه تمدن و فرهنگ و دین ملت شریف ایران قرار می‌گیرند. تاریخ



بیانیه مهم مجمع جهانی اهل بیت (ع) درباره لزوم گسترش فرهنگ عفاف و حجاب

جوامع اسلامی نشان می‌دهد که در مقاطع مختلفی - از جمله فروپاشی تمدن مسلمانان در سرزمین آندلس - دشمنان با تخریب فرهنگ و اخلاق و ترویج فساد به اهداف خویش نائل آمدند و این سیاست شوم را همواره تکرار و به نمایش می‌گذارند که مظاهر ناخوشایند فعلی در حال گسترش در اماکن عمومی، ادارات، مؤسسات و دانشگاه‌ها نتایج توطئه جدید است.

۳. در برابر حجم انبوه و دائم التزاید ترویج فساد و اخلاق‌ستیزی به وسیله رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی صهیونیسم که متلاشی ساختن نهاد خانواده و انهدام غیرت دینی و شرافت انسانی ملت مؤمن ایران را هدف قرار داده است، رسالت و مسئولیت نهادهای آموزشی و فرهنگی بیشتر و سنگین‌تر است.

متأسفانه نقایص و اشکالاتی در برنامه‌ها و اقدامات نهادها و دستگاه‌های ذیربط وجود دارد که زمینه‌ساز تأثیرگذاری برنامه‌های مخرب دشمن گردیده است. بنابراین تقویت و بهبود فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در جهت افزایش مصونیت و اقتدار فرهنگی ملت ایران از ضرورت و اولویت برخوردار است.

۴. کار فرهنگی و اقدامات قانونی و انتظامی در مقابله با ترویج فساد، لازم و ملزوم یکدیگر و مکمل هم هستند. نمی‌توان با استدلال به اولویت یکی، آن دیگری را تعطیل نمود. تدبیر مناسب و هماهنگی در حفظ بهداشت و درمان فرهنگی اجتماعی به صورت توأمان ضروری است. پیشگیری، مراقبت، مصون‌سازی و مقابله همزمان در قبال ویروس‌های آلوده‌ی اخلاق‌ستیزی مجموعه‌ای از طرح‌ها و برنامه‌های هماهنگ کلیه‌ی قوای مسؤول کشور است.

۵. هماهنگی، تدبیر و قاطعیت مسؤولان انتظامی، قضایی و اجرایی کشور در مقابله با ترویج سازمان‌یافته‌ی فساد، از مطالبات مردم است. مردم مسلمان ایران انتظار دارند مبادی و سرچشمه‌های ورود و تولید و توزیع لباس‌های ناهنجار، فیلم‌ها، سی‌دی‌ها، ابزار فسق و فجور و ... به وسیله دولت، نیروی انتظامی و قوه قضائیه بیش از پیش مسدود گردد و امکان توزیع و دسترسی سهل و ساده به آنها را از بین ببرند.

به باور اغلب مردم، مجازات سنگین عوامل اصلی ترویج فساد بایستی به گونه‌ای باشد که موجب بازدارندگی و جلوگیری از گسترش باندهای فساد شود.

در این زمینه به ویژه نقش قوه قضائیه در اجرای قاطع حدود شرعی و قانونی، تعیین‌کننده و اساسی است. کما اینکه همه‌ی اشکال فساد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اداری و اخلاقی در پیوند با یکدیگر هستند و میزان موفقیت در مبارزه با هریک از اشکال فساد، در

کاهش سایر مظاهر فساد تأثیر مستقیم دارد.

همچنین انتظار مردم از مسؤولان اجرایی دولت نیز آن است که در اجرای قوانین اسلامی مصوب و رعایت حدود شرعی و عرفی در ادارات، بانک‌ها، بیمارستان‌ها و مؤسسات خصوصی اهتمام جدی و آشکار داشته باشند و از بی‌بندوباری‌ها و پیوند خوردن باندهای فساد اداری و مالی با باندهای فساد اخلاقی جلوگیری نمایند.

۶. لازم است مسؤولان محترم کشور دغدغه‌ها و نگرانی‌های آحاد مردم مؤمن را - که در تذکرات عالمانه و مشفقانه‌ی علما و مراجع عظام انعکاس می‌یابد - بیش از پیش مورد توجه و اهتمام قرار دهند و از راهنمایی‌ها و ارشادات آنان در حل مشکلات فرهنگی و اخلاقی جامعه استمداد جویند.

۷. همانگونه که بارها رهبر معظم انقلاب تأکید فرموده‌اند، مسئولیت متولیان محترم امور فرهنگی و آموزشی کشور در زمینه ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در آثار سینمایی و تلویزیونی، کتب، مطبوعات، فضای سایبر و متون آموزشی بسیار سنگین و تأثیرگذار است. همچنانکه سالم‌سازی اماکن فرهنگی، هنری و آموزشی و بذل توجه و حساسیت نسبت به شیوع ناهنجاری رفتاری و فرهنگی در اینگونه مراکز، یکی از مطالبات جدی خانواده‌ها و مردم مؤمن بوده است.

۸. احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی، و اهتمام بیشتر خبرنگاران و اصحاب علم و فرهنگ و آحاد مؤمنان آگاه، در تحکیم و تقویت فرهنگ عفاف و حجاب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مسؤولان محترم انتظامی و قضایی نیز بایستی تدابیر قانونی لازم را برای حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر اتخاذ نمایند تا همگان بتوانند در قبال مظاهر آشکار و علنی ترویج فساد به مسؤولیت تذکر و نهی از منکر عمل نمایند و هنجارشکنان در جامعه احساس امنیت نداشته باشند و با بهانه‌های مختلف مردم مسلمان را نسبت به این فریضه بزرگ اجتماعی بی‌تفاوت نسازند.

امید است ملت ایران با تأسی به معارف اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، پایه‌های عزت و اقتدار تمدن شکوهمند میهن خویش را تحکیم بخشند و تعالی فرهنگ خویش را در منظر جهانیان آشکار سازند.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

۱۳۸۹/۲/۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً روز پرستار و ایام ولادت زینب کبری، این زن نمونه‌ی تاریخ بشر را به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز و پرستاران محترم تبریک عرض میکنیم. امیدواریم که خداوند به پاداش این خدمت بزرگ، این تلاش بسیار ارزشمند، رحمت خود، هدایت خود و فضل خود را شامل حال همه‌ی شما و همه‌ی پرستاران کشور و مجموعه‌ی دست‌اندرکاران مسئله‌ی سلامت در کشور بفرماید.

عمده‌ی عرض امروز ما و دیدار امروز ما، متوجه به تشکر از زحمات پرستاران است. حقیقتاً جا دارد که به همه‌ی مجموعه‌ی پرستاری در کشور، انسان عرض تشکر کند و از این کار بزرگ و پرفرسایش و وظیفه‌ی سنگینی که شما بر عهده گرفته‌اید، تقدیر شود.

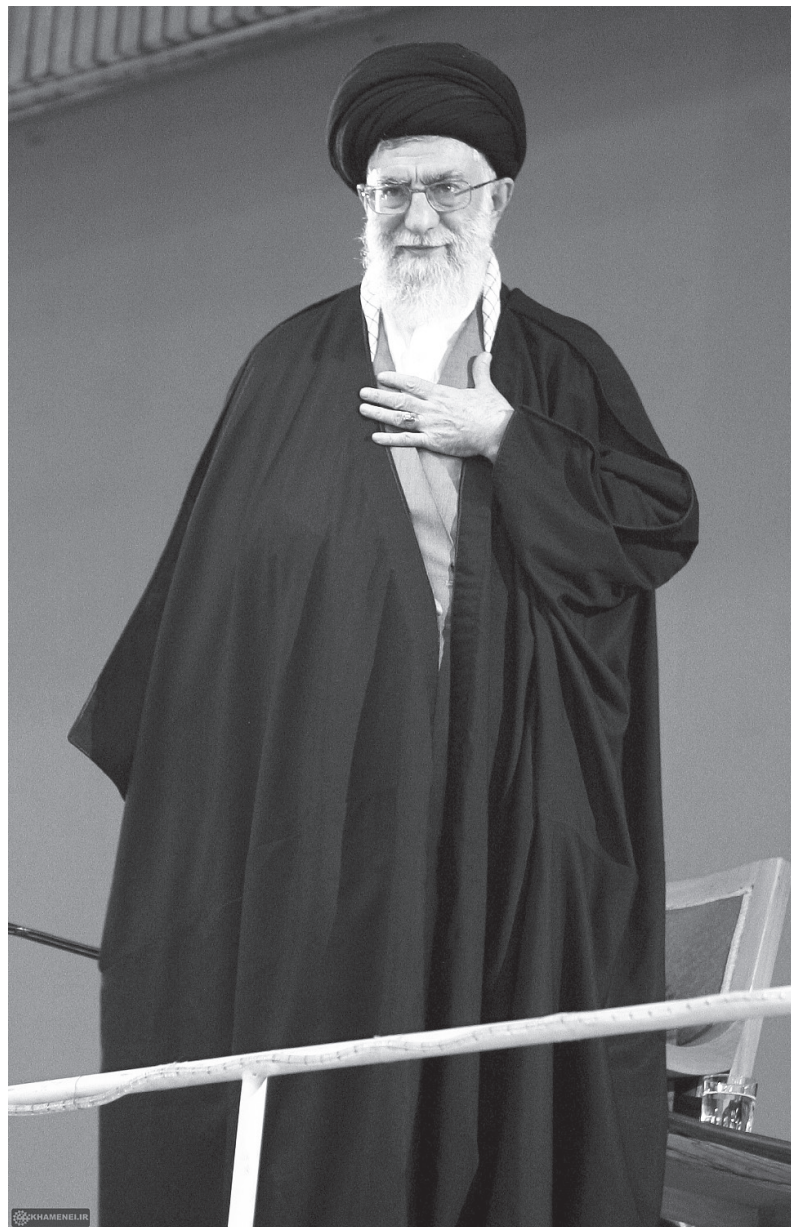
مسئله‌ی سلامت جزو اولین مسائل مهم زندگی جوامع است. این حدیث معروف «نعمتان مجهولتان الصّحة و الأمان» حقیقتاً انگشت اشاره‌ای است به یک امر اساسی و حیاتی. هم سلامت، هم امنیت در شمار نعمتهای بزرگی است که انسان تا از آن نعمتها محروم نباشد، اهمیت و ارزش آن را نمیفهمد؛ مثل هوا، مثل تنفس. تا وقتی انسان تنفس میکند، اهمیت این نعمت رایگان و همه‌جائی را درک نمیکند؛ تنفس که مشکل شد، انسان آن وقت احساس میکند چه نعمت بزرگی از دست رفته است. مجموعه‌ی پزشکی و پرستاری و بقیه‌ی دستگاه‌های سلامت، در واقع تأمین‌کننده‌ی این نعمت بزرگ برای جامعه‌اند. و نقش پرستار در این میان، نقش بسیار برجسته‌ای است. پرستار در یک تلاش و چالش دائمی روحی و روانی است؛ فقط مسئله‌ی جسم او نیست. خستگی روحی، مواجهه‌ی با بیمار و دردمند و احساس وظیفه‌ی اینکه باید برای این دردمند و بیمار، هم علاج جسمانی، هم علاج روحی و معنوی تقدیم کند، مسئله‌ی بسیار فرساینده‌ای است، کار سنگینی است. این وظیفه‌ی سنگین را پرستاران بر عهده گرفته‌اند.

مطمئن باشید که هر لحظه‌ای، ثانیه‌ای، دقیقه‌ای که در این کار، با توجه به احساس تکلیف در مقابل بیمار، در مقابل انسان دردمند می‌گذرانید، یک حسنه‌ای را از خدای متعال و یک پاداش اجری را از حضرت ربوبی دریافت میکنید. هیچ ثانیه‌ای در محاسبات الهی از بین نمیرود. نباید تصور کرد که لحظات دشوار برای یک پرستار بر بالین یک بیمار، در محاسبات الهی مورد غفلت قرار خواهد گرفت؛ اینجور نیست. هر لحظه‌ای که می‌گذرانید و هر تلاشی که میکنید، هر کف نفسی که در مقابل سختی‌ها از خود نشان میدهید، این یک حسنه‌ای است، یک کار در خور اجر است و خدای متعال همه‌ی این لحظات را ثبت میکند. این کارهای دشوار را که تأثیرهای بزرگ و مهمی دارد، باید قدر دانست.

البته تکالیف هم سنگین است. به تکالیف هم باید توجه کرد. اخلاق پرستاری، مثل اخلاق پزشکی یک فریضه است، یک وظیفه است. اجر شما بسیار زیاد است، تکلیف شما هم بسیار سنگین است؛ چون بیمار انسانی، یک ماشین نیست؛ یک مجموعه‌ی آهن و فولاد و پیچ و مهره نیست؛ فقط جسم نیست. روح انسان، احساسات انسان، عواطف انسان، بخصوص در هنگامی که مریض است، دردمند است، خیلی نیازمند لطف است، نیازمند نوازش است. گاهی یک

مقام معظم رهبری
در دیدار پرستاران نمونه کشور:

حجاب و حیا عظمت زن است



علیها) نشان داد که می‌توان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ.

آنچه که از بیانات زینب کبری باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری را نشان میدهد. خطبه‌ی فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهارنظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرائط بیان شده است. قوت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یک بیابان، برادر او راه امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفره‌ی زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا می‌کنند، بعضی هلهله می‌کنند، بعضی هم گریه می‌کنند؛ در یک چنین شرائط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع می‌کند؛ همان لحنی را به کار می‌برد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار می‌برد؛ همان جور حرف می‌زند؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل»؛ ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید؛ اما در امتحان اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور کوری نشان دادید. «هل فیکم الا الصلف والعجب و الشنف و الکذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتار تان، زبانان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ی مقابله‌ی با فتنه بر بیایید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مثلکم کمثل الّتی نقضت غزلها من بعد قوّة انکاثا»؛ مثل آن کسی شدید که پشم را می‌ریسد، تبدیل به نخ می‌کند، بعد نخها را دوباره باز می‌کند، تبدیل می‌کند به همان پشم یا پنبه‌ی نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان راه گذشته‌ی خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب‌شناسی است.

با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرائط دشوار، اینگونه صحبت میکرد. اینجور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب نشسته باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند؛ یک عده هم مردم مختلف‌الحال حضور داشتند؛ همانهایی که مسلم را به دست ابن‌زیاد دادند، همانهایی که به امام حسین نامه نوشتند و تخلف کردند، همانهایی که آن روزی که باید با ابن‌زیاد در می‌افتادند، توی خانه‌هایشان مخفی شدند - اینها بودند توی بازار کوفه - یک عده هم کسانی بودند که ضعف نفس نشان دادند، حالا هم نگاه می‌کنند، دختر امیرالمؤمنین را می‌بینند، گریه می‌کنند. حضرت زینب کبری با این عده‌ی ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما اینجور محکم حرف می‌زند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمی‌شود زن را

لبخند شما، از دارو و درمانی که برای این بیمار به کار میرود، ارزشش بیشتر است، اثرش بیشتر است. بیمار دچار آشفتگی است، دچار ناراحتی است - بخصوص بیماران سخت - کمک به او، فقط کمک به جسم او نیست؛ جسم او را با دارو و درمان و تزریق و تدابیر پزشکی بایستی علاج کرد؛ اما روح او با محبت، با لطف، با نوازش، با مهربانی درمان میشود. گاهی این درمان روحی، حتی جای درمان جسمی را هم میگیرد؛ این، هم علمی است، هم به تجربه ثابت شده است که شادی روح انسان، شادی عصبی و احساسی انسان، بر روی جسم او تأثیر مثبت میگذارد. این، دست شماست؛ در اختیار پرستاران است.

پرستار کار سختی را بر عهده دارد، اجر بزرگی را هم دارد؛ اما وظیفه‌ی سنگینی هم دارد. این تعادل میان وظیفه و پاداش، میان حق و تکلیف، یکی از ارکان بزرگ مفاهیم اسلامی و مبانی اسلامی است. این بازآموزی‌ای که وزیر محترم بیان کردند - که بسیار بارزش است - جا دارد که در زمینه‌ی نه فقط مسائل علمی، بلکه در زمینه‌ی اخلاق پرستاری هم وجود داشته باشد. حقیقتاً باید منشور اخلاقی پرستارها فراهم شود، میثاق پرستاری و معاهده‌ی پرستاری باید تعلیم داده شود و تدریس شود؛ پرستار عظمت کار خود را - که طبعاً این عظمت کار، ملازم با اهمیت شخصیت خود اوست - بداند؛ کار را آنچنان که شایسته است، انجام دهد.

بنده خسته‌نباشید عرض میکنم به همه‌ی پرستاران عزیز در سرتاسر کشور؛ بخصوص به شما پرستاران نمونه، و از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که به شماها کمک کند و توفیق بدهد تا این ارزش والائی که شما برای شغل خود و کار خود انتخاب کرده‌اید، به وسیله‌ی کرام کاتبان، در ثبت الهی محفوظ بدارد و شما را مأجور کند و ان شاء الله عاقبت به خیر باشید.

خوب، در جمهوری اسلامی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) برابر قرار داده‌اند؛ این هم معنای بزرگی دارد. زینب کبری یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهمترین مسائل تاریخ نشان میدهد. اینکه گفته میشود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ و آلا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه‌ی زنده و ملموس است که انسان زینب کبری را مشاهده می‌کند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر می‌شود؛ کاری میکند که دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود؛ داغ ننگ ابدی را به پیشانی او می‌زند و پیروزی او را تبدیل می‌کند به یک شکست؛ این کار زینب کبری است. زینب (سلام الله

ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، اینجور خودش را در شرائط دشوار نشان می‌دهد. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب‌شناسی می‌کند؛ می‌گوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید؛ نتوانستید به وظیفه‌تان عمل کنید؛ نتیجه این شد که جگر گوشه‌ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت. عظمت زینب را اینجا می‌شود فهمید.

روز پرستار، سالروز ولادت حضرت زینب است؛ این هشدار به زنان ماست: نقش خودتان را پیدا کنید. عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیا و عفاف زنانه با عزت مسلمانان و مؤمنانه، درک کنید. زن مسلمان ما اینجور است.

دنایای فاسد غرب خواستند بروز زن را، شخصیت زن را در روشهای غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند: زن برای اینکه شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم‌نواز باشد. این شد شخصیت برای یک زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه‌گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ این غرب مسدّد دیوانه‌ی از همه جایی خبر، تحت تأثیر دستهای صهیونیستی، این را به عنوان تجلیل از زن علم کرد؛ یک عده هم باور کردند. عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است. عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را بیامیزد با عزت مؤمنانه؛ این را بیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد، آن تیزی و بُرندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. این ترکیب ظریف فقط مال زن‌هاست؛ این آمیزه‌ی ظریف لطافت و بُرندگی، مخصوص زن‌هاست؛ این امتیازی است که خدای متعال به زن داده است؛ لذا در قرآن به عنوان نمونه‌ی ایمان - نه نمونه‌ی ایمان زنان، نمونه‌ی ایمان همه‌ی بشر، زن و مرد - دو زن را مثال می‌زند: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امراء فرعون» (۱) و «مریم ابنت عمران» (۲) یکی زن فرعون است، دومی هم حضرت مریم است. اینها اشاره‌ها و نشانه‌هایی است که منطق اسلام را نشان میدهد.

انقلاب ما انقلاب زینبی است. از اول انقلاب، زنان یکی از برجسته‌ترین نقشها را در این انقلاب ایفاء کردند. هم در خود حادثه‌ی بزرگ انقلاب، هم در حادثه‌ی بسیار بزرگ هشت سال دفاع مقدس، نقش مادران، نقش همسران، از نقش مجاهدان اگر سنگین‌تر و دردناک‌تر و تحمل‌طلب‌تر نبود، یقیناً کمتر نبود. مادری که جوان خودش را، عزیز خودش را، دسته‌ی گل خودش را هجده سال، بیست سال - کمتر، بیشتر - پرورش داده، با آن محبت مادرانه او را به ثمر رسانده، حالا او را به طرف میدان جنگ می‌فرستد، که معلوم نیست حتی جسد او هم برخواهد گشت یا نه. این کجا، رفتن خود این جوان کجا؟ که خوب، این جوان، با شور و هیجان جوانی، همراه با ایمان و روحیه‌ی انقلابیگری، حرکت میکند و می‌رود. کار این مادر، از کار آن جوان اگر بزرگ‌تر نباشد، کوچک‌تر نیست. بعد هم که جسد او را برمیگردانند، افتخار میکنند که بچه‌ی من شهید شده. اینها چیز کمی است؛ این، حرکت زنانه، حرکت زینب‌گون در انقلاب ما بود.

عزیزان من، خواهران، برادران! انقلاب ما اینجوری پیش رفت. قدرت و عظمت

این انقلاب به این چیزهاست؛ به دل دادن به معنویت، مجذوب شدن در مقابل لطف الهی. وقتی که دشمن می‌خواهد زینب کبری را به آنچه که برایش پیش آمده، شماتت کند، می‌فرماید: «ما رأیت الا جمیلاً»؛ جز زیبایی، چیزی ندیدم. برادرانش، فرزندان، عزیزانش، نزدیکترین یارانش، اینها در مقابل چشمش قطعه قطعه شدند، به خاک و خون تپیدند، خونشان ریخته است، سرهایشان بالای نیزه رفته است؛ می‌گوید جمیل، زیبا! این چه جور زیبایی‌ای است؟ این زیبایی را همراه کنی با آنچه که نقل شده است که زینب کبری حتی در شب یازدهم نماز شبش ترک نشد. در طول دوران اسارت، انقطاع الی‌اللهش، دلبستگی‌اش به خدای متعال، رابطه‌اش با خدای متعال سست نشد، کم نشد، بلکه بیشتر شد. این زن، الگوست.

همان رشحات و خرده‌ریزه‌هایی که از این حقیقت در جامعه‌ی ما، در انقلاب ما وجود دارد، این انقلاب را عظمت بخشیده است؛ همین‌هاست که به کوری چشم دشمن، ملت ایران را با این همه دشمنی، امروز مثل یک چهره‌ی الهام‌بخش در مقابل ملت‌ها قرار داده است. ملت ایران امروز به عنوان یک ملت الهام‌بخش در بین ملت‌های مسلمان است. البته دشمن‌ها این را نمی‌پسندند، سعی هم می‌کنند کتمان‌شان کنند؛ اما واقع قضیه این است.

قدرت این ملت به موشک و توپ و تانک و هواپیما و وسائل جنگی نیست؛ اینها هم لازم است، داریم هم الحمدلله؛ اما قدرت این ملت به ایمان اوست. ملت ما به توفیق الهی، به هدایت پروردگار، به کمک خداوند، در زمینه‌های سخت‌افزاری هم به صورت جهشی پیش رفت. امکاناتی که ما امروز داریم، نه قابل مقایسه‌ی با امکانات اوائل انقلاب ماست - و به طریق اولی قبل از انقلاب - نه قابل مقایسه‌ی با خیلی از کشورهایی است که سال‌های متمادی این درس‌ها را هم نداشتند؛ دل بسته بودند به کمک بیگانگان و دشمنان. الحمدلله ملت ایران در این جهات هم خیلی جلو است؛ اما اینها مایه‌ی قدرت ما نیست. مایه‌ی قدرت کشور اسلامی و ملت اسلامی، ایمان اوست؛ آن جوهر ایمانی است در او. برای او فرق نمی‌کند که این امکان مادی را دارد یا ندارد. سی سال پیش این ملت ایستاد. امروز هم سی سال است که تحریم کرده‌اند، تهدید کرده‌اند، حمله‌ی نظامی کرده‌اند، خباثت کرده‌اند، شبکه‌های تنیده‌ی سیاسی و امنیتی را به جان او انداخته‌اند؛ این ملت هم همین طور روز به روز به صورت مضاعف رشد کرده، پیش رفته؛ نه فقط عقب نرفته، متوقف هم نشده؛ حتی به طور متعارف هم رشد نکرده، بیش از متعارف رشد کرده. بنابراین عظمت ملت ایران به خاطر همین جوهر ایمانی است.

حالا بی‌عقل‌ها ملت ایران را تهدید می‌کنند؛ رئیس‌جمهور آمریکا هفته‌ی گذشته به زبان تلویح و اشاره، تهدید اتمی کرد. این تهدیدها در ملت ایران کارگر نیست، اما این مایه‌ی ننگی شد برای تاریخ سیاسی آمریکا؛ این نقطه‌ی سیاهی شد در کارنامه‌ی دولت آمریکا. تهدید اتمی؟! معلوم شد پشت صحنه‌ی نمایش صلح‌دوستی و بشردوستی و پایبندی و اصرار بر معاهدات اتمی چیست. معلوم شد پشت صحنه‌ی نمایش دست دوستی دراز کردن چیست. ادبیات روباه‌منش تبدیل شد به ادبیات گرگ‌منش. تا حالا می‌گفتند که بله، ما دست دوستی دراز می‌کنیم، ما چنین، چنان؛ معلوم شد که پشت قضیه چیست؛ معلوم شد که طبیعت خونخوار و سلطه‌طلب دنبال چیست. اینها می‌خواهند اتم را و قدرت



قدرت این ملت به موشک و
توپ و تانک و هواپیما و وسائل
جنگی نیست...
قدرت این ملت به ایمان
اوست

اتمی را وسیله‌ای قرار بدهند برای سلطه‌ی بر دنیا. قدرتهای اتمی همه‌شان همین جورند؛ همه‌شان این را وسیله و ابزاری قرار میدهند برای اینکه بتوانند بر ملتها سلطه پیدا کنند، بر دنیا سلطه پیدا کنند. هیچکدام این معاهدات اتمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نه امضاء کرده‌اند، نه قبول کرده‌اند، و نه به طریق اولی عمل میکنند. اینها دروغگوی واضحند. آن وقت در مورد کشورهای دیگر بنا میکنند ایرادگیری، نکته‌گیری، که به فلان بخش از معاهده، به فلان بند از معاهده، عمل نشد. قبول ندارند؛ اینها میخواهند رقیبی در عرصه‌ی نیروی اتم و سلاح اتمی در مقابلشان نباشد؛ مسئله این است.

سیاست هسته‌ای ما واضح است؛ بارها هم گفته‌ایم و تکرار کردیم: ما اهل استفاده‌ی از سلاحهای مخرب جمعی نیستیم؛ اما آنها هم بدانند که در مواجهه‌ی با ملت، از اینجور تهدیدها و اینجور گنده‌گوئی‌ها طرفی نخواهند بست. ملت ایران اینها را با همه‌ی ادعاهائی که دارند، در مقابل خود دلیل خواهد کرد و به زانو در خواهد آورد.

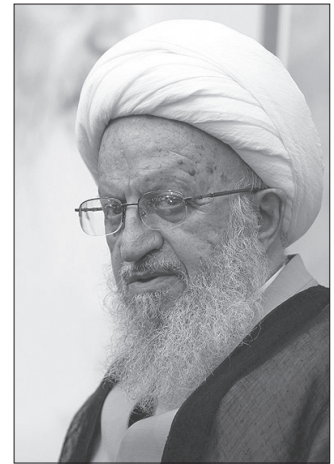
مجامع جهانی حق ندارند این تهدید رئیس‌جمهور آمریکا را رها کنند، حق ندارند این را به فراموشی بسپرنند؛ باید دنبال کنند، باید گریبان او را بگیرند. چرا تهدید هسته‌ای میکنید؟ چرا دنیا را به ویرانه شدن تهدید میکنید؟ چرا جرأت میکنید چنین غلطی بکنید؟ هیچ کس نباید جرأت کند بشریت را با یک چنین تهدیدهائی مواجه کند. به زبان آوردنش هم غلط است؛ ولو خودشان بگویند نه، ما نیتش را نداریم؛ اشتباه کردیم به زبان آوردیم. به زبان هم نباید بیاورند. از اظهارات اینچنینی که تهدید صلح بشری است، تهدید امنیت جامعه‌ی جهانی است، نمیشود به آسانی گذشت.

البته ملت ایران در مقابل اینجور حرفها شکست‌ناپذیر است. ملت ایران را نمیتوانند با این چیزها عقب بنشانند. ما اجازه نخواهیم داد آمریکائی‌ها با این وسائل، با این ابزارها، دوباره بخواهند آن سلطه‌ی جهنمی خودشان را بر کشور ما تجدید کنند؛ این را ملت ایران اجازه نخواهد داد. اینها همچنان در آرزوی همان سلطه‌ای هستند که به وسیله‌ی خیانت حکومت طاغوتی پهلوی - که لعنت خدا و بندگان خدا بر آنها باد - در این کشور سالهای متمادی اجراء کردند؛ خواب آن روزها را می‌بینند. ملت ایران اجازه‌ی این چیزها را نخواهد داد.

ما علی‌رغم دشمن، در همه‌ی عرصه‌ها، به توفیق الهی، به کمک الهی، به فضل الهی، پیش خواهیم رفت؛ این را بدانید. جوانهای ما تلاش میکنند. ان‌شاءالله ایمان روزافزون جوانها و بصیرت روزافزون ملت ما، هم بر این تهدیدها فائق خواهد آمد، هم بر ترفندهائی که برای به هم ریختن اوضاع داخلی کشور - از قبیل آنچه که در سال ۸۸ دیده شد - به کار بردند، فائق خواهد آمد.

ملت ما ملت بصیری است، ملت بالایمانی است. امیدواریم خداوند متعال به برکت ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) روزبه‌روز بر این بصیرت بیفزاید و ملت ما را ان‌شاءالله در همه‌ی میدانها پیروز و سرافراز کند و شما جوانها ان‌شاءالله در آینده‌ی نه‌چندان دوری، عظمت کشورتان را، پیشرفت کشورتان را، و نیاز همین ابرقدرتها را به خودتان حس کنید و ببینید. رحمت پروردگار به روح مطهر امام بزرگوار و ارواح مطهر شهیدان. امیدواریم که خداوند متعال همه‌ی شما را موفق و مؤید و منصور بفرماید. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته





آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

هیچ کس حق ندارد ارزش‌های اسلامی را کم‌رنگ کند

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در دیدار علما، امام جمعه و تنی چند از شخصیت‌های شهرستان میانه با اشاره به حدیث معروفی از پیامبر اکرم (ص) درباره عوامل پیروزی امت اسلامی و شکست احتمالی آنها گفتند: مردم کشور ما انقلاب کردند و صدها هزار شهید، اسیر و جانباز دادند تا ارزش‌های اسلامی را زنده کنند. ایشان تأکید کردند: هیچ کس در هر مقامی باشد حق ندارد، این ارزش‌ها را کم‌رنگ یا بی‌رنگ سازد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی افزودند: مسئولان مراقب سخنان خود باشند و بدانند خانواده شهدا و نیروی بسیج مخلص، حوزه‌های علمیه و تمام وفاداران انقلاب اجازه نخواهند داد مسئله‌ای مانند امر به معروف که از مسلمات قرآن مجید است به ویژه مسئله حجاب که از ضروریات اسلام است و امروز به عنوان رمزی از اسلام در همه جا شناخته می‌شود، زیر سؤال برود.

ایشان تصریح کردند: اگر بی‌تدبیری‌ها از حد بگذرد، مردم شهیدپرور با زبان دیگری سخن خواهند گفت.

آیت الله مکارم شیرازی گفتند: مسئولین محترم اجازه دهند هر نهادی به وظیفه خود عمل کند، قانون‌گذاران عزیز قوانین شفاف و حساب‌شده بر وفق ارزش‌های اسلامی تنظیم کنند و قوه محترم قضایی به مقابله با جرائم برخیزد و مجریان محترم به وظیفه اصلی خود که اجرای قوانین است، بپردازند و از قلمرو خود خارج نشوند تا همان‌گونه که رهبر انقلاب فرمودند ملت مسلمان و انقلابی ما آسوده خاطر با اتحاد و انسجام وضع داخلی به مقابله با تهدیدات خارجی بپردازد.



عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع):

نهادینه کردن حجاب از ارگان‌های حکومتی آغاز شود

حجت الاسلام والمسلمین محسن اراکی در تشریح علل بروز پدیده بدحجابی در کشور اظهار داشت: متأسفانه نخستین عاملی که در این زمینه مشهود است، یادگاری‌های حکومت ستم شاهی پهلوی است که در صدد اشاعه فرهنگ دین‌زدایی بودند و برخی از افراد آن را به یادگار حفظ کرده‌اند.

وی ادامه داد: نفوذ و تشویق برخی از جریان‌های غرب‌گرایانه در کشور و در داخل برخی نهادهای دولتی، باعث تشویق این امر شد.

عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) بیان داشت: امروز متأسفانه در گسترش پدیده بدحجابی در جامعه، شبکه‌های جاسوسی خارجی سرمایه‌گذاری عظیمی کرده‌اند، بنابراین مسئولان کشور باید با هوشیاری کامل این توطئه را خنثی کنند.

رئیس مجمع اندیشه اسلامی با انتقاد از وجود بدحجابی در بعضی از نهادها خواستار آغاز اصلاحات از این مراکز حکومتی شد و اظهار داشت: اگر می‌خواهیم حجاب را در کشور نهادینه کنیم، ابتدا باید از ارگان‌ها و نهادهای فرهنگی آغاز کنیم.

وی افزود: وقتی کارمندان، مأموران و یا متصدیان مسائل فرهنگی کشور حجاب را رعایت نکنند، چه انتظاری می‌توان از افراد معمولی داشت.

حجت الاسلام والمسلمین اراکی همچنین در ادامه از وجود بدحجابی در صدا و سیما انتقاد کرد و خواستار افزایش برنامه‌های مرتبط با فرهنگ حجاب در این رسانه شد، وی افزود البته باید در برنامه‌های صدا و سیما برای بهره‌وری کافی از افراد شایسته و توانمند استفاده کرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه بدحجابی، امنیت معنوی جامعه را به خطر می‌اندازد، اذعان داشت: باید به بدحجابی به عنوان یک معضل اجتماعی نگاه کرد که می‌تواند سلامت و امنیت روانی جامعه را تهدید کرده و به خطر بیندازد.

عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) با ابراز تأسف از دیدگاه برخی از مسئولان فرهنگی کشور نسبت به مسئله حجاب یادآور شد: مسئله بدحجابی، نمایان شدن یک تار مو نیست، بلکه پدیده فرهنگی خطرناکی است که منشاء بسیاری از بیماری‌های معنوی جامعه بوده و می‌تواند، باعث بروز بسیاری از معضلات اجتماعی شود.

وی وجود عوامل خارجی و داخلی در زمینه رواج بدحجابی در کشور را مد نظر قرار داد و بیان داشت: دشمنان برای رواج بدحجابی در کشور، برنامه‌ریزی‌های زیادی کرده‌اند، اما علت اصلی عامل داخلی این موضوع، کوتاهی نهادهای اجرایی در کشور است، البته ما اعتقادی به اعمال خشونت در این رابطه نداریم و تأکید ما بیشتر به امور فرهنگی، توجیهی و اقدامات تبلیغاتی است.

وی همچنین در پایان از دستگاه‌های قضایی و دیگر نهادهای اجرایی خواست تا با گسترش گروه‌های ارشادی و شناسایی و متلاشی کردن باندهای مخفی ترویج بدحجابی، به امر گسترش حجاب و عفاف در کشور اقدام کنند.



عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع):

این بدحجابی‌ها مقدمه بی‌حجابی است

— ما نمی‌خواهیم تنها به برخوردهای ظاهری بسنده شود بلکه برعکس معتقدیم کسانی که بدحجابی و بی‌حجابی می‌کنند افراد مریض و بیماری هستند که باید مورد معالجه قرار گیرند.

— باید باور کنیم که گسترش فزاینده بدحجابی و بی‌حجابی بستر انحرافات دیگر است. این بدحجابی‌ها امنیت اجتماعی، امنیت اخلاقی و امنیت خانوادگی خانواده‌ها را تهدید می‌کند. ۴۹ درصد طلاق‌های رخ داده در کشور ریشه در بدحجابی و بی‌حجابی دارد.

— در یکی از اصول اولیه و مهم قانون اساسی می‌بینید که تاکید ویژه‌ای بر مساله عفاف و پاکي جامعه شده است. در اصل سوم قانون اساسی نیز می‌خوانیم که دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مذکور موظف است. در اصل سوم آمده است که دولت همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی باید به کار ببرد.

— بانوانی که با وضعی ناهنجار در جامعه حضور می‌یابند در حقیقت امنیت اخلاقی جوانان و خانواده‌ها را به خطر می‌اندازند و زمینه بسیاری از نابسامانی‌ها را در خانواده‌ها فراهم می‌آورند. قابل توضیح نیست بانویی که خود را محب علی (ع) و فاطمه (س) می‌داند با چنین اوضاع و احوالی که شایسته درون خانه نیز نیست در جامعه ظاهر شود و دل علی (ع) و دوستداران حقیقی او را بشکند.

— در حالی که شورای انقلاب فرهنگی مصوبه عفاف و حجاب را در کشور در سال ۸۵ به تصویب رسانده و برای ۲۵ دستگاه اجرایی و نهاد دولتی و غیردولتی وظایفی را تعیین کرده است اما برخی مسئولان از اجرای آن سر باز می‌زنند و برای این حرکت هیچ کاری را انجام نمی‌دهد.

— به نظر من بهترین کار اجرایی در این زمینه، اجرای همین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. لذا اگر این مصوبه هنوز به صورت قانون در نیامده از نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌خواهم که این مصوبه را به صورت قانون در بیاورند.

— این تعبیر که کسی بگوید بعضی‌ها از این که یک تار موی زن پیدا باشد، احساس خطر می‌کنند، این چه سخنی است؟ آیا آن چه در جامعه می‌گذرد یک تار موی زن است، یا بدحجابی مقدمه بی‌حجابی است؟ رفتار هنجارشکنانه آن چنانی را پیدا بودن یک تار موی زن نامیدن این در حقیقت تحقیر حرکت مقدس حجاب است.

— اگر خطر تساهل و تسامح فرهنگی از خطر تساهل و تسامح سیاسی بشتر نباشد، کمتر هم نخواهد بود. اینجا ایران اسلامی است، این کشور جای خوانندگان لس‌آنجلسی نیست. ملتی که در قیام گوهرشاد آن همه کشته برای حفظ حجاب داده است؛ اجازه نمی‌دهد کسی با تساهل و تسامح انقلاب اسلامی را مورد هجمه قرار دهند.

— البته به برخی اقدامات دولت در زمینه زنان ارزشمند و ستودنی است؛ مانند تلاش دولت برای تحکیم بنیان خانواده، مصوبه دولت مبنی بر این که کارمندان زن می‌توانند کار خود در منزل انجام دهند و انگیزه دولت برای مقابله با کسانی که سازماندهی شده بر گسترش فساد می‌پردازند.

«حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی» در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا و نیز نماز جمعه تهران و سخنرانی در مسجد اعظم اردبیل سخنان مهمی در باب حجاب و عفاف و وضعیت فعلی جامعه در این رابطه ایراد کرد.

بخش‌های مهمی از سخنان ایشان به شرح زیر است:

— عفت که یکی از راه‌های شکر نعمت خداوند است، بالاتر از حجاب است؛ چرا که حجاب بخشی از عفت است. عفت یعنی پاک‌گفتاری، پاک‌زبانی و پاک‌رفتاری.

— کسی که محب علی (ع) است هیچ‌وقت اهل فحش و بدزبانی نیست؛ و با جنس مخالف عشوه‌گرانه سخن نمی‌گوید؛ و حریم محرم و نامحرم را حفظ می‌کند.

— آن کسی که محب علی (ع) و فاطمه (س) است نه تنها در برابر بدحجاب و بی‌حجاب ساکت نمی‌نشیند بلکه در برابر این مفسده اجتماعی می‌ایستد و تا آخرین لحظه عمر و حیات خود از این گونه رفتارها به سهل و سادگی نمی‌گذرد.

— پوشش بانوان از ابعاد برجسته فرهنگ اسلامی - ایرانی است. واقعیات تاریخی می‌گوید که بانوان ایرانی حتی قبل از اسلام هم پوشش داشتند و بر این اساس دغدغه فرهنگی اقتضاء می‌کند که در عرصه عفاف و حجاب جامعه دغدغه بیشتری داشته باشید.

— در دین اسلام چادر به عنوان حجاب برتر است به طوری که زن در برابر نامحرم باید تمام قسمت‌های بدنش را پوشیده نگه دارد به طوری که وجه‌الکفین بدون آرایش و به شکل ساده و به دور از آراستگی جذب‌کننده باشد.

— امروز عفاف و حجاب قطعا تبدیل به معروف شده و اکثریت بانوان متدین ما آن را به عنوان یک هنجار پذیرفته‌اند. اما این معروف مورد تهاجم قرار گرفته است؛ تهاجمی ساماندهی شده که ریشه در تهاجم رضاخانی دارد و با همان فرهنگ با حجاب مبارزه می‌شود. اینجاست که پاسداری از ارزش عفاف انگیزه جدی را برای مقابله با هنجارشکنان می‌طلبد.

— لازم است که در این زمینه احساس خطر شود و دولت باور کند این افزایش فزاینده بدحجابی و بعضاً بی‌حجابی یک خطر بزرگ برای فرهنگ و عفاف جامعه و امنیت اخلاقی جامعه است. به دنبال احساس این خطر، باید هم کار فرهنگی گسترده و هم کار اجرایی صورت بگیرد. نسخه امام صادق (ع) برای مقابله با همه مفسدات از جمله بدحجابی و بی‌حجابی آن است که همزمان کار فرهنگی و کار اجرایی صورت بگیرد.

— به صراحت می‌گویم بعضی از این بدحجاب‌ها که امروز در جامعه با ظاهری آراسته خودنمایی می‌کنند از بسیاری از بی‌حجاب‌ها فسادشان عمیق‌تر و گناهشان بیشتر است؛ چرا که این افراد آتش به خرمن خانواده‌ها زده و در مسیر ترلزول بنیان خانواده حرکت می‌کنند.

— برخوردها با مساله بدحجابی باید برخوردهای متناسب باشد. برخورد فقط به معنای برخورد فیزیکی نیست. با استفاده از آموزه‌های دینی می‌گویم که هرگونه برخورد نامناسب که از چارچوب موازین شرع و قانون خارج باشد، منکر است. همان‌گونه که بدحجابی منکر است، برخورد غیرقانونی و نامناسب نیز منکر است.

حجاب و عفاف؛ از تئوری‌های علمی تا اقدامات عملی

فهرست این ویژه‌نامه

مقدمات جشنواره

- اولین نشست خبری؛ اعلام اهداف کلی / ۱۲
- دومین نشست خبری؛ اعلام عناوین تفصیلی / ۱۴
- سخنان دبیر جشنواره و دبیر کمیته بین‌الملل / ۱۶
- جدول برنامه‌های جشنواره / ۱۷

سخنرانی‌ها

- سخنرانی نماینده سازمان آیسیکو در مراسم افتتاحیه / ۲۰
- دکتر بهرام بیات: ناهنجاری در زمینه حجاب مقوله‌ای جامعه‌شناختی است / ۱۸
- دکتر عزت‌السادات میرخانی: اصل طهارت را به انسان‌ها هم تسری دهیم / ۱۸
- دکتر فریبا یزدخواستی: بهترین مکان آموزش حجاب، خانواده است / ۱۹
- دکتر فائزه عظیم‌زاده: حجاب و عفاف، نماد دین است / ۱۹

مقالات

- حجاب، به مثابه یک سیستم / ۲۲
- خانواده و لزوم اجرای راهکارهای مهم آموزشی در تربیت دینی / ۳۶
- بررسی نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ حجاب و راهکارهای عملی / ۴۶
- مسأله حجاب از دیدگاه مذاهب اسلامی / ۵۶
- بررسی راهکارهای یکپارچه‌سازی برون‌دهای فرهنگی و تربیتی در مسأله حجاب / ۷۴
- تحلیل مبانی کلی حجاب و عفاف / ۸۸
- حجاب و عفاف از منظر فقه، تاریخ و حقوق بین‌الملل / ۱۰۶
- شیوه‌های مؤثر برای نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان / ۱۱۸

مصاحبه

- گفتگوی رییس و دبیر جشنواره با برنامه اردیبهشت سیما / ۱۳۰

مراسم اختتامیه

- سخنان آیت‌الله جنتی / ۱۳۲
- سخنان رییس جشنواره / ۱۳۳
- نفرات برگزیده / ۱۳۳

در حاشیه جشنواره

- آنان که حجاب را برگزیدند / ۱۳۴

در رابطه با مسأله حجاب و عفاف - که اکنون یکی از بحث‌های مهم محافل دینی، اجتماعی، سیاسی و حتی خانوادگی جامعه ماست - چند گونه برخورد می‌شود:

- برخی چاره کار را در برخوردهای قهرآمیز می‌دانند. عده‌ای تنها به کارهای تبلیغی و فرهنگی معتقدند. - تعدادی دیگر، که در سطوح مدیریتی نیز حضور دارند، با گفتن این جمله که «مشکل جامعه، بیرون بودن چند تار مو نیست» اصولاً به ناهنجار و منکر بودن این وضعیت اعتقاد ندارند.

- بخش مهمی از جامعه متدین علاوه بر اینکه به ناهنجار بودن این وضعیت اعتقاد دارند، از حاکمیت انتظار دارند که در این زمینه فعالیت داشته باشد.

- در این میان، مراجع عظام تقلید و کارشناسان دینی هم بر این اعتقادند که این مشکل، راه حل «یگانه» و «انفرادی» ندارد؛ بلکه باید علاوه بر انجام کار فرهنگی، با هنجارشکنان نیز برخورد کرد؛ ضمن اینکه حل این مسأله همت همگان - دولت، مجلس، قوه قضائیه، صدا و سیما، وزارت ارشاد، آموزش و پرورش، هنرمندان، نویسندگان، مطبوعات و از همه مهم‌تر خود مردم و خانواده‌ها - را می‌طلبد.

* * *

مجمع جهانی اهل بیت (ع) به عنوان نهادی جهانی که وظیفه حمایت فکری، فرهنگی و تبلیغی شیعیان را بر عهده دارد با درک این معضل اجتماعی، و با همکاری نهادهای گوناگون اقدام به برگزاری سومین جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب (با موضوع حجاب و عفاف) نمود.

آنچه در صفحات آتی می‌آید ویژه‌نامه‌ای از برگزاری این جشنواره و نیز مقالات برگزیده آن است. این مقالات می‌توانند پایه‌ای برای فعالیت نهادها و افرادی باشند که به دنبال انجام کار فرهنگی برای حل این معضل هستند.

ویژه نامه

The 3th International Sun Girls festival

سومین جشنواره بین المللی

جشن آفتاب



به کوشش:
جواد امامی
برهان محمودی
محمد رضا نوری
علی اکبر دانش راد
معصومه علیمردانی
حسن جباری نصیر
محمد حسین امامی
سارا رجایی
ف. صباحی
حسین بهرامی
لیلا بروجردی

حجاب و عفاف از منظر اعتقادی و تربیتی
حجاب و عفاف از منظر فرهنگی و اجتماعی
حجاب و عفاف از منظر فقهی و حقوقی



واحد علامه طباطبائی



مجمع جهانی اهل بیت





در اولین نشست خبری اعلام شد؛

۲۵ دستگاه علمی و فرهنگی در جشنواره شرکت دارند

در ابتدای این جلسه، «آقای مهدی بیاتی» دبیر سومین جشنواره دختران آفتاب با بیان این‌که این دوره از جشنواره با موضوع «عفاف و حجاب» برگزار می‌شود، اظهار داشت: «بارزترین تفاوتی که این دوره از جشنواره نسبت به دوره‌های گذشته دارد، بهره گرفتن از مشارکت سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف است».

حجت‌الاسلام والمسلمین اختری رییس جشنواره نیز در این جلسه سخنانی در باب حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب به عنوان یکی از ضروریات دین و مذهب بیان نمود.

وی با اظهار امیدواری نسبت به اینکه این جشنواره بتواند تأثیرات مستقیم و بالفعلی در جامعه داشته باشد، گفت: «هدف از برگزاری این جشنواره باید بسیار عمیق و جدی باشد. قبل از برگزاری این جشنواره باید به این امر فکر کنیم که قرار است چه اهدافی را در آن دنبال کنیم و در نهایت به چه چیزی می‌رسیم. در این جشنواره باید به این مسئله فکر کنیم که چگونه می‌توانیم این امر را عملیاتی کنیم و بتوانیم فرهنگ عفاف و حجاب را به

عصر روز دوشنبه ۸۸/۹/۹ نشست تخصصی کارشناسی سومین جشنواره دختران آفتاب با موضوع «عفاف و حجاب» در مجمع جهانی اهل بیت (ع) برگزار شد.

در این نشست که با حضور «حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن اختری» دبیر کل مجمع و رییس این جشنواره برگزار گردید، ۲۵ نفر از مسؤولان و متولیان فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی درمسائل زنان از سازمان‌های مختلف، مشارکت داشتند.

مسؤولان و نمایندگان سازمان‌هایی مانند «وزارت امور خارجه»، «وزارت کشور»، «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»، «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، «سازمان تبلیغات اسلامی»، «شورای فرهنگی-اجتماعی زنان»، «نیروی انتظامی»، «سازمان بسیج جامعه زنان»، «آی‌سسکو»، «دانشگاه الزهراء (س)»، «دانشگاه آزاد اسلامی»، «دانشگاه علامه طباطبائی»، «هلال احمر»، «سازمان اوقاف و امور خیریه»، «امور بانوان شهرداری تهران» و «صدا و سیما» از جمله حاضران در این نشست بودند.



صورت یک فرهنگ عمومی در جامعه به وجود آوریم و در این زمینه باید تمامی نمایندگان و مسئولان از سازمان‌های مشارکت کننده، تلاش کنند تا ایده‌های خود را در این زمینه ارائه دهند و فرهنگ عفاف و حجاب را به شکل عمومی و همگانی درآورند.

دبیرکل مجمع با تأکید بر اینکه عدم توجه لازم به عفاف و حجاب فقط یک مشکل داخلی نیست و تمامی کشورهای اسلامی را شامل می‌شود اضافه کرد: «به دلیل اهمیت این موضوع، و لزوم ترویج این فرهنگ باید تلاش کنیم تا این جشنواره در سایر کشورها و نیز در استان‌های مختلف کشورمان برگزار شود.»

آقای اختری با بیان این مطلب که حمایت شفاهی و ظاهری از حجاب و عفاف برای ترویج آن کفایت نمی‌کند، افزود: «تمامی مسئولین در هر سازمان، اداره و وزارتخانه‌ای باید نسبت به اجرای این دو اصل ضروری دینی و مذهبی اهتمام فراوان داشته باشند.»

رییس سومین جشنواره دختران آفتاب در پایان سخنان خود به نقش مجلس و دولت در عمومی کردن فرهنگ حجاب در جامعه اشاره کرد و ادامه داد: «تمام سازمان‌ها باید وارد این بحث شده و حمایت‌هایی در جهت همگانی شدن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه داشته باشند.»

در این جلسه برخی از کارشناسان شرکت کننده به ارائه نقطه‌نظرات خود در این زمینه پرداختند.

شایان ذکر است که "سومین جشنواره ملی دختران آفتاب" قرار است با هدف ترویج حجاب و عفاف در بین جوانان و دانشجویان در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۹ برگزار شود.

به گفته «گل‌خو» یکی از مسئولان جشنواره، طی جلساتی که با حضور اعضای کمیته علمی تشکیل شد، سه روز برای بخش داخلی جشنواره در نظر گرفته شده و برای هر یک از این روزها محور خاصی مشخص گردیده است.

همچنین کمیته بین‌المللی سومین جشنواره دختران آفتاب، با عضویت نهادهایی همانند مجمع جهانی اهل بیت(ع)، وزارت امور خارجه و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پی آن است تا مباحث مطروحه را با وسعت و عمق بیشتری و در سطح فراملی پیگیری نماید.

لازم به ذکر است که پس از گذشت ۱۸ ماه از دومین جشنواره دختران آفتاب، "سومین جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب" از ۱۸ الی ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹ در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی تهران و در دو بخش داخلی و بین‌المللی برگزار شد و هر شب میزبان ۳۰۰ مهمان بود و ۱۳۰ دانشجو در این جشنواره شرکت کردند.

در بخش داخلی این جشنواره ۱۳۰ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف کشور و در بخش بین‌المللی میهمانان خارجی و نیز تنی چند از شخصیت‌های کشورمان شرکت داشتند.

در دومین نشست خبری اعلام شد؛

عناوین تفصیلی سومین جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب

دومین نشست خبری سومین جشنواره دختران آفتاب با موضوع حجاب و عفاف، با حضور «مهدی بیاتی» دبیر نشست، «محمد رمضانی» دبیر اجرایی، دکتر «شکوفه گلخو» دبیر کمیته علمی، دکتر جوانمرد، نماینده وزارت بهداشت و «ستوده» مدیر اطلاع‌رسانی جشنواره، در مجمع برگزار شد. در ابتدای این نشست خبری «مهدی بیاتی» رویکرد این جشنواره را پرداختن به مسائلی برشمرد که دغدغه جامعه هستند و گفت: «بیرون از محیط علمی و دانشگاهی امکان بحث و تبادل نظر در آن به راحتی میسر نخواهد بود. حجاب یکی از ضروریات دانشگاه‌ها است لذا جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب با رویکرد کاملاً علمی شروع به کار کرده است». بیاتی افزود: «شورای سیاستگذاری این جشنواره به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدحسن اختری» دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت (ع) تأسیس و تاکنون در بیش از ۲۵ جلسه رسمی و غیر رسمی و کمیته بین‌الملل از نظرات اندیشمندان کشورهای مختلف استفاده شده است و برای برگزاری این جشنواره حدود ۱۵ ماه کار شده است». سپس «محمد رمضانی» اهداف جشنواره را «پردازش مبانی نظری عفاف و حجاب در سه منظر دینی، قومی، علمی» و «ارتقاء بینش دانشجویان نسبت به موضوع حجاب» اعلام کرد و در خصوص محورهای پیشنهادی این جشنواره گفت: «محورهای پیشنهادی در سه بخش کلی «اعتقادی - تربیتی»، «فرهنگی - اجتماعی» و «فقهی - حقوقی» است». وی عناوین سه بخش مختلف را به این ترتیب اعلام کرد:

بخش اعتقادی - تربیتی

۱. بررسی اهمیت و جایگاه مراکز آموزشی اعم از مهدهای کودک، مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه در سه بخش: مکتب و متون آموزشی، معلمین و مدرسین، فضا و مکان آموزشی و تعیین میزان اثرگذاری آنان در توسعه و تعمیق فرهنگ حجاب و عفاف؛

- مخرب و تحلیل اثر بخشی آن بر مسئله حجاب و عفاف؛
۱۱. بررسی نقش واردات و صادرات پوشاک بر مسئله حجاب و عفاف؛
۱۲. بررسی راهکارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دولت بر کنترل فرهنگ پوششی عفاف و حجاب؛
۱۳. بررسی و تحلیل حوادث، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و معماری و شهرسازی بر مسئله حجاب و عفاف.

بخش فقهی - حقوقی

۱. مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت دولت در زمینه فراهم آوری شرایط مطلوب حجاب؛
 ۲. نقد و بررسی اختیارات دولت اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی در جامعه؛
 ۳. بررسی مفاد فقهی حقوقی جرم بدحجابی؛
 ۴. مبانی کلی فقهی حجاب و مسؤولیت‌های دولت اسلامی؛
 ۵. بررسی فقهی و حقوقی مسأله حجاب از دیدگاه مذاهب اسلامی.
- در ادامه این نشست، دکتر جوانمرد، مدیر کل فرهنگی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی و نماینده وزارت بهداشت در جشنواره، بحث حجاب و عفاف را که محور این جشنواره است، مبحثی گسترده عنوان کرد و گفت: حجاب و عفاف مختص به جنس خاصی نیست و در باورها و ذهنیات ما عمدتاً از آن به عنوان یک فریضه یاد می‌شود و ما تلاش می‌کنیم تا این مبحث علاوه بر فریضه بودن در حوزه فرهنگی و دیدگاهی جامعه نه‌اینه گردد.
- سپس خانم دکتر «شکوفه گل‌خو» دبیر کمیته علمی این جشنواره در خصوص دو دوره گذشته جشنواره گفت: در دو دوره قبل هدف، شکل‌گیری کانون‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها و پرداختن به این مسئله بود چرا که برای دانشجویان استدلال‌های علمی قابلیت پذیرش بیشتری ایجاد می‌کند لذا با این تفکر کمیته‌های علمی سومین جشنواره شکل گرفتند.

۲. تبیین میزان نقش‌پذیری دولت و خانواده از یکدیگر در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف؛
۳. بازنویسی مبانی فکری عفاف و حجاب جهت ارائه در رسانه‌ها به گونه‌ای که مخاطبین را مورد نظر قرار دهد؛
۴. استفاده هدفمند و هوشمندانه از آموزه‌ها و معارف دینی مرتبط با فرهنگ عفاف و حجاب در رسانه‌ای دیداری و شنیداری؛
۵. بررسی علل و عوامل کم‌رنگ شدن نقش خانواده‌ها در تربیت و پرورش فرهنگ دینی فرزندان.

بخش فرهنگی - اجتماعی

۱. تبیین راه‌حل‌ها و راهکارهای تسریع بلوغ فرهنگی در میان نسل‌ها؛
۲. بررسی و تحلیل فرهنگ بومی، آداب و سنن، مکان زندگی در مسئله حجاب و تبیین الزامات عرفی سره از ناسره؛
۳. تبیین راهکارهای خلاق جهت باز تولید فرهنگ استفاده از مکان‌های عمومی در ارتباط با فرهنگ عفاف و حجاب؛
۴. تحلیل اجتماعی وضعیت حجاب در حال حاضر و بررسی وضعیت زنان و حجاب در آینده؛
۵. بررسی و تحلیل راهکارهای یکپارچه‌سازی برون‌ده‌های فرهنگی و تربیتی در مسأله حجاب و عفاف؛
۶. حجاب و عفاف و اشتغال؛
۷. بررسی و تحلیل آمیختگی دین و سیاست و تاثیر آن بر مسأله حجاب و عفاف؛
۸. تحلیل زمینه‌ها و راه‌های رشد و نفوذ استحاله مخرب فرهنگی؛
۹. بررسی و تحلیل میزان اثر بخشی حفظ حیا و عفاف در تسهیل روابط سالم و مشروع زن و مرد؛
۱۰. بررسی میزان و نحوه ورود اندیشه‌های وارداتی، مدگرایی و مکاتب فکری



دبیر کمیته بین الملل جشنواره:

امیدواریم دختران ما پاسخ خود را در این جشنواره بیابند

دبیر جشنواره سوم:

برخی ارگان‌ها برای ترویج حجاب همکاری نمی‌کنند!

دبیر جشنواره دختران آفتاب گفت: متأسفانه برخی ارگان‌های متولی آموزش عالی، اهمیت حجاب را در رتبه‌های پایین می‌دانند و برای ترویج آن در دانشگاه تلاشی نمی‌کنند.

«آقای مهدی بیاتی» دبیر سومین جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب در گفت‌وگوی اختصاصی با اینا گفت: «این جشنواره از روز شنبه هیجدهم اردیبهشت‌ماه و در بخش دانشجویان ایرانی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی آغاز به کار می‌کند؛ اما از سه‌شنبه شب و همزمان با آغاز بخش بین‌الملل آن، به طور رسمی افتتاح خواهد شد. بیاتی همچنین با بیان این مسأله که تمام مباحث مطروحه در طول جشنواره و سؤالات دانشجویان و پاسخ‌های کارشناسان به آنها، به طور کامل از شبکه سه سیما پخش خواهد شد اضافه کرد: «هدف این است که این رسانه فراگیر بتواند نقش مؤثر خود در ترویج فرهنگ دینی و به خصوص حجاب و عفاف را ادا کند».

دبیر جشنواره دختران آفتاب، جشنواره سوم را نخستین برنامه مذهبی و مرتبط با حجاب دانست که با رویکرد علمی به این مقوله می‌نگرد؛ خصوصاً که دانشگاهیان و قشر فرهیخته کشور تشنه ادله و براهین علمی هستند تا این شعار الهی را به خوبی زنده نگه دارند.

این استاد دانشگاه در پاسخ به سؤالی درباره بازخوردهای دو جشنواره پیشین گفت: «این جشنواره، همایش نوپایی است؛ با این حال با استقبال بسیار خوبی میان دانشجویان مواجه شد. یکی از مهمترین بازخوردهای دو جشنواره گذشته، تشکیل کانون‌های عفاف و حجاب در سطح دانشگاه‌های سراسر کشور بوده است که توانسته‌اند به خوبی با دختران جوان ارتباط پیدا کرده و به تبلیغ و ترویج حجاب بپردازند.» بیاتی در پایان سخنان خود از بی‌توجهی بعضی از ارگان‌های متولی آموزش عالی به مقوله حجاب اشاره کرد و گفت: «متأسفانه نگاه به حجاب و دین در محافل دانشگاهی و روشنفکری، نگاهی سطحی و در برخی موارد، ستیزه‌جویانه و مخالفت‌آمیز است. ما با برپایی این جشنواره تلاش داریم تا هم اذهان مسئولان دانشگاه‌ها و هم خود دانشجویان را نسبت به فعالیت‌های دینی و به خصوص حجاب در دانشگاه‌ها تغییر دهیم.»

بیاتی در خاتمه افزود: «برای برگزاری این جشنواره به سختی توانستیم همکاری‌های مسئولان فرهنگی را به سمت خود جلب کنیم. هرچند تقریباً همه آنها در این مسأله با ما موافق بودند که باید به تقویت پایه‌های حجاب و عفاف در سطح دانشگاه‌ها تمام تلاش خود را بکنیم.»

دبیر کمیته بین‌الملل جشنواره دختران آفتاب گفت: امسال سعی شده است تا همایش‌های تخصصی و علمی به صورت تریبون آزاد برای پاسخ به شبهات جوانان در زمینه "حجاب" در جشنواره امسال گنجانده شود.

«خانم ایران رکن‌آبادی» اضافه کرد: «هدف نهایی از برپایی این جشنواره، ترویج و تقویت فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه اسلامی ایران است؛ تا بتواند الگویی برای مسلمانان دیگر کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی باشد».

وی با اشاره به فرآورده‌های علمی این جشنواره افزود: «در بخش بین‌الملل، بهترین مقالات را از میان تعداد زیادی مقاله انتخاب کرده و با دعوت از نویسندگان آنها که همگی از زنان نخبه علمی و فرهیختگان جهان اسلام هستند، قصد داریم تا قلم‌فرسایی‌های آنها را به مخاطبان‌شان ارائه دهیم».

رئیس اداره امور زنان و کودکان مجمع جهانی اهل بیت(ع) افزود: «در بخش داخلی نیز با هماهنگی‌های انجام گرفته با وزارت علوم، حدود هزار نفر از دختران دانشجو برای شنیدن مقالات و سخنرانی‌ها و نیز شرکت در همایش‌های علمی و تخصصی با کارگروه‌های مختلف به این همایش دعوت شده‌اند تا با بیان شبهات و سؤالات خود و شرکت در مباحث به صورت تریبون آزاد، بتوانند به پاسخ مناسبی برای سؤالات خود دست یابند و این خود مقدمه‌ای برای ارتقای سطح حجاب و عفاف در جامعه باشد».

رکن‌آبادی همچنین عده‌ای از دختران حاضر در جشنواره را مسئولان کانون‌های حجاب و عفاف دانشگاه‌های سراسر کشور ذکر کرد و گفت: «این عده که حدود ۲۰۰ نفر هستند، در پیش‌برد اهداف والای ترویج فرهنگ حجاب، سهم به سزایی در دانشگاه خود داشته‌اند. ما هم برای آنکه بتوانیم به سهم خود تقدیری از این عده دانشجو داشته باشیم، آنها را به صورت میهمان در تمام جلسات و همایش‌های جشنواره شرکت می‌دهیم.»

خانم رکن‌آبادی با نام بردن از پنج استاد مسلمان دیگر کشورها گفت: «خانم‌ها "طوبی نور سولمز" از ترکیه، "دکتر عابد پروین" استاد دانشگاه از پاکستان، "کماله رضا ابا" نویسنده و روزنامه‌نگار از جمهوری آذربایجان، "رامیه معی" مدیر یک مؤسسه فرهنگی از کوزوو و "دکتر ربه‌کا مسترتون" دکترای نویسنده‌ی رشته عرفان اسلامی و استاد دانشگاه از بریتانیا، کسانی هستند که با داشتن پنج مقاله برتر، میهمانان ویژه خارجی در جشنواره هستند که به بحث درباره مسأله حجاب و ارائه توضیحاتی از اوضاع زنان مسلمان کشورهای خود می‌پردازند».

دبیر کمیته بین‌الملل جشنواره دختران آفتاب همچنین از نشست‌هایی درباره مسائل و مشکلات اخیر که کشورهای اروپایی برای حجاب و زنان مسلمان و محجبه ایجاد کرده‌اند، خبر داد.

جدول برنامه‌های سومین جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب

بخش ملی

شنبه ۱۳۸۹/۲/۱۸

— مراسم افتتاحیه بخش ملی.

— سخنرانی دکتر غفرانی با موضوع بررسی علل کم‌رنگ شدن نقش خانواده‌ها در تربیت و پرورش فرهنگ دینی فرزندان.

— میزگرد با حضور خانم حاج عبدالباقی، دکتر کوشکی، شمس‌الدین روحانی، خانم دکتر نیلچی‌زاد.

یک‌شنبه ۱۳۸۹/۲/۱۹

— سخنرانی دکتر بیات با موضوع بررسی میزان و نحوه ورود اندیشه‌های وارداتی، مدگرایی و مکاتب فرهنگی مخرب و تحلیل اثر بخشی آن بر مسأله حجاب و عفاف.

— میزگرد با حضور دکتر بیات، دکتر فیاض، خانم دکتر یزدخواستی.

دوشنبه ۱۳۸۹/۲/۲۰

— کارگاه علمی با موضوع نقد و بررسی اختیارات دولت اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی در جامعه.

— شرکت در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران
— سخنرانی خانم دکتر میرخانی
— میزگرد با حضور خانم دکتر میرخانی، دکتر شفیع سروستانی، خانم دکتر عظیم‌زاده.

سه‌شنبه ۱۳۸۹/۲/۲۱

— زیارت حضرت عبدالعظیم (س).

— میزگرد با حضور خانم طوبی نورسن‌مز (از ترکیه)، خانم دکتر عابدیه پروین (از پاکستان)، خانم دانجلا مارسلا لاتراش (از شیلی) و خانم دکتر سخایی (از ایران)، با موضوع «آزادی، پوشش زنان و حجاب‌هراسی در غرب».

چهارشنبه ۱۳۸۹/۲/۲۲

— کارگاه علمی.

— بازدید از برج میلاد.

— میزگرد با حضور خانم دکتر ربه‌کا مسترنون (از انگلستان)، خانم زهرا گونزالس (از آمریکا)، خانم کماله رضاوا (از آذربایجان) خانم رامیه مویی (از کوزوو) و خانم دکتر روح‌افزا (از ایران)، با موضوع «تأثیر فضاهای متفاوت در تعیین نوع حجاب، و الگوگیری از حضرت زهرا(س) در محیط بین‌المللی».

پنج‌شنبه ۱۳۸۹/۲/۲۰

— دیدار از کاخ‌موزه‌های سعدآباد.

— مراسم اختتامیه.

بخش بین‌المللی

سه‌شنبه ۱۳۸۹/۲/۲۱

— برگزاری همایش در دانشگاه الزهراء (س).
— بازدید از مرکز آمار و اطلاعات زنان.
— بازدید از برج میلاد.
— مراسم افتتاحیه رسمی بخش بین‌المللی.
— سخنرانی نماینده سازمان آیسسکو.
— میزگرد با حضور خانم طوبی نورسن‌مز (از

بخش شهرستانی

جمعه ۲۴ و شنبه ۱۳۸۹/۲/۲۵

ادامه جشنواره در دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

یک‌شنبه ۲۶ و دوشنبه ۱۳۸۹/۲/۲۷

ادامه جشنواره در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد اصفهان.

دکتر بهرام بیات:

ناهنجاری در زمینه حجاب مقوله‌ای جامع‌شناختی است

دکتر بهرام بیات جانشین معاونت اجتماعی ناجا و استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه، برای دانشجویان شرکت کننده در جشنواره به سخنرانی پرداخت. در این جلسه دکتر بیات با این عنوان که پرداختن به مبحث حجاب را باید در حوزه جامعه‌شناختی بررسی کرد، گفت: «دیدگاه حداکثری در جامعه ما، حجاب را به عنوان یک وظیفه و واجب دینی پذیرفته و عدول از آن را موجب گناه و عقاب می‌دانند. با این حساب باید پذیرش رعایت آن را با استفاده از علم دیگری چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به جوانان و دختران القا کرد».

وی گفت: «به نظر من علم فقه که تعیین حدود حجاب است، تأثیر خود را گذاشته است. اما اینکه چرا برخی آن را عملی نمی‌کنند و موجب بروز ناهنجاری‌هایی در جامعه می‌شوند، مبانی جامعه‌شناختی پاسخگوی آن است».

بیات با ذکر وسوسه‌ها و شبهاتی همچون: «دخالت زمان و مکان و عرف در پدیده حجاب» و «تأثیرگذاری شرایط اجتماعی بر حوزه حجاب» که از سوی اخلاگران ناامنی اجتماعی تلقین می‌شود، گفت: «متأسفانه عده زیادی از دختران ایرانی نیز چون بنیان آموزه‌های دینی سستی دارند، با اینکه به وجوب حجاب مقیدند، ولی دنباله‌رو این توجیهات هستند».

جانشین معاونت اجتماعی ناجا در ادامه گفت: «حال که پذیرفتیم حجاب مسأله‌ای اجتماعی است که بر پایه آموزه‌های دینی استوار است، تبعات اجتماعی بودن آن را نیز که مسائلی چون ورود قانونگذار برای تعیین حدود آن به این حوزه و تعیین جرایمی برای شکنندگان این قانون است را هم باید بپذیریم. کمالینکه کارکرد دینی آن و برخورد فرهنگی و توأم با نصیحت هم در حوزه حجاب به قوت خود باقی است».

دکتر بیات با بیان این مسأله که در سه یا چهار دهه گذشته پدیده‌ای به نام «شکاف نسلی» نداشتیم، افزود: «آموزش و پرورش کارکردش تنها سوادآموزی بود. اما حالا با رشد جمعیت تحصیلکرده و باسواد، باید پرورش را بر آموزش مقدم داشت که آن جز با رشد فرهنگ دینی در جامعه محقق نمی‌شود».

او افزود: «اگر توانستیم پرورش جوانان را بر پایه دین بنانهیم، آنوقت می‌توان با مظاهر بسیار کوچک نابه‌نجاری‌های اجتماعی همچون بدحجابی به راحتی مقابله کرد».

او در پایان به تبیین نحوه حضور خانواده‌ها در رفع نابه‌نجاری‌های اجتماعی پرداخت و نقش خانواده‌ها را در رسیدن به رشد و بالندگی در "پرورش دینی" جوانان بی‌بدیل دانست.

خانم دکتر میرخانی:

اصل طهارت را به انسان‌ها هم تسری دهیم

خانم دکتر عزت‌السادات میرخانی عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) بود که به سخنرانی خود با عنوان "حجاب در آینه اصول و مقاصد شرعی" با بیان اینکه بر هر قانونی در روابط فردی و اجتماعی اسلامی منطق و استدلالی حاکم است، گفت: «آنچه ما از آنها می‌بینیم و درک می‌کنیم، تنها لایه‌های رویی و ظاهری فقه و احکام است. باید این لایه‌ها را به کناری زد و به لایه‌های زیرین دست یافت».

وی ادامه داد: «برای دست‌یابی به این منظور، باید قوانین شرعی را یک به یک موشکافانه بررسی و تبیین کرد تا به جایگاه واقعی آنها رسید».

این استاد دانشگاه افزود: «اصل زیرین وسنگ زیربنای احکام و اصول شرعی شیعه، "اصل طهارت" است. با این اصل می‌توان بسیاری از مسائل نامعلوم فقهی را مشخص کرد».

به گفته خانم دکتر میرخانی، اصل طهارت تنها در اشیاء جاری نیست؛ بلکه می‌توان آن را در افراد و انسان‌ها هم تسری داد. مثلاً اینکه همه انسان‌ها پاک و طاهر آفریده شده‌اند و این ماییم که با لکه‌دار کردن پرده عفاف و پاک‌دامنی خود، این طهارت درونی‌مان را از میان می‌بریم.

وی با بیان این مسأله به سراغ بهره‌برداری غرب از ابتذال جنسی برای از بین بردن طهارت نفس رفت و این مسأله را خاطرنشان کرد که دشمن می‌خواهد با رواج ابتذال و ناپاکی، طهارت نسل و نفس را از بین ببرد تا این ناپاکی همینطور نسل به نسل در انسان‌ها ادامه یابد.

استاد واحد خواهران دانشگاه امام صادق (ع)، ادامه داد: «دشمنان اسلام پی به رابطه طبیعی تغذیه و سلامت نفس برده‌اند و می‌خواهند این ناپاکی و ابتذال را از طریق "رضاع" (شیر مادر) به نسل‌های بعدی هم سرایت دهند تا دیگر پاکی و سلامتی نفس در نسل‌های بعد هم باقی نماند. به فرموده قرآن کریم، قوانین طبیعی و آفرینش کاملاً با فقه اسلامی در همه بخش‌ها هماهنگی و هم‌پوشانی دارد. در قرآن این مسأله در مورد سلاله ابراهیم (ع) آمده که همه فرزندان نسل او از پیامبران هستند؛ چراکه خداوند خانواده ابراهیم (ع) را پاک و طاهر گردانید و این طهارت نفسانی نسل به نسل در خاندان او جاری گشت. با این حساب، خانواده طاهر در تاریخ ماندگار می‌شود».

وی اضافه کرد: «همچنین در قرآن برای حضرت مریم (س) نیز دو ویژگی ذکر شده است: یکی اینکه تو را متخلق به اخلاق پیامبران کردیم و تو را برگزیدیم؛ یعنی اینکه ایشان را هم‌رتبه پیامبران قرار می‌دهد و دوم اینکه تو را مطهر و پاک گردانیدیم. این ویژگی به نظر من از ویژگی اول هم بالاتر است و همین سبب شد تا فرزند او در زمره پیامبران بزرگ قرار گیرد».

دکتر میرخانی در پایان سخنان خود، با اشاره به بحث طهارت در مبحث حجاب گفت: «اگر زنان مسلمان این استدلالات و منطق قوانین و فقه شرعی را ندانند، برای بیان چرایی حجاب در موضع منفعل و ضعف خواهند بود. اما با دانستن نحوه استدلال علت حجاب، همواره موضع قدرت را در اختیار خواهند داشت».

خانم دکتر یزدخواستی:

بهترین مکان آموزش حجاب خانواده است

دکتر یزدخواستی در همایش "دختران آفتاب" گفت: کنترل صحیح آنست که ابتدا بایدها و نبایدها به طور کامل به کودکان آموزش داده شود، سپس با یادآوری مکرر به آنها، این بایدها و نبایدها خودبه‌خود در طول زمان در جوانان ماندگار می‌شود.

سخنران دومین شب سومین جشنواره دختران آفتاب در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی «خانم دکتر فریبا یزدخواستی» روان‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان بود.

او با بیان اینکه محل رشد و بالندگی همه انسان‌ها در جامعه و ساختارهای مشابه آن همچون خانواده و مدرسه است، گفت: «بهترین مکان برای انتقال مفاهیم دینی و هنجارهای اجتماعی، خانواده است.» او افزود: «خانواده با انتقال ارزش‌های اخلاقی، آرمان‌ها و طرز تفکر و عمل به فرزندان خانواده، می‌تواند در رشد اجتماعی فرزندان تأثیر زیادی بگذارد.»

او ادامه داد: «رشد اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن افراد با گروه‌ها و راه و رسم‌های اجتماعی آشنا می‌شوند. در واقع اجتماعی شدن، آماده شدن برای زندگی فردی و اجتماعی است.»

او سپس به نحوه تأثیرگذاری خانواده‌ها بر فرزندان اشاره کرد و سپس با بیان دوروش افراطی و تفریطی "سخت‌گیری بر فرزندان" و "آسان‌گیری" بر آنها، مزایا و معایب هر دو را بر شمرد. از جمله اینکه سخت گرفتن بر فرزندان موجب فراری شدنشان از خانه و آسان گرفتن بر آنها، سبب عدم توانایی بر کنترل اعضای خانواده در مواقع بحرانی است.

این استاد دانشگاه، بهترین راه کنترل فرزندان را آموزش کامل بایدها و نبایدها به آنها از دوره کودکی دانست و گفت: «با تکرار مکرر این بایدها و نبایدها، باید انتظار داشت که در کودک دیروز و جوان امروز، خودبه‌خود شاهد نهادینه شدن ارزش‌ها از جمله "حجاب" باشیم.»

او سپس در پایان سخنان خود دو مقوله "حجاب" و "جلوه‌گری" در زنان را از نگاه روان‌شناسانه بررسی کرد و گفت: «اینکه زن دوست دارد خود را زیبا نشان دهد، یک امر غریزی و فطری است. از سوی دیگر عفاف و میل به پوشیده بودن نیز یک امر طبیعی و فطری در زنان است. دین مبین اسلام با لحاظ هر دوی این فطریات، بهترین راه‌کارها را برای مصون ماندن زن از وسوسه و حيله‌های دیگران ارائه داده است.»

خانم دکتر عظیم‌زاده:

حجاب و عفاف نماد دین است

«خانم دکتر فائزه عظیم‌زاده اردبیلی» عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و معاون پژوهشی این دانشگاه در سخنرانی دیگر جشنواره، مبحث عفاف را برای خود برگزید و آن را اعم از حجاب دانست.

خانم دکتر عظیم‌زاده در سخنان خود گفت: «جهان غرب برای جدایی انسان از هویت و خصلت‌های فطری بشر، مجاری و راه‌هایی را انتخاب می‌کند تا بتواند به مقاصد خود برسد.»

او در ادامه به تبیین این راه‌ها پرداخت و افزود: «یکی از این راه‌ها، دین‌زدایی است. و از آنجا که یکی از مهمترین عناصر هر دینی، حجاب و عفاف در آن دین است، اینها می‌خواهند با گرفتن عفاف از زنان و جوانان مسلمان، اسلام را از ما بگیرند.»

وی سپس به تشریح شرایط درونی کردن عفاف پرداخت و افزود: «اگر کسی بتواند با دوری از محرّمات جنسی، عفافش را نگه دارد، اولاً شرایط عفاف فطریش را حفظ کرده و ثانیاً مهمترین خواسته دین را هم برآورده کرده است.»

معاون پژوهشی واحد خواهران دانشگاه امام صادق (ع)، در ادامه اظهار داشت: «اینکه چرا دشمنان برای دین‌زدایی به سراغ عفاف‌زدایی رفته‌اند، کاملاً مشخص است. چون نماد دین اسلام، حجاب و عفاف زن مسلمان است و اگر آنها موفق شوند این عفاف را از ما بگیرند، آنوقت توانسته‌اند دین ما را هم سرکوب کنند.» ایشان برای اثبات این گفته خود، به ذکر جملاتی از اندیشمندان و روشنفکران غربی پرداخت.

او حجاب را نمادی از عفاف نامید و گفت: «غربی‌ها برای مبارزه با دین، مبارزه با "نماد" دین را در پیش گرفته‌اند؛ مثلاً در فرانسه قانونی تصویب شد که در آن هیچ نماد دینی نباید در مجامع عمومی تبلیغ شود و حضور متدینان آن دین هم با آن نمادها ممنوع است. آنها برای اسلام، حجاب را نماد گرفتند و از حضور زن محجبه در امکان عمومی جلوگیری می‌کنند. البته این قانون تنها برای مسلمانان به اجرا درمی‌آید و از حضور یهودیان و مسیحیان با نمادهای خاص خودشان جلوگیری نمی‌کنند!»

این کارشناس مسائل فقهی در ادامه افزود: «با این حساب می‌بینیم که دشمن، امروز در جنگ نرم عفاف را به یک مسأله سیاسی تبدیل کرده است.»

خانم دکتر عظیم‌زاده در پایان از همه مسئولان کشور خواست تا به حجاب و عفاف به عنوان مسأله‌ای فطری و دینی بنگرند نه مسأله‌ای سیاسی تا از حساسیت‌های به وجود آمده در جامعه نسبت به حجاب کاسته شود.



آیسسکو در رابطه با خانواده و زن، بر دیدگاه اسلام تأکید دارد

یکی از سخنرانان افتتاحیه جشنواره حجاب و عفاف، نماینده سازمان آموزش، علوم و فرهنگ اسلامی - آیسسکو (IESCO) بود. وی با ابلاغ سلام مدیر کل این سازمان به برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در جشنواره، بر دیدگاه اسلام درباره زن و خانواده تأکید کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

خانم‌ها و آقایان!

السلام و علیکم و رحمة الله و برکاته؛

خوشوقتم که به مناسبت افتتاح برنامه این جشنواره به شما عزیزان درود بفرستم و سلام‌های «جناب آقای دکتر عبدالعزیز بن عثمان التوجری» مدیر کل سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی آیسسکو و امید برای موفقیت و دستیابی به اهداف مورد نظر را به شما ابلاغ نمایم.

همچنان که افتخار بنده است که از سوی ایشان، تشکر وافر و قدردانی را به سازمان‌های برگزارکننده و مسئول این کنفرانس به خاطر دعوت بزرگوارانه برای شرکت در مراسم افتتاحیه، تقدیم نمایم. همچنین جادارد که از کمیسیون ملی آیسسکو در جمهوری اسلامی ایران به خاطر حسن همکاری با آیسسکو، تشکر نمایم.

همچنان، موجب افتخار است که مقدم خانم‌ها و آقایان بزرگوار شرکت کننده در این جشنواره را گرمی دارم و قدردان تلاش‌های آنان در این گردهمایی پربرکت باشم.

موضوع خانواده در اسلام، با توجه به جوانب علمی و انسانی که مورد بررسی قرار می‌دهد و نیز با در نظر گرفتن شرایط بین المللی که مسائل زن مسلمان در چارچوب شیخون رسانه‌ای که در سال‌های اخیر علیه فرهنگ اسلامی با پوشش به اصطلاح "اسلام هراسی" صورت گرفته، اهمیت فوق العاده‌ای دارد.

برگزار کنندگان این کنفرانس در انتخاب این موضوع و بحث راجع به آن در سطح یک کنفرانس بین المللی اقدام شایسته‌ای نموده‌اند. این موضوع شایسته یادآوری و بلکه جای مطالعه در سطوح دیگر با عمق بیشتر و مدت طولانی‌تر است تا ثمره خود را در بوجود آوردن دیدگاهی با شمول بیشتر به

منظور تصحیح نگرش دیگران در رابطه با جایگاه خانواده در اسلام و انتشار آن به زبان‌های مختلف به ارمغان آورد. چرا که با وجود اهمیت نشست‌ها و کنفرانس‌ها در اشاعه مسائل بزرگ همسان این موضوع که کنفرانس مورد بررسی قرار می‌دهد، و توجه دادن نگرش‌ها به محورهای جزئیات آن در این گونه از موضوعات مهم نیازمند فعالیت‌های علمی جدی با حجم بالا در این زمینه، و موظف نمودن گروهی از دانشمندان دارای تخصص و کارآمد در زمینه حقوقی و فقهی، در کنار مسئولیت‌مداردینی است تا ارائه آن مسائل را با زبان تأثیرگذار و استدلال کافی برای قانع ساختن دیگران نسبت به اهداف شریعت اسلامی و غایات آن در این زمینه و پیشگامی در درگیری با افکاری که برخی با قوت علیه اسلام رهبری می‌کنند، مقابله انجام دهند و شکست دادن این جریان‌ها با روش‌ها و استدلال‌های عقلی و علمی را دنبال نمایند؛ را که یک اندیشه، جز با اندیشه دیگری که استدلال قوی‌تر و روش ارائه بهتر داشته باشد، شکست نمی‌خورد.

آقایان و خانم‌ها!

ما در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی با ارائه دادن دیدگاه اسلام در رابطه با مسائل خانواده و زن تأکید داریم. چرا که آن را مهم‌ترین عنصر این مسائل می‌دانیم. در نشست‌ها و کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های نقد و بررسی که برگزار می‌کنیم با در آن‌ها شرکت می‌نماییم، بارها اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع کنفرانس شما که امیدوارم به طور دقیق مسایل خانواده را مورد بررسی قرار دهد را احساس کرده ایم.

نیاز به گفتگو کنندگان به این موضوع را به ویژه نگاهی که موضوع زن مسلمان در قانون گذاری و محافل بین المللی مطرح می‌شود و هنگامی که منتقدان فرهنگ اسلامی به شدت در برابر مذاکره کننده مسلمانی که باید به فلسفه اسلام، در احکام خانواده مسلط بوده و کارشناس قانون گذار امور



آموزشی همچون کتاب "آموزش زن مسلمان در جهان اسلام" و کتاب "واقعیت زن در کشورهای اسلامی" بوده است.

همچنین آیسسکو، اقدام به برگزاری کارگاه‌هایی برای بحث و گفتگو درباره مشکلات زنان در جهان اسلام و نقش راهبردهای دینی در کمک به حل آنها، و جایگاه زن و حقوق و تکالیف آن در اسلام، و گونه‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام، و چهره زن در رسانه‌ها و تبلیغات بازرگانی و راه‌های حمایت از کرامت آن‌ها که بعضی از این فعالیت‌ها به صورت کتاب منتشر شده است. سازمان آیسسکو در برنامه‌های فعالیت متعالی خود، به مسائل زن از جوانب مختلف پرداخته است و در طی سال‌ها به آموزش زن و بهبود شرایط زندگی وی و اهتمام به حقوق زن و مشکلات اجتماعی و بهداشتی و اقتصادی پرداخته است.

امیدواریم این کنفرانس بین‌المللی مهم راجع به خانواده در اسلام، موجب افزایش آگاهی بخشی برای مهم‌ترین مسائل زن مسلمان و چالش‌های پیش‌رویش بشود.

خانم‌ها و آقایان!

در پایان این سخنرانی، مایل‌م بار دیگر درودها و تشکر خویش را به هر آن که این کنفرانس را با حضور بزرگوارانه خویش زینت بخشیده است، نثار نمایم. از خداوند قادر متعالی مسئلت دارم که او را در هر آنچه مورد خیر امت اسلامی است، موفق نماید.

خداوند شما را موفق گرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بین الملل باید و ابعاد مختلف دیدگاه اسلامی در رابطه با مسائل خانواده را درک نماید، درک کرده ایم. وای با برخی وجود آن اختلافات در سنت بدون حضور در جان اندیشه اسلامی معاصر با واقعیت مسلمانان را عاملی در به کنار رفتن آن از مقایسه علمی با توافق نامه‌ها و اعلامیه‌ها و قانون گذاری مدرن می‌دانند و این اهمیت دستیابی دانشمندان در چنین کنفرانسی به پژوهش‌هایی که بدون تردید حکمت اسلامی را در در نظر گرفتن مسائل خانواده در مقایسه با قانون گذاری معاصر را افزایش می‌دهد.

و با توجه به اهمیت ارائه مسائل خانواده از دیدگاه اسلام به طور عام، و مسائل زن به طور خاص، سازمان آموزش علمی و فرهنگی اسلامی - آیسسکو - محورهای متعددی برای مسائل خانواده و زن اختصاص داده است که برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوعی از آن ایجاد شده است. از جمله برنامه "وضعیت زن در جهان اسلام" که در این موضوع، کتابی دارد که به زبان‌های عربی و انگلیسی منتشر شده است. همچنین کتاب‌های دیگری راجع به زن از دیدگاه اسلام و حقوق زن در جامعه اسلامی و حقوق زن مسلمان در استنباط‌ها و اجتهادات فقها و مقلد شرعی مسلمانان دارد. و همچنین در رابطه با فعالیت‌هایی که قانون گذاری‌های سازمان یافته برای خانواده مورد بررسی قرار دهد، احساس نیاز می‌کنیم.

اما، بعدی که سازمان آموزش علمی و فرهنگی اسلامی - آیسسکو - مورد توجه بیشتری قرار می‌دهد، در رسالت عناصر خانواده و بویژه زن متبلور می‌شود.

بحث زن مسلمان در جامعه، همواره در بین مؤلفان اسلامی وعلاقه‌مندان، مورد بحث و نقد بوده است. از همین رو در آیسسکو، تألیفاتی در رابطه با رسالت زن مسلمان در جهان امروز و موضوع فرهنگ اسلامی و اهمیت آن در بهبود وضعیت زن اختصاص داده است؛ و این در کنار کتاب‌های تشریحی

حجاب؛ به مثابه یک سیستم

احصاء و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر بدحجابی و پیامدهای ناشی از آن

چکیده

حجاب و پوشش یکی از بایدها و هنجارهای فرهنگ دینی و بومی ماست. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جنگ نرم، تهاجم فرهنگی به ارزش‌های اسلامی و دینی ماست. مسأله بدحجابی بدون شک یکی از پیامدهای تهاجم فرهنگی است. نگاه‌های سطحی و مقطعی به این مسأله، شناخت لازم و درک صحیح برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کارا و مؤثر را ممکن نمی‌سازد. لذا لزوم بررسی حجاب با رویکرد کل نگر و سیستمی ضروری است. در این نوشتار سعی شده است با تکیه بر نگاه سیستمی و کل نگر مسأله بدحجابی به عنوان یک سیستم مورد بررسی قرار گیرد. حجاب به عنوان یک سیستم باز و خرده سیستمی از سیستم بزرگتری به نام عفاف در نظر گرفته شده است. این سیستم همانند سایر سیستم‌ها دارای ورودی‌ها، پردازش و خروجی‌هایی خواهد بود. ورودی‌های سیستم حجاب عوامل مؤثر بر نوع پوشش فرد می‌باشند که فرد متأثر از آن عوامل با پردازشی که روی آنها انجام می‌دهد نوع پوشش خود را انتخاب می‌کند. خروجی نیز پیامدها و نتایج حاصل شده از نوع پوشش تعریف می‌شود. هدف اصلی در این نوشتار این است که با رویکرد کلی نگر و از تمام ابعاد و حوزه‌های ممکن به مسأله بدحجابی نگاه شده و ورودی‌ها (عوامل مؤثر بر بدحجابی) و خروجی‌ها (پیامدهای بدحجابی) احصاء و طبقه‌بندی شود. هدف از احصاء ورودی‌ها از بین بردن یا کم کردن اثرات سوء عوامل مؤثر بر بدحجابی و هدف از احصاء خروجی‌ها کاهش پیامدهای حاصل از آن می‌باشد. لازم به ذکر است که در این نوشتار هیچ گونه وزن دهی به عوامل احصاء شده صورت نگرفته و تنها تلاش شده است عوامل مؤثر بر بدحجابی و پیامدهای آن احصاء شود.

واژگان کلیدی

سیستم، خرده سیستم، حجاب، عفاف، ورودی، خروجی، پردازش، عوامل بدحجابی، پیامدهای بدحجابی



۱- مقدمه

«بدون شک پدیده فرهنگی بیماری عصر ماست. دیر یا زود این پدیده به عنوان یک بیماری شناخته خواهد شد.» (مطهری، الف ۱۳۵۸: ۱۲) این هشدار است که توسط شهید مطهری در آن دوران داده شد و امروز کاملاً محسوس و برجسته شده است. خصوصاً با افزایش دشمنی‌های استکبار و زورگویان جهان و تلاش برای فروپاشی نظام اسلامی ایران، این بیماری شیوع پیدا کرده است. جنگ نرم ابعاد و اشکال مختلفی به خود گرفته است. شاید به جرأت بتوان تهاجم فرهنگی را خطرناک‌ترین و حساس‌ترین جبهه دفاع در این نبرد نامید. ابزار تهاجمی دشمنان شکل نرم‌افزاری و رسانه‌ای به خود گرفته و در نهایت هویت و فرهنگ اسلامی و مذهبی جامعه را مورد هدف قرار داده است. دشمن امروز دریافته است که اثربخشی و کارآمدی جنگ نرم به مراتب بیشتر از جنگ سخت و استفاده از زور و خشونت است. ایجاد شبهه، تلاش برای سست کردن ارزش‌ها و ایمان و اعتقاد جامعه به ارزش‌های دینی و... همه در این راستا هستند.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. برای طراحی پرسشنامه، در ابتدا به بررسی سایت‌ها، کتب و مقالات موجود در زمینه عوامل مؤثر بر بدحجابی و پیامدهای آن پرداخته و سعی شده است با رویکرد سیستمی این گزاره‌ها بررسی و طبقه‌بندی شود. پس از تأیید پرسشنامه توسط اساتید، پرسشنامه بدست آمده بین نمونه آماری که شامل ۱۲ نفر از اساتید دانشگاه بودند، توزیع گردید. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند می‌باشد. در انتخاب اساتید نیز تلاش شد تا کارشناسان حوزه‌های مختلف علمی انتخاب شوند تا رویکرد کل نگر و سیستماتیک مورد نظر حاصل شود. حوزه‌های تخصصی کارشناسان نمونه این پژوهش عبارت است از: معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، معارف اسلامی و علوم تربیتی، معارف اسلامی و اقتصاد، معارف اسلامی و الهیات و معارف اسلامی و مدیریت. در واقع تمام کارشناسان علاوه بر تخصص در رشته خود، دارای تسلط کافی بر مباحث دینی و معارف اسلامی هستند.

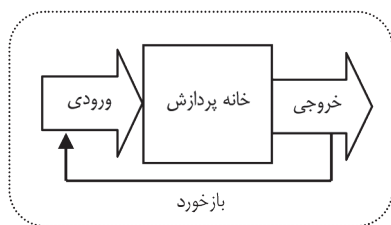
۳- مسأله و سوالات تحقیق

مسائل اجتماعی و فرهنگی مسایلی پیچیده و اغلب چند بعدی هستند. نگاه بخشی و جزئی به این مسائل نه تنها راهکار اثربخش را حاصل نخواهد کرد، بلکه حتی ممکن است این راهکارها به جای اصلاح وضع موجود منجر به تخریب شرایط فعلی شود. یکی از مهم‌ترین مسائل و معضلات فرهنگی جامعه امروز، مسأله بدحجابی است. رویکردهای خردنگر و مقطعی

به بدحجابی نتوانسته است این معضل اجتماعی را به درستی بشناسد و برای آن راهکار ارائه کند. با توجه به چند بعدی و چند ساحتی بودن این مسأله، به کارگیری رویکرد سیستمی برای روشن کردن تمامی ابعاد این موضوع ضروری است. شبیه سازی حجاب و مدل سازی آن به مثابه یک سیستم، درک عمیق تر و جامع تر را نسبت به این مسأله ممکن می‌سازد. استفاده از مفاهیم سیستمی و در نظر گرفتن حجاب به مثابه سیستم ابزار لازم برای شناخت و درک صحیح نسبت به این مسأله را ممکن می‌سازد. سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: رابطه بین حجاب و عفاف چگونه است؟ از چه ابعاد و حوزه‌هایی باید مسأله حجاب را بررسی کرد تا رویکرد جامع و سیستمی نسبت به آن پیدا کرد؟ با در نظر گرفتن حجاب و عفاف به عنوان سیستم‌های اجتماعی، ورودی‌ها (عوامل مؤثر بر بدحجابی) و خروجی‌های (پیامدهای بدحجابی) آنها چیست؟

۴- آشنایی با سیستم و رویکرد سیستمی

«سیستم^۱ مجموعه‌ای از عناصر متصل و به هم وابسته است. هر یک از عناصر سیستم به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به هر عنصر دیگری متصل شده است.» (Ackoff, ۱۹۷۱) برای شناخت هر سیستم شناخت عناصر تشکیل دهنده آن ضروری است. عناصر یک سیستم عبارتند از: ۱- ورودی‌ها^۲ - فراگرد (خانه پردازش)^۳ - خروجی‌ها^۴ - بازخور^۵ کنترلی^۶ (رضائیان، ۱۳۷۶: ۳۰) (شکل ۱)



شکل ۱. نمای کلی سیستم

ورودی، همان نیروی محرکه سیستم است که وارد آن شده تا در خانه پردازش به خروجی تبدیل شود. خانه پردازش جایی است که ورودی به خروجی تبدیل می‌شود. خروجی نیز آن چیزهایی که پس از انجام فرآیند، از سیستم خارج می‌شود. «به طور کلی دریافت اطلاعات از محیط را بازخور می‌گویند.» (رضائیان، ۱۳۷۶: ۵۹) اما هدف از بازخور اصلاح انحرافات خروجی‌ها در مقایسه با وضعیت مطلوب است. بازخور یا به صورت مثبت و یا منفی تعریف می‌شود. «بازخور مثبت^۶ برمی‌گردد به فرآیند بازخوری که در آن تغییری وجود دارد. بازخور منفی^۷ به یک فرآیند

بازخوری اشاره دارد که تغییری در آن نیست. تعیین این که چه زمانی یک فرآیند بازخور مثبت است یا منفی تنها به این شرایط بستگی دارد که آیا تغییری در آن هست یا نه، بدون این که ویژگی‌ها و شاخصه‌های ورودی‌ها و خروجی‌ها در نظر گرفته شوند.» (Hanson, ۱۹۹۵, P:۶۰)

رویکرد سیستمی^۵ سعی دارد از تمام ابعاد و منظرهای مختلف و ممکن به موضوع نگاه کند تا شناخت کاملی از آن بدست آورد. در مقابل رویکرد سیستمی رویکرد تجزیه‌گرا^۶ قرار دارد که سعی دارد به صورت بخشی، موضوعی را بررسی کند. «رویکرد سیستمی، رویکردی تحلیلی و تجزیه مدار نیست که کل را به اجزای تشکیل دهنده آن بشکند و هر جزء آن را به طور جدا از هم مطالعه کند. این رویکرد، یک رویکرد کلی نگر^۷ است که کل را با همه اجزای تشکیل دهنده و به هم پیوسته و وابسته اش - که در تعامل با یکدیگرند- در نظر می‌گیرد، زیرا سیستم را باید یک کل تفکیک ناپذیر دانست، نه اجزایی که سر هم شده‌اند و یک کل را به وجود آورده‌اند.» (رضائیان، ۱۳۷۶: ۱۶)

۵- ضرورت بررسی حجاب با رویکرد سیستمی و به مثابه یک سیستم

دیدگاه کل نگر و سیستمی این قابلیت را دارد که مسأله حجاب به صورت بخشی، تک ساحتی و تک جنبه ای مورد بررسی قرار گرفته نشود. به کارگیری این رویکرد باعث شده است تا از منظرهای مختلف به مسأله بدحجابی نگاه شده و عوامل مؤثر بر بدحجابی و پیامدهای آن را شناسایی شود. نگاه جزئی و بخشی به بدحجابی باعث مغفول ماندن برخی از ابعاد و جنبه ها می شود. در این صورت اگر هرچقدر هم در بعد شناسایی شده، برنامه ریزی کرده و اقداماتی برای بهبود انجام دهیم، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد؛ چرا که ابعاد اثرگذار دیگری وجود دارند که مورد توجه قرار نگرفته اند و چه بسا تا این ابعاد بررسی نشوند و مسایل آنها حل نشود، پرداختن به بعد مورد نظر بیهوده باشد. هم چنین استفاده از مفاهیم سیستمی برای تحلیل مسأله حجاب، امکان یک شناخت صحیح و کاربردی نسبت به این موضوع را فراهم می کند. به عبارت دیگر در نظر گرفتن حجاب به عنوان یک سیستم اجتماعی، ابزار لازم برای شناسایی عوامل مؤثر بر آن و نیز پیامدها و نتایج حاصل از آن را فراهم می کند.

۶- بررسی واژه حجاب و عفاف

عفاف از ریشه عفت است و راغب اصفهانی در مفردات خود، عفت را چنین معنا کرده است: «العفة حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة» یعنی: عفت، به دست آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن غلبه بر شهوت حاصل می شود. ابن منظور در لسان العرب نوشته است: «العفة: الکف عما لایحل و لایجمل» عفت: خوشتن داری از آنچه حلال و زیبا نیست. در لغت‌نامه دهخدا عفاف این گونه معنا شده است: «عفاف: پارسایی

و پرهیزگاری، نهفتگی، پاکدامنی، خوشتن داری.» «عفاف یعنی آن حالت نفسانی یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان. عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن. یعنی جزو آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می گیرند بی اختیار می شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن. این معنی عفاف است.» (مطهری، ۱۳۵۱: ۱۵۲)

بنابراین روشن است که در خصوص معنای عفت هیچ گونه انحصاری در خصوص زن و حجاب ندارد و مقوله ای وسیع تر از آن است که آن را نیز شامل می شود. «کلمه حجاب، هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار رفته است. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می بردیم، زیرا چنانچه که گفتیم معنی شایع لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.» (مطهری، الف ۱۳۵۸: ۷۲ و ۷۳)

مهم ترین تفاوت های میان حجاب و عفاف عبارتند از:

۱. اولین و بارزترین تمایز این دو مفهوم آن است که حجاب یک تکلیف و حکم شرعی است، حال آنکه عفاف فضیلتی اخلاقی است.
۲. از آنجا که عفاف امری ذاتی و حالتی درونی است، جنسیت بردار نیست و زن و مرد هر دو مصداق آن هستند.
۳. عفاف امری همیشگی است و متعلق به زمان یا مکان خاصی نمی باشد، اما حجاب تنها در مقابل نامحرم معنا پیدا می کند.
۴. وجه افتراق دیگر آنکه حد حجاب به صورت واضح و متمایز در شرع اسلام آمده است و ملاک روشنی دارد. اما عفاف اینگونه نیست؛ بدین معنا که عفاف نزد جوامع و ملل مختلف با آداب و رسوم متفاوت و در زمان های گوناگون فرق می کند.» (غروی نائینی و عامری: ۱۳۸۶)

با این تعاریفی که از عفاف و حجاب ارایه شد، نسبت میان آنها شناخته می شود. رابطه میان حجاب و عفاف عام و خاص مطلق است. به عبارت دیگر حجاب زیر مجموعه عفاف است و یکی از مصادیق بروز عفت زن در حجاب اوست. «استعمال لفظ عفاف در مورد حجاب و پوشش از قبیل استعمال لفظ کل در بعضی از مصادیق آن است.» (قاضی زاده و احمدی سلمانی: ۱۳۸۶)

۷- سیستم عفاف و خرده سیستم های آن

اگر عفاف را به عنوان یک ارزش دینی و هنجار اجتماعی در نظر بگیریم، عواملی بر آن اثر گذار هستند. این عوامل به مثابه ورودی هایی هستند که وارد قسمت پردازش می شود. فرد نیز متاثر از این ورودی ها شده و بر

«لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ غَوَارِ النَّسَاءِ (نور ۳۱)»

این آیه علاوه بر دستور به حفظ پوشش، استثنای افرادی که نیازی به داشتن حجاب در برابر آنان نیست بیان می‌کند. لذا همان طور که مشاهده می‌شود امر به رعایت حجاب یکی از مسلمات دستورات دینی است که علاوه بر روایات در آیات قرآن نیز به آن تاکید شده است.

«زن باید کاملاً در ک حجاب او تنها مربوط به خود نیست تا بتواند از حق خود صرف نظر کند و نیز حجاب زن مربوط به مرد هم نیست تا با رضایت مرد از حجاب صرف نظر شود. حجاب زن مربوط به خانواده هم نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند، بلکه حجاب زن حق الهی است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۵۰)

۲. خرده سیستم جنسی: دوری و حفظ خویشتن از تمام گناهانی که مربوط به شهوت جنسی است، در ذیل این خرده سیستم قرار می‌گیرد. «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور ۳۳)» علامه طباطبائی در ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد: «مراد از نیافتن نکاح قدرت نداشتن بر مهریه و نفقه است و معنای آیه این است که کسانی که قدرت بر ازدواج ندارند از زنا احتراز بجویند تا خداوند ایشان را از فضل خود بی‌نیاز کند.»

۳. خرده سیستم بصری: عفت و پاکی بصر نیز در عرف جامعه مورد توجه است که از آن تعبیر به چشم‌پاکی می‌شود. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (نور ۳۰ و ۳۱)» «این آیه به جای این که نهی از چشم‌چرانی کند، امر به پوشیدن چشم کرده و فرقی ندارد، آن امر این نهی را نیز افاده می‌کند و چون مطلق است نگاه به زن اجنبی بر مردان و نگاه به مرد اجنبی را بر زنان تحریم فرموده است.» (علامه طباطبائی: المیزان)

۴. خرده سیستم کلامی: عفت کلام مقوله وسیع و با اهمیت است. رعایت دستورات الهی و اجتناب از گناهان زبان همه از این مقوله به حساب می‌آیند. اگر چه در عرف جامعه عفت کلام تنها منحصر به پاک بودن سخن از ناسزا و کلمات زشت و ناپسند است، اما واقعیت این است که از هر چیزی که انسان باید زبانش را از آن دور نگه دارد جزء عفت کلام است. حال این ممکن است اسم ناسزا به خود بگیرد و یا دروغ و تهمت و غیبت. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (احزاب ۳۲)»

«خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه و خیال‌های شیطانی نموده،

اساس آنها و نیز سازوکار پردازشی ذهنی‌اش رفتاری از خود بروز می‌دهد که خروجی عفاف خواهد بود. خروجی این سیستم ورودی سیستم‌های دیگر شده که در نهایت منجر به پیامدهایی^{۱۱} خواهد شد. لذا می‌توان با شناخت سیستم عفاف و کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های نهایی ناشی از آن، اثرات سوء آن را کم نموده و در جهت تقویت ثمرات و فواید آن گام برداشت.

همان طور که ذکر شد عفاف به معنای مطلق خویشتن‌داری و حفظ کردن خویش از آنچه که باید از آن دوری نمود. اما «مفهومی که از عفاف رواج یافته نه با معنای لغوی آن سازگار ی دارد و نه با آنچه در تعالیم اسلامی در معنای عفاف ذکر شده است. گستره عفاف به گستردگی زندگی انسان است و اختصاص به گزینه جنسی ندارد.» (قاضی زاده و احمدی سلمانی: ۱۳۸۶)

«عفاف فضیلتی اخلاقی است که شکل‌گیری آن در درون آدمی موجب کنترل شهوات و تمایلات نفسانی می‌گردد. این امر در زوایای مختلف وجود انسان خود را به گونه‌های مختلف نشان می‌دهد. برای مثال اگر انسان نگاه خویش را از حرام باز دارد و به اصطلاح قرآن، غض بصر نماید عفت در نگاه تحقق یافته است و اگر گفتار خویش را مراقبت نماید، هر کلامی نگوید و سنجیده سخن بر زبان براند، عفت در کلام داشته است.» (غروی نائینی و عامری: ۱۳۸۶) پس عفت در کلام یعنی این که زبان انسان به گناه مثل دروغ، غیبت و ناسزا و سخنان ناپسند باز نشود و عفت چشم یعنی جلوگیری چشم از محرّمات الهی. «حجاب در حقیقت همان نمود عفاف در نوع پوشش است.» (قاضی زاده و احمدی سلمانی: ۱۳۸۶) با توجه به آیات قرآن کریم می‌توان مهم‌ترین خرده‌سیستم‌های^{۱۲} سیستم عفاف را به صورت زیر بیان نمود:

۱. خرده سیستم حجاب (پوشش): یکی از پررنگ‌ترین ابعاد عفاف موضوع حجاب است. امری که اگر چه مختص به زنان نیست، اما با توجه به حدود حجاب زن و مرد، در نظر عموم بیشتر حجاب زن مورد توجه قرار گرفته است. «حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانبها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است.» (مطهری، الف ۱۳۵۸: ۶۲)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْزَوَاجِ كَ وَ نَنَاتِك وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب ۵۹)»

علامه طباطبائی در ذیل این آیه شریفه در المیزان می‌نویسد: «پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به این که اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند نزدیک‌تر است، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی‌گردند.» در واقع حجاب و پوشش نشان دهنده حریم عفاف برای زن است تا به وسیله آن خود را حفظ کرده تا مورد آزار و اذیت دیگران قرار نگیرد.

شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد.» (علامه طباطبائی: المیزان)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۷۰) يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (احزاب ۷۱)»
«قول سدید عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد و یا اگر فایده دارد، فایده‌اش چون سخن چینی و امثال آن غیر مشروع نباشد. فرموده قول سدید بگوید تا اعمالتان صالح گردد و گناهانتان آمرزیده شود و این بدان جهت است که وقتی نفس آدمی عادت کرد به راستی و به قول سدید و به هیچ وقت آن را ترک نکرد، دیگر دروغ از او سر نمی‌زند و سخن لغو و یا سخنی که فساد از آن برخیزد از او شنیده نمی‌شود و وقتی این صفت در نفس رسوخ یافت، بالطبع از فحشاء و منکر و سخن لغو دور گشته، در چنین وقتی اعمال انسان صالح می‌شود.»

(علامه طباطبائی: المیزان)

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (مومنون ۳)»

این آیات شریفه یکی از صفات مومنان را دوری کردن از سخن لغو بیهوده بر می‌شمارد.

۵. خرده سیستم سمعی:

«وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (قصص ۵۵)»

«لغو شنیدنی و از مقوله سخن است، پس مقصود سخنان بیهوده و خشن و زشتی است که پرداختن به آن کار عاقلان نیست و لذا وقتی آن را می‌شنیده‌اند، از آن اعراض نموده و مقابله به مثل نمی‌کرده‌اند، بلکه می‌گفتند اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما و در حقیقت این متارکه و اعلام ترک گفتگو است.» (علامه طباطبائی: المیزان)

۶. خرده سیستم بطنی: عفت بطن مربوط به تمام اموالی می‌شود که فرد مالک آن نبوده و نیز اجازه استفاده از آنها را ندارد. خویشتن داری و عدم دست‌درازی به اموال مردم و حق دیگران، تضمین‌کننده عفت بطن است. «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْضَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره ۲۷۳)»

در این آیه برای گروهی خاص از افراد صفت عفاف را ثابت می‌کند. این افراد کسانی هستند که «کسی از حال ایشان اطلاع ندارد از شدت عفتی که دارند ایشان را توانگر می‌پندارد، چون با اینکه فقیرند ولی تظاهر به فقر نمی‌کنند، پس جمله نامبرده دلالت دارد بر همین که مؤمنین تا آنجا که می‌توانند تظاهر به فقر نمی‌کنند و از علامت‌های فقر به غیر آن مقداری که نمی‌توان پنهان داشت، پنهان می‌دارند و مردم پی به حال آنان نمی‌برند مگر این که شدت فقر رنگ و رویشان را زرد کند و یا لباس‌هایشان کهنه شود.» (علامه طباطبائی: المیزان)

«وَ ابْتَئِلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَ بِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (نساء ۶)»

در این آیه شریفه نوعی از عفاف مطرح می‌شود که در آن فردی امور مالی یتیمی نابالغ را بر عهده دارد و عدم دست‌درازی به مال یتیم را عفاف می‌نامد. فقط در صورتی اجازه برداشت از مال یتیم داده شده است که فرد یتیم باشد و ناچاراً باید برای اداره زندگی خود کار کند و یا این که باید از مال یتیم محافظت کند. «اما اگر کسی بی‌نیاز بوده و احتیاج به برداشت از مال یتیم ندارد لازم است که طریق عفت برگزیده و دست به مال یتیم دراز نکند.» (علامه طباطبائی: المیزان)

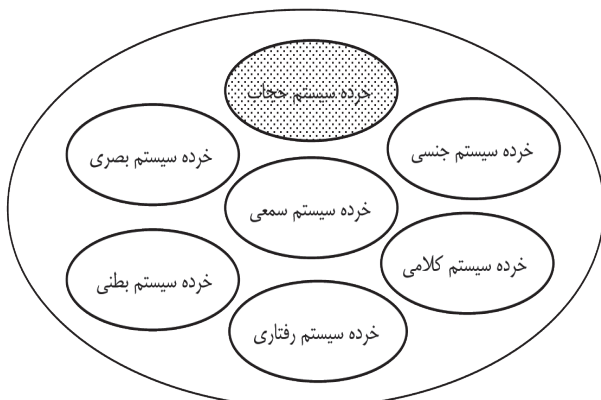
۷. خرده سیستم رفتاری: انسان عقیف علاوه بر واجد بودن موارد گفته شده باید در رفتار خود عفت را رعایت کند.

«وَ لَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلَيْهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور ۳۱)»

در این آیه به زنان مؤمن دستور داده شده است که پاهای خود را محکم به زمین نکوبند تا صدای زیور آلاتشان به صدا در نیاید. چرا که این گونه راه رفتن با عفت سازگاری ندارد.

«فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (قصص ۲۵)»

«مراد از این که راه رفتن بر استحياء بوده این است که عفت و نجابت از طرز راه رفتنش پیدا بود.» (علامه طباطبائی: المیزان)
هفت خرده سیستم برای سیستم عفاف شناسایی شدند. (شکل ۲) اگر چه ممکن است بیش از این تعداد خرده سیستم بتوان برای سیستم عفاف شناسایی کرد.



شکل ۲. خرده سیستم های عفاف

۸- خرده سیستم حجاب

همان طور که ذکر شد، یکی از خرده سیستم های سیستم عفاف، خرده سیستم حجاب است. خود این خرده سیستم به مثابه هر سیستم دیگر قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است.

«سیستم بسته سیستمی است که هیچ محیطی ندارد. سیستم باز سیستمی است که دارای محیط است، لذا سیستم بسته هیچ گونه رابطه متقابلی با عناصری که جزء خود سیستم نیستند، ندارد.» (Ackoff, ۱۹۷۱) به عبارت دیگر «سیستم باز سیستمی است که با محیط خود تبادل انرژی، ماده و اطلاعات دارد.» (رضائیان، ۱۳۷۶: ۵۸) خرده سیستم حجاب نیز که ذیل سیستم عفاف تعریف شد، سیستم باز به حساب می آید. چون ورودی های خودش را از محیط دریافت کرده و خروجی های این سیستم نیز بر محیط اثرگذار است. با توجه به این که بدحجابی امروزه به یک مسأله اجتماعی تبدیل شده است لذا سعی شده است تا ورودی ها و خروجی های آن احصاء و طبقه بندی شود. ورودی ها عواملی هستند که فرد متأثر از آنان شده و این عوامل شکل دهنده نوع پوشش وی هستند. خروجی های سیستم حجاب، نوع پوشش و حجاب خواهد بود. این نوع و شکل حجاب نیز به عنوان ورودی سایر سیستم ها تلقی شده و در نهایت آن سیستم ها خروجی هایی خواهند داشت. هم چنین ممکن است خود این خروجی ها، پیامد و یا عوارضی داشته باشند. لذا آنچه که به عنوان خروجی ذکر می شود، پیامدها، عوارض و یا خروجی های سیستم های دیگری هستند که نوع و شکل پوشش (خروجی اولیه سیستم حجاب) نقش ورودی آنها را دارند. در این نوشتار تنها ورودی های مؤثر بر بدحجابی و نیز خروجی های ناشی از آن احصاء شده اند.

درخصوص شناسایی و دسته بندی ورودی ها و خروجی ها، همان طور که ذکر شد، یک مطالعه و بررسی اولیه به عمل آمد که نتیجه مدل اولیه پژوهش را شکل داد که در قالب دو نمودار استخوان- ماهی^{۱۳} خلاصه شد.^{۱۴} این مدل تحویل کارشناسان و اساتید دانشگاه در حوزه ها و رشته های مختلف داده شد تا نظر خود را روی آن بیان کنند. از میان ۱۲ پرسشنامه توزیع شده، ۸ پرسشنامه دریافت شد. سرانجام با جمع بندی تمامی نظرات، ۸۳٪ از گزاره ها و فرضیه ها تأیید شدند که در ادامه ارایه خواهند شد.

۸-۱- ورودی

خروجی مطلوب سیستم حجاب، پوشش اسلامی است. ورودی ها نیز متناسب با این که در جهت رسیدن به این مهم باشند یا نباشند، به ورودی های سازنده و مخرب تقسیم می شوند:

۱. ورودی های مخرب: آنهایی هستند که منجر به بدحجابی شده و باید آنها را از بین برد یا اثرات آن را کم کرد.

۲. ورودی های سازنده: آنهایی هستند که منجر به رعایت حجاب اسلامی

شده و باید تقویت گردند.

ذکر این نکته ضروری است که برخی از ورودی‌های احصاء شده در زیر، ورودی مستقیم سیستم حجاب نیستند. به این صورت که برخی از آنان ورودی‌های سیستم‌های دیگر هستند که خروجی آنان به عنوان ورودی سیستم حجاب تلقی می‌شوند. با توجه به این که هدف از احصای ورودی‌ها کنترل و اصلاح آنان است، لذا در این نوشتار سعی شده است ورودی‌های زنجیره‌ای که در سایر سیستم‌ها قرار دارند نیز ذکر شوند. برای مثال یکی از علل مهم بدحجابی بالا رفتن سن ازدواج است. این ورودی باعث می‌شود دختران برای جلب نظر پسران تلاش کنند که یکی از آنان به صورت بدحجابی بروز پیدا می‌کند. حال خود این ورودی ناشی از علل مختلفی است، از جمله: بیکاری مردان، تورم و گرانی، سخت‌گیری والدین و آداب و رسوم نادرست و... نکته دیگر این که تنها ورودی‌ها و خروجی‌ها احصاء و طبقه‌بندی شده‌اند و هیچ‌گونه وزن دهی به این گزاره‌ها در این پژوهش صورت نگرفته است.

شماره‌های ذکر شده متناسب با نمودار استخوان-ماهی می‌باشد که در آنجا به صورت خلاصه آمده و توضیح هر مورد ورودی و خروجی بیان می‌شود:

۱-۸- عوامل اقتصادی

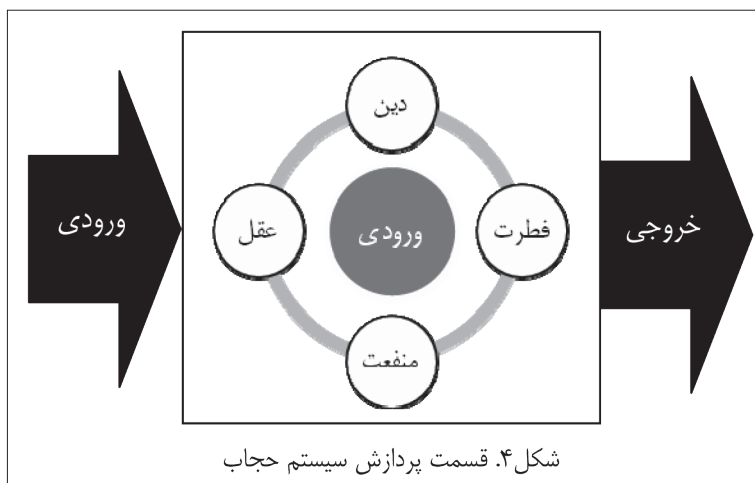
شماره ۱: قیمت پایین لباس‌های نامناسب و تنوع شکلی و رنگی آن منجر به ایجاد بازار فروش خوبی برای این نوع لباس‌ها کرده است. در حالی که پارچه‌های چادری و مانتوهای مناسب، گران‌تر بوده و خریدار باید برای تهیه آن، به علت عدم فراوانی این نوع پوشش، زمان بیشتر و هزینه بالاتری پرداخت کند. در حالی که پوشش نامناسب با صرف زمان کمتر و هزینه پایین‌تر قابل خریداری است.

شماره ۲: بیکاری مردان باعث بالا رفتن سن ازدواج آنان شده و این عاملی است برای تلاش دختران جهت جلب توجه آنان می‌شود که از جمله در شکل بدحجابی بروز می‌کند.

شماره ۳: اشتغال زنان در محیط‌های مختلط و یا شغل‌هایی که در آن از زنان برای ایجاد جذابیت و جلب مشتری و کسب سود بیشتر استفاده می‌کنند.

شماره ۴: تورم و گرانی منجر به کاهش توان خرید شده و باعث می‌شود مردان توان و اعتماد به نفس فرد لازم برای ازدواج را از دست بدهند. این امر منجر به کاهش ازدواج و افزایش دخترانی است که سعی می‌کنند در شکل بدحجابی خود را عرضه کنند.





بوده‌اند و تأثیر خوبی داشته‌اند، خارج از فیلم و سریال، مثلاً در مراسم اعطای جایزه، مصاحبه با مجلات و... چنان بدحجاب ظاهر می‌شوند که نه تنها تأثیر مثبت قبلی خود را از بین می‌برد، بلکه در ذهنشان حجاب صرفاً برای تأثیر سازی غیر واقعی در فیلم‌ها موضوعیت می‌یابد.

شماره ۹: چاپ مکرر تصاویر نامناسب و تحریک کننده از زنان در مطبوعات به ویژه مجلات و ماهنامه‌ها و درج مکرر اخبار مربوط به تجاوزات جنسی و عواملی از این دست موجب شیوع آنها شده و طرح آن قبح آن را خواهد شکست. از طرف دیگر عدم پرداختن هدفمند و صحیح به مقوله حجاب و تبیین آن در روزنامه‌ها و مجلات موجب شکل‌گیری تصویری نادرست از حجاب شده است.

شماره ۱۰: سینما با نمایش علنی زنان با پوشش نامناسب، شکستن حریم عفاف و رابطه سنگین و جدی که باید بین زن و مرد بیگانه باشد، خارج کردن ازدواج از مسیر سنتی و اسلامی آن و ترویج روابط نامشروع عشق و عاشقی، سهم بزرگ و غیرقابل بخششی! را در بدحجابی به خود اختصاص داده است.

شماره ۱۱: شبکه‌های ماهواره‌ای یکی از قدرتمندترین ابزارهای تهاجم فرهنگی است. پخش تصاویر مستهجن، ایجاد بدبینی به دین بانشر اکاذیب و تحریفات، شبهه پراکنی، زیر سوال بردن و گاهی تهمت واهی زدن به مسئولان نظام، تشویق به هنجارشکنی‌های دینی و اجتماعی و ترویج الگوهای زندگی غربی از جمله اقدامات آنهاست.

۳-۱-۸- عوامل روان‌شناسی

شماره ۱۲: معمولاً افرادی دچار تظاهر، جلوه‌گری، خودنمایی و فخرفروشی می‌شوند که کمبودی دارند. کمبود شخصیت اجتماعی نیز موجب پناه بردن به بدحجابی برای جبران این کمبودها می‌شود.

شماره ۱۳: سادیسیم نوعی بیماری است که از افسردگی سرچشمه می‌گیرد

۲-۱-۸- عوامل رسانه‌ای

شماره ۵: صدا و سیما در اشکال مختلف روی این مسأله اثرگذار است:

۱. سریال‌ها و فیلم‌ها: پخش سریال‌هایی که در آن خانواده‌هایی که به نظر دارای شخصیت اجتماعی بالایی بوده و زندگی مطلوبی دارند، با لباس‌هایی مرفهانه، این تصور را به وجود می‌آورد که این نوع پوشش شخصیت بخش و عاملی برای زندگی مطلوب است. معرفی خانواده‌های سنتی، فقیر، با درآمد پائین و... با پوشش حجاب، نگاه بیننده را دچار آسیب می‌کند. نشان دادن خانم‌ها و بعضاً آقایان! آرایش کرده در تلویزیون قبح و زشتی این کار را از بین می‌برد. فیلم‌های سینمایی غربی که از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می‌شوند و در آنان زنان بی حجاب به نمایش گذاشته می‌شود، تأثیر ناخود آگاه خود را خواهد داشت.

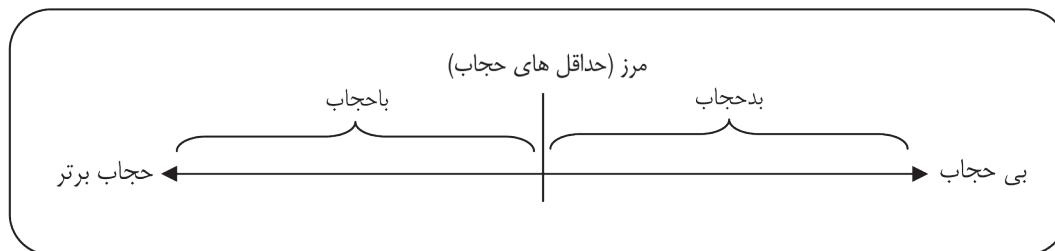
۲. برنامه کودک: در خصوص برنامه‌های کودک، پخش موسیقی‌های تند و عدم تبیین و پرداختن به این مسأله متناسب با درک و فهم کودک و نوجوان زمینه اولیه برای پذیرش این ارزش را در او ایجاد نمی‌کند.

۳. پیام‌های بازرگانی: پیام‌های بازرگانی که در آن خانم‌ها با پوششی غیر از حجاب برتر و بعضاً آرایش کرده و نامناسب نمایش داده می‌شوند، بر نوع پوشش و حجاب مؤثر است.

شماره ۶: برندهای تبلیغاتی نصب شده در سطح شهر که شامل تصویری نامناسب از بازیگران سینما است، منجر به الگوگیری از پوشش آنها می‌شود.

شماره ۷: سایت‌ها با فیلم‌ها و تصاویر مستهجن یکی از ابزارهای سست کردن باورها در بین جوانان است که اگر چه این گونه سایت‌ها فیلتر شده‌اند، اما بعضاً کارساز واقع نمی‌شود. از بعد محتوایی هم سایت‌های مروج بدحجابی، حجاب را اسارت و مانع آزادی معرفی می‌کنند.

شماره ۸: بازیگران نقش مثبت بین زنان که در فیلم یا سریالی محجبه



شکل ۵. تقسیم بندی خروجی اولیه سیستم حجاب

مسأله و نحوه تربیت دانش آموزان و آموزش آنان از دیگر عوامل اثرگذار است.

شماره ۱۸: خانواده به عنوان اولین نهادی که فرد در آن بزرگ می شود تأثیر مهمی بر حجاب دارد. الگوگیری از پوشش نادرست مادر یا سایر اعضای خانواده، عدم پایبندی به دستورات دینی و ناتوانی والدین در تبیین چرایی حجاب موجب بدحجابی می شود.

شماره ۱۹: تبیین درستی از چرایی حجاب از نگاه دین و عقل برای فرد صورت نگرفته و نیز ناسازگاری بدحجابی با عقاید دینی برای فرد روشن نشده است. این تبیین توسط نهادهای مختلف از جمله خانواده، مدرسه، صدا و سیما و ... باید صورت گیرد.

۵-۱-۸- عوامل اجتماعی

شماره ۲۰: بی تفاوتی جامعه نسبت به این مقوله و کاهش امر به معروف و نهی از منکر یکی از عوامل شیوع بدحجابی است.

شماره ۲۱: بالا رفتن سن ازدواج که دلایل مختلفی دارد منجر می شود برخی افراد با پوشش ناکافی به نوعی خود را عرضه کنند.

شماره ۲۲: در اذهان برخی از افراد جامعه حجاب یک امر کاملاً فردی است و نباید نسبت به این موضوع هیچ گونه مداخله ای نمود.

شماره ۲۳: در نظر برخی از مردم بدحجابی نشان دهنده روشن فکری، تحصیلات بالا، شأن اجتماعی ممتاز، زندگی مرفه و ... تلقی می شود. در واقع در نظر آنان جای منکر و معروف عوض شده است.

شماره ۲۴: از جمله عواملی که ممکن است در دانشگاه به بدحجابی دامن بزند عبارتند از: تحت تأثیر فضا و جو دانشجویان بدحجاب قرار گرفتن، سفر به شهری غیر از محل سکونت و احساس آزادی و تحت کنترل نبودن، ترس از این که حفظ پوشش صحیح منجر به تمسخر دیگران و منجر به متحجر نامیده شدن وی گردد و ...

فرد دوست دارد به هر عنوان دیگران را مورد آزار قرار دهد. وقتی فردی با پوشش نامناسب در بین جامعه رفت و آمد می کند از این که ببیند حس شهوت و غریزه جنسی جوانی را شعله ور کرده و دست یابی به آن برای او ممکن نیست، لذت می برد و خود را قهرمان این عرصه تصور می کند.

شماره ۱۴: فردی که در خانواده و جامعه مورد تحقیر قرار می گیرد، خانواده به او توجهی ندارد و نظراتش را محترم نمی داند، در جامعه نمی تواند کاری را آن طور که می خواهد انجام دهد، می خواهد از این راه که جلوه دادن زیبایی های ظاهری و خدادادی است، روی این عقده سر پوش بگذارد.

شماره ۱۵: در مازوشیسم فرد به دلایل مختلف خود را عقب مانده می داند و نسبت به خود بی تفاوت می شود و از بیماری یا شکست اجتماعی خود ناراحت نمی شود. او به خاطر آزار رساندن به خود، خودش را در معرض حوادث برخاسته از فحشا و فساد می گذارد. چنین افرادی هر قدر هم که در دامان بی عفتی فرو روند برایشان اهمیتی ندارد.

شماره ۱۶: فردی که دوستدار آزادی غربی است وقتی در این اجتماع دست یافتن به آن برایش ممکن نیست حس انتقام و هنجارشکنی و مخالفت با ارزش های نظام او را بر آن برمی دارد که ارزش های اجتماعی را خدشه دار کرده و زمینه سقوط ارزش های اجتماع را خود فراهم سازد.

۴-۱-۸- عوامل آموزشی- تربیتی

شماره ۱۷: مدرسه نقش بسزایی در شکل گیری رفتارهای اجتماعی افراد دارد. دانش آموزان به شدت تحت تأثیر از معلمان خود بوده و از آنان الگو برداری می کنند. پوشش نامناسب، رفتارهای زننده و عدم توانایی آنان در برقراری ارتباط خوب و نیز تبیین نادرست موضوع حجاب همه منجر به دلزدگی و موضع گیری فرد در مقابل این ارزش می شود. مهم ترین نهادی که قابلیت تبیین درست چرایی و حکمت حجاب را دارد، مدرسه است. ضعف محتوایی کتب درسی و عدم آشنایی معلمان و دبیران با ابعاد این

ب. عقل: تحلیل ورودی‌ها و بررسی نتایج و پیامدهای آن و این که از لحاظ عقلایی کدام ورودی را باید پذیرفت و کدام را باید دور انداخت توسط عقل انجام خواهد شد. در واقع عقل قدرت تمییز زشتی و پاکی است. گاهی اوقات با وجود این که فرد حق را شناخته، اما چون منفعت ظاهری خود را در آن می بیند به آن تن نمی دهد.

ج. فطرت: همان طور که در فطرت و ذات هر کسی میل به خداجویی و حق پرستی وجود دارد، میل به عفت و حیا نیز هست. منتها برخی افراد با گناه کردن آن را به زیر سیاهی برده اند که اثر خود را از دست داده است. د. منفعت: نفع و فایده‌ای که هر فرد فکر می کند به وسیله پوشش و حجاب خود به آن خواهد رسید. گاهی اوقات منفعت از نگاه فردی این طور جلوه می کند که مثلاً با رعایت حجاب خود را از آزارها و مزاحمت های خیابانی حفظ کند و از نگاه فرد سعی می کند با بدحجابی توجه دیگران را به خود جلب کند.

اگر چه خانه پردازش جعبه سیاه در نظر گرفته شد، اما نگارنده بر این باور است که می توان با نظارت، کنترل و ارتقای میزان اثربخشی عوامل ورودی و مؤثر بر عفاف، این نیاز دورنی را بالفعل کرده و در مقابل سایر ورودی های ناسالمی که از طرق مختلف ممکن است وارد سیستم پردازش و نظام فکری فرد شود، وی را حفظ نمود.

۳-۸- خروجی

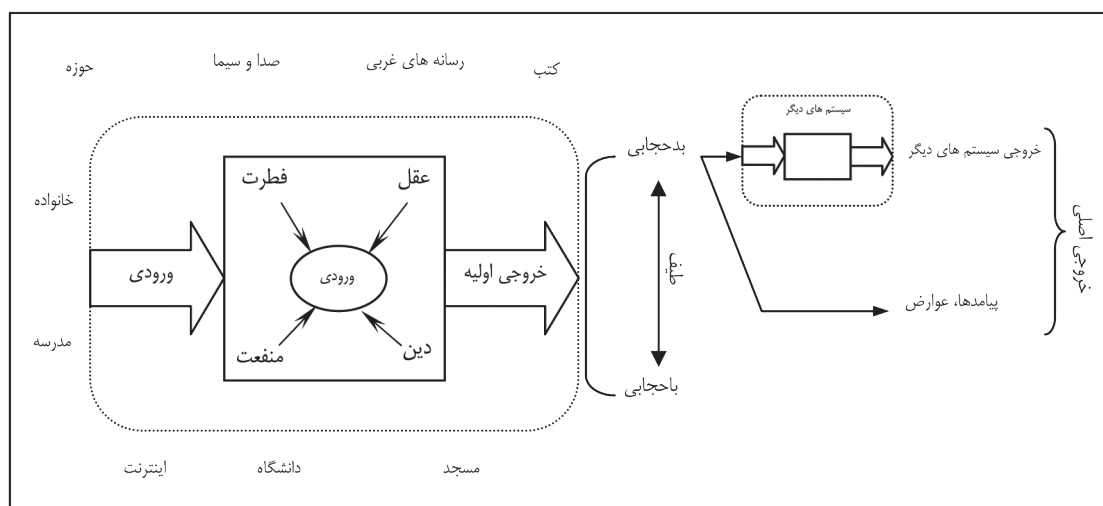
با توجه به این که خروجی سیستم حجاب نقش ورودی برای سیستم های

شماره ۲۵: سخت گیری های بی مورد والدین در مورد ازدواج و نیز برخی از آداب و رسوم های نادرست منجر به کاهش آن و بالا رفتن سن ازدواج می گردد. بالا رفتن سن ازدواج نیز باعث افزایش بدحجابی می شود.

۲-۸- پردازش

«تحلیلگران همواره مترصد آن هستند که نحوه تبدیل ورودی به خروجی را در فراگرد سیستم شناسایی کنند. هنگامی که نحوه این تبدیل مشخص باشد، فراگرد را جعبه سفید می نامند. در بیشتر موارد فراگرد تبدیل کننده ورودی به خروجی به تفصیل شناخته شده نیست، زیرا فراگرد تبدیل بسیار پیچیده است و نحوه تلفیق ورودی ها با ترتیب تنظیم آنها در آن، ممکن است به تولید خروجی های متفاوتی بینجامد. در این حالت فراگرد را جعبه سیاه می نامند.» (رضاییان، ۱۳۷۶: ۳۴) پیچیدگی بسیار بالای رفتارهای انسانی باعث می شود که نتوانیم شناخت و تحلیل کاملی از خانه پردازش سیستم حجاب ارایه دهیم. لذا خانه پردازش جعبه سیاه در نظر گرفته شده است. اما بر اساس یک تحلیل ابتدائی می توان چهار عامل اصلی که در خانه پردازش دخیل بوده و بر روی ورودی اثر گذاشته و فرد بر اساس آن تصمیم به انتخاب نوع پوشش خود می کند را به صورت زیر بیان کرد:

الف. دین: یکی از معیارها و شاخص های خانه پردازش دین است. فرد دیندار ورودی های گرفته از محیط را منطبق بر احکام و دستورات الهی کرده و بر اساس آن اقدام می کند.



شکل ۶ نمای کلی سیستم حجاب

دیگر را دارد، لذا می‌توان از تعبیری که برای ورودی‌های سیستم حجاب شد، در این جا نیز استفاده نمود. خروجی سیستم حجاب به صورت طیفی است که یک سر آن بی‌حجابی و سر دیگر حجاب برتر قرار دارد. به طور کلی خروجی را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم نمود:

۱. مطلوب (باحجاب)

۲. نامطلوب (بدحجاب)

آنچه که این دو قسمت طیف را از هم جدا می‌کند مرز است که مشخص کننده حداقل‌های حجاب است. حداقل حد و حدودی که در خصوص میزان و نحوه پوشش توسط شارع وضع شده است، مرز را شکل می‌دهد. اگر چه حکم حدود حجاب توسط شارع مشخص شده است، اما به نظر می‌رسد در تعیین مصداق و انطباق حکم با آن نتوان با قطعیت سخن گفت. ضمن این که اساساً حرکت در اطراف مرز به صرف این که حدود شرعی است، هیچ گاه ایده آل نخواهد بود. لذا باید سعی نمود تا نه تنها خروجی‌های حجاب از قسمت بدحجابی خارج شده و وارد محدوده حجاب شده، بلکه می‌بایست سعی نمود تا حد ممکن از مرز فاصله گرفته و به سمت حجاب برتر (چادر اسلامی) حرکت نمود. لذا نباید به حداقل‌ها قانع شد.

خروجی اولیه سیستم حجاب، همان نوع و شکل پوشش است که در یک طیف که یک سر آن بی‌حجابی و سر دیگر آن حجاب برتر (چادر) است، قرار می‌گیرد. این خروجی خود به عنوان ورودی سایر سیستم‌ها به کار رفته که آنها نیز دارای خروجی‌هایی خواهند بود. آنچه که به عنوان خروجی اصلی سیستم حجاب ذکر می‌شود، پیامدها، عوارض و یا خروجی‌های سیستم‌های دیگری است که خروجی اولیه سیستم حجاب به عنوان ورودی آنها شناخته می‌شود. آنچه که در زیر به عنوان پیامدهای بدحجابی احصاء شده‌اند، خروجی‌های اصلی سیستم حجاب و از نوع نامطلوب می‌باشند. (شکل ۶)

پیامدهای اقتصادی

شماره ۱: معمولاً افراد بدحجاب به دنبال مدهای به روز و جدید لباس هستند و سعی می‌کنند همین روند مدگرایی را در سایر جنبه‌های زندگی وارد کنند و موجب بیش از اندازه مصرفی شدن جامعه و تجمل‌گرایی خواهند شد.

شماره ۲: عدم استفاده کامل از یک محصول در طول عمر آن (مثل کفش، مانتو و ...) به خاطر آمدن مدهای جدیدتر در بازار و ... موجب اسراف می‌شود.

شماره ۳: حضور زنان بدحجاب در محیط کار و جامعه منجر به جلب توجه مردان حاضر در محیط کار شده و از توان عملیاتی آنها می‌کاهد.

شماره ۴: رشد مصرف کالاهای غیرضروری نظیر لوازم آرایشی و ... از جمله پیامدهای بدحجابی است.



**متوسط سن ازدواج مردان
بالا رفته و موجب شده
است که دختران، برای
جلب توجه آنان به خود، به
بدحجابی متوسل شوند**



پیامدهای تحصیلی

شماره ۵: حضور دختران بدحجاب در سر کلاس درس همراه با پسران بازده یادگیری آنان را کاهش داده و موجب هدر رفتن هزینه های آموزشی شده و از توان علمی کشور می کاهد.

پیامدهای اعتقادی

شماره ۶: بدحجابی منجر به شیوع فحشاء خواهد شد.
شماره ۷: شیوع فساد در جامعه منجر به خشم و غضب الهی شده و عذاب الهی در اشکال مختلف جلوه خواهد کرد، از جمله خشکسالی، زلزله، بیماری و ...

پیامدهای بهداشتی

شماره ۸: از یک طرف حضور زنان بدحجاب در جامعه و از طرف دیگر ناتوانی افراد برای ازدواج منجر به اختلالات و بیماری های روحی و روانی می شود.

شماره ۹: بدحجابی منجر به اشاعه فحشاء و در نهایت شیوع ایدز و سایر بیماری های مرتبط می گردد.

پیامدهای حقوقی

شماره ۱۰: قتل، درگیری های خیابانی بر اثر مزاحمت برای نوامیس مردم و آزارهای جنسی و... همه از مصادیق افزایش جرم در جامعه است.

پیامدهای امنیتی

شماره ۱۱: بدحجابی منجر به تحریک شدن افراد شده و منجر به کاهش سطح امنیت و به وجود آمدن مزاحمت هایی برای افراد بدحجاب می گردد.

پیامدهای اجتماعی-خانوادگی

شماره ۱۲: بدحجابی منجر به بی حیایی و کاهش عفت و شرم اجتماعی و انسانی می شود.

شماره ۱۳: بی غیرتی مردان نسبت به محارم خود و کم شدن حساسیت به مسئله عفاف و حفظ زن از جمله پیامدهای بدحجابی است.

شماره ۱۴: بروز اختلافات بین مرد و زن، ایجاد بدبینی مرد به زن و... که ناشی از بدحجابی است، می تواند منجر به طلاق شود.

شماره ۱۵: بدحجابی منجر به روابط نامشروع شده و این امر کودکان بی سرپرست و سرراهی را زیاد خواهد کرد.

شماره ۱۶: بدحجابی دختران و زنان نسل جدید عامل مهمی در ایجاد فاصله با عقاید و سبک زندگی نسل قدیم که غالباً مقید به حجاب اسلامی هستند، می باشد.

شماره ۱۷: چون بدحجابی باعث می شود که زن محدود و منحصر به همسرش نشود، عطوفت و مهر و علاقه او هم محدود و منحصر به او نمی

شود.

شماره ۱۸: بدحجابی منجر به شکسته شدن حدود مردانگی و زنانگی می شود. مردان خود را به شکل زنان و زنان خود را به شکل مردان در می آورند.

شماره ۱۹: مادران بدحجاب غالباً فرزندان خود را با همان طرز فکر خود بزرگ می کنند که منجر به تربیت غیر دینی نسل های آینده خواهد شد.

شماره ۲۰: نگاه جامعه به زن به عنوان ابزاری برای جلب توجه دیگران و افزایش سود و... همه و همه باعث می شود از جایگاه اصلی خودش یعنی تربیت و انسان سازی دور شود.

پیامدهای سیاسی

شماره ۲۱: از منظر بیرونی شیوع بدحجابی ممکن است نشانه ای برای عدم همراهی و یا مخالفت با نظام تلقی شود.

شماره ۲۲: ممکن است گروهک های مختلف ضد نظام و افراد منفعت طلب از همین افراد بدحجاب برای ضربه زدن به نظام اسلامی استفاده کنند.

شکل ۶ تصویر کلی سیستم حجاب را نشان می دهد. برخی از عوامل مؤثر بر سیستم در محیط سیستم نشان داده شده اند. لازم به ذکر است که محیط سیستم محدود به عوامل مذکور نمی شود.

۹- جمع بندی و ارایه پیشنهادها

در این نوشتار تلاش شده است تا مسأله حجاب به مثابه یک سیستم مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته شود. این سیستم خود خرده سیستمی از سیستم بزرگتری به نام عفاف شناسایی شد. ورودی های این سیستم عبارتند از: عوامل مؤثر بر نوع حجاب فرد که با توجه به این ورودی ها و پردازشی که در خانه پردازش روی آن صورت می گیرد، نوع حجاب فرد تعیین می شود. بسته به این که این ورودی ها منجر به حجاب درست شوند یا نشوند به ورودی های سازنده و مخرب تقسیم بندی می شوند. خروجی اولیه این سیستم هم عبارت از: حجاب مطلوب و حجاب نامطلوب. خود حجاب نامطلوب به عنوان ورودی سیستم های دیگر شناخته می شود. به خروجی های سایر سیستم ها که حجاب نامطلوب ورودی آن به شمار می آید و نیز پیامدها و عوارض ناشی از حجاب نامطلوب خروجی اصلی نامیده شد. در این نوشتار، از دید کارشناسان سعی شده است ورودی های منجر به حجاب نامطلوب و خروجی های اصلی ناشی از آن را احصاء شود.

با دسته بندی عوامل ورودی و از بین بردن آنها و یا کاهش اثر آنها می توان بدحجابی را از کاهش داد. قبل از ارایه پیشنهادات لازم به ذکر است که برای ترویج فرهنگ حجاب و مقابله با بدحجابی قبل از هر چیز، عزم و اراده جمعی نهادهای فرهنگ ساز برای هماهنگی و ارایه یک برنامه جامع را نیازمند است. در عین حال باید از اقدامات مقطعی و شتابزده پرهیز کرد



قیمت پایین لباس‌های نامناسب و نیز تنوع شکلی و رنگی آنها در مقایسه با چادر و مانتوهای مناسب، از جمله عوامل اقتصادی بدحجابی است

به تأخیر انداختن ازدواج برای خانواده‌ها و ...)

۸) حضور پررنگ روحانیون و حوزه‌های علمیه برای محتواسازی و نظارت بر فیلم و سریال‌های تلویزیونی: روحانیون می‌بایست فاصله خود را از سینما، صدا و سیما، رمان و داستان و ... کم کرده و سعی کنند که الگوها و ارزش‌های دینی را در قالب‌های امروزی و مورد توجه جامعه ترویج کنند. ورود روحانیت در استفاده از ابزارهای امروزی تبلیغ در کنار استفاده از روش‌های سنتی ضروری است.

۹) تهیه سریال و فیلم‌هایی برای معرفی آسیب‌های بدحجابی برای فرد و اجتماع

۱۰) ممنوعیت نصب بنر و تابلوهای تبلیغاتی نامناسب در سطح شهر
۱۱) آموزش خانواده‌ها در مورد چگونگی تربیت فرزندان و نیز تبیین فلسفه و چرایی حجاب و آسیب‌های بدحجابی (این آموزش می‌تواند از طریق صدا و سیما، مطبوعات، انجمن اولیا و مربیان مدارس و ... باشد).

۱۲) استفاده از قالب‌های ادبی و هنری نظیر داستان و شعر و ... برای بیان ارزش حجاب

۱۳) جلوگیری از فروش عروسک‌هایی که منجر به الگوگیری نادرست کودکان از پوشش آنها می‌شود و تلاش برای طراحی عروسک‌هایی متناسب با فرهنگ دینی و ملی. هم چنین باید هزینه این عروسک‌ها به گونه‌ای باشد که قابل تهیه برای همگان باشد.

پژوهش‌های پیشنهادی آینده در این موضوع، می‌تواند در راستای وزن دهی و تعیین میزان اثرگذاری عوامل و ابعاد احصاء شده بر روی بدحجابی و نیز پیامدهای طبقه‌بندی شده آن باشد. بررسی نهادهای فرهنگ‌ساز داخلی و نیز تعیین نقش هر یک از آنان در مقوله حجاب و اثرگذاری آنان بر ابعاد مختلف حجاب از دیگر پژوهش‌های پیشنهادی برای آینده است. در مرحله بعد از آن، طراحی برنامه جامع و منسجم برای سازمان‌ها و نهادهای فرهنگ‌ساز برای نهادینه کردن ارزش دینی و هنجار اجتماعی حجاب در جامعه می‌تواند مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد. این مهم برای جلوگیری از دوباره کاری و پرهیز از اقدامات مقطعی و سطحی و شتاب‌زده ضروری به نظر می‌رسد.

و سعی در طراحی و اجرای طرحی هدفمند و همه جانبه نگر نمود. از جمله پیشنهادات برای حل مسأله بدحجابی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱) تلاش برای نشان دادن جایگاه حجاب در مجموعه و کل به هم پیوسته دین که نمی‌توان به صورت بخشی آن را پذیرفت و نسبت به ابعادی دیگر بی‌توجه بود.

۲) برچسب دار کردن سایت‌های سالم و اسلامی: در این طرح که اگر چه زمان بر است، سایت‌های اسلامی که در مورد موضوعات اسلامی و دینی است و نیز سایت‌های غیر دینی سالم (مثل سرگرمی) که مروج فرهنگ غربی نبوده و بدآموزی نداشته باشد، دارای شناسنامه شده و برچسبی برای آن در نظر گرفته می‌شود. موتورهای جست و جویی نیز باید ساخته شود که تنها از میان این سایت‌های دارای برچسب اقدام به جست و جو کند. با این کار می‌توان در محیط‌های آموزشی مثل مدارس و ... فضای مجازی سالمی را به وجود آورد و استفاده از این موتورهای جست و جو را توسعه داد.

۳) تصویب قانون مبنی بر جرم بودن تولید لباس و پوشش‌های نامناسب: مبارزه با عوامل تولیدکننده و توزیع کننده پوشش‌های نامناسب زمانی میسر است که اقدامات پیشگیرانه، دارای وجه قانونی نیز باشد.

۴) تهیه برنامه ویژه برای مدارس و اختصاص بودجه برای این امر: استفاده از روحانی مدارس برای این موضوع، بهبود و ارتقای محتوای کتب درسی. تمام شبهات و گره‌های ذهنی فرد در بعد نظری و دینی بایستی در طول دوره تحصیل فرد در مدرسه برای وی حل شود. البته این موضوع به صورت فرآیندی تدریجی و متناسب با درک و فهم دانش آموزان باید صورت گیرد. ۵) استفاده از بازیگرانی معتقد به ارزش‌های دینی و اسلامی در نقش‌های مثبت و اثرگذار.

۶) تلاش برای تبدیل امر به معروف به عنوان یک هنجار و ارزش اجتماعی و یافتن جایگاه واقعی آن در جامعه و آموزش صحیح امر به معروف. یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌تفاوتی مردم در قبال امر به معروف و نهی از منکر این است که آن را وظیفه خود نمی‌دانند.

۷) تلاش برای هموار کردن موانع ازدواج آسان و به موقع در موضوعات و مسایل مختلف (اقتصادی، مسکن، آداب و رسوم نادرست، بیان آسیب‌های

پی‌نوشت‌ها

1. system
2. inputs
3. process
4. outputs
5. feedback
6. positive feedback
7. negative feedback
8. systematic approach
9. reductionism
10. holism
11. outcomes
12. subsystems
13. Fish bone

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، زن در آئینه جمال و جلال الهی، انتشارات اسراء، چاپ سیزدهم دی ماه ۱۳۸۵.
۳. دوروسنی، ژوئل - بیشون، جون (۱۳۷۰)، روش تفر سیستمی، ترجمه امیرحسین جهانگللو، انتشارات پیشبرد.
۴. رضائیان، علی (۱۳۷۶)، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم تابستان ۱۳۸۷.
۵. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان.
۶. غروی نائینی، نهله - عامری، وحیده (۱۳۸۶)، پوشی در معنا و مفهوم حجاب، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۶.
۷. قاضی زاده، کاظم - احمدی سلمانی، علی (۱۳۸۶)، عفاف در قرآن و نگاهی به روایات، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۶.
۸. مطهری، مرتضی (الف ۱۳۵۸)، مسأله حجاب، انتشارات صدرا، چاپ شصت و نهم مرداد ۱۳۸۵.
۹. مطهری، مرتضی (ب ۱۳۵۸)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ چهل و سوم مرداد ۱۳۸۵.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۵۱)، تعلیم و تربیت در اسلام انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم بهار ۱۳۸۶.
۱۱. Ackoff, Russell L. (۱۹۷۱), Towards a system of systems concepts, management science, Vol, ۱۷, No. ۱۱.
۱۲. Hanson B.G. (۱۹۹۵), General systems theory beginning with wholes, Taylor & Francis.

□ نوشته: زهره سادات میرمقتدایی (مربی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان)
سحر غفاریان (کارشناس فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان)

خانواده ولزوم اجرای راهکارهای مهم آموزشی در تربیت دینی

چکیده

در تربیت اخلاقی، تربیت دینی از جایگاه رفیع برخوردار است. تربیت عبارتست از: «فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهاى شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدفهای مطلوب. دین در اصطلاح عبارتست از: «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش آنها بکار گرفته میشود». با عنایت به تعریفی که از «تربیت» و «دین» به عمل آمده می‌توان گفت تربیت دینی فرایندی است دو سویه میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره‌گیری از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش می‌کند تا شرایطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهاى خودگام برداشته، به سوی هدفهای مطلوب رهنمون گردد. عشق کلید تربیت دینی است. کسب فضایل اخلاقی باید به واسطه عشق به خداوند حاصل شود. هیچ تربیت و آموزشی بدون زمینه‌سازی، موفق نیست. اگر مجموعه عناصر و عوامل تأثیرگذار در ارسال یک پیام ارزشی، از وحدت و هماهنگی لازم در عمل برخوردار نباشد، نمی‌تواند موثر واقع شوند و چه بسا آثار یکدیگر را خنثی کنند. کودک متأثر از تمام انگیزه‌های خانوادگی است و رفتار او از این محیط تأثیر می‌پذیرد. والدین به عنوان الگوهای اصلی زندگی کودک، احساسات، علایق، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و حتی منطق قضای و ارزشی خود را به او منتقل می‌کنند و کودک با علاقه و وجد تمام این معیارها را درونی می‌کند و شخصیت در حال تکوین خود را با آن وفق می‌دهد. ارتباط میان کودک و والدین نیرومندترین و قوی‌ترین نوع ارتباط است. بنابراین وقتی محیط سالم و سرشار از عاطفه و محبت باشد، وجدان کودک رشد مطلوب خود را آغاز می‌کند و احساس امنیت در او شکل می‌گیرد.

هدف

هدف اصلی مقاله بررسی تفصیلی نقش خانواده ولزوم اجرای راهکارهای مهم آموزشی در تربیت دینی و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی در جهت دگرگونی در این زمینه است.

مواد و روشها

این مقاله یک مطالعه کتابخانه‌ای بر روی آخرین و جدیدترین مقالات موجود در کتب و سایت‌های مرتبط بوده و با نگاهی اجمالی به نقش خانواده در آموزش تربیت دینی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

خانواده - راهکارهای آموزشی - تربیت دینی



چنین خانواده‌ای نیاموخته، اهل نماز می‌شوند. چیزی که نیاز به آموختن دارد، فصول نماز است نه اصول نماز. غریزه تقلید یکی از غرایز نیرومند و ریشه دار انسان است. اگر این غریزه نبود کودک چگونه می‌توانست بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن و... را فرا گیرد؟

در خانواده والدین به عنوان اصلی‌ترین عضو آن باید در تربیت دینی کودکان تلاش کنند تا متربی از سرشوق و اشتیاق به تجارب درونی دست یابد، به نحوی که خود بتواند فطرت خداجوی خود را کشف کند و تجربه دینی را بطور حضوری شهود نماید. این ممکن نخواهد شد جز با عشق، عشق کلید تربیت دینی است. کسب فضایل اخلاقی باید به واسطه عشق به خداوند حاصل شود. انسان کامل کسی است که بتواند گرایش‌های والای انسانی، همچون کمال طلبی، حقیقت جویی، خداجویی، علم طلبی، عدالت خواهی و... را در خود کشف کند و بپرواند. در حقیقت جمال معنوی است که می‌تواند دل را مهبای کمال سازد. برای شناخت حقیقت می‌توان از عقل و استدلال و نیز دل مدد جست. در گرایش کودکان و نوجوانان به امور دینی و مذهبی عناصر مختلفی نقش دارند. از جمله مهمترین و مؤثرترین این عوامل خانواده می‌باشد. تربیت و آموزش، انتقال اطلاعات نیست بلکه تغییر در جهان بینی است. هیچ تربیت و آموزشی بدون زمینه سازی، موفق نیست. اگر مجموعه عناصر و عوامل تأثیرگذار در ارسال یک پیام ارزشی، از وحدت و هماهنگی لازم در عمل برخوردار نباشد، نمی‌تواند مؤثر واقع شوند و چه بسا آثار یکدیگر را خنثی کنند. عناصر و عوامل تأثیر گذارنده در محیط خانه، مدرسه و جامعه در القای یک ارزش معنوی و رسانیدن پیام و بیان روح مذهبی، اگر عملاً یکدیگر را نفی کنند و یا در برنامه‌ها و اظهار مطالب، هر کدام راه و هدفی متفاوت و مغایر با یکدیگر ببینانند، در ذهن فرد تناقض بوجود می‌آورند و پیام منجر به ایجاد انگیزه، شوق،

با طبیعت آغاز کند. بدین معنا که درباره نظم و زیبایی سخن گفت: سپس رابطه طبیعت را با خدا تبیین کرد، به تدریج که کودک رشد می‌کند می‌توان مفاهیم دینی را بدو آموخت. باید به کودک آموخت که تصور خداوند در هر حالت و هر شکل باید همراه با تقدیس و تکریم باشد.

۲. بعد رفتاری

مربی در خانواده چه در جایگاه پدر و مادر و چه در جایگاه خواهر و برادر باید سعی کند تا در کودک فضایل اخلاقی به ملکات اخلاقی مبدل گردد. برخی از فلاسفه معتقدند که باید فضایل اخلاقی چنان در روح آدمی رسوخ کند که حتی در خواب هم به عمل خلاف نیندیشند و این ممکن نیست مگر آنکه عادات نیک از کودکی در وی پرورش یابد. به همین جهت تربیت را فن تشکیل عادات دانسته‌اند. گرچه برخی از علمای تعلیم و تربیت جدید تشکیل عادات را روشی تلقینی دانسته‌اند آن را مغایر با تربیت می‌دانند، اما اکثر متفکرین تعلیم و تربیت بر این نکته اتفاق نظر دارند که باید تلاش کرد تا از طفولیت، کودک در خانواده خود به عادات نیک خو گیرد و پرورش یابد. داشتن الگو از راهپایی است که کودک می‌تواند به وسیله آن دارای عاداتی نیک و رفتاری پسندیده گردد. گرچه محیط پیرامون آدمی، جامعه، فرهنگ، حکومت و به خصوص مدرسه، تأثیر بسزائی در تربیت دینی و اخلاقی کودک دارد، اما خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. کودکان از سالهای نخستین زندگی خود از طریق الگوپذیری به یادگیری می‌پردازند. علاقه کودک به پدر و مادر و محبتی که از ایشان می‌بیند سبب می‌شود تا به همانند سازی با ایشان همت گمارد. به همین جهت است که رفتار والدین نقش اساسی در تربیت فرزندان خواهد داشت. الگوپذیری کودک از والدین در خانواده بنحو احسن صورت گیرد لذا یکی بودن کردار و گفتار در خانواده مهم می‌باشد. وقتی خانواده‌ای خود را مقیدین صلاه باشند، نونهالان

در تربیت اخلاقی، تربیت دینی از جایگاهی رفیع برخوردار است. تربیت دینی توسط خانواده ها نقش اساسی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی دارد. هدف از تربیت دینی آن است که مربی چه در مقام معلم و چه در مقام والدین شور و شوق فطری کودک را نسبت به جلال و جمال الهی پرورش دهد و از رهگذر آن فضایل اخلاقی را به ملکات اخلاقی مبدل سازد. تربیت عبارتست از: «فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهای شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب. دین در اصطلاح عبارتست از: «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش آنها بکار گرفته می‌شود». با عنایت به تعریفی که از «تربیت» و «دین» به عمل آمده می‌توان گفت تربیت دینی فرایندی است دو سویه میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره‌گیری از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش می‌کند تا شرايطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای خود گام برداشته، به سوی هدف‌های مطلوب رهنمون گردد. تربیت دینی همچون سایر جنبه‌های تربیت مانند تربیت جسمانی، ذهنی، اخلاقی و... فرایندی است دو سویه که باید آموخته و فراگرفته شود، با این تفاوت که این نوع تربیت از سایر انواع تربیت است و باید دقت و ظرافت خاص انجام شود. یادگیری در تربیت دینی دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است که خانواده‌ها در هر بعد وظایف خاصی را بایستی بکار گیرند.

ابعاد یادگیری تربیت دینی

۱. بعد شناختی

خانواده ها نخست باید به کودکان اندیشیدن را بیاموزند. فکر، نخست با احساس آغاز می‌شود. از ترکیب تأثرات حسی، عقل حسی و مفاهیم، و از ترکیب مفاهیم، ادراک عقلانی حاصل می‌شود. خانواده نخست باید آموزش را از آشنایی کودک

اراده و عمل نمی‌شود. اما در این میان، یک نکته مهم و قابل توجه را نباید فراموش کرد که اگر تربیت دینی و مذهبی خانواده‌ای اساسی و ریشه‌ای باشد، فرد تربیت شده می‌تواند در برابر تندبادهای مختلف فرهنگی و اجتماعی مقاومت کند و از مسیر صحیح زندگی خارج نشود. آموزش و پرورش روحیه مذهبی مناسب، ابتدا از خانه شروع می‌شود و خانواده نقش مهمی در انتقال فرهنگ دینی از خود بروز می‌دهد.

۳. آداب و عبادات مذهبی

آداب و عبادات مذهبی چون پاسخی به عالی‌ترین نیازهای معنوی است، اگر بطور طبیعی و با جلب رضایت قلبی ارایه شود، احساس خوشایند را در آنان بر می‌انگیزد و متری آن را براحتی جذب می‌کند، چرا که عواطف و احساسات، مهمترین نقش را در تکوین، رشد و پرورش شخصیت جوان و نوجوان دارند. بدیهی است زمانی که کودکان و نوجوانان در معرض یادگیری و آموزش احکام و عبادات قرار دارند، لازم است برای این موضوع زمینه‌سازی شود تا همراه با آموزش، احساس خوشایند در او ایجاد گردد و به این ترتیب، نتیجه‌ای مطلوب به بار آورد. در اینصورت، تقویت چنین گرایش فطری نیز بسیار آسان و طبیعی خواهد بود. کسب عادات و رفتارهای مذهبی بیش از آنکه متأثر از اندرزها و سخنان والدین باشد، معلول پذیرش رفتار، عواطف و احساسات مرتبط و همراه با مهر و محبت آنان است. با برانگیختن احساساتی خوشایند در حین انجام فرایض مذهبی در کودکان و نوجوانان، زمینه یادگیری رفتارها و احساسات مطلوب فراهم می‌گردد و این نیز به نوبه خود موجب تقویت انگیزه و گرایش به نیایش و ارتباط با پروردگار متعال می‌شود. یادگیری بیشتر رفتارها و گفتارهای کودکان و نوجوانان، براساس مشاهداتی است که نسبت به اعمال والدین دارند و نیز احساسی که فضای ارتباطی خانواده در آنها پدید می‌آورد، در این امر مؤثر است. در کانون خانواده است که

گرایش دینی افراد تقویت می‌شود و خمیرمایه شخصیت مذهبی در آنان تکوین می‌یابد. بسیاری از رفتارها و گرایشهای کودک و نوجوان، از قبیل گرایش به نماز و روزه، شرکت در کارهای خیر و اهمیت دادن به وظایف و تکالیف دینی، غالباً متأثر از تجارب خوشایند تربیتی آنان در خانه و خانواده است. کودکان بشدت نیازمند و تشنه یادگیری هستند و احتیاج به امنیت و آرامش خاطر و اتصال به یک قدرت، رحمت و عطوفت دارند. آوای ملکوتی قرآن و نوای دلنشین اذکار نماز، حتی در دوران بارداری مادر موجب جنب و جوش و شکوفایی گرایش و احساسات دینی در کودک می‌شود. خانواده باید تلاش کند که آموخته‌های مذهبی کودکان با تجارب و احساسات خوشایندی شکل بگیرد. سعه صدر، ابراز احساس خرسندی و روحیه رضایتمندی، گرایش به این احساسات مذهبی را برای کودکان گوارا می‌سازد. مشاهده رفتار اطرافیان (بخصوص والدین) انگیزه‌ای قوی و غنی برای یادگیری و آموزش فرزندان است. وقتی که کودک نسبت به رفتار و نحوه حرکات و حرف زدن والدین و اطرافیان کنجکاو می‌شود، باید توجه داشت که کنجکاو وی بی هدف و بی نتیجه نیست، بلکه متضمن الگوگیری و مشارکت فعالانه او به صورت تجربه‌ای جدید در فرازهای حساس زندگی است. زمانی که نوجوان، الگوهای رفتاری مطلوب خویش را در موقعیتهای و شرایط مختلف زندگی، در رفت و آمدها، میهمانیها و برخورد بستگان و دوستان مشاهده می‌کند احساس شادمانی، شوق و شفع سراسر وجودش را فرا می‌گیرد و عمیقاً نسبت به رفتار آنها کنجکاو می‌شود و از آنان الگو می‌گیرد. مهیا کردن چنین فضایی، بخصوص اگر همراه با مشارکت فعال کودکان و نوجوانان و همسالان آنان باشد برایشان بسیار دلنشین و دلپذیر است و همین امر بتدریج گرایش به امور مذهبی و روحیه اجتماعی را در آنان تقویت می‌کند. بدیهی است هر قدر الگو محبوبتر باشد، یادسپاری رفتار آسانتر می‌گردد. نگاهها و حالات و به سر بردن

در این لحظات، غرق در سرور و شادی می‌شوند و سعی دارند که خود نیز این قبیل رفتارها را با اشتیاق تمام باز آفرینی کنند. پدر و مادر و اهل خانه اگر در رفتارهای خود، به راست گویی، صداقت، عفاف و حجاب، صبر و بردباری و توجه به حساسیت نسبت به اوقات نماز ارج بنهند و در عملکردهای خود ثابت قدم باشند، تاثیرگذاری و درون‌سازی گفتار و رفتارشان به مراتب بیشتر از زمانی است که تنها با گفتار و یا اجبار، فرزندان خویش را به کارهای مذهبی وادار سازند، در حالیکه خود در عمل سهل انگاری می‌کنند. لحظه‌های حساس و پرجاذبه رفتار پدر و مادر در ایجاد فضای دوستانه، صمیمی و دلنشین عاطفی در مواجهه با فرزندان، سبب می‌گردد که آنان بدون زحمت، رفتار مورد علاقه خود را مورد توجه و تقلید آگاهانه قرار دهند. پدر و مادر و اعضای خانواده، اگر توجه داشته باشند که در خانه، سفر یا گردش، در میهمانی و یا در حین کار و بطور کلی در هر موقعیتی به اصول و احکام دینی پایبند باشند و به آن اهمیت دهند، در تلقی و نگرش فرزندان نسبت به فرایض دینی تاثیر مضاعف خواهد داشت.

خانواده و گرایش مذهبی

خانواده‌ها از لحاظ گرایشهای دینی به مذهبی، فاقد مذهب و ضدمذهب تقسیم شده‌اند. خانواده‌های فاقد مذهب و ضدمذهب اساساً به غنی‌سازی پایه‌های اعتقادی فرزندان خود نیازی نمی‌بینند درحالی که خانواده‌های مذهبی برای استحکام و تقویت پایه‌های اعتقادی فرزندان خود راهکارهایی را جستجو، و از این لحاظ احساس وظیفه می‌کنند تا بخشی از حقوق فرزندان خود را تأمین کنند. نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خرمدندی پوشیده نیست. شکوفایی استعدادها و ارزشهای والا بر تعلیم و تربیت مبتنی است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی، همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است. شهید مطهری معتقد است که تعلیم و تربیت،

وسیله افراد خاصی در نهادهای آموزشی انجام شود. محیط مدرسه جایی است که شخصیت دینی و مذهبی فرد پس از خانواده در آن شکل می‌گیرد. مدرسه ابتدایی بیش از دیگر نهادهای آموزشی در تربیت دینی متربی مؤثر است؛ زیرا متربی در این مرحله از زندگی، گیرنده است و هر چه به او القا شود، می‌پذیرد. در محیط مدرسه، نه تنها معلم و مربی در تربیت دانش آموز مؤثرند، بلکه سایر کارمندان و مسؤولان و فضای آموزشی نیز بر ابعاد تربیتی او تأثیر می‌گذارند. دو نهاد خانه و مدرسه مکمل یکدیگرند، بر هم تأثیر متقابل دارند و هر یک نقش خاصی در تربیت کودک ایفا می‌کند.

۲- غیر رسمی:

این نوع از تربیت دینی در قالب دو نهاد خانه و جامعه بدون طرح و برنامه پیشین انجام می‌گیرد. پس از خانه و مدرسه، جامعه ای که کودک در آن زندگی می‌کند به عنوان یک عامل مؤثر در تربیت دینی وی ایفای نقش می‌کند؛ زیرا کودک تمامی آداب و رسوم اجتماعی و بیش‌تر نگرش‌های دینی و مذهبی را از اجتماع فرامی‌گیرد. اگرچه در زمینه تربیت دینی کودک در جامعه، طرح و برنامه ریزی قبلی پیش‌بینی نمی‌شود، ولی آنچه در جامعه می‌گذرد، اعم از فرهنگ عمومی مردم، روابط اجتماعی، مسائل سیاسی و برداشت‌های دینی، بدون شک، بر ابعاد جسمی و روحی متربی تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، اگر فضای حاکم بر اجتماع و محل زندگی فضای دینی و معنوی باشد و هر روز برنامه‌های نماز جماعت و دیگر مراسم دینی و مذهبی در آن برقرار شود، کودکی که در چنین جامعه ای پرورش می‌یابد به احتمال بسیار قوی، متدین خواهد بود. به عکس، در جوامع آلوده به انواع انحرافات و بی بند و باری‌های فکری و عملی بعید است افراد صالح و متعهد به ارزش‌های دینی و اسلامی پرورش یابند.

نیز متولد شد و همواره پیامبرانی به کار هدایت و راهنمایی انسانها مشغول بوده‌اند. پرستش نیز در ذات و نهاد آدمی نهفته و جبلی و فطری اوست؛ ریشه و منشأ واقعی مذهب همان فطرت و سرشت انسان می‌باشد. از نظر علمای مذهبی، دین نه تنها در اصلاح فرد و جامعه تأثیری عمیق دارد بلکه تنها وسیله سعادت و نیکبختی است. به نظر آنها جامعه‌ای که به دین پایبند نباشد، واقع بینی و روشنفکری را از دست می‌دهد و عمرگرا نمایه را در گمراهی و ظاهر بینی می‌گذراند؛ عقل را زیر پا گذاشته، چون حیوانات کوتاه نظر و بی‌خرد زندگی می‌کند؛ دچار زشتی اخلاقی و پستی کردار می‌شود؛ و بدین ترتیب از امتیازات انسانی محروم می‌شود. یکی از مباحثی که امروزه حوزه وسیعی از مسائل تعلیم و تربیت را به خود اختصاص داده، تأثیر متغیرهای محیطی بر شکل‌گیری شخصیت است. از جمله این متغیرهای محیطی دین و آموزش‌های دینی معرفی شده است.

تحقیقات فراوان نشان داده است که دین و مذهب می‌تواند نقش سازنده‌ای در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان ایفا کند و مهم‌تر از آن اینکه این تحقیقات بر نقش مثبت دین در بهداشت روانی انسان صحه می‌گذارد. تربیت دینی که با آموزش‌های محیطی قابل اجراست به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله مهمترین آنها و در درجه نخست به علاقه‌مندی والدین و حسن ظن آنها به دین و اعتقادات مذهبی بستگی دارد. در نتیجه نقش خانواده در تربیت دینی، اساسی و مهم است.

انواع تربیت دینی

تربیت دینی در مقام اجرا، به دو شکل رسمی و غیر رسمی در قالب نهادهای آموزشی رسمی، خانه و جامعه انجام می‌گیرد و هر کدام نقش اساسی در تدین فرد دارد.

۱- رسمی

«تربیت دینی رسمی» این است که تربیت دینی با برنامه ریزی مدون و از پیش تنظیم شده به

بحث ساختن افراد انسانهاست. یک مکتب که دارای هدفهای مشخص است و مقررات همه جانبه‌ای دارد و به اصطلاح، سیستم حقوقی و سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد؛ یعنی مکتبی که می‌خواهد در مردم طرح‌های خاص اخلاقی، اقتصادی و سیاسی را پیاده کند بالاخره اینها را برای انسانها می‌خواهد؛ اعم از اینکه هدف فرد باشد یا جامعه. با توجه به تعاریف ارایه شده، آموزش یکی از ارکان تربیت است؛ آموختن انواع رفتارها و اعمال، نگرشها و تفکرات، اعتقادات و باورها. پس در تعلیم و تربیت می‌توان از مربی و متربی، معلم و متعلم سخن گفت. معلم و مربی عرضه کننده، و متربی و متعلم دریافت کننده چیزی است که باید آموخته شود. مواد آموزشی نیز در این میان جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین در تعلیم و تربیت با سه رکن سروکار داریم که می‌توان آنها را مانند سه رأس مثلث در نظر گرفت که معلم یک رأس، متعلم رأس دیگر و مواد آموزشی نیز رأس دیگر آن است. البته در بین این سه رکن تعاملات مختلفی در جریان است که در بحثهای تخصصی تعلیم و تربیت مشروحاً بدانها پرداخته می‌شود. مانند انواع روشهای آموزشی و یا استفاده از وسائل کمک‌آموزشی.

زمانی که این نظام و مواد آموزشی توسط دین عرضه می‌شود، می‌توان از تعلیم و تربیت دینی سخن گفت که در طی آن پیروان یک دین با دستورالعملها و احکام و مقررات دینی آشنا شده، آنها را اجرا می‌کنند؛ چیزی که از آن به شعائر تعبیر می‌شود. شعائر، اعمال مخصوصی است که فرد دیندار برای خشنودی خداوند انجام می‌دهد. رفتار دینی که در قالب شعائر است یکی از پیچیده‌ترین رفتارهای انسانی است که تا مدت‌ها مورد توجه جدی دانشمندان علوم انسانی قرار نمی‌گرفت. البته به نظر می‌رسد که این رویکرد در حال تغییر است.

تاریخ آفرینش انسان نمایانگر این واقعیت است که همزمان با آفرینش انسان بر روی زمین دین

اهمیت تربیت دینی در خانواده

الف: جنبه فردی

فردی که هم در دنیا سعادتمند باشد و هم در آخرت. چنین افرادی لایق مقام شامخ پدری هستند نه هر کس که بر اساس هوی و هوس فرزندی را بوجود آورده و او را رها سازد. وقتی که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: ((بهشت زیر پای مادران است.)) این بدین معناست که پدری و مادری که واقعاً وظیفه پدری و مادری را به جا آورده باشند نه اینکه هر پدر و مادری که بچه‌ای را به دنیا آورده و او را مانند گوساله رهایش سازند. آیا این کودک معصوم قبلاً از شما تقاضای وجود کرده است که او را بوجود آورده و رهایش سازید. پس اکنون که اینگونه نیست پس در تربیت او نیز کوشا باشید.

ب: جنبه اجتماعی

بعلاوه موارد بالا پدران و مادران در برابر اجتماع نیز مسؤولند. کودکان امروز زنان و مردان آینده خواهند بود و جامعه فردا از همین افراد تشکیل خواهد شد. هر درسی را که امروز فراگرفته‌اند، فردا پس خواهند. اگر تربیت درستی داشته باشند جامعه فردا جامعه سالمی خواهد بود. اگر کودکان امروز غلط تربیت شوند اجتماع آینده نیز فاسدتر خواهد بود.

کودکان امروز پدران و مادران فردا خواهند بود، آنان هر چه را که امروز فرا گرفته‌اند فردا پس خواهند داد. پدران و مادرانی که فرزندان صالح پرورش می‌دهند نه تنها به فرزندان خود و اجتماع کمک کرده‌اند، خودشان نیز از وجودشان در این جهان بهره‌مند خواهند بود. بنابراین کسانی که پدر و مادر می‌شوند. مسؤولیت بسیار سنگینی بر عهده دارند و در برابر خداوند و فرزندان‌شان مسؤول هستند، اگر درست انجام وظیفه کردند بزرگترین خدمت را به آنها کرده‌اند و اگر کوتاهی کردند، هم خودشان و هم جامعه متضرر خواهند بود.

راهکارهای تربیت دینی

الف - تفاهم بین والدین

فعالیت‌های تربیتی زمانی ثمربخش‌تر است که ثبات و آرامش بیشتری موجود باشد. یکی از راه‌های ایجاد ثبات و آرامش در خانواده، تفاهم اعتقادی بین والدین است. رابطه بین اعضای خانواده (همسران باهمدیگر و والدین با فرزندان) که از آن به جو یا بافت عاطفی خانوادگی تعبیر می‌شود در انتقال مفاهیم تربیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است. تحقیقات روانشناسان اجتماعی، آسیب‌شناسان روانی، آسیب‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان همگی بر این نکته مهر تأیید می‌زنند که کژرفتارها و انحرافات اجتماعی در انسان‌ها تا اندازه زیادی ریشه خانوادگی دارد و حتی یکی از راه‌های پیش‌بینی رفتارهای بزهکارانه را روابط خانوادگی دانسته‌اند. رابطه بین زن و شوهر بر بهداشت روانی مجموعه خانواده تأثیر می‌گذارد و در این مجموعه فرزندان شکننده‌ترند. در محیط گرم و دوستانه خانوادگی که در آن پدر، مادر و اعضای دیگر خانواده دارای روابطی دوستانه و صمیمانه‌اند، معمولاً کودکانی شاد، سالم، با شخصیتی فعال و مثبت و مستقل بار می‌آیند که بازتاب عشق و علاقه خانوادگی را به صورت محبت و کمک به دیگران نشان می‌دهند. برعکس در محیط‌های خانوادگی از هم پاشیده و زندگی در محیط‌های آلوده و منحرف کننده، عدم مراقبت و بی‌توجهی والدین به تربیت فرزندان، اساس ناهنجاری‌ها را در آنها پایه‌ریزی می‌کند که این امر در نوجوانی و جوانی شدت و حدت بیشتری پیدا می‌کند.

ب - بعد الگویی خانواده

اسلام به روش الگویی بسیار تکیه دارد و در ترسیم برنامه تربیتی همواره به این فن به عنوان شیوه‌ای بسیار مؤثر نگاه کرده و یکی از مکانهای کاربرد آن را خانواده‌ها دانسته است. رفتار و اعمال والدین خواه ناخواه در فرزندان تأثیر می‌گذارد. فرزندان با چشمانی تیزبین به رفتار و گفتار والدین توجه می‌کنند. والدین در انتقال ارزش‌ها نقش الگو را به عهده دارند. دلایل

متعددی وجود دارد که کودک برای فراگیری ارزش‌ها و رفتارهای والدین برانگیخته شود. کودک با رفتار کردن شبیه والدینش، مهر و محبت آنها را حفظ و از تنبیه و سرزنش آنها پرهیز می‌کند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که عمل الگو بسیار تأثیرگذارتر از بیان الگوست. بنابراین اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی باشند.

ج - جدیت و منظم بودن

آموزش دینی، جدی است؛ بنابراین به نظم و جدیت نیاز دارد. کودک باید پی ببرد که هرآنچه به دین مربوط است از ارزش و احترام برخوردار است. پس باید در برابر آن خاضع و خاشع بود. این اهمیت و جدیت در خانواده باید عملاً برقرار شود.

د - تشویق تفکر و اندیشه

تفکر در آموزش‌های اسلامی یکی از فعالیت‌های بسیار ارزشمند تلقی می‌شود. تعلیم و تربیت مذهبی باید به گونه‌ای باشد که انسان را به سمت زیبایی‌های اصیل و ماندگار و جاودان هدایت کند. فرزندان را به سمت زیبایی‌های الهی و قرآنی بکشاند که پیامبر (ص) و ائمه (ع) الگوهای کاملی از این گونه زیبایی‌ها قلمداد می‌شوند. بنابراین به کودکان و نوجوانان باید آموخت که درباره پدیده‌های پیرامون خود بیندیشند و هرچیز را خام و ندانسته قبول نکنند؛ تلاش کنند به عمق معانی و مفاهیم رجوع کنند، رفتارها را در نظر بگیرند؛ سؤال کنند و همواره در جهت ارتقا و افزایش دانش و اطلاعات خود باشند. البته در این میان نباید از نقش مشوق‌های والدینی غافل شد. صبر، حوصله و دانش والدین در این میان بسیار اساسی است که فرزندان بتوانند در این جهت قرار بگیرند.

هـ - استفاده از جاذبه‌ها

جدای از مفاهیمی که می‌توان در زمینه آراستگی و فلسفه آن و معانی مختلف آن ذکر

نیاز را در جمع دوستان بیشتر فراهم شده می‌بیند. والدین می‌توانند از این عنصر در جهت مثبت استفاده کنند و با فراهم آوردن زمینه‌های تشخیص‌طلبی، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌خواهی در امور، نوجوان را جذب کنند. والدین می‌توانند در جمع‌های خانوادگی به طور غیرمستقیم به ارزش‌های مذهبی اشاره کنند و کسانی را که از آنها پیروی می‌کنند ستایش کرده، افراد معروف و محبوب و شناخته‌شده‌ای را که از ارزش‌های مذهبی پیروی می‌کنند، معرفی نمایند. سپس به فعالیت‌های مذهبی کودک و نوجوان خود پرداخته، آنها را بسیار کوتاه و گذرا برای حاضران تشریح کنند.

ط - کنترل‌های غیرمستقیم

مراقبت از برنامه‌های مذهبی کودک و نوجوان، تذکر بموقع و واداشتن آنان به این امور، لازم و حتمی است. در عین حال باید توجه داشت که این کنترل‌ها هر اندازه غیرمستقیم‌تر و هنرمندانه‌تر باشد، مفیدتر است و احتمال گرایش نوجوان را بیشتر می‌کند.

آسیب‌های تربیت دینی:

آسیب شناسی تربیت دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقادات و باور دینی و آگاهی و معرفت دینی و یا رفتار عملی، در اندیشه و عملکرد جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است وارد شود. این آسیب‌ها می‌تواند عوامل و منشاءهای گوناگون داشته باشد ولی عموماً در دو بعد ظاهر می‌شود بعد اول مربوط به عقاید و معرفت دین‌شناسان و یا مدعیان دین‌شناسی و بعد دیگر مربوط به عمل و رفتار دینداران و یا متظاهران به دینداری است. افراط یا تفریط جزو یکی از آسیب‌های مشخص در تربیت اسلام است که در تمامی جوانب و حوزه‌های اندیشه و رفتار دینی قابل ظهور است. تاکید به میانه‌روی و اعتدال در هر میلی و خودداری از فرو افتادن در لغزشگاه افراط و تفریط، از مهمترین توصیه‌های تربیت دینی است.

کرد باید اذعان کرد که آراستگی ظاهر می‌تواند در جذب افراد به سمت رفتارهای خاص مؤثر باشد.

و - تمرین و تکرار

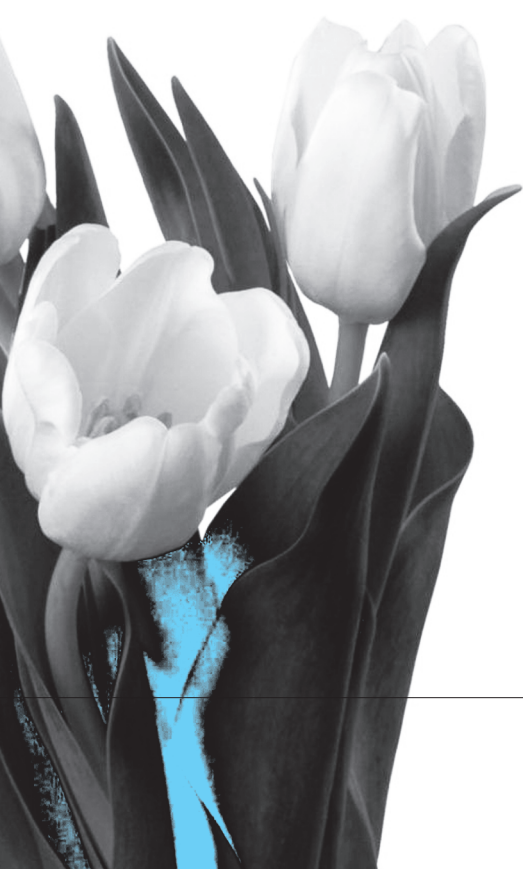
مفهوم تکرار در یادگیری از اهمیت خاصی برخوردار است. تمرین و تکرار موجب کسب مهارت در یک زمینه و باعث ایجاد عادت و ملکه رفتاری است. در قرآن کریم برخی از مسائل اساسی و مهم، همانند اصول اعتقادی و امور غیبی که این کتاب آسمانی می‌خواهد آنها را در اذهان مردم جا بیندازد مثل توحید، ایمان به غیب، رستاخیز و... از شیوه تکرار استفاده شده است. تمرین و تکرار موجب کسب مهارت در یک زمینه و باعث ایجاد عادت و ملکه رفتاری است. در قرآن کریم برخی از مسائل اساسی و مهم، همانند اصول اعتقادی و امور غیبی که این کتاب آسمانی می‌خواهد آنها را در اذهان مردم جا بیندازد مثل توحید، ایمان به غیب، رستاخیز و... از شیوه تکرار استفاده شده است.

ز - ایجاد رابطه عاطفی

برقراری رابطه صمیمانه و محبت برای الگو لازم است. ایجاد صمیمیت و رابطه محبت‌آمیز باعث می‌شود فرزندان از والدین و درخواست‌های آنان پیروی کنند؛ زیرا می‌ترسند که در غیر این صورت عشق و علاقه آنان را از دست بدهند. بنابراین با استفاده از علایق خانوادگی، اعلام جهت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف و گاهی نیز استفاده توأمان از مهر و قهر می‌تواند بسیار مفید باشد.

ح - استفاده از زمینه‌های تشخیص‌طلبی

هر جا که این عامل قدرتمند اجتماعی موجود باشد گرایشهای افراد نیز به همان سمت خواهد بود. بنابراین اگر مشاهده می‌کنیم که گرایش نوجوانان به سمت همسالانی است که برای نظریات و عقایدشان احترام قائل هستند و نوجوانان آنها را بر اعضای خانواده ترجیح می‌دهند، نباید تعجب کرد زیرا نوجوان این



۱) ریاکاری و ظاهرسازی

یکی از آسیب‌های مسلم در تربیت دینی، ظاهرسازی و ریاکاری است که در حوزه مربوط به آموزش و پرورش رسمی در نتیجه ضعف در بعد عملی و درک صحیح معرفت دینی در مجموعه فعالیت‌های آموزشی و متون درسی دینی و قرآن، فراهم می‌گردد و منجر به فراهم نمودن زمینه ظاهرسازی در تربیت دینی خواهد شد. عدم شناخت صحیح مربی و دست‌اندرکاران مستقیم در امر تربیت دینی باعث خواهد شد که مربی بدون معرفت عمیق، تنها به یادگیری ظاهری و طولی‌وار و انجام مناسک و آداب دینی سطحی مورد نظر مربی اقدام نماید. پس یکی از عوامل بسترسازی ریا و تظاهر، در تربیت دینی به ضعف و نقص در معرفت دینی مربوط می‌شود. الزام، اجبار و فشارهای اجتماعی از دیگر عوامل این انحراف محسوب می‌گردد. روح دین و تربیت دینی بر آزادی عمل استوار است و تاکید مسلم دین به کسب ایمان توأم با عمل صالح است. پس اجبار واکراه نمی‌تواند منجر به ایمان و تربیت دینی گردد. با اینکه اجبار واکراه دارای نتایج فوری و بعضاً رضایت‌بخش برای مربیان است و به زعم آنها ظاهر دانش‌آموزان از لحاظ دینی مناسب می‌کند، اما می‌تواند زمینه انحراف در تربیت دینی را نیز فراهم نماید. اعتقاد دینی و رفتار دینی می‌بایست جان و روح فرد را فرا بگیرد و در اصل، ایمان دینی به دل و روح انسان برمیگردد، لذا هرگونه رفتاری که خالی از درک صحیح معرفت دینی باشد نمی‌تواند مورد تأیید دین باشد. اجباری نمودن آداب و مناسک دینی چون نماز جماعت، الزام و اجبار چادر و فشارهایی از این قبیل که بعضاً نیز با امتیازهای ویژه اجتماعی همراه می‌گردد، فرد را به این تفکر سوق می‌دهد که برای به دست آوردن امتیازهای ویژه در قبال انجام آداب و مناسک دینی، مبادرت به اعمال مورد پذیرش و خشنودی مربی کند و در نتیجه زمینه تظاهر و استفاده ابزاری از دین فراهم می‌گردد. پس تشویق‌هایی که به صورت انحصاری بر انجام آداب

و مناسک صورت گیرد و فهم و بینش فرد نسبت به آنها لحاظ نگردد، یکی از آسیب‌های مشخص و معین در تربیت دینی و نظام تعلیم و تربیت رسمی مابه‌عنوان جامعه دینی محسوب می‌شود. اگر در امر تربیت دینی، به آداب و مناسک دینی اهمیت اول و اساسی داده شود و معرفت و بینش سطحی عرضه شود، فرد با چنین ضعف معرفتی، انگیزه عمیق و درونی متقنی برای انجام احکام و آداب دینی نخواهد داشت و به ریا و تظاهر کشانده خواهد شد لذا اکتفا نمودن صرف به تأمین صورت ظاهر در مناسک دینی؛ تربیت دینی محسوب نمی‌گردد. همانطور که در فصول قبلی اشاره گردید، ایمان بیشتر با قلب، درون و احساس مرتبط است و واضح است که در تربیت دینی، می‌بایست آداب و معارف دینی، بر روح و قلب مربی چنگ زده و از درون فرد را به تحول بکشاند. پس در تربیت دینی باید بستر برای جذب عاطفی، قلبی و درونی فرد نسبت به دین مهیا شود و در این راستا و ناظر به همین تحول درونی است که فرد با اختیار و آگاهی لازم، به رفتارهای آشکار بیرونی و عمل صالح مبادرت می‌ورزد تکرار لفظ ایمان و عمل صالح در آیات الهی ناظر به آن است که هر کدام بدون دیگری ناقص و ناتمام است. تربیت دینی در شکل صحیح و سالم آن، باید در پی آن باشد که ایمان و عمل در پیوند با یکدیگر از فرد صادر شود و با ایجاد معرفت مناسب نسبت به آموزه‌های دینی، زمینه تبلور انتخاب و اراده آزاد را در فرد فراهم نماید چرا که در غیر این صورت بکار بردن لفظ ایمان برای انجام آداب ظاهری و بدون معرفت، صحیح نیست. با جمع‌بندی کلیه مطالبی که در باب ایمان و تربیت دینی قبلاً اشاره گردید درمی‌یابیم فردی متدین است که دارای چهار ویژگی باشد: اعتقاد، تجربه درونی، التزام درونی، و عمل.

۲) سهل‌انگاری و قصور والدین نسبت به تربیت دینی فرزندان

یکی از مهمترین عوامل آسیب‌پذیری تربیت

دینی نوجوانان و جوانان خصوصاً در عصر حاضر، معلول سهل‌انگاری و در پی گرفتن شیوه بی‌تفاوتی بیش از حد خانواده‌ها در تربیت دینی فرزندان می‌باشد. امروزه پرداختن والدین به رفع تنگنایهای اقتصادی، دغدغه نان و لباس و تحصیل فرزندان و و عدم استفاده از روش‌های صحیح آموزش و تربیتی و سستی بعضی خانواده‌ها در ارزشهای اخلاقی و دینی، نقش نهاد خانواده را در تربیت دینی کمرنگ نموده است.

۳) نارسایی و ناکارآمدی کانون‌ها و نهادهای دینی جامعه

یکی دیگر از عوامل آسیب تربیت دینی را می‌توان ضعف کانونهای دینی در ابلاغ پیام صحیح دین به جامعه دانست آیا حقیقتاً نهادهای دینی در عصر حاضر، متناسب با نیازهای دینی نسل نوجوان و جوان گام برداشته‌اند؟

مؤلفه‌های مهم تبلیغ رسای دینی

- الف) مجهز شدن به زبانهای زنده دنیا
- ب) آگاهی از دانش روز
- ج) استفاده از شیوه‌های هنری در تبلیغ
- د) بیان دین به صورتی شیوا، دلنشین و زیبا
- ح) ارایه عقاید استوار و بیان آن با زبان مناسب
- و) ارایه مطالب صحیح و مستند حتی برای کودکان
- ز) اولویت سنجی
- چ) رعایت اعتدال و خودداری از افراط در تبلیغ و گرایش صرف به یک جنبه سیاسی اخلاقی
- ط) هنر لحظه‌شناسی
- ی) تعلیم مسایل و ارزشهای مورد نیاز زمان بر اساس واقعیات دنیای کنونی
- ک) آگاهی از شبهه‌های احتمالی و پاسخ متقن به عقاید و معارف انحرافی و باطل

۴) عدم پاسخگویی کامل به نیازها و مشکلات نسل نوجوان و جوان

عدم پاسخگویی به موقع و کامل به خواسته‌ها

متولیان جامعه اسلامی از همدیگر در دنیا خواهی، زیادت طلبی و کسب مقام و موقعیت باشد، در وهله اول از حاکمان اسلامی و در نهایت از دین تصویری غلط برداشت خواهد نمود و در نگرش، درک و التزام اعمال و آداب دینی که از اهداف کلی تربیت دینی است تردید و شبهه خواهد نمود. بدیهی است عدم مشاهده رفتارهای عینی در مربیان و متولیان جامعه دینی از سوی مربیان نوجوان و جوان می‌تواند در هر سه جنبه از اهداف شناختی (مجموعه معارف و اعتقادات دینی)، اهداف عاطفی (تقید و پایبندی به ارزشهای دینی) و اهداف رفتاری و عملی (عمل به آداب و فرائض دینی)، ایجاد اشکال و اختلال نماید.

۹) تهاجم فرهنگی، آسیب بیرونی تربیت دینی
تا اینجا اغلب عوامل ذکر شده آسیب‌رسان به تربیت دینی را می‌توان آسیب‌های درونی دانست. اما تهاجم فرهنگی دشمن آسیب بیرونی است. تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است. تبادل فرهنگی امری مثبت لازم و گاه ضروری است و هیچ ملت و تمدنی نمی‌تواند از تبادل و تعامل فرهنگی بی‌نیاز باشد. در بستر تاریخ همیشه این تبادل فرهنگی وجود داشته و ملت‌ها در کنار تبادل و تعامل اقتصادی به فراگیری زبان، آداب و رسوم و حتی معارف دینی از یکدیگر پرداخته‌اند. ترویج ادیان الهی و مذاهب نیز از مقوله همین تبادل و ارتباط فرهنگی بوده است. از مشخصات بارز تبادل فرهنگی این است که جامعه و ملتی با رغبت و بدون الزام و اکراه غیر، گیرنده فرهنگ مورد علاقه از ملتی دیگر است. در حقیقت ملت‌ها با این شیوه فرهنگ خود را کامل می‌نمایند. در تهاجم فرهنگی سخن بر سر این است که ملت و جامعه‌ای فرهنگ خود را برتر و کامل‌تر از فرهنگ‌های دیگر دانسته و با انواع و اقسام روشها، سعی در تسلط بر فرهنگ‌های دیگر داشته باشد. امروزه قدرتهای استکباری و سلطه‌گر جهانی به خوبی دریافته‌اند که آن

بر خوردهای تند و افراطی بعضی از خانواده‌ها و دست‌اندرکاران کانون‌های دینی نوجوانان و جوانان را از دین و مظاهر دینی مأیوس و ذهن آنان را نسبت به دین و امور دینی مخدوش می‌نماید و چه بسا برخوردهای ناسنجیده برای همیشه جوانان و نوجوانان را از دین و معارف دینی گریزان نماید.

۷) برداشتها و تفاسیر غلط و استفاده ابزاری از دین

یکی دیگر از عوامل مؤثر در آسیب‌رسانی به تربیت دینی، برداشتهای ناصحیح، غیر منطقی و سست و ارایه نادرست آن به جامعه و تعلیم و تربیت نسل نوجوان و جوان است. برداشتها و تفاسیر غلط، گاه از جانب افرادی است که بدون داشتن تخصص و اهلیت لازم در درک صحیح دین، در جامعه به ارایه دیدگاه‌ها و تفاسیر دینی اقدام می‌کنند و به عمد و یا سهو در فهم و درک معارف حقه دین، ایجاد اختلال می‌کنند در پاره‌ای مواقع، اینچنین تلقی ناصحیح از دین رنگ و صبغه سیاسی داشته و با انگشت اشاره مستقیم و غیرمستقیم معاندین صورت می‌پذیرد و عموماً مخاطبین این ارایه غلط سیاسی و هدفدار از معارف دینی، قشر حساس و غیرمطلع نوجوان و جوان جامعه است. از سوی دیگر گاهی برداشت و ارایه ناصحیح معارف دینی از جانب اصحاب دین و کانونهای دینی است که بدلیل بعضی اندیشه‌ها و تفکرات خشک و غیرمعقول از دین در چنبره احتیاط‌های غیرضرور و سنتهای غلط گرفتارند و با عدم درک مقتضیات زمان و جمود فکری، برداشتهای غیرواقعی از دین عرضه می‌کنند که حقیقت دین با آن بیگانه و ناسازگار است و نتیجه آن چیزی جز جدایی افراد خصوصاً جوانان از دین و دیانت نخواهد بود.

۸) عدم تطابق و تضاد میان قول و رفتار دینی و سیاست زندگی متولیان جامعه دینی :

اگر جوان علیرغم تبلیغ و اهمیت دین بر ارزشهایی چون زهد و پارسایی شاهد سبقت

و نیازهای به حق نسل نوجوان و جوان می‌تواند منشاء مشکلات متعددی باشد که از مهمترین و حساسترین آن در جامعه دینی القاء ضعف و ناکار آمدی دین در اداره جامعه است و این همان ادعا و شبه خطرناک دشمنان دین و در مقابل بزرگترین وظیفه متولیان و مسؤولان جامعه دینی است که باید عملاً به اثبات آن بپردازند.

۵) عدم پاسخگویی لازم به پرسش و شبهات دینی نوجوانان و جوانان

یکی از مهمترین مشکلات سنین نوجوانی و جوانی بحران هویت است در بحران هویت نوجوان شدیداً دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است به صورتی که نمی‌تواند جنبه‌های مختلف شخصیت خویش را در یک خویشتن قابل قبول و هماهنگ سازمان دهد شک و تردید یکی از عوارض بحران هویت است و در عین حال که جزء لاینفک هویت‌یابی است اما توقف در شک و تردید و بدون پاسخ گذاشتن سؤالات خصوصاً شبهات دینی می‌تواند زمینه آسیب دینی را در تربیت مذهبی نوجوان ایجاد نماید.

بنابراین ضروری است با حوصله، متانت و در حد فهم و احساس، ضمن پاسخ به تردیدشبهات، نوجوانان را به منش و فهم صحیح دین سوق دهیم و آنها را در برابر سیل هجوم شبهات انحرافی و تهاجم دینی و فرهنگی معاندین حفظ کنیم

۶) عدم درک واقعیات دوره نوجوانی و جوانی و به تبع، برخوردهای ناصحیح با آنان

فرایند بلوغ یکی از بحرانی ترین دوران زندگی هر فرد است. تمایلات و خواهش‌های متضاد، تمایل به تنهایی، استقلال طلبی، حساس بودن، ناپختگی شخصیتی،... عموماً از مشخصه‌های این دوران محسوب می‌شود. «روسو» دوره بلوغ را تولد مجدد و ثانوی می‌داندست. «استانلی هال» که به پدر روانشناسی بلوغ معروف است این مرحله را دوران فشار و طوفان می‌نامد. عدم توجه به ویژگی‌های دوران جوانی و واکنش‌ها و

حقیقتی که می‌تواند در مقابل توسعه و تجاوز آنها مقاومت کند، انسانهای پاک و با ایمان و افراد معتقد به ارزشهای الهی هستند که بر اصول و اعتقادات خود پای می‌فشارند. بدون شک، تهاجم فرهنگی از واقعیات مسلم جامعه ماست. هر چند با گسترش تکنولوژی ارتباطات، معضل تهاجم فرهنگی مخصوص کشور ما نیست بلکه مسأله‌ای جهانی شده و حتی کشورهای غیرمسلمان در صدد چاره‌اندیشی و مقابله با آن برآمده‌اند. اما این واقعیت در کشورهای مسلمان و کشور ما ابعاد و جلوه‌های بیشتری دارد. یکی از جلوه‌های تهاجم در عرصه تربیت دینی، شبهه افکنی و شبهه‌سازی در حوزه فرهنگ و اعتقادات دینی است که به نوبه خود یکی از خطرناک‌ترین تهاجم به شمار می‌رود. شک، تردید و شبهه در مبانی دینی، ایجاد ذهنیت و بدبینی نسبت به کانونها و نهادهای مقدس دینی، اشاعه اباحه‌گری، رواج فساد اخلاقی، اعتیاد، ورود و پخش فیلم‌ها و نوارهای مبتذل، سایت‌های فسادآور اینترنتی، کتاب‌ها و نشریات اغوا کننده در سایه آزادی بیان و اندیشه، همگی از جلوه‌های این تهاجم علیه اعتقادات و ارزش‌های دینی است. بدون شک یکی از کاراترین ضربه‌ها به تعلیم و تربیت بویژه تربیت دینی، همین تهاجم همه جانبه فرهنگی علیه ایمان و منش مذهبی نوجوان و جوانان است و مقابله و دفاع در مقابل این هجمه نیاز به آمادگی و توان همه نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه دارد. ارایه تعابیر و تفاسیر التقاطی از اسلام، تزلزل ایمان، امید و اطمینان، اختلاف افکنی میان گروه‌ها، جناح‌ها و اقوام، ضعیف جلوه نمودن کارایی دین در اداره جامعه، و ایجاد روحیه یاس و ناامیدی نسبت به آینده در تسریع اثرات این تهاجم، مدنظر دشمنان دین و دیانت می‌باشد.

نتیجه‌گیری

بجاست که خانواده‌ها با الهام از فرهنگ غنی اسلام و احکام و تعلیم آن به تربیت صحیح فرزندان مراقبت و تربیت نیاز دارد و این جز

از طریق عمل صالح و تأدب به آداب شریعت و پرهیز از عوامل غفلت‌زا میسر نخواهد شد. خانواده به عنوان رکن اساسی تربیت، نقش بسیار مهمی در کمک به رشد و تربیت کودکان ایفا می‌کند، این امر به ویژه در اولین سال‌های زندگی که تجربه‌های اولیه کودک در حال شکل گرفتن است، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری است و اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری کانون خانواده است. بسیاری از مهارت‌ها در نخستین سال‌های زندگی فراگرفته می‌شوند. در اصل خانه و خانواده پایه‌های اجتماعی شدن و ساختار شخصیت کودک را بنیان می‌گذارند. ایفای نقش پدر و مادر به عنوان عامل پرورشی در چارچوب خانواده شرط استقرار شخصیت سالم کودک خواهد بود. از خانه و خانواده است که می‌توان پیرامون محور روانی کودکان نخستین نصف‌النهارهای شخصیت را ترسیم کرد، چرا که ساختن انسان در دوران کودکی بسیار آسانتر از زمان بزرگسالی است. طبع لطیف و زمینه مساعدی که کودک در محیط خانواده دارد، بهترین شرایطی است که می‌توان شایسته‌ترین بذره‌های تربیتی را پرورش داد. کودک متأثر از تمام انگیزه‌های خانوادگی است و رفتار او از این محیط تأثیر می‌پذیرد. والدین به عنوان الگوهای اصلی زندگی کودک، احساسات، علایق، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و حتی منطق قضای و ارزشی خود را به او منتقل می‌کنند و کودک با علاقه و وجد تمام این معیارها را درونی می‌کند و شخصیت در حال تکوین خود را با آن وفق می‌دهد. ارتباط میان کودک و والدین نیرومندترین نوع ارتباط است. بنابراین وقتی محیط سالم و سرشار از عاطفه و محبت باشد، وجدان کودک رشد مطلوب خود را آغاز می‌کند و احساس امنیت در او شکل می‌گیرد. وجود آرامش و اطمینان خاطر در خانواده و حسن معاشرت والدین با فرزندان و با یکدیگر ضمن آنکه زمینه اجتماعی شدن را در کودک

آماده می‌کند، بزرگترین درس تربیتی را نیز که همان شیوه برخورد و ارتباط صحیح اجتماعی است، به کودکان می‌آموزد. خانواده در رشد اخلاقی کودک نیز سهم مهمی دارد. رفتار والدین اولین الگوی اخلاقی برای کودکان محسوب می‌شود، آموزش عملی دستورات اخلاقی پسندیده به کودک و بازداشتن مناسب او از ارتکاب کارهای زشت و ناپسند در رشد اخلاقی کودک حائز اهمیت فراوان است. اخلاقی بودن والدین و روابط بهنجار آنان با یکدیگر و با کودک عامل مهم تکوین شخصیت اوست. نوع رابطه‌ای که کودک در محیط خانواده با والدین برقرار می‌کند، اساس و پایه روابط بعدی او با دوستان، همکاران و خانواده‌ای که بعدها تشکیل خواهد داد، قرار می‌گیرد. در ضمن این روابط است که کودک به هویت و ارزش خود پی می‌برد و توانایی برقراری ارتباط با دیگران را کسب می‌کند. با توجه به این مسائل است که می‌توان ادعا کرد، خانواده خمیرمایه شخصیت انسان را شکل می‌دهد و نگرش‌ها، رغبت‌ها و رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌های مختلف از خانه سرچشمه می‌گیرد و تربیت صحیح اولین و اساسی‌ترین پایه سعادت فردی و اجتماعی کودک است. روان‌شناسی مشهور به نام گزل معتقد است که کودک در ۵ سالگی نسخه کوچک جوانی است که در آینده خواهد شد. البته او نمی‌خواهد منکر تربیت در دوره نوجوانی و جوانی شود بلکه می‌خواهد بر نقش و اهمیت حیاتی تربیت در خانواده و در خردسالی تأکید کند. به نظر وی بسیاری از رفتارهایی که در نوجوانان و جوانان مشاهده می‌کنیم، متأثر از تجارب تربیتی کودک قبل از ورود به مدرسه است. بنابراین باید به خانواده به عنوان اولین مدرسه کودک اهمیت فوق‌العاده داد و محیطی فراهم آورد تا خانواده با دقت، صبر، آگاهی و عشق در تربیت کودکان بکوشد. در غیر این صورت عوارض غیرقابل جبرانی

منابع

۱. هومن، احمد. زندان و زندانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲
۲. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات نی، ۱۳۷۳
۳. طبرسی، محمدحسن. مکارم الاخلاق. ترجمه میرباقری. تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۵
۴. فرهادیان، رضا. پایه‌های اساسی ساختار شخصیت انسان در تعلیم و تربیت. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶
۵. کاردان، علی‌محمد. فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲
۶. شهیدی، سیدجعفر. نهج‌البلاغه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸
۷. همدانی، احمدرضا. امیرالمومنین علی (ع). ترجمه حسین استادولی. تهران: انتشارات منیر، ۱۳۷۷
۸. مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴
۹. شاکری‌نیا، ایرج. دین، نیاز دیروز، امروز و فردای انسان. مقاله ارائه شده در همایش دین و دنیا از منظر امام علی (ع)، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۹
۱۰. انکینسون، ریتا. انکینسون، ریچارد و هیلگارد، ارنست. زمینه روان‌شناسی. ترجمه براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۶۹
۱۱. شاکری‌نیا، ایرج. برخی نکات تربیتی در کلام مولی علی (ع). مقاله ارائه شده در همایش امام علی (ع) خورشید بی‌غروب، دانشگاه بیرجند، ۱۳۸۰
۱۲. کی‌نیا، مهدی. مبانی جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
۱۳. سادات، محمدعلی. اخلاق اسلامی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۸
۱۴. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. فرهنگ علوم رفتاری. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵
۱۵. ستوده، هدایت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۷۹
۱۶. مجلسی، علامه محمدباقر. بحارالانوار. ج ۲۰ و ۲۳. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵
۱۷. رحماندوست، مصطفی. تحلیلی بر وضعیت تربیت دینی معاصر ایران. مقاله ارائه شده در همایش جایگاه تربیت در آموزش و پرورش، ۱۳۷۱
۱۸. پارسا، محمد. روان‌شناسی کودک و نوجوان. تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۸
۱۹. ری شهری، محمد. میزان الحکمه. تهران: انتشارات موسسه دارالحديث الثقافیه، ۱۴۱۶
۲۰. حر عاملی، حسن. وسائل الشیعه. ج ۵. تهران: انتشارات مکتب الاسلامیه، ۱۴۰۱ هـ. ق.
۲۱. احمدی، احمد. روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات نخستین، ۱۳۷۴.

در شخصیت کودکان به وجود خواهد آمد و علاوه بر شخص، جامعه نیز متضرر خواهد شد. خانواده‌ها نباید با ساده‌اندیشی وظیفه تربیت کودکان را به عهده سازمان‌های تربیتی محول کنند. مسؤولیت خود را تنها در مهیا کردن امکانات مادی بدانند، زیرا مراکز تربیتی علی‌رغم نقش مهمی که برعهده دارند، هرگز قادر نیستند به جای والدین و محیط خانواده این نقش را ایفا کنند. به‌علاوه وقتی کودک وارد مدرسه شد، دیگر بسیاری از خصوصیات روانی و شخصیتی او شکل گرفته و هسته اصلی شخصیت او ساخته شده است و مدرسه تنها به عنوان تقویت‌کننده یا تثبیت‌کننده الگوهای شخصیتی او می‌تواند عمل کند. بعد از ورود کودک به مدرسه باید بین خانه و مدرسه نیز در زمینه مسائل آموزشی و تربیتی هماهنگی و همکاری لازم وجود داشته باشد. مسؤولان مدرسه باید خانواده‌ها را در روند تربیت‌پذیری دانش‌آموزان سهیم سازند و آنان را نسبت به آتیه فرزندان‌شان ترغیب کنند، همچنین والدین را به عنوان نیروهای مثبت و جزء جدایی‌ناپذیر برنامه‌های مدرسه قبول داشته باشند و آنها را به عنوان عضو تیم آموزشی پذیرا باشند، چرا که آنها می‌توانند تکمیل‌کننده خدمات آموزش و حامی دست‌اندرکاران مدرسه در مسایل تربیتی به حساب آیند. از آنجا که بخش وسیعی از وقت دانش‌آموز در خانه و بخش دیگری در مدرسه می‌گذرد، هماهنگی بین این دو نهاد رسمی و غیررسمی می‌تواند موجب تسهیل رفتارهای تربیتی باشد. بدون همگامی خانواده با مدرسه نمی‌توان به یک رفتار فرهنگی معتدل بین دانش‌آموزان امید داشت. نبود همکاری و هماهنگی و وجود تعارضات بین روابط پدر و مادر و اولیاء مدرسه عواقب وخیمی را به همراه خواهد داشت. فلسفه و هدف تشکیل انجمن اولیاء و مربیان در مدارس نیز ایجاد هماهنگی و همفکری بین خانواده و مدرسه بوده است و یکی از اصول آن ایجاد تغییرات لازم برای ایفای نقش پرورش صحیح است.

یک هدف دنبال شود.

■ نوشته: سیاوش پورطهماسبی (مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بيله سوار)
شاپور نورآذر (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بيله سوار)
آذر تاجور (مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بيله سوار)

بررسی نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ حجاب و راهکارهای عملی تحقق آن

ویژه‌نامه سومین جشنواره دختران آفتاب
مقالات

چکیده

در پژوهش حاضر، رسالت رسانه اسلامی در ترویج حجاب برتر و راهکارهای عملی تحقق مورد بررسی قرار گرفته است. روش انجام پژوهش توصیفی از نوع تحلیل اسنادی بوده است به علاوه گردآوری داده‌های لازم جهت پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، کلیه منابع و مراجع مرتبط و در دسترس با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها تحلیل و یافته‌ها به شیوه کیفی تحلیل شده است. در این پژوهش رسانه‌ها با کارکردهایی چون آفرینش اسطوره، سرگرمی و تفریح و هویت‌یابی به ارایه حجاب برتر در جامعه اسلامی می‌پردازد. که البته در این بین رسانه در فرایند ترویج حجاب در جامعه با تهدیداتی چون: بصری شدن فرهنگ حجاب، بلوغ زود رس، تأکید بر سطح، تزلزل ارزش‌ها، کاهش نهادهای دینی، مصرف گرایی و نیز با فرصتهایی چون: ترویج فرهنگ و اخلاق جهانی، از بین بردن مرزها، تعامل با دیگران، آگاهی از سایر فرهنگ‌ها و ادیان و ... پرداخته می‌شود. نتیجه‌گیری کلی این است که در دوران حاضر «حجاب» خود در عرضه رسانه و ارتباطات تجلی می‌یابد و بدون رسانه‌ها در دوران نوین اصولاً تبلیغ و ترویج حجاب نمی‌تواند صورت گیرد و رسانه اسلامی با زدودن گرد خرافه و عقاید منحط از چهره حجاب و جلوگیری از راه‌یابی بدعت در حجاب، با موشکافی راه را برای افکار متحجر مسدود می‌سازند.

می‌توان گفت مسأله حجاب و ارتباطات چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی خود نوعی از آیین و مراسم است که در متن فرهنگ‌های مختلف شکل می‌گیرند و معنا می‌یابند. و با ارایه راهکارهایی در حوزه رسانه‌ای حجاب سعی بر از بین بردن مسایل مربوط به حجاب و زمینه سازی حجاب برتر در جامعه اسلامی بوده است.

واژگان کلیدی

رسانه - حجاب - فرهنگ - اسلام - راهکار

مقدمه

آنچه مسلم است در جهان نوین، دین نه می‌تواند بر رسانه اعمال سلطه کند و نه می‌تواند به آن بی‌توجه باشد. همه زندگی تحت پوشش رسانه‌هاست و دین نیز از آن مستثنی نیست. می‌توان گفت از نگاه درون دینی، آینده جهان کاملاً اطلاعاتی و دینی است و ارتباطات جهانی و دین همسازی دارند (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶). مطالعه رسانه و دین به ما کمک می‌کند به درک علت و چگونگی تعامل یک نیروی اجتماعی مانند دین با یک نیروی اجتماعی مسلط دیگر عصر حاضر، یعنی رسانه‌ها نایل شویم مثلاً استفاده از تلویزیون و دیگر رسانه‌های بصری برای انتقال معانی دینی در درون محدوده‌های اجتماعات دینی منجر به رواج انواع تازه‌ای از فعالیت‌های رسانه‌ای و آداب دینی شده است. رسانه‌های ارتباطی و دین هر دو به واسطه‌گری می‌پردازند و بین دنیای داخل و خارج فرد از طرق گوناگون پل می‌زنند چرا که هم دین و هم رسانه هویت فرهنگی و هویت شخصی را به هم پیوند می‌دهند (ایزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۱). برنامه‌های رسانه‌ای و مراسم و مناسک آیینی و سنتی، مقدمه مشترکی دارند که متمرکز شدن ذهن مخاطب درباره موضوع برنامه و غافل شدن از موضوع‌های دیگر است. اگر مناسک و برنامه‌های مذهبی بخواند در رسانه بازتاب داشته باشد، ایجاد زمینه‌ای می‌شود که دو چندان می‌یابد؛ زیرا می‌خواهد مخاطب را جذب کند و هم مخاطب جذب شده را وارد مناسک سازد (حسنی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱). در جامعه اطلاعاتی حاضر که فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه‌ها همه جا را زیر سلطه خود بردانند استفاده و بکارگیری از رسانه‌ها در امر حجاب و عفاف ضروری به نظر می‌رسد. بطوری که اگر فرهنگ حجاب در جامعه نهادینه شود، نیازی به حفاظت ندارد و هر کس به شخصه آن را حفظ کرده و توسعه می‌دهد. رسانه‌ها به سهم خود می‌توانند موجب تبدیل فرهنگ حجاب و عفاف به یک هنجار قوی اجتماعی و نهادینه شدن آن در درون اجتماع باشند.

در دنیای امروز رسانه‌های جمعی تأثیر به‌سزایی در زندگی مردم دارند. آنها می‌توانند تفکرات غیر بومی و جدیدی را در مردم به وجود آورند. آنها به عنوان ابزاری می‌باشند که رساننده پیام به مخاطبان هستند. در صورت برنامه ریزی درست و منطقی می‌توانند مردم را به خواسته‌های مسئولین و ارزش‌های مورد قبول آنها نزدیک کنند. به اعتقاد لازار، رسانه‌های تصویری در دراز مدت با فرایند فرهنگ سازی، ادراک‌های مردم را تحت نفوذ خود در می‌آورند. (لازار، ترجمه کتبی، ۱۳۸۰).

امروزه در تمامی بخشهای جراید و رسانه‌های دیداری به این مطلب برخورد می‌کنیم که "حجاب در حال بی‌حجابی است" و در هر گوشه‌ای از این وسایل هر روزها مطالبی را در خصوص خودکشی، طلاق و فرار دختران از خانه خود را شاهد هستیم. اگر بپذیریم که جهان در آستانه سال ۲۰۲۰ میلادی، دو کدخدا پیدا خواهد کرد و این دهکده جهانی یا باید فرهنگ و تمدن اسلامی با محوریت ایران باشد و یا باید فرهنگ غرب با محوریت

امریکا را برتابد و لی‌لی‌پوت جهان از میان دوگالیور ایران و امریکا، یکی را انتخاب کند، باید پذیرفت، آن چه در اطراف ما می‌گذرد، اعم از نقشه راه خاورمیانه تا لشکرکشی به عراق و افغانستان و محدودیت‌های بین‌المللی برای جلوگیری از تبدیل ایران به قدرت هسته‌ای، تنها و تنها برای مهار انقلاب اسلامی، تنها رقیب لیبرال - دموکراسی، در چند دهه دیگر است. از این‌رو، به همان اندازه که باید از فرهنگ شهادت‌طلبی پاس‌داری کرد، باید از حجاب نیز به دفاع برخاست؛ زیرا این دو به منزله دובال و دو شاخصه مکتب اسلام ناب محمدی (س) به شمار می‌آیند و امروز حجاب، به منزله پرچم تمدن اسلامی است.

بنابراین، رسالت رسانه‌های جمعی، چیزی جز تبلیغ و ترویج این فرهنگ و مبارزه بی‌امان با ترفندهای فرهنگ مهاجم نیست. بلکه موظف است از وظایفی که قانون اساسی و نیز سند چشم‌انداز بیست ساله رهبر معظم انقلاب، برای حرکت دستگاه‌های نظام ترسیم ساخته تخطی نکند؛ وظایف و چشم‌اندازی که در آن بر حرکت حول محور بینش توحیدی و شریعت‌مداری یعنی همان هویت دینی، تأکید شده است. امروزه در حساس‌ترین مقطع تاریخی، اسلام و ایران، در هجمه بی‌امان رسانه‌های غربی قرار گرفته‌اند که با تبلیغ فرهنگ لذت و ایجاد فضایی انتزاعی و تخیلی و ایجاد نیازهای کاذب در نهاد انسان امروزی، مبلغ فرهنگ برهنگی و شیطنانی خود هستند؛ در حالی که رسانه‌های نوشتاری به لحاظ حاکمیت بینش تجاری و کارکرد حزبی و گروهی و رسانه‌های دیداری چون سینما، به دلیل رویکرد گیشه‌پسند، دفاع از این پرچم انقلاب اسلامی ایران را نادیده گرفته و بعضاً به بوته فراموشی سپرده‌اند.

تحقیقات نشان می‌دهند که دختران و پسران - در سطح کلی تر، زنان و مردان - تمایل به این دارند که خود را به صورت تصاویری که در رسانه‌ها نمایش داده شده در آورند. (گادامر، ترجمه وحدتی، ۱۳۸۰). تعامل و ارتباطات بین فرد و مدلهای فرهنگی کم کم هماهنگی فرهنگی بین فرد و منبع فرهنگی بوجود می‌آورد. بخصوص اگر توجه به دنیای فرهنگی و نیازهای تماس گیرندگان توجه بشود. تامپسون نیز معتقد است که رسانه‌های ارتباطی نوعی بازنگری منش نمادین زندگی اجتماعی و شیوه‌های ارتباطی نوین در بین مردم را به همراه می‌آورد (تامپسون، ترجمه اوحدی، ۱۳۸۰).

هر مسأله‌ای که بخواند به شکل فرهنگ در جامعه جا بیافتد باید دارای سه ویژگی باشد. نخست آنکه حداقل در طول یک نسل (۲۵ سال) دوام داشته باشد. دوم آنکه عمومیت داشته باشد و سوم آنکه اجباری نباشد و این ویژگی سوم از دو ویژگی قبلی مهم‌تر است. چون هیچ مولفه‌ای با اجبار دوام نمی‌آورد و در جامعه تبدیل به فرهنگ نمی‌شود. با این تفاسیل، بحث حجاب و لباس ملی اگر قرار باشد ارزش‌های معنوی حجاب و فرهنگ سازی آن و لباسی به عنوان لباس ملی برای ایرانیان طراحی شود، باید توسط رسانه‌ها آرایه شود. طرح‌هایی چون مد و لباس یا لباس ملی را باید با تبلیغ نامحسوس از طریق پوشاندن آن به تن سوپر استارهای سینما و تلویزیون در فیلم‌ها و سریال‌ها

و مجریان سیما و همچنین هدیه دادن در ادارات و دانشگاه‌ها و ارزان فروشی آنها در بوتیک‌ها و فروشگاه‌ها بین زنان و دختران مد بشود. رسانه‌ها و فناوری اطلاعات و دستیابی به روش‌های نوین ایجاد و انتقال اندیشه‌ها، آراء، آمار و اطلاعات در حوزه زنان به عنوان بخش مهمی از روش‌های اثربخش در جذب مخاطبین زن می‌باشد. امروزه به واسطه پوشش وسیع رسانه‌ها و اطلاعات اینترنتی به خصوص در میان مخاطبین جوان یکی از روش‌های مؤثر تعامل اطلاعات مبتنی بر جمع آوری سؤالات و شبهات متداول جوانان در حوزه دینی و فرایند پاسخگویی سریع و به روز به آنان از اهمیت بالایی برخوردار است.

کارکردهای رسانه‌ی اسلامی در فرایند حجاب

۱. آفرینش اسطوره

از ویژگی‌های رسانه‌ها آفرینش اسطوره است. افرادی چون آرنولد شوارتزنگر نماد خشونت، دیوید بکام نماد ورزش فوتبال و مصرف گرایی سرسام آور، بیل گیتس نماد ثروت و... در برخورد با مسأله حجاب نیز رسانه اسلامی آفرینش و ارایه الگوهای برتر حجاب اسلامی از طریق کتاب‌ها، فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای و... به خلق اسطوره‌های برتر حجاب می‌پردازند. رسانه باید به ارایه الگوی برتر حجاب بپردازد و از طریق برجسته کردن، جذاب نشان دادن، همنوایی و... نشان دهد که قهرمان و اسطوره حجاب او با پیروی از دستورات دینی و در سایه چنین عملکردی به آرامش روحی روانی رسیده و از آسیب‌های اجتماعی در امان خواهد ماند و باز زمینه‌سازی مناسب و بردن خیال فرد به دنیایی دیگر، زمینه تحول او را فراهم سازد.

۲. سرگرمی و تفریح^۱

علم آموزی و تربیت با ابزار سرگرمی، از شگردهای رسانه‌ها است. از این رو رسانه اسلامی به روشی که کودک و یا نوجوان دوست دارد خود را در آن قالب ببیند استفاده کرده و بی هیچ مقاومتی به ارایه پیام خود می‌پردازد. بطوری که در حال حاضر اکثر برنامه‌های تلویزیونی و رایانه‌ای از این روش استفاده می‌کنند رسانه‌ها از طریق ارایه هنجارها و ارزش‌های حجاب، به افراد تلقین می‌کنند که رفتار ارایه شده در رسانه‌ها، رفتار «مناسب دینی و اسلامی» است. به این ترتیب، رسانه‌ها، با ارایه الگوها و هنجارهای خاص، باعث ایجاد همنوایی در افراد می‌گردند (پورطهماسبی، ۱۳۸۷).

۳. مدرسه مجازی^۲

زیستن در دنیای مجازی کلیت زندگی و حتی فهم انسان را تغییر می‌دهد. منظور از فهم، روال طبیعی ادراک است که در وضعیت جهانی شدن از مجرای واقعی و طبیعی خود خارج می‌شود و سبک و سیاق خاص می‌یابد. سر و کار رسانه با هویت است؛ با ذهن، فهم، پارادایم‌ها، تصورها و تصویرسازی‌ها می‌باشد. یعنی با دگرگونی در آنهاست که اخلاق، رفتار

و اندیشه انسان دگرگونی می‌پذیرد. رسانه با بمباران اطلاعاتی اخلاقی و معنوی فرد بدون اینکه نیازی به حضور فیزیکی داشته باشد به او القاء می‌کند که در یک محیط معنوی قرار دارد و با نمایاندن الگوهای برتر حجاب هنجار سازی می‌کند.

۴. هویت یابی

هویت‌یابی از دیگر علل روی آوری افراد به رسانه‌ها و بویژه تلویزیون، کسب آگاهی در مورد خویشتن، تقویت ارزشهای شخصی، یافتن الگوهای رفتاری، همانندسازی با ارزشهای مورد اعتنای دیگران و در یک کلام، «هویت‌یابی» است در گذشته که الگوها و نقش‌ها اندک و محدود بودند، هویت‌یابی نسبتاً آسان بود؛ اما در جوامع صنعتی امروز و با توجه به تعدد منابع هویت‌یابی از جمله رسانه‌های متعدد که الگوهای متنوع و متضاد را فراروی نسل جوان و نوجوان قرار می‌دهند، هویت‌یابی آنان را با دشواریهای بسیاری مواجه کرده است (مک کوایل، ترجمه منتظر قائم، ۱۳۸۰). یکی از کارکردهای منفی رسانه‌ها در فرایند هویت‌یابی، ارایه الگوهای ناسالم در رسانه‌هاست. پاستر، یکی از نظریه پردازان پست مدرنیسم در این زمینه می‌گوید: «آنچه در نوآوری‌های فنی مربوط به عصر دوم رسانه‌ها یعنی عصر اینترنت، پست الکترونیکی و ماهواره مهم است، دگرگونی گسترده فرهنگ، هویت فرهنگی و روش جدید ساخته شدن هویت‌ها است» (پاستر، ترجمه صالحیار، ۱۳۷۷). رسالت رسانه‌ی اسلامی، نهادینه کردن «فرهنگ اسلامی حجاب» در جامعه و ارایه مدل‌های هویتی سالم به جوانان و نوجوانان است. رسانه‌های خودی باید در برابر تلاش رسانه‌های بیگانه که سعی در یکسان سازی هویت فرهنگی و تضعیف هویت ملی (ایرانی - اسلامی) جامعه ما دارند، از هویت مستقل و جمعی خود پاسداری کنند. به میزانی که رسانه‌ها مسؤولیت خود را در جهت حفظ هویت و ارایه مدل‌های هویتی به جوانان و نوجوانان درک کنند، می‌توانند از پیامدهای منفی رسانه‌های مهاجم که هویت ملی و فرهنگی ما را نشانه گرفته و استراتژی بحران آفرینی را در پیش گرفته‌اند، پیشگیری کنند.

در این زمینه اگر به آرمان و اندیشه امام راحل (ره) که معتقد بود: «تلویزیون باید یک دانشگاه باشد»، باور داشته باشیم، می‌توان دریافت که رسانه‌ها نباید اسیر تئوری «رسانه - سرگرمی» شوند و کارکرد یک‌بُعدی پیدا کنند. رسانه‌ها باید هنجارها، ارزشها و میراث فرهنگی جامعه را در قالب فیلم، داستان، مقاله، گزارش مستند و... به نسل جوان و نوجوان معرفی کنند و از این رهگذر، درک آنها را از اینکه چه کسی هستند، سابقه تاریخی آنها چیست، موقعیت کنونی ما در جهان و منطقه چگونه است، و... افزایش داده، تأثیرات منفی ماهواره، اینترنت و دیگر رسانه‌های فرامیلتی را گوشزد کنند و این امکان را فراهم سازند تا جوانان و نوجوانان به هویت اصیل فرهنگی، تاریخی، سیاسی، و اجتماعی خویش پی برند. از دیگر ویژگی‌های کاربردی رسانه در برخورد با حجاب:

به یکباره او را در مقابل مجهولاتی قرار می‌دهد که اقتضای سنی او نیست. به طوری که مشهود است یکی از مسایل مهم در این باره بلوغ زودرس جنسی کودکان است که از طریق این رسانه‌ها ایجاد می‌شود. در نتیجه، آنچه مقتضای سنی و شرعی کودک نیست و دین در مراحل بعدی آن را طلب می‌کند رخ داده و تربیت او مختل می‌شود. به عبارت دیگر اجازه دهیم بچه‌ها از دوران کودکی و نوجوانی خود، به سلامت عبور کنند چرا که با شتاب بی‌مورد و غیر منطقی باعث خواهیم شد بچه‌ها به اندازه کافی در معرض محرک‌های طبیعی قرار نگیرند، لذا از پختگی لازم برخوردار نشوند. به تعبیر زیبای روسو: «شرط رسیدن به بزرگسالی بهره‌مند شدن از کودکی سالم است» (شکوهی، ۱۳۶۹).

۳. تاکید بر سطح

تفکرات دینی اخیر، با نوعی محسوسیت و معقولیت تزکیه شده نسبت به چیزهای ظاهری، بر سطح اشاره می‌ورزد. رابطه نشانه یا دال و مدلول در این تفکر در حال فروپاشی و زوال است. در عرصه رسانه‌ها، متون و تصاویر، به دنیای بیرونی فراتر از دال‌ها اشاره ندارد، بلکه بیشتر به زنجیره ای از مدلول‌ها، متون و تصاویر دیگر اشاره دارند. قطب بندی دوگانه تخیل و واقعیت زوال می‌یابد یا از نظرها محو می‌شود. ایماژ، سطوح، ظاهر و حضور همه جایی در تفکر دوران اخیر است، ظاهر و نمود به باطن و جوهر تبدیل می‌شود (نوذری، ۱۳۷۹، ص ۷۰). از این روی در رسانه‌های نوین به محتوای دینی بهایی داده نشده و بر ظواهر دین، تاکید می‌شود در نتیجه به ابعاد درونی دین پرداخته نشده و به سطوح و ظواهر دین و تربیت دینی بسنده می‌کنند.

۴. تزلزل ارزش‌ها

در تربیت رسانه‌ای، مهمترین عامل، باورهای ماست. نگرش^۴ یا طرز تلقی‌ها، عقاید فرهنگی^۵ و ارزش‌ها مهم‌ترین ابعاد تربیت هستند. پستمن معتقد است که رسانه در شکل کنونی ممکن است به حل بعضی از مسایل شخصی کمک کند ولی ارزش‌های اخلاقی - اجتماعی را سست می‌کند و به حاشیه می‌راند به نظر او الهه فناوری نمی‌تواند برخی مهارت‌ها چون مهارت‌های شهروندی را در دانش‌آموزان ایجاد کند. که این مسأله تهدیدی برای تربیت دینی می‌باشد (عطاران، ۱۳۸۳). پستمن^۶ می‌گوید دانش‌آموزانی که وقت خود را جلوی رایانه می‌گذارند، وقت کافی برای آموختن ارزش‌های انسانی نخواهند داشت، زیرا ارزش‌های انسانی در موقعیت‌های واقعی و در مواجهه با دیگران آموخته می‌شود مانند موقعی که دانش آموز تصمیم می‌گیرد تقلب کند یا نکند، به دوستش توجه کند یا به او التفاتی نداشته باشد و به علاوه استفاده از رایانه در مدرسه توجه را بیشتر معطوف مسایل فنی خواهد کرد و جایی برای مسایلی انسانی باقی نخواهد گذاشت و سبب فقر محتوایی اخلاقی مدرسه خواهد شد.

۱- سهولت دسترسی به حجم بسیار بالایی از اطلاعات و دانش‌های موجود در زمینه مسایل دینی و حجاب ۲- ایجاد نگرش‌های جدید برای مواجهه با مسأله حجاب ۳- ایجاد موقعیت‌های اجتماعی واقعی حجاب ۴- افزایش ارتباطات دینی ۵- بالا بردن کیفیت، دقت و صحت مطالب دینی ۶- سرعت بخشی به محجبه شدن ۷- کارکرد انسجام بخشی و گسترش مسایل دینی ۸- کارکرد اطلاع رسانی و آگاهی سازی دینی - معنوی ۹- امکان برقراری ارتباط بیشتر و گسترده‌تر بین عابد و معبود و معبد به طور مداوم ۱۰- افزایش کیفیت یادگیری و آموخته‌های دینی.

چالش‌های رسانه‌ها و مسأله حجاب در فرایند جهانی شدن

در برنامه‌ها و تولیدات رسانه‌های تصویری، ضعف‌هایی وجود دارد که مستقیم یا غیر مستقیم به فراگیر شدن فرهنگ بدحجابی در جامعه دامن می‌زند. برای روشن شدن این ادعا، مواردی را با ذکر مصداق بیان می‌کنیم.

تهدیدات:

۱. بصری شدن فرهنگ حجاب

رسانه و فناوری نوین به تدریج فرهنگ ما را تبدیل به فرهنگ بصری کرده است؛ «اسکات لش»^۲ استدلال می‌کند که مدرنیته دوره گفتار بود و دوره پسامدرن حاضر عصر فیگورال یا شکل است. اگر در گذشته انسان به کمک واژه‌ها و کلمات می‌اندیشید و احساس می‌کرد، در دنیای پسامدرن به کمک ایماژها، تصاویر و اشکال ارتباط برقرار می‌کند و می‌اندیشد. نیل پستمن معتقد است که پذیرش فناوری‌های الکترونیک بخصوص تلویزیون، در جامعه و به تبع آن در مدرسه، بدون تفکر صورت پذیرفته است و تدریس را به تفریح عوامانه تقلیل داده است. او معتقد است که اطلاعات در کتاب‌ها بطور دقیق انتخاب شده اند و بطور منطقی به آموزش سلسله مراتب دانش کمک می‌کنند ولی اطلاعات الکترونیکی اینچنین نیستند. دستیابی آسان به اطلاعات دانش‌آموزان را از رنج تحقیق و پذیرش انتقاد، آزاد می‌کند ولی در عین حال وقت آنها را صرف تفکر نمی‌کند به نظر او ممکن است تعلیم و تربیت رایانه‌ای دانش‌آموزان را در نظام بوروکراسی صاحب شغل گرداند، ولی لزوماً از آنها شهروندانی با تفکر انتقادی نمی‌سازد به صورتی که بتوانند در نظامی دموکراتیک مشارکت کنند (لش، ترجمه، چاوشی، ۱۳۸۲). این در حالی است که انسان باید از لحاظ دانش دینی و مسایل اخلاقی حجاب اطلاعات کافی داشته باشد که رسانه‌ها مانع از این کار در دراز مدت می‌شوند و در ثانی مسأله مهم تر اینکه حجاب برتر حجاب دل است که رسانه‌ها با بصری کردن فرهنگ حجاب بر ظاهر مسأله سرپوش می‌گذارد.

۲. بلوغ زودرس

رسانه‌های نوین با بمباران اطلاعاتی کودک و نوجوان و آگاهی فزاینده او

۵. کاهش نهادهای دینی

با ظهور رسانه و فناوری نوین همچون ماهواره، رایانه، تلویزیون و... که همگی نقش تربیتی و دینی را دارا هستند، میزان کنترل مدارس و اماکن مذهبی بر آموخته‌ها، کیفیت و جهت‌گیری‌های تربیتی و دینی کاهش می‌یابد و اماکن مذهبی و مدارس رقابتی جدیدی را شاهد خواهند بود دیگر تعلیم و تربیت و آموزش مسایل دینی و مذهبی محدود به مکانی به نام مدرسه یا مسجد نخواهد بود و بالطبع مشکلات خاصی که با از بین رفتن مدارس و اماکن مذهبی هست بوجود خواهد آمد.

۶. بی‌توجهی به حجاب

پوشاندن تمام بدن به استثنای صورت و دو دست برای زنان مسلمان واجب است و در این زمینه هیچ‌گونه اختلافی میان علما وجود ندارد؛ ولی این مسأله از سوی برخی فیلم‌سازان مورد غفلت قرار گرفته و بیرون بودن قسمتی از موی جلوی سر بازیگران زن، داشتن مانتوهای آستین کوتاه و نپوشیدن جوراب برای زنان، امری رایج در فیلم‌ها به شمار می‌رود این بی‌توجهی به حجاب، موجب نوعی عادی سازی در ذهن مخاطب و گرایش به آن می‌شود. بی‌گمان، هیچ‌کدام از مراجع بر بی‌اشکال بودن این نوع پوشش صحنه نمی‌گذارند و سازندگان این گونه فیلم‌ها آرای شخصی و تفسیرهای به رأی خود از احکام دینی مربوط به حجاب را به مخاطبان القای می‌کنند.

۷. استفاده از آرایش‌های غلیظ

واجب نبودن پوشش صورت و دستان در دین مبین اسلام، مشروط به آراسته نبودن آنها است؛ اما رسانه‌های تصویری برای جذاب‌تر کردن تصاویر، آرایش‌هایی بسیار غلیظ با استفاده از گریم‌های حرفه‌ای را برای هنرپیشه‌های زن به کار می‌برند که حتی در فیلم‌های خارجی هم دیده نمی‌شود. این مسأله درباره اغلب به اصطلاح ستاره‌های سینمای ایران و اکثر فیلم‌های سینمایی صادق است. اگر این شیوه از تکنیک‌های دنیای فیلم‌سازی به شمار می‌آید، چرا فیلم‌سازان خارجی، نیازی به نشان دادن زنی با حجاب کامل اسلامی در فیلم‌هایشان ندارند و فقط فیلم‌سازان ما نیازمند بهره‌مندی از بازیگری هنرپیشه‌های بدون حجاب در فیلم‌هایشان هستند؟

۸. استفاده از بازیگران خارجی در فیلم‌های ایرانی

حضور بازیگران خارجی در فیلم‌های ایرانی سابقه‌ای طولانی دارد و به سینمای پیش از انقلاب برمی‌گردد؛ ولی باید توجه داشت که این سینما با سینمای پس از انقلاب، تفاوت اساسی دارد و هر یک دارای مؤلفه‌هایی به‌طور کامل متمایز از دیگری است. با وجود این، در فیلم‌ها و حتی سریال‌های محصول مشترک، شاهد زنانی بی‌حجاب هستیم که به آسانی

در کنار هنرپیشه‌های ایرانی قرار می‌گیرند و ایفای نقش می‌کنند. توجیه فیلم‌سازان و برخی نقادان سینمایی در این زمینه، غیرمسلمان بودن این زنان و جواز نگاه به آنها و تصویرشان است؛ اما به راستی حضور بازیگران خارجی در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی چه نیازی از مخاطب مسلمان ایرانی را پاسخ می‌دهد؟! اگر این شیوه از تکنیک‌های دنیای فیلم‌سازی به شمار می‌آید، چرا فیلم‌سازان خارجی، نیازی به نشان دادن زنی با حجاب کامل اسلامی در فیلم‌هایشان ندارند و فقط فیلم‌سازان ما نیازمند بهره‌مندی از بازیگری هنرپیشه‌های بدون حجاب در فیلم‌هایشان هستند؟! بی‌گمان این موضوع نه به عنوان تکنیک حرفه‌ای و نه به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای حقیقی مخاطب، بلکه تنها به منظور جذابیت بخشیدن ایجاد تنوع در پوشش بانوان حاضر در فیلم و نیز گیشه پسند بودن محصول تولیدی، انجام می‌شود این روند، ممکن است در آینده به صرف هزینه‌های میلیاردری برای دعوت از ستاره‌های بالیوود و هالیوود و چهره‌های برجسته سینمای جهان برای حضور در فیلم‌های ایرانی بینجامد که در آن صورت نمی‌توان به باقی ماندن هویت ایرانی و حجاب اسلامی امید داشت.

۹. مصرف گرایی

در هویت ملی ایرانیان، سنتی نشینی و در فرهنگ دینی ساده زیستی و قناعت مورد تأکید بوده و هست. حال عرضه برنامه‌ها و فیلم‌های جذاب با دکورهای تجملی و آنچنانی ضمن ضربه زدن به اقتصاد کشور باعث دوگانگی در شخصیت جوانان و از دست رفتن هویت اصیل دینی اسلامی و ملی آنان می‌شود. تبلیغات کالاهای تجاری و بازرگانی از اموری است که در سال‌های اخیر رونق بیشتری یافته است و حتی بین برنامه‌های تلویزیونی و بصورت ناگهانی نیز رواج یافته است.

فرصت‌ها

۱- در قرن حاضر رسانه اسلامی باید بکوشد، با تمرین دادن انسان برای یک زندگی مشترک جهانی با هموعان خود، او را به سوی ارزش‌ها و اخلاقیاتی سوق دهد که کلی و جهان شمول باشد تا انسان، جزئی^۶ و تک بعدی بار نیابد. رسانه‌ها تا اندازه‌ای حرکت مسأله حجاب را تسریع کرده است و باعث پخش گسترده فرهنگ شده و عموماً ارتباطات فرهنگی را راحت تر و ارزان تر نموده است.

۲- به واسطه فناوری و رسانه‌های پیشرفته و کارآمد ارتباطی و جدایی «زمان و مکان»، این امکان فراهم می‌شود که زندگی اجتماعی در فضایی بسیار گسترده شکل بگیرد و توانایی مکان، در محدود و مقید ساختن روابط اجتماعی بسیار کاهش یابد. در چنین دنیای بدون «مرز» امکان گفتگوی فرهنگ‌ها و گفتمان‌ها، ادیان بیشتر فراهم شده و اجزاء و عناصر مختلف فرهنگی به صورت گریزناپذیر، با هم برخورد می‌کنند و در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در این صورت مسأله حجاب می‌تواند به عنوان



گفتمان غالب مطرح شود.

۳- رسانه برای حاکم کردن ارزش‌های والای انسانی حجاب و توسعه مفهوم حجاب، در برنامه‌های رسانه‌ای، در فضای یادگیری شبکه جهان گستر، زنان ضمن تعامل با دیگران، مسایلی چون مهارت‌های نقد و تحلیل منابع اطلاعاتی و تحلیلی مسایل اخلاقی حجاب با تعالیم و آموزه‌های دینی مختلف آشنا شده و به نقد و ارزیابی نگرش ادیان مختلف به مسأله حجاب می‌پردازند و نیز امکان دسترسی فرهنگ‌های محلی و دینی به سطوح جهانی، امکان تبادلات میان ادیان و فرهنگ‌ها را فراهم آورند.

۴- با وجود رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی نظیر ماهواره، اینترنت، و... افراد در جوامع مختلف بیشتر از هر زمان دیگری توانسته‌اند راجع به ادیان و فرهنگ‌های مختلف آگاهی بیابند. رسانه‌ها می‌توانند به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تقویت جهان‌گستری با استفاده از مایه و آموزه‌های دینی، حجاب را در قالب نیازهای هزاره جهانی بازتعریف و تجدید ساختار کنند.

۵- ترویج حجاب در میان کودکان: ترویج حجاب باید از برنامه‌های کودک آغاز شود. همان‌گونه که نمایش روابط دوستانه دختر و پسر در برنامه‌های کودک، تبلیغات و... بر ذهن کودک تأثیرگذار است، نشان دادن نزدیکی دختران با حجاب به خدا و علاقه‌مندی اهل بیت (علیهم‌السلام) به ایشان، از طریق ساخت کارتون و برنامه‌های کودک، می‌تواند در روحیه و تصمیم‌گیری او برای انتخاب پوشش آینده‌اش تأثیرگذار باشد. گاهی دختران ۹ و ۱۰ ساله همانند کودکان کوچک‌تر بدون پوشش در برنامه‌های زنده تلویزیونی حاضر می‌شوند!

۶- تبیین فلسفه حجاب با حضور کارشناسان دینی: تاکنون هیچ‌گونه برنامه‌ای در زمینه تبیین «فلسفه حجاب» و چرایی و حدود آن، از سوی صدا و سیما اجرایی نشده است. این در حالی است که براساس بررسی‌های نوع پوشش و ظاهر افراد و رفتارهای خارج از عرف دینی ایشان به دلیل ناآگاهی و عدم شناخت مسایل اسلامی بوده و بی‌گمان، تلویزیون بهترین وسیله برای تفهیم این مسایل به شمار می‌آید.

۷- آرایه الگوهای پوششی مناسب: رسانه‌های تصویری، باید با رعایت موازین اسلامی در تهیه و پخش برنامه‌های خود، افزون بر نوع پوشش به انتخاب رنگ نیز توجه داشته باشند. بی‌شک، مجری تلویزیونی که طی اجرای برنامه یک ساعته، چندین لباس با مدل‌های و رنگ‌های گوناگون بر تن می‌کند، نه تنها هیچ نیازی از مخاطب را با این عمل برطرف نمی‌کند، بلکه سبب تشدید روحیه اسراف و تجمل‌گرایی در وی می‌شود. تأثیر باز یگر بر احساسات جامعه را نمی‌توان انکار کرد.

۸- استفاده از ظرفیت‌های رسانه در تبیین آفت‌های فردی و اجتماعی بی‌حجابی: اگر رسانه‌های ما با استفاده از ظرفیت‌های گسترده خود، به انعکاس خطرهای رواج بی‌حجابی برای فرد و اجتماع و نیز مصونیت حاصل از بهره‌مندی حجاب بپردازد، در مدتی کوتاه می‌توان

فرهنگ حجاب را نهادینه کرد، به گونه‌ای که فقط تعدادی انگشت شمار، به حجاب بی‌توجه باشند. تشریح رابطه متقابل دوری زنان از حجاب و عفاف و افزایش آمار جرم و جنایت در جامعه و نیز تأثیر بی‌عفتی و بی‌حجابی در شدت یافتن بحران‌های روحی و اختلاف‌های خانوادگی می‌تواند تا حدی چشم‌گیر، میزان گرایش به بی‌حجابی را کاهش دهد. معرفی حجاب به عنوان شاخصه هویت ملی و مذهبی زن مسلمان ایران سیره عملی بانوان نمونه اسلام به ویژه حضرت فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب کبری(س)، الگوی رفتاری مناسبی را در اختیار زنان مسلمان قرار می‌دهد تا با تکیه بر عملکرد و فرمایشات گهربار این بزرگواران، به حقیقت حجاب پی برده، آن را پیشه خود سازند. بررسی پوشش این دو گوهر گرانقدر در مقابل نامحرم به عنوان شاخصه هویت دینی زن مسلمان در کنار تبیین پوشش زن ایرانی در طول تاریخ به عنوان شاخصه هویت ملی زن ایرانی، می‌تواند نقش‌پذیری جوانان از هویت بیگانگان را کاهش دهد.

۹- تحلیل رخدادهای جهانی درباره حجاب: هر روزه شاهد پخش خبرهای متعددی از گوشه و کنار جهان درباره مخالفت‌های غرب با مظاهر دینی مسلمین و به ویژه حجاب هستیم. اخراج گویندگان محجبه از شبکه‌های تلویزیونی و ممنوعیت حجاب در کشورهای اروپایی مانند فرانسه و حتی آسیایی نظیر ترکیه در زمره این اقدامات است. ضرورت دارد صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به اعلام خبر این وقایع دنباله‌دار و هدفمند، بسنده نکند، بلکه با واکنش به موقع از طریق برنامه‌سازی سریع و مناسب، تهیه گزارش و تشکیل نشست‌های تحلیلی در شبکه‌های گوناگون، این اقدامات را بررسی و دلایل اهمیت حجاب و تهدیدهای آن برای دشمنان را تبیین کند.

نتیجه بخش اول مقاله

رسانه‌ها حکم قلب جامعه را دارند و تمام رگ‌ها و شریان‌ها از درون آن می‌گذرد بنابراین باید بر آنچه وارد آنها می‌شود و آنچه خارج می‌گردد نظارت کامل داشت. رسانه‌ها باید یادآور هویت جمعی برای مردم باشند و مصرف آنها منجر به واکنش منفی در مخاطب نشود. انحصار گرایی فرهنگی با دنیای رسانه‌ای امروز مغایرت دارد. حفظ فرهنگ خاص از طریق بستن مرزهای فرهنگی و قرنطینه کردن آن فرهنگ خاص بدترین راه حفاظت از آن فرهنگ است. این کاملاً شبیه به عملکرد فرقه‌ای دینی است که برای خلوص اعتقادات دینی‌اش راه را بر ورود اعضا جدید می‌بندد و یا به سختی عضو می‌پذیرد (انصاری، ۱۳۷۸).

رسانه‌های گروهی اعم از تلویزیون، ماهواره و اینترنت مانند شمشیر دو لبه هستند که کارکرد مثبت و منفی را در پی دارد و باید در جهت ترویج عفاف و حجاب زمینه مثبت آن را تقویت کرد. برای مقابله با دشمنان و مخالفان عفاف و حجاب باید از شیوه خودشان استفاده کنیم و با نشان دادن زنان موفق در مقاطع مختلف اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی، الگویی

مناسب به جامعه جهانی ارائه دهیم. ما می‌توانیم سخن خود را در رابطه با عفاف و حجاب، معنویت و جایگاه آن در خانواده و جامعه از طریق رسانه‌های جمعی به همه نقاط جهان منتقل کنیم.

امروزه با توجه به چالش‌ها و تغییرات وسیعی که در جوامع بشری در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و بخصوص دینی روی می‌دهد، نهادهای دینی کارایی مطلوب خود را از دست داده و باید با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فناورانه جدید، مورد تجدید ساختار قرار گیرند. رسانه‌های جدید برای نهادهای دینی و دولت‌ها امکاناتی فراهم کرده است که با بهره‌گیری مؤثر از این فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود بتوان ساختاری در خور هزاره جدید بنا نهاد (جلالی، ۱۳۸۱). دولت‌ها و نهادهای دینی می‌توانند با جهت‌گیری آرمانی خطوط اصلی همگامی و هم‌اوردی با قافله شتابان فناوری و رسانه‌ها را ترسیم نمایند و هم با رویکردی عملکردگرا با به خدمت در آوردن این افزار، بسیاری از مسایل مربوط به فرهنگ و ارزش‌های حجاب را مرتفع سازند.

در عصر جدید، رسانه‌ها و انفجار اطلاعات و ارتباطات ملی و بین‌المللی نه تنها دین را به حاشیه نرانده است، بلکه آن را در مرتبه دغدغه‌های روحی بشر معاصر قرار داده است (هینس^۸، ترجمه کیانی، ۱۳۸۱) و انسان معاصر بیش از هر زمان دیگر به دین و ارزش‌های حجاب احساس نیاز می‌کند چرا که کارکرد رسانه‌ها نشان‌دهنده این موضوع است که نه تنها حجاب در صحنه جهانی حذف نمی‌شود بلکه شرایط و زمینه مساعدی برای آن فراهم می‌شود. در عرصه جهانی شدن به یک بازاندیشی دینی در مورد مسأله حجاب نیازمندیم و در این بازاندیشی بعضی از عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ حجاب که قبلاً مورد غفلت واقع می‌شد، به آنها بهاء داده شده و مورد تأکید قرار گیرند و همچنین اعتقاد بر این است که اگر ما به دین تاریخی تکیه کنیم در روند جهانی عقب می‌مانیم و عقب ماندن از روند جهانی یعنی از میان رفتن و در این روند رسانه‌ها می‌توانند بسیاری از مشکلات مسأله حجاب را حل کنند. رسانه اسلامی می‌تواند بر فرایند ترویج فرهنگ حجاب به طرق گوناگون و از جمله؛ الگو دادن، ارائه اطلاعات و نگرش‌هایی خاص به حجاب، برانگیختن احساس فرد، چت و گفتگو، تشکیل انجمن‌های دینی مجازی، سعه صدر و همکاری را یاد دهد و با تبادل تجربه‌ها و افکار در مورد مسایل و ارزش‌های حجاب و برقراری تعامل به یادگیری مشارکتی در محیط آموزش مجازی بپردازد. از این رو باید به سوی حاکمیت اخلاق الهی بر رسانه اسلامی سیر کنیم. زنان و دختران ما از طریق رسانه دینی یاد می‌گیرند که چه گونه فرهنگ حجاب را رعایت کنند، با هم صحبت کنند و چه گونه تعاملی با هم داشته باشند تا به همزیستی مسالمت آمیز برسند. در همین راستا تولیدات رسانه‌ای باید آنچنان ارزشمند و با کیفیت باشد که بتواند جوانان ما را جذب کنند زیرا همانطور که اشاره شد غرب برای گرایش جوانان به سوی خود جلوه لازم را به کارهای خود داده است و این کار از طریق کار کردن روی مسایل بنیادی انجام شده است. تحقیقات

زدودن گرد خرافه و عقاید منحط از چهره حجاب و جلوگیری از راه یابی بدعت در حجاب، با موشکافی راه را برای افکار متحجر مسدود می‌سازند.

۳- در دوران جهانی شدن آیین‌ها، مراسم و مناسک فرهنگ حجاب در متن ارتباطات و رسانه‌ها شکل می‌گیرند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که ارتباطات چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی خود نوعی از آیین و مراسم است که در متن فرهنگ‌های مختلف شکل می‌گیرند و معنا می‌یابند. مراسم و آیین‌های ملی، هم‌چون نوروز، یا مناسک اسلامی هم‌چون حج، تنها زمانی معنای کامل خود را به دست می‌آورند که به شکل جمعی و در جمع تجسم یابند؛ حجاب یک مسأله اجتماعی است و این جمع است که می‌تواند معنای ارتباطات را به شکل کامل مورد تجربه قرار دهد و این معنا در آیین‌ها و مناسک است که متکامل می‌گردد، متعالی می‌شود و به ثمر می‌نشیند.

بخش دوم مقاله:

ارایه راهکارهای رسانه‌ای گسترش فرهنگ حجاب

- ۱- اهتمام ویژه در خصوص معرفی و ترویج فرهنگ عفاف به منظور نهادینه‌سازی و جذاب نمودن آن و تبیین نقش حجاب و عفاف در افزایش سلامت جامعه و بهره‌وری آن از طریق تولید برنامه‌های مختلف.
- ۲- فرهنگ‌سازی در زمینه اصلاح پوشش نامناسب و ارایه راه‌حل‌های مؤثر و فوری از طریق تولید برنامه‌های کارشناسی، گفتمان، تولید فیلم، تیزرهای تلویزیونی و... برای مثال سریال‌های موفق‌ی چون: «در پناه تو» که بسیاری از دختران و زنان مانتویی و حتی بدحجاب تحت تأثیر شخصیت اول آن سریال، چادری شدند.
- ۳- تبیین و آموزش احکام شرعی حجاب و عفاف، بیان آیات و روایات و توصیه‌های دینی و رعایت حریم عفاف در خانه و اجتماع و آموزش معیارهای رفتار صحیح زن و مرد جهت برقراری روابط متعادل اجتماعی.
- ۴- به تصویر کشیدن ابعاد شخصیت‌های الهی اسلام چون حضرت زهرا (س)، حضرت زینب (س) و زنان نمونه از صدر اسلام تا دوران معاصر در مناسبت‌های مذهبی و ملی و تأثیر آن در فرهنگ‌سازی و گسترش ارزش‌های اسلامی به صورت جذاب و ترویج الگوهای مناسب حجاب از طریق تولید فیلم و سریال و سایر برنامه‌های تلویزیونی و انجام مناظره علمی، فرهنگی و هنری در خصوص فلسفه حجاب و عفاف به منظور استحکام بنیه اعتقادی و فرهنگی جوانان.
- ۵- به تصویر کشیدن چهره بانوان محببه کشورهای خارجی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی از طریق برنامه‌های تلویزیونی و تهیه فیلم از زندگی آنان نیز به تصویر کشیدن زنان تحصیل کرده، ممتاز، متعهد و با حجاب در فیلم‌ها و مجموعه‌های هنری و پرهیز از نشان دادن آنان در نقش‌ها و شخصیت‌های عامه و کم‌سواد.
- ۶- تهیه فیلم و ارایه تصویر روشن از تاریخچه و خاستگاه کشف حجاب در

انجام شده در دهه ۷۰ و ۸۰ نشان داد که افراد خودشان را در معرض پیام‌هایی قرار می‌دهند که با آن پیام‌ها همدل و همسو شده‌اند.

بر اساس رهیافتهای گوناگون نظری و تجربی می‌توان به این نتیجه رسید که زندگی دیندارانه برای انسان در عصر ارتباطات هم ممکن و هم مطلوب است (خانیک، ۱۳۸۶). پس می‌توانیم بگوییم **فرهنگ حجاب که حاصل از رسانه‌هاست عبارت است از تحول انسان موجود به انسان مطلوب در پرتو آموزه‌های دینی تولید رسانه، به طوری که آنها را بفهمد، بپذیرد، دوست بدارد و عمل کند.**

اگر معتقدیم که مسأله بدحجابی و بدپوششی باید از جامعه‌ها حذف شود، باید چیز دیگری را جایگزین آن کنیم تا با استفاده از جذابیت‌های آن الگوهای فرهنگ اسلامی را در بین مردم گسترش دهیم. باید گفت اگرچه نیروی انتظامی در خصوص اجرای طرح برخورد با مظاهر بدحجابی اقدام می‌کند اما باید اذعان داشت که با اجرای این طرح نه تنها عناصر بدحجابی در سطح معابر عمومی کاهش یافته بلکه بر اساس آمارهای منتشر شده میزان امنیت اخلاقی و اجتماعی نیز افزایش پیدا کرده است. متأسفانه ما هنوز اسلام را به خوبی نشناخته‌ایم و نمی‌دانیم که احکام اسلامی بر اساس مصلحت افراد وضع شده است. در شرایط فعلی آشنایی بیشتر با قوانین اسلام در زمینه حجاب و اجرای این قوانین بسیار اهمیت دارد. حل معضل بدحجابی قبل از هر چیز نیازمند فرهنگ‌سازی است. ما باید به زنان و مردان جامعه این موضوع را تفهیم کنیم که ارکان اصلی شخصیت افراد مسایل ظاهری نیست بلکه میزان معلومات، سطح فرهنگ، وضعیت اخلاقی، نوع رابطه افراد با جامعه و توانمندی‌های فردی آنان جزو ارکان اصلی شخصیت آنان محسوب می‌شود و به زن یا مرد شخصیت می‌بخشد نه خودنمایی و توجه صرف به وضعیت ظاهری یا تبعیت از مد و ظواهر غربی.

وقت آن رسیده که عالمانه و آگاهانه و بدون هیچ خوف و وحشتی، از موضع‌گیری‌های بین‌المللی و عناصر وابسته به آنان در داخل، به وظیفه اسلامی، ملی و انقلابی خود عمل کنیم و در گام نخست، به سراغ رسانه‌های جمعی برویم و با بازخوانی عملکرد آنان و ارزیابی بودجه‌های در نظر گرفته شده از سوی نظام مقدس اسلامی با بازده عینی و ملموس، به پاک‌سازی موانع و در برخی از موارد، به افشای نقش برخی افراد در به‌وجود آمدن وضعیت کنونی بپردازیم.

در آخر باید گفت:

- ۱- در دوران حاضر «حجاب» خود در عرضه رسانه و ارتباطات تجلی می‌یابد و پیام آن با کمک رسانه‌ها به مخاطبان منتقل می‌گردد؛ بر پایه چنین دیدگاهی، اولاً باید گفت که بدون رسانه‌ها در دوران نوین اصولاً تبلیغ و ترویج مسأله و فرهنگ حجاب نمی‌تواند صورت گیرد.
- ۲- یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کنونی رسانه‌ها در جوامع انسانی حفاظت از حجاب برتر و انتقال صحیح پیام آن به مردم است. رسانه اسلامی با

ایران به عنوان یک حرکت سیاسی با هدف تخریب بنیان‌های فکری و عقیدتی و رفتاری زنان در جامعه همچنین تهیه برنامه‌های مختلف در خصوص تاریخچه و جایگاه پوشش و حجاب در غرب، تبیین علل و عوامل آن و چگونگی رواج فرهنگ برهنگی در سده‌های اخیر در آن جوامع.

۷- آموزش و ترویج احکام شرعی حجاب و پوشش بومی (منطقه‌ای) در جغرافیای جمهوری اسلامی ایران و نشان دادن وضعیت حقوقی، فرهنگی و اجتماعی زنان در غرب و مقایسه آن با وضعیت زنان در ایران به منظور ایجاد احساس رضایت خاطر زنان ایرانی از فرهنگ دینی و پابندی آگاهانه‌تر آنان به عفاف و حجاب.

۸- انجام تمهیدات لازم برای کاهش تأثیرات منفی سریال‌ها و فیلم‌های خارجی متضاد با فرهنگ اسلامی از طریق نقد و بررسی فیلم‌ها و سریال‌ها و نشان دادن اثرات منفی فرهنگ مبتذل و غیراخلاقی غرب در زندگی اجتماعی و خانوادگی. ۹- آشنا نمودن خانواده‌ها و جوانان نسبت به برگزاری ازدواج کم هزینه و ساده باتوجه به شرایط اقتصادی جامعه و انعکاس موفقیت‌های جوانان - خصوصاً دختران - در ابعاد مختلف باهدف احیاء تقویت شخصیت و منزلت اجتماعی آنها.

۱۰- بازنگری در شرایط انتخاب فیلم‌ها و سریال‌های خارجی براساس ملاک‌های حجاب و عفاف و تهیه برنامه‌های متناسب با فرهنگ حجاب و عفاف برای کودکان و استفاده از قهرمان‌های عروسکی مطرح در کارتون‌ها و برنامه‌های کودک نظیر (علی کوچولو، کلاه قرمزی و...) در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان).

۱۱- نظارت مستمر به عنوان عوامل ترویج بی‌مبالاتی اخلاقی و سوق آن به سوی تبلیغات و آگهی‌های فرهنگی و اخلاقی و تدوین سیاست‌های روشن و مشخص در مورد سبک لباس و آرایش هنرمندان، مجریان زن و مرد و... در برنامه‌ها، فیلم‌های سینمایی، تأثیر و... با محوریت عفاف و حجاب.

۱۲- ایجاد سایتهای تخصصی امور زنان و اطلاع‌رسانی مناسب و دقیق به خانواده‌ها در مورد علل آسیب‌های اجتماعی و انحرافات در خصوص زنان بی‌سرپرست، کودکان خیابانی، طلاق، اعتیاد، فرار دختران و نشان دادن عدم رعایت عفاف و حجاب در بروز این آسیب‌ها.

۱۳- افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها از طریق رسانه ملی در مورد اهمیت فرهنگی عفاف و حجاب و انعکاس عواقب منفی استفاده از فیلم‌ها، نوارهای مبتذل و حضور در گروه‌های منحرف بر زندگی فردی - اجتماعی از طریق برنامه‌های مناسب به صورت طبیعی و غیرعمدی.

۱۴- طرح «لباس ملی» و آرایه آن توسط رسانه‌ها و اتخاذ سیاست‌های انضباطی در خصوص بازیگران زن صدا و سیما و جلوگیری از تجلیل و تبلیغ چهره‌هایی که در مناظر اجتماعی و عمومی با ظاهر و پوشش بد حضور پیدا می‌کنند.

۱۵- ترغیب و تشویق تولیدکنندگان آثار فرهنگی که راهکارهای بدیع و جذاب در راستای تعمیق و توسعه فرهنگ عفاف آرایه نمایند و تجلیل از هنرمندان و فرهنگ‌سازان متعهد که در اشاعه فرهنگ عفاف و حجاب صاحب اثر و نظر می‌باشند.



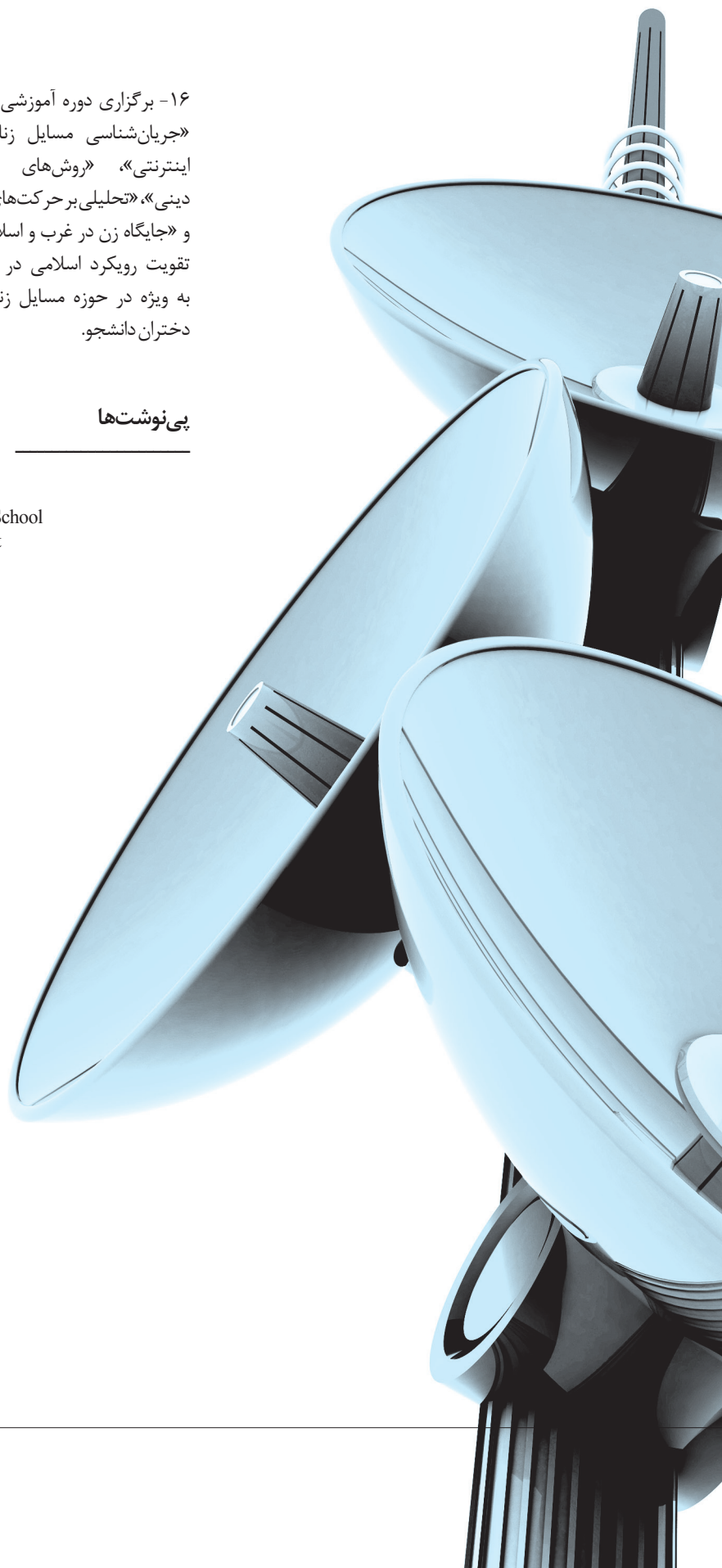
وقت آن رسیده است که
عالمانه و آگاهانه، به سراغ
رسانه‌های جمعی برویم و با
بازخوانی عملکرد آنها و ارزیابی
بودجه‌ها به اصلاح فرهنگی
آنان بپردازیم

منابع

- ۱- انصاری، رفعت (۱۳۷۸)، تبیین و ارزیابی نهضت جهانی شدن و اثرات آن بر تربیت اخلاقی و ارزشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۲- ایزدی، پیروز (۱۳۸۶)، بررسی مطالعات و پژوهش‌های رسانه‌ها و دین، فصلنامه رسانه، سال هجدهم، شماره ۱، بهار.
- ۳- پاستر، مارک (۱۳۷۷)، عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، مؤسسه ایران.
- ۴- پورطهماسبی، سیاوش (۱۳۸۷)، نقش و عملکرد تربیتی رسانه در عصر پست مدرن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران.
- ۵- تامپسون، جان (۱۳۸۰)، رسانه‌ها و مدرنیته: نظریه اجتماعی رسانه‌ها، ترجمه مسعود اوحدی، تهران، انتشارات سروش.
- ۶- جف، هنیس (۱۳۸۱)، دین، جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم، ترجمه داوود کیانی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- جلالی، علی اکبر (۱۳۸۱)، برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات، تهران، انتشارات مدارس هوشمند.
- ۸- حسینی، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ و رسانه‌های نوین، قم، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما و دفتر عقل.
- ۹- خانیکی، هادی (۱۳۸۶)، دین و نهاد ارتباطات، فصلنامه رسانه، سال هجدهم، شماره ۱، بهار.
- ۱۰- رضایی زارچی، محمد رضا (۱۳۸۵)، بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران.
- ۱۱- شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۹)، اصول و مبانی آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۲- عطاران، محمد (۱۳۸۳)، جهانی شدن، فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت، تهران، موسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
- ۱۳- گادامر مارگرت (۱۳۸۰)، زن و صنایع فرهنگی، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، انتشارات موسسه پژوهشی نگاه معاصر با همکاری مرکز گفتگوی تمدن‌ها.
- ۱۴- لازار، ژودیت (۱۳۸۰)، افکار عمومی، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نشرنی.
- ۱۵- لش، اسکات (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی پست مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر مرکز.
- ۱۶- محمدی، کریم خان (۱۳۸۴)، جامعه‌اطلاعاتی و دین، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان.
- ۱۷- مک کوایل (۱۳۸۰)، مخاطب‌شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۸- نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹)، پست مدرنیته و پست مدرنیسم، تهران، انتشارات نقش جهان.
- ۱۹- اصول کافی، یعقوب کلینی.

پی‌نوشت‌ها

1. Diversion
2. Hyper – School
3. Lach Scot
4. Attitude
5. Oppinion
6. Postman
7. Dogmatic
8. Hens



■ نوشته: زینب محمدزاده آیسک (دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسه عالی شهید مطهری)
به راهنمایی: دکتر زهرا گواهی (استادیار دانشگاه پیام نور مشهد)

مسأله‌ی حجاب از دیدگاه مذاهب اسلامی

مقدمه

اسلام به عنوان آخرین دین الهی، برای حفظ حریم فرد و جلوگیری از انحرافات اجتماعی، احکام خاصی را در مورد پوشش زن وضع کرده است که تنها اختصاص به زنان ندارد و شامل مردان نیز می‌شود.

دین اسلام برای هر یک از زنان و مردان و پسران و دختران دستوراتی را صادر کرده است که متناسب با ویژگی‌های جسمی و روحی آنان است.

بدیهی است که زنان به دلیل بهره‌مندی از لطافت و زیبایی ظاهری مورد توجه مردان واقع می‌شوند و برای آن که رسالت مادری‌اشان را فراموش نکنند و بتوانند به درستی نقش خود را در تربیت فرزند و گرم نگاه داشتن کانون خانواده ایفا نمایند، باید در حریم عفاف و حجاب قرار گیرند.

هم‌چنین یکی از مهم‌ترین مسایلی که از ضروریات و شعائر اساسی دین مبین اسلام محسوب می‌شود و در روایات مربوط به

چکیده

مقاله‌ی حاضر با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی مسأله‌ی حجاب از دیدگاه مذاهب اسلامی» مسأله‌ی حجاب را به عنوان یک حکم شرعی مورد بررسی قرار می‌دهد، و با تکیه بر آراء فقهای امامیه و مذاهب اهل تسنن (شافعیه، مالکیه، حنفیه، حنابله)، با هدف تبیین حدود و کیفیت پوشش واجب و بررسی مبانی فقهی و حقوقی آن، به بررسی این موضوع پرداخته است. هر چند اصل حجاب مورد اتفاق جمیع فقهای اسلام است اما این که حدود این پوشش به چه نحوی باید باشد، تا حدودی مورد اختلاف است که منشأ این اختلاف، تفاوت دیدگاه فقهاء درباره‌ی موارد استثناء از حکم وجوب پوشش است. در این مقاله سعی بر آن است تا با بیان نظر فقهای شیعی و سنی در مورد استثنائات وجوب پوشش، حدود پوشش زن را مشخص کرده و در نهایت امتیاز فقه امامیه بر فقه مذاهب اهل تسنن در این خصوص، بیان گردد.

واژگان کلیدی

حجاب، مذاهب اسلامی، کفین، وجه، قدمین

وَلَا يَأْتِي
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّاَزْوَا
وَلَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى الْحُرَّةِ إِلَّا

قُلْ

آخرالزمان چهره‌ی بسیار نامطلوبی برای آن ترسیم شده است، مسأله‌ی حجاب و عفت زنان در جامعه و یا در میان نامحرمان می‌باشد. با توجه به اهمیت بحث حجاب و این که قرآن آن را حافظ سلامتی جسم و روح و روان مرد و زن و اساس امنیت جامعه می‌شمارد، آیا سزوار است که مرد و زن مسلمان این پدیده‌ی مهم اجتماعی را مورد توجه قرار ندهند؟ مرد و زن ما باید این را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار داده و از آن جایی که غریزه‌ی پوشش در وجود زن یک امر فطری است، اگر این زن در محیطی درست رشد کند و تعالیم درستی

پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.^۲ ابن منظور در «لسان العرب» این واژه را این گونه توضیح می‌دهد که حجاب به معنای پوشاندن و نیز اسم چیزی که پوشانیدن با آن انجام می‌گیرد، می‌باشد و هر چیزی که میان دو چیز جدایی بیاندازد، حجاب است.^۳

حجاب در اصطلاح:

حجاب در کاربرد فقهی و اصطلاح فقیهان، قلمرو کوچک‌تر و معنای محدودتری دارد و مقصود از آن پوشش ویژه‌ای برای زنان است، که مانع و بازدارنده‌ی نگاه نامحرمان به آنان و مانع انگیزش تمایلات جنسی مردان باشد، پیدایش و کاربرد این اصطلاح به جای ستر که در گذشته میان فقیهان رایج و معمول بوده است. به باور برخی از محققان

ببیند این غریزه‌ی او منحرف نمی‌شود. اگر چه موضوع حجاب با توجه به اختلاف آراء و نظرات فقهای شیعه و اهل تسنن، در باره‌ی حدود آن می‌تواند جایگاه بیشتری را جهت بحث و فحص به خود اختصاص دهد، اما در این مقاله سعی بر آن شده است که اهم مطالب موجود در این زمینه در حد توان مطرح گردد، هر چند دارای عیوب و نواقصی است. لذا نگارنده از نظرات و انتقادات اساتید و محققین محترم در اصلاح و پیشرفت این کار تحقیقی استقبال می‌کند.

بررسی فقهی و حقوقی حجاب در مکاتب اسلام

اگر بخواهیم حجاب را از منظر فقهی و حقوقی

بَدِینَ زَیْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا حج و بنااتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن جَنبِیْهِ إِلَّا إِلَى الْوَجْهِ وَالْكَفَیْنِ نَسَاءُ الْمُؤْمِنِیْنَ لِلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُوْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ

چون شهید مطهری، پیشینه‌ی چندانی ندارد و یک اصطلاح نسبتاً جدید است.^۴

واژه‌شناسی عفاف:

عفاف در لغت:

عَفَّ عَفًّا - عَفَافًا وَ عَفَّهَ وَ عَفَّاهُ یعنی از حرام و گفتار و کردار ناپسند خودداری کرد، پاکدامنی ورزید، عَفَّ عَنْ كَذَا: از فلان چیز پاکدامنی ورزید.^۵ هم‌چنین در بیان معنای لغوی واژه‌ی عفاف در فرهنگ معاصر (عربی - فارسی) چنین آمده است که: «عَفَّ از ماده عفه و عفاف) یعنی: «پرهیز کردن، خوشتن داری

بررسی نماییم، باید نظر فقهای اسلامی چه شیعی و چه سنی را در این زمینه بیان کنیم و از این رهگذر موارد امتیاز فقه شیعی بر فقه سنی را بیان کنیم و در زمینه‌ی حقوقی نیز نظر قانونگذار جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه بیان نماییم.

واژه‌شناسی حجاب

حجاب در لغت: الحجاب جمع حجب به معنای پرده و پوشش می‌باشد.^۱ می‌توان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق

کردن از هر چیز ممنوع، حرام، از کار ناپسند، پارسا بودن، با تقوا بودن» تعفف = عَفَّ عن: عفاف ورزیدن، خودداری کردن، شرم داشتن، دچار حیا شدن (از انجام کاری، برابر چیزی) ^۶.
این منظور در این‌باره می‌نویسد: «عفاف ورزیدن یعنی در گفتار و کردار از آن چه حلال نیست دوری جستن و خویشتن‌داری نمودن» ^۷. با توجه به معانی لغوی که برای واژه‌ی عفاف ذکر شده، می‌توان گفت که عفت و تقوا و درستکاری بایکدیگر رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ دارند، لذا آن‌جا که عفت و حیا باشد، صداقت و درستکاری و تقوا هم وجود دارد.

معنای اصطلاحی عفاف:

عفاف اصطلاحی اخلاقی است. عالمان اخلاق، عفاف را در شمار مهم‌ترین فضایل اخلاقی جای داده‌اند و فیلسوفان در حکمت عملی به آن پرداخته‌اند. علامه طباطبایی، عفاف را از اصول سه‌گانه‌ی فضیلت‌های اخلاقی می‌داند که صبر، حیا، ایثار، سخاوت و ... بر شاخه‌ی آن می‌روید. ایشان پس از آن که قوای شهوانی، غضبی و فکری را منشأ و خاستگاه تمامی اخلاق انسانی بر می‌شمرد، می‌گوید: «حد اعتدال در قوه‌ی شهوانی عفاف و افراط و تفریط در آن **خمود** نامیده می‌شود» ^۸. بر اساس آن چه که گفته شد، عفاف معنایی وسیع‌تر از پاکدامنی، فحشاء و زنا دارد. قرآن کریم و نصوص روایی نیز، عفاف را در معنای وسیع‌تر از عفاف و پاک‌ی جنسی به کار برده و آن را به معنای در پیش گرفتن رویه‌ی اعتدال، خود نگه داری، تسلط بر خویشتن، صبوری و ایستادگی در برابر کام‌جویی ناروا می‌داند که در حوزه‌ی تمایلات جسمی و جنسی می‌گنجد و نفس انسانی خواهان برآورده شدن بی‌قید و حصر آن نیازها است ^۹.

مواضعی از بدن که پوشش آن در نماز و در برابر ناظر واجب است به تعبیر فقهاء «عورت» نام دارد. در کتاب‌های لغت چند معنا برای عورت ذکر شده، از جمله، «العوره سوء الانسان و کل ما یستحیی منه والعوره کل خلل یتخوف منه فی ثغر او حرب» ^{۱۰}.

در این تعریف دو معنا آمده، اول قسمت‌هایی از بدن انسان که زشت و ناپسند است و حیا مانع آشکار شدن آن می‌شود، دوم هر چیز آسیب‌پذیری که مورد نگرانی باشد، مانند سرحدات و مرزها، عورت می‌باشد.

ابن اثیر می‌نویسد: «کل ما یستحیی منه اذا ظهر» ^{۱۱} «هر آن چه که حیا مانع آشکار شدن آن می‌شود، عورت است»

از این جهت به زن عورت اطلاق می‌شود که مانند منطقه‌ای آسیب‌پذیر، باید در حصار و پوشش قرار گیرد یا بدن وی از جهت فیزیکی به گونه‌ای است که حجب و حیا مانع نشان دادن آن در برابر چشمان نامحرم می‌شود. اما این که چه مقدار از بدن زن «عورت» است، در کلمات فقهاء اختلاف واقع شده و منشأ اختلاف در این است که آیا مواضع مورد اختلاف یعنی وجه و کفین و قدمین «عورت» قلمداد می‌شوند تا پوشش آن‌ها واجب باشد یا چنین نیست و این عنوان بر این مواضع صدق نمی‌کند؟

با تحقیق و تتبع در کتب فقهی و بررسی نظر فقهای امامیه و فقهای اهل سنت در این خصوص هفت نظر و قول به دست می‌آید. برخی از فقهاء تمام بدن زن را «عورت» می‌نامند و پوشش آن را در مقابل نامحرم واجب می‌دانند، برخی «وجه» را از این عنوان و حکم استثناء کرده‌اند و پوشش آن را واجب نمی‌دانند، برخی «وجه و کفین» را مستثنی دانسته‌اند، برخی وجه و کفین (ظاهر و یا باطن آن) و قدمین را و برخی وجه و کفین و ظاهر قدمین و بالاخره برخی دیگر وجه و کفین و قدمین را مستثنی نموده‌اند. که به تفکیک هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اقوال فقهاء اسلام در مورد حدود حجاب

۱- وجوب پوشش تمام بدن بدون استثناء

برخی از فقهاء تمام بدن زن را «عورت» می‌دانند و پوشش آن را واجب از جمله:

۱- ابوالصالح الحلبي در کتاب الکافی للحلی می‌نویسد: «والمراة کلها العورة...» ^{۱۲} یعنی «تمام بدن زن عورت است».

۲- القاضي ابن البراج در کتاب المهدب می‌نویسد: «...عورة النساء فهی جميع ابدانهن...» ^{۱۳} یعنی «عورت زنان جمیع بدن‌هایشان می‌باشد».

۳- ابن ادریس حلی در کتاب سرائر در باب کیفیت جلد زن می‌نویسد: «و اذا ارید جلد المرأة جلدت کما یجلد الرجل و ضربت کما یضرب، إلا أنها تضرب جالسہ ولا تكون قائمہ فی هذه الحال، و تربط علیها ثیابها، لئلا تهتك عورتها، فإن جمیعها عورة» ^{۱۴} یعنی: «هر گاه خواستید زن را تازبانه بزنید، همان گونه که مرد را تازبانه می‌زنید، تازبانه می‌خورد و همان گونه که مرد را می‌زنید زده می‌شود، جزء این که زن نشسته زده می‌شود و نباید در این صورت ایستاده باشد، و لباس‌هایش به دور او چسبیده است، تا این که عورت او نمایان نشود، چون تمام بدن زن عورت است».

۴- ابن حمزه‌ی طوسی در «لوسيلة» می‌گوید: «...وعورة النساء جمیع البدن، و یجب علیها ستره...» «تمام بدن زن عورت است و پوشش آن بر او واجب است».

۵- سید بن زهره حلبی در «لغنیة النزوع» می‌گوید: «وستر العورة من النساء جمیع ابدانهن...» «در مورد زنان پوشش عورت تمام بدن‌هایشان می‌باشد».

۶- علامه حلی در «منتهی المطلب» می‌نویسد: «وجسد المرأة البالغة الحرة عورة بلا خلاف بین کل من یحفظ عنه العلم لقول النبی (صلی الله علیه وآله وسلم): «المرأة عورة» ^{۱۵} «بدن زن آزاد بالغ عورت است و این مسأله بین هر کسی که علم به مطلب دارد، بلاخلاف است، یعنی هر کسی که به مسأله علم دارد با آن موافق است و مخالفی وجود ندارد به دلیل قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که می‌فرماید: «زن عورت است».

علامه حلی در این جا هر چند صراحتاً بیان نکرده‌اند که تمام بدن زن عورت است ولی باتوجه به این که بعد آن هیچ استثنایی نیاورده‌اند،

۳- وجوب پوشش تمام بدن به استثناء وجه و کفین

فقهایی که قایلند به این که برای زن پوشاندن تمام بدن به استثنای صورت و دو دست واجب است عبارتند از:

۱- شیخ طوسی در کتاب «خلاف» به نقل از کتاب «المغنی ابن قدامة» که یکی از کتب اهل تسنن می‌باشد می‌نویسد: «وَأَمَّا الْمَرْأَةُ فَكُلُّهَا عَوْرَةٌ إِلَّا الْوَجْهَ وَالْكَفَيْنِ»^{۲۳} «تمام بدن زن به استثنای صورت و دستان او عورت است».

۲- ابن علامه در کتاب «ایضاح الفوائد» در باب «نظر الرجل الى المرأة» می‌نویسد: نگاه مرد به هر زن اجنبی که قصد ازدواج با او ندارد و نیازی هم به نگاه کردن به او ندارد، حرام است به جزء صورت و دو دست او و این مسأله بین علمای اسلام اجماعی است، در ادامه می‌نویسد: اگر نگاه به صورت و دستان با قصد لذت باشد یا خوف فتنه‌ای وجود داشته باشد، چنین نگاهی حرام است، به دلیل اجماع و قول خداوند متعال «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ وَ يَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ»^{۲۴} سپس در ادامه از قول پدر بزرگوارش نقل می‌کند: «نظر به صورت و دو دست، مانند نظر به سایر بدن، حرام است» و خود نیز این نظر را به عنوان نظر صحیح‌تر انتخاب می‌کند به دلیل عموم آیه و به دلیل این که در آن احتمال شهوت و فتنه وجود دارد.^{۲۵}

۳- شهید اول در کتاب «ذکر الشیعة فی احکام الشریعة» در باب استثنائات عورت زن می‌نویسد: «واجمع العلماء على عدم وجوب ستر وجهها و کفیها لقوله تعالى «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»^{۲۶} واما القدمان فالمشهور عندنا إنهما ليست من العورة لبدوهما غالباً ولقضية الأصل»^{۲۷} «علماء بر عدم وجوب پوشش صورت و دستان زن اجماع دارند به دلیل قول خداوند متعال در آیهی ۳۱ سوره نور «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» ولی در مورد قدم‌ها، در نزد ما مشهور این است که این دو عورت نمی‌باشند چون غالباً این دو آشکارند واصل هم عدم وجوب است (اصل برائت).

در این جا شهید اول به طور قطع وجه و کفین را از جمله مستثنیات دانستند و در مورد قدم‌ها آن را به عنوان قول مشهور بیان کردند، لذا نظر خود آن بزرگوار شاید به طور جزم این نباشد که قدم‌ها هم جزء عورت نمی‌باشد.

اکنون که آن دسته از فقه‌های امامیه را که قایلند زن باید به استثنای صورت و دو دست خود، مابقی بدن را بپوشاند، نام بردیم، به بیان تنی چند از فقه‌های اهل تسنن که همین عقیده را دارند، می‌پردازیم این فقه‌ها عبارتند از:

۱- عبدالله بن محمود بن مودود الموصلی الحنفی در کتاب «الاختیار لتعلیل المختار» که یکی از کتب فقهی حنفی می‌باشد از قول ابو حنیفه می‌نویسد: «تمام بدن زن آزاد عورت است به جزء صورت و دو دست. به چند دلیل:

مشخص می‌شود که مراد ایشان این بوده که تمام بدن زن عورت است.

۷- شیخ طوسی در کتاب «الخلاف» می‌نویسد: «المرأة كلها عورة، فعليها ان تستر جميع بدنھا فی الصلاة»^{۲۸} یعنی «تمام بدن زن عورت است، بنابراین بر او واجب است تمام بدنش را در نماز بپوشاند».

۸- ابوالمجد الحلبي در کتاب «شاره السبق» در باب شرایط نماز (یکی از شرایط آن ستر العورة می‌باشد) می‌نویسد: «.....وكلها عورة، فيجب عليها ستر جميع رأسها و بدنھا إلا ما سمح فيه.....»^{۲۹} یعنی «تمام بدن زن عورت است، بنابراین پوشیدن تمام سر و بدن او بر او واجب است، مگر آن مقداری که مسح می‌کشد».

۹- فاضل هندی در «كشف اللثام» می‌نویسد: «و بدن المرأة كله عورة»^{۳۰} یعنی «تمام بدن زن عورت است».

فقه‌های اهل سنت تمام بدن زن را عورت نمی‌دانند بلکه قایل به استثنائاتی هستند که در بخش‌های بعدی مطرح خواهد شد.

۲- وجوب پوشش تمام بدن به استثنای وجه

عده‌ی معدودی از فقه‌های امامیه، پوشش تمام بدن زن را به استثنای وجه واجب می‌دانند از جمله:

۱- شیخ طوسی در کتاب «الاقتصاد» باب «ستر العورة و ما يجوز الصلاة فيه» می‌نویسد: «و اما المرأة الحرة فإن جميعها عورة يجب ستره فی الصلاة، ولا تكشف غیر الوجه فقط»^{۳۱} «تمام بدن زن آزاد عورت است و پوشش آن در نماز واجب است و غیر از صورت هیچ قسمتی از بدن او نباید آشکار شود».

۲- علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء می‌نویسد: «وعورة المرأة جميع بدنھا إلا الوجه بإجماع العلماء»^{۳۲} «تمام بدن زن به استثنای صورت به دلیل اجماع علماء عورت است».

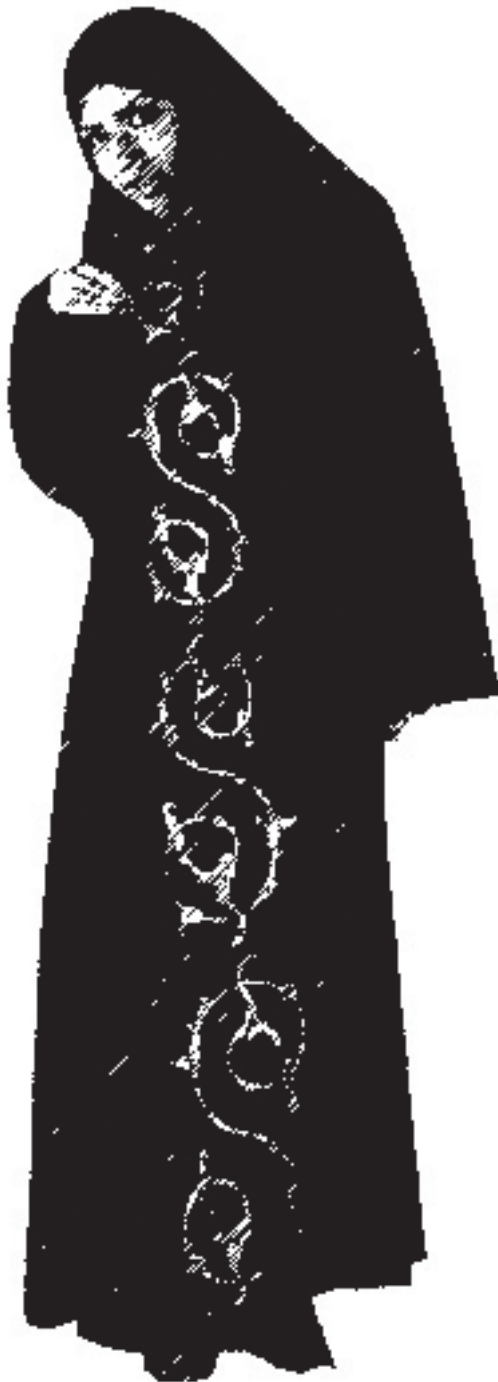
۳- محقق سبزواری در کتاب «ذخیره المعاد» می‌نویسد: «وجسد المرأة الحرة كله عورة يجب ستره عدا الوجه»^{۳۳} «تمام بدن زن آزاد به استثنای صورت عورت است و پوشش آن بر او واجب است».

از میان فقه‌های اهل سنت، گروهی از فقه‌های حنبلی نیز همین عقیده را دارند:

۱- در کتاب «أخصر المختصرات» آمده است: «وكل الحرة عور إلا وجهها»^{۳۴} «تمام بدن زن آزاد عورت است به استثنای صورتش»

۲- در کتاب «الإرشاد» آمده است: «الحرة البالغة فكلها عورة إلا وجهها و فی کفیها و قدیمیها عن أحمد روایتان، المشهور وجوب سترهما»^{۳۵} یعنی «تمام بدن زن آزاد بالغ به استثنای صورتش عورت است و در مورد دستان و قدم‌های او از احمد بن حنبل دو روایت ذکر شده است (وجوب پوشش و عدم وجوب آن) و قول مشهور عدم وجوب پوشش آن‌ها می‌باشد».

هم‌چنین در کتب «زاد المستقنع فی إختصار المقنع»^{۳۶} و «کلمات السداد علی متن الزاد»^{۳۷} و «منار السبیل»^{۳۸} نیز به همین مضمون اشاره شده است.



دلیل اول: قول خداوند تبارک و تعالی: «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»^{۳۲} ابن عباس می‌گوید مراد از زینت کحل و خاتم است، آشکار شدن زینت، ضرورتاً آشکار شدن موضع آن را به دنبال دارد و کحل (سر مه) زینت صورت و خاتم (انگشتر) زینت دست است، در نتیجه صورت و دست می‌تواند آشکار باشد.

دلیل دوم: آشکار شدن آن دو در معاملات ضروری است» سپس می‌نویسد: در مورد قدم‌ها دو قول وجود دارد: صحیح آن دو قول ایر قدم‌ها در نماز عورت نیست ولی خارج نماز عورت است.^{۳۳}

۲- ابو بکر بن علی بن محمد الحدادی در کتاب «لجوهر النیره» می‌گوید: «برای مرد جایز نیست که به زن اجنبیه نگاه کند مگر به صورت و او، چون که هنگام معامله با مردان آشکار کردن صورت و دست گرفتن و دادن، ضروری است، همچنین گاهی اوقات، به خاطر شبه نفع او یا بر علیه او نزد حاکم، مضطر به کشف صورت می‌شود، لذا کشف صورت اجازه می‌دهند.»^{۳۴}

۳- الشیبانی در کتاب «لمبسوط» می‌نویسد: «وَأَمَّا الْمَرْأَةُ الْحُرَّةُ نِكَاحَ بَيْنِهِ وَبَيْنِهَا وَلَا حَرَمَةَ مِمَّنْ يَحِلُّ لَهُ نِكَاحُهَا فَلَيْسَ بِبَغْيٍ لَهُ إِلَى شَيْءٍ مِنْهَا مَكْشُوفاً إِلَّا الْوَجْهَ وَالْكَفَّ وَالْبَاسُ بِأَنْ يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِ كَفِّهَا وَلَا يَنْظُرُ إِلَى شَيْءٍ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْهَا»^{۳۵} یعنی «زن آزادی که بین بیگانه ازدواجی صورت نگرفته است (محرم سببی نیست) و از ز نیکاح او بر مرد حرام باشد نیست (محرم نسبی نیست) در این صورت مرد جایز نیست که به چیزی از بدن این زن نگاه کند مگر صورت و او، ولی نگاه به صورت و دست او هیچ اشکالی ندارد و به غیر از دست صورت به هیچ عضو دیگری نمی‌تواند نگاه کند.»

۵- أبوالحسن الرشدانی در کتاب «الهدایة» می‌نویسد: «وبدن الح عورة إلا وجهها و کفیها»^{۳۶} «تمام بدن زن آزاد به جزء صورت و دست عورت است.»

۶- محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر الرازی در کتاب «تحفة الی» می‌نویسد: «ویحرم النظر إلى غیر الوجه و الکفین من الحرة الأج یعنی «نگاه کردن به غیر از صورت و دست زن آزاد نامحرم حرام است»^{۳۷} «کمال الدین محمد بن عبدالواحد السیواسی» در کتاب «فتح و الباری» در کتاب «العناية فی شرح البدایة» می‌نویسند: «و بد کلها عورة إلا وجهها و کفیها ... و هذا تنصيص علی أن القدم عورة. أنها لیست بعورة وهو الأصح»^{۳۸} یعنی «تمام بدن زن آزاد عورت جزء صورت و دست او، و این عبارت بیان گر آن است که پاها عورت ولی یک قول وجود دارد که قدم‌ها عورت نیست و این در نظر من قول است.»

همان‌طور که بیان شد آقای السیواسی و الباری در ابتدا پوشش و طور قطع واجب دانستند ولی در انتها آن را به صورت قول قیل و کذا و سپس بیان داشتند که از نظر من این بهترین قول است.

باید زن آزاد تمام بدنش را بپوشاند زیرا زن آزاد تمام بدنش به استثنای صورت و دستانش عورت است، بنابراین پوشش بدنش به استثنای صورت و دستانش بر او واجب است.

۵- در کتاب «الذخیره» نیز آمده است: «الحرائر فی الجواهر أجسادهن كلها عورة إلا الوجه والكفين»^{۴۶} یعنی «تمام جوهره‌ی بدن زنان آزاد عورت است به استثنای صورت و دستان آن‌ها».

هم‌چنین در کتب الفواکه الدوانی^{۴۷} والقوانين الفقهیه^{۴۸} و حاشیه العدوی^{۴۹} و شرح خلیل للخرشی^{۵۰} و کفایه الطالب^{۵۱} و مختصر^{۵۲} و منح الجلیل^{۵۳} به همین مضمون اشاره شده است.

در میان فقهای اهل تسنن، علاوه بر فقهای مذهب حنفی و مالکی، گروهی از فقهای شافعی نیز همین قول را پذیرفته‌اند از جمله:

۱- در کتاب «أسنى المطالب» آمده است: «وعورة الحرة في الصلاة و عند الأجنبي و لو خارجها جميع البدن إلا الوجه والكفين ظهراً و بطناً إلى الكوعين لقوله تعالى «وَلَا يَبْدِيَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» قال ابن عباس و غيره «ما ظهر منها» وجهها و كفاهما إنما لم يكونا عورة لأن الحاجه تدعو إلى إبرازهما»^{۵۴} «عورت زن در نماز و در نزد مرد بیگانه ولو این که خارج نماز باشد، تمام بدن است به استثنای صورت و دستان تا مچ (چه ظاهر دستان و چه باطن آن‌ها) به خاطر قول خداوند متعال در آیه‌ی ۳۱ سوره نور «وَلَا يَبْدِيَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» ابن عباس و غيره می‌گویند مراد از ما ظاهر منها صورت و دستان می‌باشد، زیرا ابراز این دو به خاطر نیاز به آن‌ها غیر قابل اجتناب است».

۲- در کتاب «المهذب» آمده است: «زن آزاد تمام بدن او عورت است، به جزء وجه و کفین او به سه دلیل:

اول: قول خداوند متعال در قرآن کریم: «وَلَا يَبْدِيَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» ابن عباس در تفسیر «ما ظهر منها» گفته است: مراد از «ما ظهر منها» وجه و کفین است.

دلیل دوم: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) زنان را در احرام از پوشیدن دستکش و نقاب منع می‌کردند، در حالی که اگر این دو عورت بودند، هر آینه پوشیدن آن دو در احرام حرام نبود.

دلیل سوم: کشف صورت برای خرید و فروش و هم‌چنین کشف دستان برای گرفتن و دادن ثمن و مضمن معامله، غیر قابل اجتناب است.»^{۵۵} علاوه بر این سه مذهب اهل تسنن، گروهی از فقهای حنبلی نیز همین قول را پذیرفته‌اند:

۱- در کتاب «العمده» آمده است: «والحرة كلها عورة إلا وجهها و كفيها» «تمام بدن زن آزاد به جزء صورت و دستان او عورت است.»^{۵۶}

۲- عبدالله بن قدامه المقدسی در کتاب «الکافی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل» نیز یکی از استثنائات را وجه می‌داند و می‌نویسد که در مورد کفین دو روایت وجود دارد، از طرفی به چند دلیل می‌گوییم که کفین از وجوب پوشش مستثناست، به خاطر قول خداوند متعال در قرآن کریم: «وَلَا يَبْدِيَنَّ

۸- در کتاب «مجمع الأنهر» آمده است: «ولا ينظر الرجل إلى الحرة الأجنبية إلا إلى الوجه والكفين إن أمن الشهوة، لأن إبداء الوجه والكف يلزمها بالضرورة للأخذ والإعطاء، ولا ينظر إلى قدميها لعدم الضرورة في إبدائهما»^{۵۷} یعنی «مرد نامحرم فقط می‌تواند به صورت و دستان زن نامحرم نگاه کند، اگر نگاه همراه با شهوت نباشد، که در این صورت با توجه به مفهوم مخالف آن، اگر نگاه همراه با شهوت باشد، جایز نیست که نگاه کند، در ادامه در دلیل جواز نگاه بدون شهوت به صورت و دستان زن، می‌فرمایند: چون آشکار شدن صورت و دستان به هنگام معامله برای دادن و گرفتن ثمن و مضمن معامله، غیر قابل اجتناب است. سپس در ادامه می‌فرمایند: از آن جایی که ضرورتی در آشکار شدن قدم‌ها وجود ندارد، نگاه کردن به آن‌ها جایز نیست.

۹- در کتاب «فقه العبادات علی المذهب الحنفی» آمده است: «تمام بدن زن به جزء وجه و کفین عورت است» چنددلیل برای آن ذکر کرده است: اول: حدیث عبدالله بن مسعود: «المرأة عورة فإذا خرجت استشرفها الشيطان»^{۵۸} یعنی «زن عورت است پس هر گاه از خانه خارج می‌شود شیطان او را احاطه می‌کند» دلیل دوم: حدیث عایشه: «أن النبي (صلى الله عليه و سلم): لا يقبل الله صلاة حائض إلا بخمار» یعنی «نماز شخص حائض (مراد کسی است که در سن حیض است) قبول نمی‌شود مگر این که روسری بپوشد.» سپس در ادامه می‌نویسد: در ظاهر کفین اختلاف کرده‌اند: گروهی به طور مطلق گفته‌اند: عورت است، گروهی به طور مطلق گفته‌اند: عورت نیست گروهی گفته‌اند: در نماز عورت نیست ولی خارج نماز عورت است.»^{۵۹}

در ادامه، سخن چندتن از فقهای مذهب مالکی را بیان می‌کنیم:

۱- عبدالرحمن شهاب الدین البغدادی در کتاب «إرشاد المسالك» و محمد بن أحمد بن جزى الكلبي در کتاب «القوانين الفقهیه» می‌نویسد: «والحرة كلها عورة إلا وجهها و كفيها»^{۶۰} «تمام بدن زن آزاد به استثنای صورت و دستان او عورت است».

۲- الصاوی در کتاب «حاشیه الصاوی علی الشرح الصغير» می‌نویسد: «وعورة الحرة مع رجل أجنبي منها أي ليس بمحرم لها جميع البدن غير الوجه والكفين و أما هما فليس بعورة»^{۶۱} «عورت زن آزاد نسبت به مرد بیگانه (یعنی مردی که به او محرم نیست) تمام بدن است غیر از صورت و دستان او، ولی این دو عورت نیستند».

۳- در کتاب «فقه العبادات مالکی» در بیان تحدید عورت آمده است: «عند المرأة الحرة البالغة جميع بدنها ما عدا الوجه والكفين»^{۶۲} «حد عورت زن آزاد بالغ تمام بدنش به استثنای صورت و دستان او می‌باشد».

۴- القرطبی در کتاب «الإستذکار» می‌نویسد: «والذي عليه فقهاء الأمصار بالحجاز والعراق أن على المرأة الحرة أن تغطي جسمها..... فإنها كلها عورة إلا وجهها و كفيها و أن عليها ستر ما عدا وجهها و كفيها»^{۶۳} «آن‌چه که تمام فقهای همه زمان‌ها در حجاز و عراق بر آن اتفاق نظر دارند این است که

زَيَّنَتْهُنَّ إِلَّا مَاطَظَهُنَّ مِنْهَا» و ابن عباس در تفسیر «ما ظهر منها» گفته است که مراد از آن وجه و کفین است و دلیل دوم این که، پوشیدن وجه و کفین در احرام، حرام است و اگر آن دو عورت بودند، هر آینه پوشیدن آن‌ها در احرام حرام نبود. از طرفی می‌گوییم پوشیدن دستان واجب است چون در پوشیدن آن مشقتی وجود ندارد، پس به مانند سایر بدن پوشیدن آن واجب است.^{۵۷}

۴- وجوب پوشش تمام بدن به استثنای وجه و قدمین و باطن کفین

گروه بسیار اندکی از فقهای اهل تسنن قایلند به اینکه زن باید تمام بدن خود را به استثنای صورت و قدمها و ظاهر دستان، بپوشاند:

زین الدین بن ابراهیم بن نجیم در کتاب «البحر الرائق» می‌نویسد: «وبدن الحرة عورة إلا وجهها وكفيها وقدميها...» و عبر بالكف دون اليد على أنه مختص بالباطن دون الظاهر وأن الظاهر الكف عورة^{۵۸} «تمام بدن زن آزاد به جزء صورت و دستان و قدمها عورت است و از این که به جای تعبیر به ید تعبیر به کف کرده است این نکته استنباط می‌شود که فقط باطن دست عورت نیست، بنابراین ظاهر دست عورت است»

متن فوق بیان گر این مطلب است که بر زن واجب است تمام بدن خود را به استثنای صورت و قدمها، و باطن دستان، بپوشاند، بنابراین ظاهر دست عورت است و پوشش آن‌ها بر زن واجب است.

۵- وجوب پوشش تمام بدن به استثناء وجه و کفین و ظاهر قدمین

عده‌ای از فقهاء علاوه بر وجه و کفین، ظاهر قدمها را نیز استثناء کرده‌اند که در زیر بیان می‌شود:

علامه حلی در کتاب مختلف الشیعه به نقل از شیخ طوسی در کتاب المبسوط می‌نویسد: «المرأة الحرة يجب عليها ستر رأسها وبدنها... ولا يجب عليها ستر الوجه والكفين وظاهر القدمين وإن سترته كان أفضل» «بر زن آزاد واجب است که سر و بدنش را بپوشاند، ولی بر او واجب نیست که صورت و دستان و روی قدم را بپوشاند، ولی اگر بپوشاند بهتر است».

در این جا شیخ طوسی هر چند می‌فرماید واجب نیست بپوشاند ولی می‌فرماید بهتر آن است که بپوشاند بنابراین حمل بر استحباب می‌شود.

۶- وجوب پوشش تمام بدن به استثناء وجه و کفین و باطن قدمین

از میان فقهای اهل تسنن، یکی از فقهای شافعی معتقد است که یکی از استثنائات وجوب پوشش زن علاوه بر صورت و دستان، باطن قدمها است؛ محمد بن إدريس الشافعي در کتاب «لام» می‌نویسد: «وكل المرأة عورة إلا كفيها وجهها وظاهر قدميها عورة»^{۵۹} «تمام بدن زن عورت است به جزء صورت و دستان او و روی پای او نیز عورت است» از این که می‌نویسد: روی پا او عورت است، از طریق مفهوم مخالف به دست می‌آید که کف پا عورت نیست.

هم‌چنین عبدالکریم بن محمد الرافعی القزوينی در کتاب «الشرح الكبير للرافعي» می‌نویسد: «و عورة الحرة جميع بدنها إلا الوجه واليدين إلى الكوعين و ظهر القدم عورة»^{۶۰} «عورت زن آزاد تمام بدنش می‌باشد به استثنای صورت و دستان تا مچ و روی پا عورت است».

۷- وجوب پوشش تمام بدن به استثناء وجه و کفین و قدمین

تعدادی از فقهاء علاوه بر وجه و کفین، قدمها را نیز به طور مطلق (چه ظاهر آن و چه باطن آن) از جمله استثنائات پوشش زن قرار داده‌اند، که عبارتند از:

۱- ابن ادریس حلی در کتاب «سرائر» می‌نویسد: «وأما المرأة الحرة البالغة فإنه يجب عليها ستر رأسها وبدنها من قرنهما إلى قدميها، ولا يجب عليها ستر الوجه والكفين والقدمين، فإن سترت ذلك كان أفضل»^{۶۱} «بر زن بالغ آزاد واجب است که سر و بدنش را از بالای سر تا قدمهایش بپوشاند؛ ولی پوشش صورت و دستان و قدمها بر او واجب نمی‌باشد، البته اگر آن‌ها را بپوشاند بهتر است».

۲- علامه حلی در کتاب «إرشاد الأذهان» می‌نویسد: «جسد المرأة كله عورة، عدا الوجه والكفين والقدمين»^{۶۲} «تمام بدن زن به استثنای صورت و دستان و قدمها عورت می‌باشد».

۳- علامه حلی در کتاب «تبصرة المتعلمين» در باب لباس نمازگذار می‌نویسد: «و جسد المرأة عورة، وسوغ لها كشف الوجه واليدين و القدمين»^{۶۳} «بدن زن عورت است ولی به او در باز گذاشتن صورت و دستان و قدمها اجازه داده شده است».

۴- شهید اول در کتاب «دروس» می‌نویسد: «وبدن المرأة ورأسها عورة إلا الوجه والكفين والقدمين ظاهرهما و باطنهما»^{۶۴} «بدن زن به استثنای صورت و دستان و قدمها (چه ظاهر قدمها و چه باطن آن‌ها) عورت می‌باشد».

۵- شهید ثانی در کتاب «روض الجنان» می‌نویسد: «تمام بدن زن آزاد عورت است، لذا پوشش آن در نماز و آن چه که در حکم نماز است، بر زن واجب است، به استثنای صورت (مراد از آن مقداری است که نشستن آن در وضو واجب است) و دو دست (حد آن دو، تا مچ است) و فرقی بین ظاهر دو دست و باطن آن‌ها وجود ندارد» سپس در ادامه می‌نویسد: «استثناء این دو عضو، بین اصحاب ما اتفاقی است، و هم‌چنین، بنابر قول مشهور قدمها نیز از وجوب پوشش مستثناست و دلیل آن علاوه بر این که، چون غالباً آشکارند، روایت محمد بن مسلم است از امام باقر (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «والمرأة تصلی فی الدرع والمقنعة إذا كان الدرع كثيفا» امام باقر (علیه السلام) در این روایت به درع و مقنعه اکتفاء کرده‌اند، در حالی که درع همان پیراهن است و غالباً قدمها را نمی‌پوشاند و مقنعه پوشش سر است» سپس در ادامه می‌نویسد: «حد قدمها تا ساق پا می‌باشد، و بنابر ظاهر، فرقی بین ظاهر آن دو و باطن آن دو وجود ندارد،

وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا

یا ایها النبی قل لازواحگ و بناآگ و نسا المؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن

وَلَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى الْحَرَّةِ الْأُجْنَبِيَّةِ إِلَّا إِلَى الْوَجْهِ وَالْكَفَيْنِ

نساء المؤمنین
قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم

که به خاطر ابتلائی که در آشکار کردن آن وجود دارد، عورت نمی‌باشد.» همان طور که گفته شد آقای زیعلی در ابتدا قدم‌ها را به طور قطع جزء عورت به حساب نیاوردند ولی در ادامه می‌فرمایند در مورد قدم دو قول وجود دارد و عورت نبودن قدم را به عنوان صحیح‌ترین دو قول انتخاب کردند.

با توجه به مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید، مذهب امامیه بالنسبه به مذاهب اهل تسنن یک سری امتیازاتی دارد و آن این که در مذهب امامیه برای استثنائاتی که در مورد وجوب پوشش زن در مقابل مرد نامحرم وجود دارد، دو ملاک عمده مدنظر واقع شده است، ملاک اول این که ضرورتی وجود داشته باشد، و این ملاک به استناد یکی از قواعد فقهی: «المحظورات تبیح بالضرورات» کارهای ممنوع (در بحث ما، آشکار کردن صورت و دستان) به واسطه ضرورت جایز است، و یا به قول عامیانه از باب «اکل به میته» (همه می‌دانیم خوردن مردار حرام است ولی اگر اضطرار حاکم باشد، همین خوردن میته که حرام است، جایز می‌شود، یعنی اضطرار تا حدی مؤثر است که می‌تواند حکم شرعی نزد خدا را نیز تغییر دهد) می‌باشد، ملاک دوم این که در باز گذاشتن صورت و دستان، جلوی مرد نامحرم، خوف فتنه‌ای وجود نداشته باشد، بدین معنا که اگر مرد نامحرم با نگاه کردن به صورت و دستان خانمی به هردلیل (زیبایی خانم، آرایشی که کرده و...) به گناه بیفتد، در این صورت باز گذاشتن صورت و دستان جایز نمی‌باشد. بنابراین اگر این دو ملاک وجود داشته باشد، حکم (جواز آشکار کردن صورت و دستان) وجود دارد و در غیر این صورت، چنین حکمی وجود ندارد، در میان مذاهب اهل تسنن نیز در مذهب حنفیه و شافعیه، گروهی از فقهاء از جمله: آقای عبدالله بن محمود بن مودود الموصلی الحنفی در کتاب «الإختیار لتعلیل المختار» و... آقای السنیکی

چون عمومیت دلیل هر دو را در برمی‌گیرد»^{۶۵}.

۶- محقق اردبیلی در کتاب «مجمع الفائدة» می‌نویسد: «وجسد المرأة كله عورة عدا الوجه والكفين والقدمين»^{۶۶} «تمام بدن زن به استثنای صورت و دستان و قدم‌ها عورت می‌باشد».

۷- محقق سبزواری در کتاب «کفایة الأحكام» می‌نویسد: «والأقوى أنَّ جسد المرأة الحرة كله عورة سوى الوجه والكفين والقدمين»^{۶۷} «نظر قوی‌تر آن است که تمام بدن زن به استثنای صورت و دستان و قدم‌ها عورت می‌باشد».

در ادامه بحث نظر چند تن از فقهای اهل تسنن را در این زمینه بیان می‌کنیم:

۱- زین الدین بن ابراهیم بن نجیم در کتاب «البحر الرائق» می‌نویسد: «وبدن الحرة عورة إلا وجهها وكفيها وقدميها»^{۶۸} «تمام بدن زن به استثنای صورت و دستان و قدم‌ها عورت می‌باشد».

۲- عبدالغنی الغنیمی در کتاب «الباب فی شرح الكتاب» می‌نویسد: «وبدن المرأة الحرة كله عورة إلا وجهها وكفيها وقدميها»^{۶۹} «تمام بدن زن به استثنای صورت و دستان و قدم‌ها عورت می‌باشد».

۳- در کتاب «تبیین الحقایق» آمده است: «و بدن الحرة عورة إلا وجهها وكفيها وقدميها، لقوله تعالى «ولا يبدین زینتهن إلا ما ظهر منها» والمراد محل زینتهن و ما ظهر منها الوجه والكفان و فی القدم روايتان والأصح أنها ليست بعورة للإبتلاء بإبدائها»^{۷۰} «تمام بدن زن به استثنای صورت و دستان و قدم‌ها عورت می‌باشد، به خاطر قول خداوند متعال در آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور «ولا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها» مراد از زینت محل زینت است و مراد از «ما ظهر منها» صورت و دستان می‌باشد، سپس در ادامه می‌نویسد: در مورد قدم دو روایت وجود دارد و صحیح‌ترین این دو روایت این است

در کتاب «أسنی المطالب»، یکی از این دو ملاک (ضرورت) را در جواز آشکار کردن آن‌ها مد نظر قرار داده‌اند. ولی در مجموع فقهای اهل تسنن برای این حکم ملاک به خصوصی را در نظر نگرفته‌اند و حتی گروهی از ایشان قایل به سخت گیری‌های بی‌مورد در این زمینه شده‌اند، به طوری که گفته‌اند حتی رفتن به قبرستان به دلیل اختلاطی که بین زن و مرد، حاصل می‌شود، برای زن جایز نمی‌باشد.

بررسی جرم انگاری بی‌حجابی در حقوق موضوعه‌ی ایران

۱. ارکان جرم

الف) رکن قانونی:

لازمه‌ی جرم انگاری یک فعل، وضع مجازات قانونی از سوی قانون گذار برای آن است، زیرا مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی تنها هر فعل یا ترک فعلی که برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود. تبصره‌ی ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) رکن قانونی تشکیل دهنده‌ی جرم رعایت کردن حجاب شرعی است. براساس این تبصره زنانی که بدون حجاب شرعی در معبر و انتظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. پیش از وضع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، در سال ۱۳۷۵ مستند قانونی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، ماده ۴ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند (مصوب ۱۳۶۵) بود. برابر این ماده: «کسانی که در انتظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح، محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند.» ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، ورود خاص به عام است، زیرا ماده‌ی ۴ برای همه‌ی اشخاص عمومیت دارد، ولی قانون مجازات اسلامی تنها به جرم نداشتن حجاب شرعی در زنان اختصاص یافته است. بنابراین قانون مجازات در حدود تعارض، قانون سابق خود را تخصیص زده است. البته قانون یاد شده هم چنان به اعتبار خود باقی بوده و مستند قانونی برای جرم رعایت نکردن پوشش شرعی از سوی مردان است. از سوی دیگر، هدف این قانون درباره‌ی شیوه برخورد انتظامی و قضایی با جرم ظاهر شدن بدون حجاب شرعی در انتظار عمومی باید ملاک عمل قرار بگیرد، محدوده‌ی تعارض این دو ماده، میزان مجازات مقرر در آن‌هاست. ماده ۲ قانون: «نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند» از مجازات‌های تعریزی به شرح زیر نام می‌برد: «۱- تذکر و ارشاد ۲- توبیخ و سرزنش ۳- تهدید ۴- ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال برای استفاده کننده ۵- ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰



تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده». این مجازات‌ها در حق بزه کاران زن به دلیل وجود قانون خاص لاحق اعمال نمی‌شود. بنابراین مجازات زنان در رعایت نکردن حجاب شرعی منحصر در همان دو موردی است که ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است.

ب) رکن مادی:

۱- رفتار مجرمانه:

رفتار قوام دهنده‌ی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، امری عدمی و سلبی است. به عبارت دیگر «ترک فعل» رفتار تشکیل دهنده‌ی این جرم است. این جرم عبارت است از رعایت نکردن و ترک یک تکلیف قانونی که همان مراعات حجاب شرعی در انظار عمومی از سوی بانوان است.

۲- شخصیت بزه‌کار:

دکتر شامیاتی در این رابطه می‌نویسد: «در مسأله‌ی بی‌حجابی و تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، فقط خطاب مقتن به زنان بوده و حکم این تبصره، شامل مردان نمی‌باشد. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا پوشش و حفاظ برای اقلیت‌های دینی هم الزامی است یا خیر؟ و اگر یک زن غیر مسلمان مرتکب عمل بی‌حجابی در معابر و انظار عمومی شود، مشمول حکم این قاعده قرار خواهد گرفت یا خیر؟ در این خصوص با توجه به مقررات ماده ۳ قانون مجازات اسلامی که نسبت به کلیه کسانی که در قلمروی جمهوری اسلامی ایران، قرار دارند، قابلیت اعمال دارد، لذا احترام به قانون برای کلیه‌ی افراد جامعه اعم از مسلمان و غیر مسلمان اجباری است و در صورت مشاهده این قبیل اعمال توسط زنان غیر مسلمان مشمول حکم قانون قرار خواهند گرفت.»

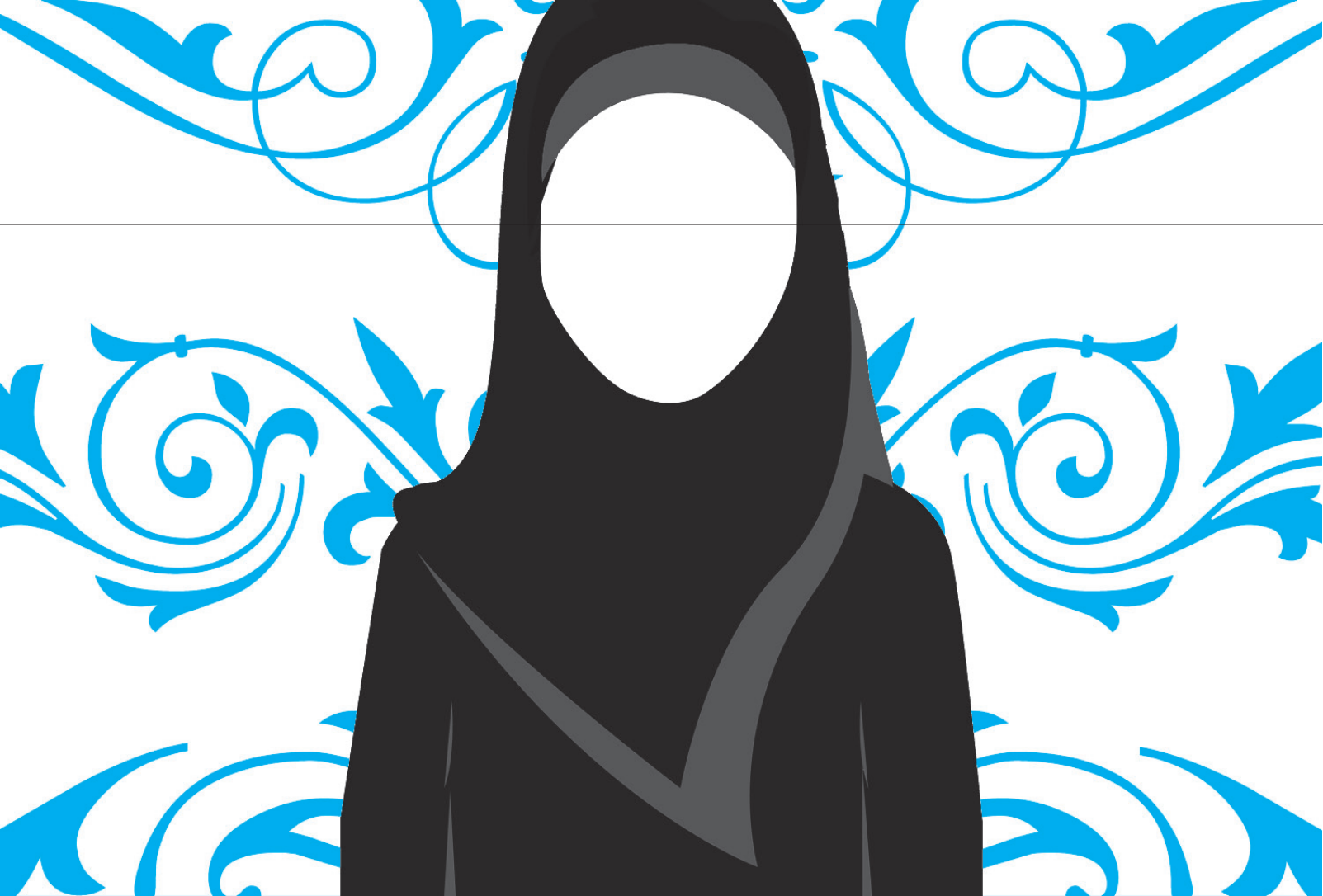
۳- شخصیت بزه دیده:

سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه و خانواده، حوزه‌هایی هستند که با تحقق جرم رعایت نکردن حجاب شرعی آسیب می‌بینند. بنابراین جرم مورد بحث در شمار جرایم عمومی است و تعقیب کردن مرتکب آن نیازمند دعوای شاکی خصوصی نیست. فلسفه‌ی جرم انگاری رعایت نکردن حجاب شرعی نیز پاسداری از امنیت اخلاقی جامعه است که اخلاص در آن، زمینه ساز جرایم بسیار دیگری است. اهمیت پاسداری از شخصیت بزه دیده در این جرم، ضرورت اهتمام به جلوگیری از گسترش جرم یاد شده را دو چندان می‌کند.^{۷۱}

۴- وسیله‌ی ارتکاب جرم:

به دلیل عمدی بودن رفتار مجرمانه‌ی جرم مورد بحث، وسیله در تحقق آن نوعیت ندارد به بیان دیگر، ظاهر شدن در هر وضعیتی که کفایت حجاب شرعی نکند، مصداق جرم، رعایت نکردن حجاب شرعی به شمار می‌رود.





۶- زمان ارتکاب جرم:

عامل زمان در تحقق جرم یاد شده مداخلیتی ندارد و رعایت نکردن حجاب شرعی در هر زمانی حتی در زمان خالی از تردد افراد در معابر عمومی، مرتکب را مستوجب مجازات می‌سازد.

۷- حصول نتیجه:

جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از نظر حصول نتیجه مجرمانه، جرم مطلق است و صرف تحقق رفتار مجرمانه و تشکیل عنصر مادی در آن، مرتکب را مستوجب مجازات قانونی می‌سازد. حصول نتیجه مجرمانه و در پی آن، وجود سوء نیت خاص از شرایط تحقق این جرم نیست. بنابراین صرف مراعات نکردن حجاب شرعی در مناظر عمومی، بدون در نظر گرفتن آثار منفی احتمالی مترتب بر آن یا بار نشدن چنین آثاری، موجب تحقق این جرم است.

ج) رکن معنوی:

جرم بی‌حجابی از جمله جرایم عمومی است، چرا که مرتکب باید علاوه بر علم و آگاهی به غیر قانونی بودن و حرام بودن عمل ارتكابی، قصد انجام آن را نیز داشته باشد. به عبارتی دیگر، باید تعلق اراده بر نفس عمل مجرمانه صرف نظر از نتیجه آن موجود باشد، بنابراین، صرف اینکه زنی به اختیار و التفات حجاب شرعی را رعایت نکند، بزه کار به شمار می‌رود، هم‌چنین قبلاً گفتیم که جرم بی‌حجابی، جرمی مطلق است و سوء نیت خاص در تحقق آن نقشی ندارد، مداخلیت نداشتن سوء نیت خاص در تحقق این

نمایان بودن تمام یا بخشی از موی سر، آشکار بودن گردن و سینه به دلیل شیوه بستن روسری (مانند رسم عرب دوران جاهلیت) استفاده از لباس‌های تنگ و بدن نما و آرایش صورت و دست‌ها، همگی بخشی از مصداق‌های جرم رعایت نکردن حجاب شرعی هستند. تشخیص مصداق‌های این جرم بر عهده دادگاه رسیدگی کننده است.^{۷۲}

۵- مکان ارتکاب جرم:

مکان تحقق جرم یاد شده، معابر و انظار عمومی است. حکم شماره ۴۱۳-۱۳۱۶/۲/۳۱ دیوان عالی کشور، ما را در شناخت معابر عمومی یاری می‌رساند: «مقصود از ارتکاب عمل منافی عفت به طور علنی اعم است از این که عمل در مریی و منظر عمومی واقع شود و یا در مکانی که مستعد عموم باشد و قصد مرتکب پنهان نمودن محل و احتراز از علنی بودن و آشکار شدن آن تأثیری نخواهد داشت، بنابراین، ارتکاب عمل منافی عفت در پس کوچه و تاریکی شب مشمول ارتکاب عمل در علن خواهد بود.»^{۷۳}

فضای درونی وسیله نقلیه شخصی در صورتی که قابل مشاهده و در منظر عموم باشد، مشمول «انظار عمومی» خواهد بود. پس در صورتی که راننده یا سرنشین وسیله نقلیه حجاب نداشته باشد، مرتکب جرم و نقص قانون شده است. بنابراین ضابطان دادگستری باید با متوقف کردن چنین وسیله نقلیه‌ای، از فرار مجرم جلوگیری کنند. در این فرض، گرفتن مدرک شناسایی از فرد بی‌حجاب برای مراجعه بعدی به پاسگاه نیروی انتظامی و جاهت قانونی ندارد و استنکاف از تکلیف قانونی ضابطان مبنی بر توقیف فرد بی‌حجاب است.

باره چنین بیان داشته است: «به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود، همانند ضابطین قوه قضاییه هنگام برخورد با جرایم مشهود و در صورت عدم حضور ضابطان دیگر یا عدم اقدام به موقع آنها و یا اعلام نیاز آنان به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی، اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند» بنابراین نیروی مقاومت بسیج نیز می‌تواند در برخورد با جرم مشهود بی‌حجابی، به عنوان ضابط قضایی اقدام کند. نیروی مقاومت بسیج مکلف به اقدام به موقع است. عدم اقدام به موقع ضابطین در شرایطی محرز است که ضابطین ذی ربط دیرتر به صحنه برسند یا در صورت حضور، با جرم مورد نظر برخورد ننمایند.^{۷۶}

(ب) مرحله‌ی تعقیب:

ماده ۳ «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری» مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته است: «تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه‌ی الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، برابر ضوابط قانونی بر عهده‌ی رییس حوزه قضایی می‌باشد.» امروزه بنابر قانون معروف به «احیای دادسراها» دادستان یا همان مدعی‌العموم عهده‌دار تکلیف است. ضابطان دادگستری پس از کشف جرم موضوع را به دادسرا ارجاع می‌دهند و دادسرا به نمایندگی از جامعه به اقامه دعوا می‌پردازد. دادرسی در نظام حقوقی ایران مبتنی بر «سیستم قانونی بودن تعقیب» است، در این روش، دادسرا مکلف است هرگاه عمل ارتكابی از نظر قانون جرم باشد، بزه کار را تعقیب کند و حق اظهار نظر درباره‌ی متناسب و مفید بودن یا نبودن تعقیب را ندارد. ارزش مندی این روش به آن است که بر مبنای آن، هر جرمی تحت تعقیب قرار می‌گیرد و قطعیت اجرای مجازات به عنوان لازمه‌ی عبرت آموزی اعمال سیاست‌های کیفری متزلزل نمی‌شود. بنابراین دادسرا در برخورد با جرم بی‌حجابی، هرگز حق استنکاف از تعقیب متهم را ندارد.^{۷۷}

(ج) مرحله تحقیق:

«تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم بر عهده‌ی بازپرس می‌باشد»^{۷۸} البته قانون این اجازه را به ضابطان داده است که در مورد جرایم مشهود، عهده‌دار تحقیقات مقدماتی گردند. قانون‌گذار برای جلوگیری از اشاعه‌ی فحشا، تحقیق در جرایم منافی عفت را ممنوع اعلام کرده است. «مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی صورت می‌گیرد»^{۷۹} بنابراین جرم بی‌حجابی، تحقیق بردار است و هم ضابطان و هم بازپرس به عنوان مقام تحقیق می‌توانند برای تکمیل پرونده، تحقیقات انجام دهند. مقام تحقیق مکلف است پس از احراز هویت دقیق متهم، اتهام داده شده را به وی تفهیم کند و پس از آن، دفاع متهم را بشنود و آن گاه در صورت نیاز، درباره شیوه‌ی ارتكاب جرم، زمان و مکان آن و موارد دیگر از متهم بازجویی کند. از آن جا که متهم

جرم با اطلاق تبصره‌ی قانونی آن نیز سازگار است. زیرا قانون، همه زنانی را که حجاب شرعی را مراعات نمی‌کنند، فارغ از قصد و انگیزه‌ی ایشان، مجرم می‌داند، البته اگر مرتکب جرم دارای انگیزه‌های مجرمانه‌ای مانند تشویق دیگران به بی‌حجابی یا تبلیغ علیه نظام باشد، به مجازات مربوط به هر یک از این جرایم مهم محکوم خواهد شد.^{۷۴} هم‌چنین بی‌حجابی اگر به قصد انکار عامدانه و عالمانه ضرورت حجاب شرعی باشد، با جمع شدن شرایط دیگر، سبب تحقق «ارتداد» نیز می‌گردد.

۲. آیین دادرسی جرم بی‌حجابی

مراحل دادرسی کیفری جرایم جزایی عبارت است از: کشف، تعقیب، تحقیق، صدور حکم و اجرای حکم صادر شده

الف) مرحله‌ی کشف: دادسرا به موجب بند الف ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳) که در سال ۱۳۸۱ اصلاح شد، عهده‌دار کشف جرایم است. یکی از مهم‌ترین روش‌های کشف جرم که دادسرا از آن مدد می‌جوید، گزارش‌های ضابطان دادگستری می‌باشد و به موجب ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۱/۲۲ «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم به موجب قانون اقدام می‌نمایند. این ضابطان مکلفند، پس از آگاهی از وقوع جرم، اقدامات لازم را برای حفظ آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم یا پنهان شدن او، انجام دهند» ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند، با دادستان است.^{۷۵} ضابطان دادگستری در برخورد با این جرم چه در مریی و منظر ایشان انجام شده باشد و چه به واسطه اعلان دو نفر یا بیشتر که شاهد ارتكاب جرم بوده‌اند و فرد معینی را بزه کار معرفی کنند، از رخ دادن آن آگاه شده باشند، باید تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم معمول دارند.

امروزه دو نهاد وجود دارند که می‌توانند در مقام ضابط دادگستری، وظیفه‌ی کشف در جرایم مشهود را بر عهده بگیرند، یکی از آن دو نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است که به عنوان ضابط عام دادگستری برابر قانون نیروی انتظامی (مصوب ۱۳۶۹) «مبارزه با منکرات و فساد» را به عنوان یک وظیفه قانونی در مقام ضابط دادگستری بر عهده دارد. بنابراین، نیروی انتظامی مکلف است با به کارگیری مستمر نیروهای خود، زنان بدون حجاب شرعی را شناسایی کند و ایشان را پس از توقیف به مقام قضایی صالح تحویل دهد هم‌چنین بسنده کردن نیروی انتظامی به «ارشاد» ناقضان قانون و جاهت قانونی ندارد و تخلف از اجرای قانون به شمار می‌رود، نهاد دیگری، نیروی مقاومت بسیج است که «به موجب قوانین خاص و در محدوده‌ی وظایف محوله ضابط دادگستری به شمار می‌رود» ماده یک «قانون حمایت قضایی بسیج» (مصوب ۱۳۷۰) در این

این جرم مؤنث است، مقام تحقیق موظف به رعایت موازین شرعی در امر تحقیقات است و باید به گونه‌ای برخورد کند که از مظان اتهام فاصله داشته باشد. بازپرس پس از پایان یافتن تحقیقات، با احراز تحقق جرم بی‌حجابی و انتساب آن به متهم با صدور «قرار مجرمیت» پرونده را جهت تأیید دادستان و صدور کیفرخواست کیفری نزد وی بفرستد.

د) مرحله دادرسی

اولین موضوع در مرحله دادرسی، تعیین صلاحیت دادگاه برای آغاز رسیدگی است برابر ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب «رسیدگی به کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا فساد فی الارض» در صلاحیت دادگاه انقلاب است. جرم بی‌حجابی آن گاه که زمینه ساز اشاعه فحشا در جامعه اسلامی بوده و هتک کننده ارزش‌های اسلامی مورد حمایت انقلاب اسلامی باشد، مشمول عنوان «فساد فی الارض» خواهد بود. البته رویه جاری دادگاه‌های دادگستری این است که دادرسی پرونده‌های مربوط به جرایم منافی عفت و از جمله بی‌حجابی در محاکم عمومی کیفری صورت می‌پذیرد. «شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۲۶ در بخش نامه‌ای چنین ابلاغ کرد: «نظر به اینکه ضد انقلاب با استفاده از عناوین و مساعدت‌های قانونی به پایگاه‌های فکری و فرهنگی و اخلاقی جامعه اسلامی رخنه و حمله نموده، سعی دارد با خلاف کاری در رفتار و اعمال اجتماعی، فساد اخلاقی و جنسی و بی‌بند و باری اعتقادی را بر پایه‌های غرب باوری نفوذ و شیوع دهد، لازم است آقایان قضات محترم با توجه به حساسیت زمان و فرصت تاریخی استثنایی که در آن به سر می‌بریم، به دور از رأفت بی‌جایی که بعضاً اعمال می‌شود، در کلیه‌ی مظاهر این حرکت ضد انقلابی فساد انگیز و فتنه انگیز به دقت نظر کنند و مراجع قضایی عمومی که صلاحیت رسیدگی به جرایم عمومی را دارند، در هر مورد که ارتکاب رشاء و ارتشاء و اختلاس جرایم علیه اموال و حقوق عمومی، جرایم علیه عفت و عصمت عمومی، فحشا و منکرات در رفتار مبتذل غرب گرایانه در پوشش و آرایش و دیگر جرایم که عنواناً به منظور برهم زدن امنیت سیاسی و اقتصادی کشور یا غارت بیت المال به نظر می‌رسد، پرونده را برای رسیدگی قانونی به استناد ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های انقلاب حسب مورد به دادسرا یا دادگاه انقلاب اسلامی محل ارسال نمایند. دادسراها و دادگاه‌های انقلاب با کلیه مظاهر این حرکت‌های مخمل امنیت نظم عمومی و مضر به مصالح انقلاب پیروزی اسلامی طبق قانون برخورد نموده، اجازه نخواهند داد دسته‌های مفسدین جبهه جدیدی در حیطه فرهنگ و شئون اجتماعی در برابر انقلاب باز کنند. دادستان کل کشور در همان سال براساس بخشنامه‌ی شورای عالی قضایی با صدور بخشنامه‌ی تأکید کرد که در مورد «هر گونه اعمال خلاف عفت عمومی، فحشا و منکرات و رفتارهای مبتذل غرب گرایانه و مشابه آن با انگیزه ضدیت و دهن کجی به

نظام و اخلاص در امنیت سیاسی و یا اخلاقی و ... شایسته است، دادرسی و دادگاه‌های انقلاب اسلامی نسبت به پذیرش این قبیل پرونده‌ها از مراجع انتظامی و پیگیری قاطع و رسیدگی دقیق و مجازات متخلفین و مجرمین وفق ضوابط شرعی و قانونی اقدام نمایند.» بنابراین، مقامات تحقیق، ملکف هستند در مرحله تحقیقات مقدماتی، درباره انگیزه‌ی مجرمانه مرتکب جرم بی‌حجابی، تحقیقات لازم را انجام دهند تا حسب مورد، پرونده مجرم را به دادسراهای انقلاب بفرستند. پس از ارجاع پرونده به دادگاه صالح، دادرسی باید بر مبنای گزارش ضابطان و تحقیقات مقدماتی انجام شده، در صورتی که مورد وثوق او باشد، وارد رسیدگی ماهوی به اتهام‌های متهم شود. دادرسی برای اثبات جرم انتسابی، از قاعده‌ی «آزادی دلیل در امر کیفری» بهره می‌گیرد. اقرار متهم، گزارش جامع ضابطان دادگستری، شهادت دو شاهد قانونی و علم قاضی، روش‌های اثبات جرم بی‌حجابی است. به دلیل وجود جنبه حق الهی جرم مورد بحث، محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد و حکم محکومیت غیابی نمی‌توان صادر کرد.^{۸۰}

ه) مرحله اجرای احکام

مرحله‌ی نهایی دادرسی‌های کیفری، مرحله‌ی اجرای احکام می‌باشد. مطابق ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری: «هرگاه رأی به برائت یا منع تعقیب یا موقوفی تعقیب متهم صادر شود، رأی بلافاصله توسط دادگاه اجرا می‌شود.» حکم قطعی محکومیت متهم به واسطه‌ی دادسرا و واحد اجرای احکام کیفری اجرا می‌شود، مجازات‌های جرم بی‌حجابی، حبس یا جزای نقدی است. «شاخصی که محکوم به حبس هستند، با اعلام نوع جرم و میزان محکومیت برای تحمل کیفر به زندان معرفی می‌شوند»^{۸۱} «مدت تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا، حبس شود»^{۸۲} «در اجرای حکم به جزای نقدی، میزان محکوم باید به حساب خزانه‌ی دولت، واریز و برگه رسید آن پیوست پرونده شود»^{۸۳}. باتوجه به مطالب فوق این نتیجه حاصل می‌شود که بی‌حجابی در حقوق موضوعه‌ی ایران جرم محسوب می‌شود و قانونگذار در قانون مجازات اسلامی به این مسأله اشاره کرده است، و ضمانت اجرای خاصی برای کسانی که حجاب را رعایت نکنند و قصد اخلاص در نظم عمومی و هتک ارزش‌های اسلامی را داشته باشند، در نظر گرفته شده است، بنابراین همه‌ی زنان مسلمان باید به این مسأله توجه کافی داشته باشند و در رعایت آن اهتمام بورزند، ناگفته نماند، هرچند در وضع کنونی با این مسأله به عنوان یک جرم برخورد نمی‌شود، ولی زنان بدانند که رعایت حجاب از جانب آنان نه تنها حافظ شخصیت آن‌ها در این دنیا می‌باشد؛ بلکه ضامن سعادت اخروی آن‌ها نیز می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بندر ریگی، محمد، فرهنگ بندرریگی (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۸) چاپ اول، ص ۷۵۰.
۲. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب (بی‌جا: صدرا، ۱۳۶۶)، ص ۷۸.
۳. ابن منظور، لسان العرب (بیروت: دارصار، ۱۴۱۴ق) ج ۱، ص ۲۹۸.
۴. مطهری، مرتضی، مسأله‌ی حجاب (تهران، نشریه انجمن اسلامی پزشکان، ۱۳۵۳) ص ۶۴.
۵. طبیبیان، سید حمید، فرهنگ لاروس (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲) ج ۲، ص ۱۴۶۶.
۶. آذر تاش، آذر نوش، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی) (تهران: لشدنی، ۱۳۸۳) چاپ چهارم، ص ۴۴۶.
۷. «عفف: العفة: الکف عما لا یجَلّ و یجُمَل» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۳).
۸. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان (تهران: موسسه انتشاراتی اسماعیلیان، ۱۳۹۲ هـ.ق) چاپ سوم، ج ۱، ص ۱۳۷.
۹. هاشمی، سید حسین، «رابطه‌ی حجاب و عفاف»، پژوهش‌های قرآنی، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره‌ی ۵۲ - ۵۱.
۱۰. الجوهري، اسماعيل، الصحاح (تهران: امیری، ۱۳۶۸) جلد دوم، ص ۷۵۹.
۱۱. ابن اثیر، مبارک، «النهايه فی غریب الحديث والاثر» (قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴) جلد سوم، ص ۳۱۹.
۱۲. الحلبي، ابوالصلاح، الکافی للحلی (اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمومنین، آبی تا) ص ۱۳۹.
۱۳. القاضي ابن البراج، المذهب (قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۰۶) جلد اول، ص ۸۳.
۱۴. حلی، ابن إدريس، سرائر (قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۱۰) ص ۴۵۳.
۱۵. علامه حلی، منتهی المطلب (ایران، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲) جلد اول، ص ۲۳۶.
۱۶. شیخ طوسی، خلاف (قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۰۷) جلد اول، ص ۳۹۳.
۱۷. الحلبي، ابوالمجد، اشاره السبق (قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۱۴) ص ۸۳.
۱۸. الهندي، الفاضل، كشف اللثام (قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۱۶) چاپ اول، ج ۳، ص ۲۴۳.
۱۹. شیخ طوسی، الاقتصاد (طهران: منشورات مکتبه جامع چهلستون، ۱۴۰۰) ص ۲۵۸.
۲۰. علامه حلی، تذکره الفقهاء (قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۲۰) جلد اول، ص ۹۲.
۲۱. محقق سبزواری، ذخیره المعاد (آبی‌جا: موسسه آل البيت (ع)، لأحياء التراث، آبی تا) جلد اول، ص ۲۳۷.
۲۲. الأخرى، أبو زيد عبدالرحمن بن محمد الصغير، مختصر (آبی‌جا: آبی تا، آبی تا)، جلد اول، ص ۱۸.
۲۳. السعدی، عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله، الإرشاد (آبی‌جا: آبی تا، آبی تا)، جلد اول، ص ۳۴.
۲۴. «کل الحره عوره إلا وجهها» «تمام بدن زن به استثنای صورتش عورت است» «الحجاوی، شرف الدین موسی بن أحمدین موسی أبو النجا، زاد المستقنع فی إختصار المقنع (الریاض: دار الوطن للنشر، آبی تا) جلد اول، ص ۴۱».
۲۵. «و کل الحره عوره إلا وجهها» «تمام بدن زن آزاد به استثنای صورتش عورت است»

- «آل مبارک، فیصل بن عبدالعزيز، کلمات السداد علی متن الزاد (آبی‌جا: آبی تا، آبی تا) جلد اول، ص ۳۷».
۲۶. «والحره البالغه کلها عوره فی الصلاه إلا وجهها» «تمام بدن زن آزاد بالغ به استثنای صورتش در نماز عورت است» «ابن فویان، منار السبیل فی شرح الدلیل (آبی‌جا: المکتب الإسلامی، ۱۴۰۹) جلد اول، ص ۷۴».
۲۷. شیخ طوسی، خلاف، جلد اول، ص ۳۹۳.
۲۸. نور، ۳۰/۳۰.
۲۹. «نظر الرجل الى المرأة، فنقول، کل اجنبیه لا یرید نکاحها ولا حاجه إلى النظر إليها یحرم النظر إلى ما عدا الوجه و الکفین منها، بإجماع علماء الاسلام و أما الوجه و الکفین فیحرم بتلذذ أو خوف الفتنه اجماعا لقوله تعالى «قل للمومنین یغضوا من أبصارهم».....قال والدی فی التذکره، یحرم النظر الیهما کسائر جسدها وهو الأصح عندی لعموم الآیه و لأنه مظنه الشهوه والفتنه.» «ابن العلامه، ایضاح لفوائد (قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۷) چاپ اول، جلد سوم، ص ۵».
۳۰. نور، ۳۱/۳۱.
۳۱. شهید اول، ذکر الشیعہ فی أحکام الشریعہ (قم: موسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۹) چاپ اول، جلد سوم، ص ۶.
۳۲. نور، ۳۱/۳۱.
۳۳. «قال: وجميع البدن الحره عوره إلا وجهها و کفیها لقوله تعالى: «ولا یبدین زینتین إلا ما ظہر منها» قال ابن عباس: الکحل و الخاتم. ومن ضروره إبداء الزینة إبداء موضعها، فالكحل زینة الوجه، والخاتم زینة الکف، ولأنها تحتاج إلى کشف ذلك فی المعاملات فكان فیہ ضروره» «الموصلی الحنفی، عبدالله بن محمود بن مودود، الاختیار لتعلیل المختار (بیروت: لبنان، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶هـ، ۲۰۰۵م) الطبعه الثالثه، ج ۱، ص ۴۹.
۳۴. «ولا یجوز أن یُنظر الرَّجُلُ مِنْ الْأَجْنَبِيَّةِ إِلَّا إِلَى وَجْهِهَا وَكَفَّيْهَا) لِأَنَّ فِي إِبْدَاءِ الْوَجْهِ وَالْكَفِّ ضَرُورَةً لِحَاجَتِهَا إِلَى الْمُعَامَلَةِ مَعَ الرِّجَالِ أَخَذًا وَإِعْطَاءً وَقَدْ يُضْطَرُّ إِلَى كَشْفِ وَجْهِهَا لِشَهِادَةِ لَهَا وَعَلَيْهَا عِنْدَ الْحَاكِمِ فَرَحَصَ لَهَا فِيهِ» (الحدادی العبادی الیمنی، ابو بکر بن علی بن محمد، الجواهر النیره (آبی‌جا: آبی تا، آبی تا) ج ۶، ص ۱۶۳).
۳۵. الشیبانی، محمد بن الحسن بن فرقد، المبسوط (کراتشی: إدارة القرآن والعلم الإسلامیه، آبی تا) ج ۳، ص ۵۶.
۳۶. الرشدانی، آبی الحسن علی بن آبی بکر بن عبدالجلیل، الهدایه فی شرح البدایه (آبی‌جا: المکتبه الإسلامیه، آبی تا) ج ۱، ص ۴۳.
۳۷. الرازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، تحفه الملوک (بیروت: دارالبشائر الإسلامیه، ۱۴۱۷) جلد اول، ص ۲۳۰.
۳۸. السیواسی، کمال الدین محمد بن عبدالواحد، فتح القدر (بی‌جا: آبی تا، آبی تا) ج ۱، ص ۴۵۹؛ البابر تی، محمد بن محمد، العنايه شرح البدایه (آبی‌جا: آبی تا، آبی تا) جلد اول، ص ۴۱۸.
۳۹. عبدالرحمن محمدالمعروف بشیخی زاده، مجمع الأثر (آبی‌جا: آبی تا، آبی تا)، جلد هشتم، ص ۱۷۱.
۴۰. ورام بن آبی فراس، مجموعه ورام (قم: انتشارات مکتبه الفقہیہ، آبی تا) جلد دوم، ص ۱۱۸.
۴۱. «عوره المرأة جميع بدنھا عدا الوجه و الکفین بدلیل حدیث عبدالله بن مسعود، أن النبی (صلی الله علیه وآله و سلم) قال: المرأة عوره فإذا خرجت إستشر فھا الشیطان وحديث عائشه: أنالنبی (صلی الله علیه وسلم) قال: لا یقبل الله صلاه حائض إلا بخمار و اختلف فی ظاهركفین: قیل هو عوره وقیل إنه لیس بعوره فی الصلاه وقیل إنه لیس بعوره مطلقا» «الحاجه نجاج، الحلبي، فقه العبادات علی مذهب الحنفی (آبی‌جا: آبی تا، آبی تا) جلد اول، ص ۷۶».
۴۲. البغدادي، عبدالرحمن شهاب الدين، إرشادالمسالك (آبی‌جا: الشرکه الإفريقيه للطباعة، آبی تا)، جلد اول، ص ۲۸؛ محمد بن أحمد بن جزی، الکلی الغرناطی، القوانين الفقہیہ (آبی‌جا: آبی تا، آبی تا) جلد اول، ص ۴۰.

۴۲

۴۳. الصاوی، احمدبن محمد، حاشیه الصاوی علی الشرح الصغير (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) (ابی‌تا) جلد اول، ص ۴۸۲
۴۴. فقه العبادات مالکی (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد اول، ص ۱۴۱
۴۵. النمری القرطبی، أبو عمر یوسف بن عبدالله بن عبد البر، الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار (بیروت: دار الکتب العلمیه، ابی‌تا) جلد دوم، ص ۲۰۲
۴۶. الغرافی، شهاب الدین أحمدبن إدريس، الذخیره (بیروت: دار الغرب، ۱۹۹۴) ج ۲، ص ۱۰۵
۴۷. «و من المرأة الحرة جميع جسدها إلا الوجه و الکفین» «عورت زنان آزاد جميع بدن‌هایشان است به استثنای صورت و دستان» «النفرأوی، أحمدبن غنیم بن سلم، الفواکه الدوانی (ابی‌جا: مکتبه الثقافه الدينيه، ابی‌تا)، جلد اول، ص ۳۷۰»
۴۸. وأما الحرة فکلها عوره إلا الوجه و الکفین» «تمام بدن زن آزاد به استثنای صورت و دستان او عورت است» «القوانين الفقهیه، جلد اول، ص ۴۰»
۴۹. الصعیدی العدوی، علی بن أحمد، حاشیه العدوی (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد دوم، ص ۲۱
۵۰. الخرشی، محمدبن عبدالله، شرح خليل للخرشی (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد دوم، ص ۲۰۱
۵۱. البقاعی، یوسف الشیخ محمد، کفایه الطالب (بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲) جلد اول، ص ۲۱۵
۵۲. الأخری، أبو زید عبدالرحمن بن محمد الصغير، مختصر (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا)، جلد اول، ص ۱۸
۵۳. محمدبن أحمد، علیش، منح الجلیل (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد اول، ص ۴۷۶
۵۴. زکریا بن محمدبن زکریا الأنصاری، زین الدین أبو یحیی السنیکي، أسنى المطالب شرح روض الطالب (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد سوم، ص ۴۳
۵۵. «فأما الحرة فجميع بدنها عورة إلا الوجه و الکفین لقوله تعالى (و لا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها) قال ابن عباس (رضی الله عنهما) وجهها و کفیها ولان النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) نهی المرأة فی الاحرام عن لبس القفازین و النقاب ولو کان الوجه و الکف عوره لما حرم سترهما فی الاحرام ولان الحاجه تدعو إلى إبراز الوجه للبیع و الشراء و إلى إبراز الکف للأخذ و الإعطاء فلم يجعل ذلك عوره» «إبراهیم بن علی بن یوسف، الشیرازی، المذهب (بیروت: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد اول، ص ۶۴»
۵۶. العمده (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد اول، ص ۶۲
۵۷. «والمراة کلها عوره إلا الوجه و فی الکفین روایتان لقوله تعالى: (ولا یبدین زینتن إلا ما ظهر منها) قال ابن عباس : وجهها و کفیها و لانه یحرم ستر الوجه فی الاحرام و ستر الکفین بالقفازین و لو کانا عوره لم یحرم سترها و الثاني: أن الکفین عوره لأن المشقة لا تلحق فی سترهما فأشبهها سائر بدنهما» «عبدالله بن قدامه، المقدسی، الکافی فی الفقه الإمام أحمدبن حنبل (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد اول، ص ۲۲۶»
۵۸. زین الدین بن إبراهیم بن نجیم، المعروف بإبن نجیم المصری، البحر الرائق (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد سوم، ص ۶۴
۵۹. الشافعی، محمدبن إدريس، الام (بیروت: دار المعرفه، ۱۳۹۳) جلد اول، ص ۸۹
۶۰. الرافعی القزوينی، عبدالکريم بن محمد، الشرح الكبير للرافعی (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد چهارم، ص ۸۳
۶۱. ابن إدريس حلی، سرائر، ج ۱، ص ۲۶۰
۶۲. علامه حلی، إرشاد الأذهان (قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۰) ص ۲۴۷
۶۳. علامه حلی، تبصره المتعلمین (طهران: انتشارات فقیه، ۱۳۶۸ش) ص ۴۱
۶۴. شهید اول، الدروس، (قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ابی‌تا) جلد اول، ص ۱۴۷
۶۵. و جسد المرأة الحرة كله عوره يجب علیها ستره فی الصلاه و ما فی حکمها عدا الوجه و هو ما يجب غسله فی الوضوء و الکفین و حدهما مفصل الزند و لا فرق بین ظاهرهما و باطنهما و استثناء هذين موضع وفاق بین الأصحاب و کذا القدمین علی المشهور، و مستنده مع بدوهما غالبا قول الباقر (علیه السلام) فی روايه محمدبن مسلم «والمراة تصلى فی الدرع و المقنعه إذا کان الدرع کثیفا» فاجتزأ (علیه السلام) بالدرع و هو القميص و المقنعه و هی للرأس و القميص لا یستر القدمین غالبا و حد القدمین، مفصل الساق و لا فرق بین ظاهرهما و باطنهما علی الظاهر، لتناول الدلیل لهما» «شهید ثانی، روض الجنان (قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث) ص ۲۱۷»
۶۶. محقق اردبیلی، مجمع الفائده (قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، ۱۴۰۳، ۱۳۶۳ش) جلد دوم، ص ۱۰۶

منابع

۶۷. محقق سبزواری، کفایه الأحکام، (قم: موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۳) جلد اول، ص ۸۱
 ۶۸. زین الدین بن إبراهیم بن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد سوم، ص ۵۷
 ۶۹. الغنیمي، عبدالغنی، الباب فی شرح الكتاب (ابی‌جا: دار الکتب العربی، ابی‌تا) جلد اول، ص ۳۲
 ۷۰. الزیعلی، فخرالدین عثمان بن علی، تبیین الحقائق (ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا) جلد اول، ص ۴۵۹
 ۷۱. شامیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی (تهران: ژوبین، ۱۳۷۶) جلد سوم، ص ۵۵۸
 ۷۲. ذاکر حسین، محمدهادی، «نگاهی به جایگاه بزه» «رعایت نکردن حجاب شرعی» در نظام حقوقی ایران، حجاب، مسؤولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی به کوشش: ابراهیم شفیعی سروسستانی (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷)
 ۷۳. همان، ص ۵۰۶
 ۷۴. عیبه، محمد، اصول قضایی (تهران: انتشارات کتابفروشی محمد علی علمی، ۱۳۲۶) ص ۲۲۳
 ۷۵. ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد»
 ۷۶. ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۲/۳/۳۰
 ۷۷. ذاکر حسین، محمدهادی، «نگاهی به جایگاه بزه» رعایت نکردن حجاب شرعی» «در نظام حقوقی ایران» حجاب، مسؤولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، ص ۵۱۳
 ۷۸. بند «و» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
 ۷۹. تبصره‌ی ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری
 ۸۰. ذاکر حسین، محمدهادی، همان، ص ۵۱۷-۵۱۵
 ۸۱. ماده ۲۹۴ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری
 ۸۲. همان، ماده‌ی ۲۹۵
 ۸۳. همان، ماده‌ی ۲۹۹
- ۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، بیروت: دارصار، ۱۴۱۴ق.
 - ۲- آذر تاش، آذر نوش، فرهنگ معاصر (عربی - فارسی)، تهران: لشدنی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.
 - ۳- آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۲/۳/۳۰.
 - ۴- آل مبارک، فیصل بن عبدالعزیز، کلمات السداد علی متن الزاد، ج ۱، ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا.
 - ۵- بند ریگی، محمد، فرهنگ بندریگی، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۸
 - ۶- البقاعی، الشیخ محمد، کفایه الطالب، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲.
 - ۷- ابن البراج، القاضي، المذهب، ج ۱، قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۶.
 - ۸- ابن العلامه، ایضاح الفوائد، ج ۳، قم: المطبعه العلمیه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
 - ۹- ابن ضویان، منار السبیل فی شرح الدلیل، ج ۱، ابی‌جا: المکتب الإسلامی، ۱۴۰۹.
 - ۱۰- الأخری، أبو زید عبدالرحمن بن محمد الصغير، مختصر، ج ۱، ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا.
 - ۱۱- البابر، محمدبن محمد، العنايه فی شرح البدايه، ج ۱، ابی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا.
 - ۱۲- البغدادی، عبدالرحمن شهاب الدین، إرشاد المسالک، ج ۱، ابی‌جا: الشرکه الإفريقيه للطباعه، ابی‌تا.
 - ۱۳- الجوهري، اسماعيل، الصحاح، ج ۲، تهران: امیری، ۱۳۶۸.
 - ۱۴- الحاوی فی فقه الشافعی، ج ۲، (بی‌جا: ابی‌نا، ابی‌تا).
 - ۱۵- الحجای، شرف الدین موسی بن أحمدبن موسی أبو النجا، زاد المستقنع فی إختصار المقنعه، ج ۱، الرياض: دار الوطن للنشر، ابی‌تا.
 - ۱۶- حرّانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات جامع‌ی مدرسین، ۱۴۰۶ق.
 - ۱۷- الحلبي، ابوالمجد، اشاره السبق، قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین

- ۱۴۰۷.
- ۵۲- الشیرازی، إبراهیم بن علی بن یوسف، المذهب، ج ۱، بیروت: [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۵۳- الصاوی، احمد بن محمد، حاشیه الصاوی علی الشرح الصغير، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۵۴- الصعیدی العدوی، علی بن أحمد، حاشیه العدوی، ج ۲، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۵۵- طباطبایی، سیدمحمدکاظم، عروه الوثقی، ج ۲، بیروت: موسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- ۵۶- محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱، تهران: موسسه انتشاراتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۲ ه.ق.
- ۵۷- طیبیان، سید حمید، فرهنگ لاروس، ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲.
- ۵۸- الطوسی، محمد بن حسن (الشیخ الطوسی)، تهذیب الأحکام، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۴ش.
- ۵۹- عبدالرحمن محمد المعروف بشیخی زاده، مجمع الأثر، ج ۸، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۶۰- عبده، محمد، اصول قضایی، تهران: انتشارات کتابفروشی محمد علی علمی، ۱۳۲۶.
- ۶۱- علیش، محمد بن أحمد، منح الجلیل، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۶۲- العمده، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۶۳- الغرافی، شهاب الدین أحمد بن إدريس، الذخیره، ج ۲، بیروت: دارالغرب، ۱۹۹۴.
- ۶۴- الغروی، سیدمحمد؛ مازح، الشیخ یاسر، الفقه علی المذاهب الأربعة ومذهب أهل البيت (ع)، ج ۲، بیروت- لبنان: دارالفتلین، چاپ اول، ۱۴۱۹هـ/۱۹۹۸م.
- ۶۵- الغنیمی الدمشقی، عبدالغنی، الباب فی شرح الکتاب، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۶۶- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.
- ۶۷- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحیه‌ی ۱۳۸۱/۷/۲۸.
- ۶۸- قانون مجازات اسلامی، تهران: موسسه‌ی انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۶۹- فقه العبادات مالکی، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۷۰- الکلبی الغرناطی، محمد بن أحمد بن جزى، القوانين الفقهیه، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۷۱- محقق اردبیلی، مجمع الفائده، ج ۲، قم: منشورات جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیه، ۱۴۰۳هـ، ۱۳۶۳ش.
- ۷۲- محقق سبزواری، ذخیره المعاد، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۷۳- کفایه الأحکام، ج ۱، قم: موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۳.
- ۷۴- مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، بی‌جا: صدرا، ۱۳۶۶.
- ۷۵- المقدسی، عبدالله بن قدامه، الکافی فی الفقه الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۷۶- المقنع، ج ۱، الرياض: دار الوطن للنشر، [ابی‌نا].
- ۷۷- الموصلی الحنفی، عبدالله بن محمود بن مودود، الإختیار لتعلیل المختار، ج ۱، بیروت: لبنان، دار الکتب العلمیه، [ابی‌نا].
- ۷۸- النراقی، مهدی، مستند الشیعه، ج ۱۶، قم: موسسه آل البيت (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ۷۹- النفراوی، أحمد بن غنیم بن سلم، الفواکه الدوانی، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۸۰- النمري القرطبی، أبوعمريوسف بن عبدالله بن عبد البر، الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، [ابی‌نا].
- ۸۱- ورام بن أبی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، قم: انتشارات مکتبه الفقهیه، [ابی‌نا].
- ۸۲- الهندی، الفاضل، کشف اللثام، قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، چاپ اول، ۱۴۱۶.
- ۸۳- الهیثمی، شهاب الدین أحمد بن حجر، تحفه المتهنّج، ج ۶، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۸۴- هاشمی، سید حسین، «رابطه حجاب و عفاف»، پژوهش‌های قرآنی، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره‌ی ۵۲-۵۱.
- ۸۵- یوسف الشیخ محمد، البقاعی، کفایه الطالب، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲.
- ۸۶- یعقوبی، عبداله‌اشم، قانون آیین داری کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸، تهران: انتشارات بهنامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- بقم المشرفه، ۱۴۱۴.
- ۱۸- الحلبی، الحاجه نجاح، فقه العبادات علی مذهب الحنفی، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۱۹- الحلبی، ابوالصلاح، الکافی للحلبی، اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمومنین، [ابی‌نا].
- ۲۰- حلی، ابن إدريس، سرائر، قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۱۰.
- ۲۱- حلی، علامه، إرشاد الأذهان، قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۱۰.
- ۲۲- تبصره المتعلمین، طهران: انتشارات فقیه، ۱۳۶۸ش.
- ۲۳- منتهی المطلب، ج ۱، ایران، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲.
- ۲۴- تحریر الأحکام، ج ۱، قم: موسسه الإمام الصادق، ۱۴۲۰.
- ۲۵- تذکره الفقهاء، ج ۱، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۲۰.
- ۲۶- تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه، ج ۲، قم: موسسه الإمام الصادق، ۱۴۲۰هـ.
- ۲۷- الخرشی، محمد بن عبدالله، شرح خليل للخرشي، ج ۲، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۲۸- الدمشقی، محمد بن بدر الدين بن بلبان، أخضر المختصرات فی الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱، بیروت: دار البشائر الإسلامیه، ۱۴۱۶.
- ۲۹- ديلمی، حسن بن محمد، إرشادالقلوب إلى الصواب، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۳۰- الرازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، تحفه الملوك، ج ۱، بیروت: دارالبشائر الإسلامیه، ۱۴۱۷.
- ۳۱- الراعی القزوینی، عبدالکریم بن محمد، الشرح الكبير للرافعی، ج ۴، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۳۲- الرشدانی، ابی الحسن علی بن أبی بکر بن عبدالجليل، الهدایه فی شرح البدایه، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۳۳- زمخشری، محمد، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۳، بیروت: دارالکتب العربی، [ابی‌نا].
- ۳۴- الحدادی العبادی الیمنی، ابو بکر بن علی بن محمد، الجوهر النیر، ج ۶، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۳۵- الزعلی، فخرالدین عثمان بن علی، تبیین الحقایق، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۳۶- زین الدین بن إبراهیم بن نجیم، البحار الرائق شرح کنز الدقائق، ج ۳، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۳۷- زین الدین بن إبراهیم بن نجیم، المعروف بابن نجیم المصری، البحر الرائق، ج ۳، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۳۸- السراج الوهاج، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۳۹- السعدی، عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله، الإرشاد، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۴۰- السنیکی، زکریا بن محمد بن زکریا الأنصاری، زین الدین أبو یحیی، الغرر البهیة فی شرح البهجه الوردیه، ج ۳، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۴۱- أسنی المطالب شرح روض الطالب، ج ۳، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۴۲- السبواسی، کمال الدین محمد بن عبدالواحد (المعروف بابن الهمام)، فتح القدیر، ج ۱، [ابی‌نا،] [ابی‌نا].
- ۴۳- لشافعی، محمد بن إدريس، الام، ج ۱، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۹۳.
- ۴۴- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۲، تهران: زوین، ۱۳۷۶.
- ۴۵- شهید اول، الدروس، ج ۱، قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين، [ابی‌نا].
- ۴۶- ذکرى الشیعه فی أحكام الشریعه، ج ۳، قم: موسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۹.
- ۴۷- شهید ثانی، روض الجنان، قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث، [ابی‌نا].
- ۴۸- الشیبانی، محمد بن الحسن بن فرقد، المبسوط، ج ۳، کراتشی: إدارة القرآن والعلم الإسلامی، [ابی‌نا].
- ۴۹- محمد بن محمد (ابن اثیر)، النهایه فی غریب الحديث و الأثر، ج ۳، بیروت: دارالإحياء التراث العربی، [ابی‌نا].
- ۵۰- شیخ طوسی، الاقتصاد، طهران: منشورات مکتبه جامع چهلستون، ۱۴۰۰.
- ۵۱- خلاف، ج ۱، قم: موسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه،

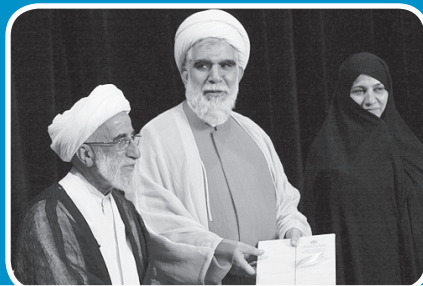
مراسم افتتاحیه



بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب



مراسم اختتامیه



□ نوشته: فاطمه اسفندیار (کارشناسی حوزوی و کارشناس کانون قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه)
زهرا یوسفیان (دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه)
محمد صالح هاشم زاده (دانشجوی کارشناسی حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه)

بررسی ابعاد گوناگون حجاب

و تحلیل راهکارهای یکپارچه سازی برون‌ده‌های فرهنگی و تربیتی در آن

چکیده

این مقاله با بررسی انواع حجاب (گفتاری، رفتاری و پوششی) به آثار فردی و اجتماعی حجاب می‌پردازد و سپس پیشنهادهای و توصیه‌هایی جهت تربیت ماردان آینده از همان سال‌های آغاز یادگیری ارائه می‌نماید. به اعتقاد نویسندگان، سازمان‌های فرهنگی و تربیتی جمهوری اسلامی، مهمترین وظیفه را در این میان بر عهده دارند.

واژگان کلیدی

حجاب، عفاف، بی‌حجابی، فرهنگ، تربیت، رفتار، شخصیت



مقدمه

حجاب و پوشش در دین مبین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اسلام به عنوان آخرین دین الهی برای حفظ فرد و جلوگیری جامعه از انحرافات که سرچشمه‌ی آنها بی‌حجابی و بی‌عفتی و عدم رعایت پوشش صحیح می‌باشد برنامه‌ای را به مردم داده است که این دستورالعمل شامل همه‌ی افراد بشر اعم از مرد و زن می‌باشد.

اسلام برای مردان پوششی را قرار داده است که مسلمان بایستی به آن دستور عمل کند و برای دختران و زنان نیز متناسب با جسم و روحیات آنها برنامه‌ای دارد. زن مظهر زیبایی و کانون مهر و محبت است. اما زن در دیدگاه دنیاگرایان و کسانی که فقط به عالم ماده دل خوش کرده‌اند بسیار تحقیر شده است. اگر به فکر فرو رویم و اندکی وقت داشته باشیم می‌یابیم که همه‌ی جسارتها و تحقیرها علتی ندارد به جز دوری جستن از برنامه‌های دین و عمل نکردن به فرائض و شعائر دینی و مذهبی.

اسلام می‌گوید: ای زن خودت را حفظ کن و زیور آلات و جسم زیباییات را برای همسر خودت نمایان کن.

حجاب اسلامی یعنی مصونیت و نه محدودیت و مثال حجاب برای زن به قلعه‌ای می‌ماند که مردم برای حفظ جان خویش از ظلم و حملات وحشیان به دور خانه‌های خویش می‌سازند. پس قلعه وسیله نجات است و در مسیر پر خار و خس زندگی که هر لحظه امکان دارد که پای بر تیغی بنشیند بایستی کفشی به پا داشته باشیم که از تیغ‌های شهوترانی و حرام‌آلود دیگران محفوظ بمانیم.

مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. ابن درید می‌گوید: «حجبت الشيء.. اذا سترته، و الحجاب: السّتر...» احتجبت الشمس فی السحاب اذا تستترت فیه. حجاب، پوششی است که روی شیء را فرا می‌گیرد و حجاب یعنی پرده... زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود عرب می‌گوید: احتجبت الشمس فی السحاب». فیومی این واژه را چنین توضیح می‌دهد: حجب فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده، حجاب می‌گویند، زیرا مانع از دیدن است، و به دربان، حاجب گفته می‌شود، زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می‌گردد، ولی برخی مواقع به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شود. از گفتار اهل لغت می‌توان نتیجه گرفت که در زبان عرب، حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن شیئی پوشانده شده می‌شود. شهید مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه، چنین بیان می‌کند:

کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل

لغت هر پوشش حجاب نیست؛ آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. شهید مطهری می‌فرماید: در قرآن کریم در داستان سلیمان غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند: «حتی توارت بالحجاب» یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. تعبیر حجاب با همین معنا در آیه ۵۱ سوره شوری و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به کار برده شده است.

در دستوری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر نوشته است می‌فرماید: «فلا تطولن احتجاجک عن رعیتک» یعنی در میان مردم باش کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن. حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار ده.

مفهوم اصطلاحی حجاب

حجاب در علوم چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم، اصطلاح خاصی داراما در مسأله مورد بحث این نوشتار که مسأله‌ای فقهی است دارای معنای خاصی نیست. این واژه در فقه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد به کار رفته و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده بود. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار می‌رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند کلمه ستر را به کار برده اند نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است... در آیات مربوطه، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب حدود پوشش و تماس های زن و مرد را ذکر کرده است بدون آن که کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است مربوط است به زنان پیغمبر اسلام. معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است، نه پرده نشینی

زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.

حجاب و عفت

«عفت» و «حجاب» دو واژه‌ی متفاوت‌اند که در اصل معنای «منع و امتناع» مشترک هستند. اما تفاوت آن‌ها در «تفاوت بین ظاهر و باطن» است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیش تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش تری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش تر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد. «حجاب زنان سالمند قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس‌های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می‌گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر را نیز بر ندارند، بهتر است: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» سوره مبارکه نور

علاوه بر رابطه‌ی قبل، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه‌ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله‌ی خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه‌ی مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

آیا حجاب مانع همه بزهکاری‌های اجتماعی است؟

با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه‌ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند آشکار می‌گردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله‌ی سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان،

شکل دهنده‌ی رفتارهای اوست. البته، همان گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه‌ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انتظار عمومی ظاهر می‌شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد.

بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که «حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است». برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، بعضی افراد با این جمله که «من دلی پاک دارم و نیازی به حجاب نیست» ادعای عفاف کرده و با این تعبیر، خود را سرگرم می‌کنند. چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد.

هدف و فلسفه حجاب

هدف اصلی تشریع احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی تزکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات؛ ۱۳) بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ اوست خدایی که میان عرب‌امی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند. از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریع حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست‌یابی به تزکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی همچون: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ»؛ ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

حجاب چشم

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (نور؛ ۳۰) ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (نور؛ ۳۱) ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (احزاب؛ ۳۲) پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبدا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور؛ ۳۱) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد.

حجاب در قرآن

مسأله حجاب در دو سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به طور اجمال در سوره احزاب آیه ۵۹ مطرح شده، و سپس با تفصیل بیشتر در سوره نور آمده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را از هر نامحرمی [فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آن چه طبعاً از آن پیدا است، و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمت کاران مرد که از زن [بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] انکوبند تا آنچه از زینت شان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان! همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید. «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ

عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند، و عفت و ورزیدن برای آن‌ها بهتر است و خدا شنوای داناست. در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَغَضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» جناب کلینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می‌کند که امام باقر (علیه السلام) فرمود: جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه رو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش‌های خود می‌انداختند [در نتیجه، بنا گوش و گردن ایشان هویدا بود] وقتی زن از کنار وی گذشت جوان سر را به عقب برگرداند و هم چنان که راه می‌رفت وی را نظاره می‌کرد و وارد کوچه‌ای شد و در حالی که به پشت سر خود نگاه می‌کرد به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تکه شیشه‌ای که از دیوار بیرون زده بود برخورد کرد و شکست. وقتی آن زن از نظرش محو شد نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. جوان خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جويا شد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَغَضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ.» سیوطی نیز این شأن نزول را به نقل از ابن مردویه از امام علی (علیه السلام) نقل کرده است. از این شأن نزول می‌توان استنباط کرد که اولین آیاتی که در تشریع حجاب و بیان محدوده نظر نازل شده، همین آیات سوره نور است.

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که مسلمانان بعد از نزول این آیات، رویه متفاوتی را پیش گرفتند و با شنیدن این آیات به ضرورت ایجاد تغییرات و دگرگونی‌هایی در چگونگی پوشش زنان پی بردند و به همین دلیل بعد از نزول این آیات، زنان با پوشش‌های متفاوتی در اجتماع حاضر می‌شدند. مثلاً طبری (۲۴۴-۳۱۰ ق) در تفسیر خود آورده است:

عن عائشة زوج النبی (صلی الله علیه وآله) أنها قالت: یرحم الله النساء المهاجرات الاول لما انزل الله «ولیضرنّ بخمرهنّ...» شقن اکثف مروطهن فاختمرن به؛ یعنی: رحمت خدا بر زنان مهاجر پیشگام باد که هنگامی که خداوند فرمان حجاب را نازل فرمود، ضخیم‌ترین پوشش‌های پشمین خود را برش داده و با آن سر و گردن خود را پوشاندند.

سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) نیز به سند خود از ام سلمه نقل می‌کند که بعد از نزول آیه «یدنین علیهن من جلابیهن» زنان انصار از منازلشان با پوشش‌های مشکی خارج می‌شدند به گونه‌ای که به نظر می‌رسید بر سر ایشان کلاهی نشسته است. به گفته سیوطی این گزارش ذیل آیه «ولیضرنّ بخمرهن» از سوره نور نیز در جوامع روایی متعددی نقل شده است. در کلام دیگری آمده است که نزد عایشه از برتری زنان قریش سخن به میان آمد. او گفت زنان قریش صاحبان فضیلت اند اما به خدا قسم من در پای بندی به کتاب خدا و ایمان به قرآن کسی را برتر از زنان انصار ندیدم.

وقتی آیه «ولیضربنّ بخرمهنّ علی جیوبهنّ» نازل شد و مردان این آیه را در خانه‌ها بر زنان خود خواندند، بعد از آن هر یک از آن زنان با لباس خود، سر و کناره‌های صورتش را می پوشاند. آنان وقتی صبح پشت سر رسول خدا به نماز ایستادند سر و گردن خود را پوشانده بودند به گونه‌ای که خیال می کردی بر سر آن ها کلاغ نشسته است. از آنچه گذشت معلوم می شود که برداشت مردم از این آیات، ضرورت تجدید نظر در چگونگی حضور زنان در اجتماع و بین نامحرمان بود.

فقها و مفسران نیز مفاد این آیات را وجوب پوشش خاص برای زنان در برابر مردان نامحرم دانسته اند. در محدوده دلالت آیات، ۳۲ و ۳۳ و ۵۳ سوره احزاب ۲۸ نیز بین مفسران اختلاف است.

تاریخ نزول سوره احزاب و نور

به اتفاق دانشمندان علوم قرآن سوره های نور و احزاب از سوره های مدنی قرآن هستند. بر اساس نقل بسیاری از دانشمندان علوم قرآن سوره احزاب که متعرض حوادث سال پنجم هجری است چهارمین یا پنجمین سوره ای است که در مدینه بر پیامبر اکرم - صلوات الله و سلامه علیه - نازل شد و سوره نور نیز بعد از سوره نصر که بعد از صلح حدیبیه [سال ششم هجری] و قبل از فتح مکه [ماه رمضان سال هشتم] در مدینه بر پیامبر نازل شده است.

محققان تاریخ اسلامی نیز معتقدند که سوره نور به طور تقریبی در سال هشتم هجری آغاز شد، زیرا این سوره بعد از سوره نصر که در سال هشتم نازل شد و در تاریخ نقل شده که پیامبر بعد از این سوره دو سال در قید حیات بود و سوره نور بعد از سوره احزاب که نزول آن از آغاز سال پنجم شروع شد، نازل شده است. به روایت ابن عباس چندین سوره بین زمان نزول سوره نور و احزاب فاصله شده است.

حجاب مانع همه بزهکاری های اجتماعی

اشکال و شبهه‌ای افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می دهند آشکار می گردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم ترین و اساسی ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله‌ی سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده‌ی رفتارهای اوست.

البته، همان گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه‌ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل

تصور نیست. نمی توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعابیری، مثل «من دلی پاک دارم، خدا با دل انسان کار دارد؛ دل باید پاک باشد»، خود را سرگرم می کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی حجابی نخواهد شد.

آثار اجتماعی حجاب

بهداشت روانی اجتماع و کاهش هیجان‌ها و التهاب جنسی که سبب کاهش عطش سیری ناپذیری شهوت است. تحکیم روابط خانوادگی و برقراری صمیمیت کامل زوجین. با رواج بی حجابی و جلوه گری زن، جوانان مجرد، ازدواج را نوعی محدودیت و پایان آزادی‌های جنسی خود تلقی می کنند و افراد متأهل هر روز در مقایسه‌ای خطرناک میان آن چه دارند و ندارند، قرار می گیرند. این مقایسه‌ها، هوس را دامن زده و ریشه زندگی را می سوزاند. استواری اجتماعی و استیفای نیروی کار و فعالیت دختر و پسر که در محیط کار و دانشگاه تحریک شهوانی شوند، از تمرکز و کارایی آن‌ها کاسته می شود و حکومت شهوت بر اجتماع سبب هدر رفتن نیروی فکری و کاری است.

بالا رفتن ارزش واقعیت زن و جبران ضعف جسمانی او حیا، عفاف و حجاب زن می تواند در نقش عاطفی او و تأثیر گذاری بر مرد مؤثر باشد. لباس زن سبب تقویت تخیل و عشق در مرد است و حریم نگه داشتن یکی از وسایل مرموز برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است.

راه‌های نفوذ بی حجابی

به نظر می رسد عوامل گوناگونی دست به دست هم داده اند تا بدحجابی سیاسی به طور تصاعدی، رشدی طبیعی را طی کند، اما مقدم بر آن، ضروری است که تفاوت بدحجابی سیاسی با بدحجابی رایج ذکر شود:

(۱) چنانچه حجاب از جایگاهی هنجار در اذهان عامه برخوردار باشد، بدحجابی رایج را می توان در شمار ناهنجاریهای اجتماعی دانست. اما بدحجابی سیاسی عملی عامدانه در جهت مخالفت سیاسی با نظام است.

(۲) بدحجابی رایج خاستگاه فکری مدونی ندارد، اما بدحجابی سیاسی متکی بر تفکری مدون و نظام یافته است.



لیبرالیسم سامان خواهد بخشید بدحجابی سیاسی در حقیقت همان تاکتیک قدیمی زنان مسلمانان را که در مبارزه با استعمار از آن استعانت می جستند به وام گرفته است، اما این بار در جبهه ای مقابل اسلام.

نتایج با حجاب بودن

۱. دامنه تأثیر رفتارها

بی تردید زندگی اجتماعی - خواه بر استدلال عقلی و خواه بر خواسته فطری و خواه بر بنیان قراردادهای اجتماعی و... بنا شده باشد - از تأثیر و تأثر متقابل افراد و عملکرد آن‌ها تهی نیست. خوبی‌ها و زیبایی‌ها برای فرد و خانواده و جامعه مفیدند و زشتی‌ها و بدی‌ها نیز به همه زیان می‌رسانند. و تأثیر خود را بر تمام اعضا و ارکان جامعه به جا خواهند گذاشت.

۲. هم‌نوایی آهنگ تکوین و تشریع

مدبر آفرینش که خواهان تداوم نسل بشر است، خود، به قلم تدبیر و تکوین، جاذبه‌های عقلی، اجتماعی، فطری و زیستی - جنسی را در آدمیان و حتی حیوانات و گیاهان به ودیعت نهاده تا در پرتو جذب و انجذاب درونی همیشگی شعله وجودشان را بر افروخته نگهدارند. خالق هستی برای بقای دیگر موجودات تنها همین جذب و انجذاب را کافی دانسته، ولی برای بقای

۳) بدحجابی رایج، ریشه در ضعف فرهنگی و یا خودباختگی فرهنگی دارد. بنابراین بدحجاب نه قصد اختلال در امنیت اجتماعی دارد و نه قصد مخالفت با ارزشهای اخلاق اسلام و انقلاب، اما بدحجابی سیاسی ترفندی است از سوی مخالفان انقلاب اسلامی که به قصد بی ارزش کردن ارزشهای برخاسته از انقلاب صورت می‌پذیرد و هدف از آن بی‌اعتنایی به سیاستهای فرهنگی و اجتماعی نظام است.

در هر صورت در برخورد با پدیده بدحجابی، باید مشکل فرهنگی و سیاسی آن را از هم متمایز ساخت و متناسب با خاستگاههای آن، به برخوردی سنجیده و برنامه ریزی شده پرداخت. برخورد خصمانه و قهرآمیز با بدحجابی (ولو با بدحجابی فرهنگی) باعث گرایش آنان به سوی بدحجابی سیاسی است، بالاتر از آن عدم اعتماد و حمایت مردم به برنامه‌ریزی‌های مسئولان که ناشی از عدم موضع مشخص آنان در قبال مبارزه با بدحجابی است، باعث گسترش هر چه بیشتر بدحجابی سیاسی است. اما در سطحی گسترده‌تر "بدحجابی سیاسی" پاسخی غیرمستقیم و معترضانه به نارضایی‌ها است که اگر درصد بالایی از آن ریشه در تهاجم فرهنگی غرب و ترفندهای پشت پرده داشته باشد، درصدی از آن نیز بی‌اعتنایی به مسأله جوانان، در سطح جدی آن است.

گسترده‌گی حجابی سیاسی و رسوخ آن به سطح جوانان، در حقیقت یکی از طیفهای گسترده ای است که فرایند آن گرایش جوانان را به سمت

نسل بشر مسؤولیت‌سپاری را نیز از نظر دور نداشته است؛ زیرا بشر چون جانوران و گیاهان نیست که نسل وی تنها با جاذبه‌های زیستی - جنسی و عشق‌ورزی آزاد پایدار ماند. نوزاد انسان پس از تولد به تغذیه، نگهداری و پرورش درست نیازمند است و بدون مراقبت‌های بهداشتی، زیستی و... فرصت حیات نمی‌یابد. بر این اساس، معمار هستی که نهاد آدمی را آن گونه سرشت، برگزیده تشریع این گونه نوشت که از دواج محبوب‌ترین بنیادها برای بنا نهادن کانون تولد و مهد پرورش و رشد نوع انسان است^۱، تا هم جذب و انجذاب به محیط خانواده محدود گردد و هم نسلی سالم و متعادل پرورش یابد. چون جذب و انجذاب لجام گسیخته هرگز به بقای نسل تن نمی‌دهد و آن را مزاحم عشق‌ورزی خود می‌بیند؛ همان‌گونه که نسل ناسالم، پدر و مادری نمی‌شناسد تا آن نژاد را استمرار بخشد^۲. به این منظور، انتظار می‌رود معمار نظام تکوین و تشریع در راه نیل به خواست خود، به تدبیر و تشریع لازم دست یازد و اسباب رسیدن به آن هدف را تشریع فرماید. «حجاب» در شمار این اسباب جای دارد. اینک در این نوشتار، با پرداختن به برخی آثار تربیتی و روان‌شناختی این دو پدیده، سودمندی و ضررآفرینی هر یک را هویدا می‌سازیم تا هر کس خود آگاهانه تصمیم گیرد.

۳. حجاب و رشد شخصیت

شخصیت، مجموعه افکار، عواطف، عادت‌ها و اخلاقیات یک انسان است که به تمایز وی از دیگران می‌انجامد^۳؛ به عبارت دیگر، مجموعه صفات و ویژگی‌های جسمی، روانی و رفتاری که هر انسان را از انسان‌های دیگر متمایز می‌سازد، شخصیت نام دارد. بر این اساس، هر کس شخصیتی دارد که خود را با آن معرفی می‌کند. و دیگران نیز او را به همان ویژگی‌ها می‌شناسند. در «روان‌شناسی کمال» انسان رشد یافته که انسان خواستار تحقق خود معرفی می‌گردد، این گونه توصیف شده است: انسانی که نیازهای سطوح پایین (نیازهای جسمانی، ایمنی، تعلق، محبت و احترام) را پشت سر نهاده، در صدد استفاده از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود است و به دنبال به فعلیت رساندن خویش و تحقق خویش است^۴. اریک فروم انسان رشد یافته را انسان بارور معرفی می‌کند و در تعریف او می‌گوید: وی انسانی است که نیازهای روانی‌اش را از راه‌های بارور و زایا و خلاق ارضاء می‌کند^۵. به عقیده اریک فروم مؤثرترین عامل در رشد شخصیت انسان برآوردن معقول نیازهای روانی است که حیوانات پست این نوع نیازها را ندارند. انسان سالم نیازهای روانی - نه نیازهای جسمانی مانند گرسنگی، تشنگی، جنسی و... خود را از راه‌های خلاق ارضاء می‌کند و اشخاص ناسالم از راه‌های نامعقول^۶. اکنون باید دید فرصت رشد شخصیت با رعایت حجاب بیش‌تر فراهم می‌گردد یا با عدم رعایت آن؟ انسانی که پیوسته نگران زیبایی خود است و بیش‌تر در جهت معرفی پیکر خود می‌کوشد، بهتر می‌تواند قابلیت‌های خود را بشناسد و به فعلیت برساند یا آن که سر در باغ اندیشه دارد؟ آیا توجه به نیازهای جسمانی و سطحی به انسان امکان

رشد می‌دهد یا توجه به نیازهای عالی و مخصوص انسان‌ها؟ آیا غرق شدن در خودنمایی و جلب توجه دیگران مسیر منتهی به یافتن خویشتن است؟ انسانی که زندگی‌اش تحت فرمان و اراده‌اش نیست، در حس هویت‌یابی خود دچار شکست شده است^۷ تا چه رسد به آن که هویتش را به کمال رساند. زیرا سلیقه و خواست دیگران در زندگی‌اش تأثیر می‌گذارد و چنان زندگی می‌کند که دیگران می‌پسندند، نه آن‌گونه که خود می‌پسندد. بی‌حجاب در اندیشه نمایش خود و زیبایی خویش است. این امر که عقده حقارت انسان را می‌نمایاند، زمینه رشد و تعالی وی را نابود می‌سازد؛ در حالی که زن مانند مرد یک انسان است و باید از نظر انسانی رشد و تکامل یابد. کسی که با نمایش زیبایی خود و گزینش پوششی ویژه در اندیشه جلب نظر دیگران به سر می‌برد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر جذابیت‌های ظاهری خویش و نه اصالت‌ها و ارزش‌های متعالی خود، جایی در جامعه بیابد. در واقع او از این طریق اعلام می‌دارد، آنچه برایش اصل است و اهمیت دارد، «زن بودن» او است نه انسانیت و اندیشه و لیاقت و کارایی‌اش. چنین فردی قبل از همه اسیر خویش است و به مغازه‌داری شبیه است که پیوسته در اندیشه تزئین ظاهر و تغییر دکور خود به سر می‌برد و فرصت پرداختن به آرزوهای بزرگ‌تر را نمی‌یابد^۸.

۴. حجاب و حرمت خود (احساس ارزشمندی)

از نظر روان‌شناسی، قطعی‌ترین عامل رشد انسان «میزان ارزشی» است که هر فرد برای خود قایل است^۹؛ به عبارت بهتر، نافذترین عامل رشد روانی و شخصیتی انسان، سطح حرمت خود (Self - esteem) او است. درجه ارزیابی فرد از خود، حرمت خود خوانده می‌شود و در واقع باز خوردی از مورد قبول بودن و مورد قبول نبودن به شمار می‌آید. این قضاوت در قالب رفتارهای کلامی و غیر کلامی بروز می‌کند و گستره‌ای است که فرد خود را در آن پهنه توانا، مهم، موفق و با ارزش و یا ناموفق و بی‌ارزش می‌داند^{۱۱}. چنان که گذشت، «سطح حرمت خود» در سازش یافتگی هیجانی، اجتماعی و عاطفی تأثیر بسیار دارد و از عوامل تعیین کننده اساسی در شکل‌دهی الگوهای رفتاری و عاطفی است؛ به گونه‌ای که تردید افراد در ارزشمندی‌شان به ناتوانی در رسیدن به زندگی عاطفی موزون می‌انجامد. این افراد همواره از آشکار شدن ناتوانی‌هاشان هراسناکند و صحنه را ترک می‌کنند. از طرفی خلاقیت با «سطح حرمت خود» رابطه کاملاً مستقیم دارد^{۱۲}. به راستی آیا برهنه شدن و کشاندن رفتارهای جنسی به کوچه و خیابان به آدمی ارزش می‌دهد و انسان را از احساس ارزشمندی بهره‌مند می‌سازد؟ البته شاید احساس رضایت آنی و زود گذر پدید آورد، ولی کم‌تر کسی است که بر خورداری از این حالت و رفتار را ارزش تلقی کند و شخص بر خوردار از این روحیه را ارزشمند بداند. افزون بر این، تأمین هر خواسته‌ای همیشه با احساس رضایت همراه نیست. در جامعه‌ای که برهنگی تمام شریان‌های آن را پر کرده و زن و مرد همواره در حال مقایسه داشته‌ها



**زنِ برخوردار از حجاب، با دور
نگهداشتن خود از دسترس دیگران،
سطح ارزشمندی خود را ارتقا
می‌بخشد تا آن‌جا که مرد، نیازمندانه
به آستان وی روی می‌آورد.**

و نداشته‌های خویشند، انسان‌ها در تشویش مستمر و دلهره همیشگی فرو می‌روند؛ زیرا رقابت و مقایسه در میدانی رخ می‌نماید که ظرفیت رقابت ندارد و بدین سبب، آدمی به تنوع طلبی حریصانه کشیده می‌شود. بی‌تردید تا وقتی این اندیشه فضای ذهن آدمی را آکنده است، فرصتی برای بروز خلاقیت و ابتکار باقی نمی‌ماند. ذهن مشغول به تصاحب دل دیگران و جلب نظر مردان و پسندیده شدن، هرگز اندیشه علمی را بر نمی‌تابد و نمی‌تواند یافته‌ای تازه عرضه کند. او در پی آن است که در وضعیت موجود پسندیده شود نه آن که وضعیت را تغییر دهد و با ابتکار و خلاقیت، طرحی نو در اندازد. از سوی دیگر، از آن‌جا که احساس بی‌ارزش بودن تمام وجود این افراد را پر کرده است، در پی جبران این کمبود بر می‌آیند و چون آسان‌ترین راه رسیدن به این احساس، مقبول دیگران واقع شدن است، از طریق سکس و عرضه پیکر خود در این مسیر گام بر می‌دارند تا به شکلی، احساس ارزشمندی از کف رفته خود را جبران کنند. در حالی که شخص برخوردار از حجاب هرگز چنین نیازی را احساس نمی‌کند. در نگاه او بهترین راه جبران احساس ارزشمندی آن است که خود را از دسترس بیگانگان دور نگهدارد و مقام و موقعیت خود را پایین نیاورد^{۱۳}. گویا از همین رو است که ویل دورانت می‌گوید: زنان دریافته‌اند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است. بنابراین، چنین افرادی هم ارزشمندی را از کف داده‌اند و هم در جبران آن به بیراهه رفته‌اند. راه رسیدن به احساس ارزشمندی پایدار، رفتن در پی کسب صفات ارزشمند و پایدار است. انسان برخوردار از حجاب، با دور نگهداشتن خود از دسترس دیگران، سطح ارزشمندی خود را ارتقا می‌بخشد تا آن‌جا که مرد، نیازمندانه به آستان وی روی می‌آورد. بی‌تردید اگر زنان این مفهوم را به طور کامل درک کنند، به پوشیده داشتن و مخفی ساختن پیکر خویش بیش‌تر گرایش نشان می‌دهند^{۱۴} و پی خواهند برد که راه احساس ارزشمندی در دسترس و مقبول بودن لحظه به لحظه نیست. راسل می‌گوید: از لحاظ هنری، مایه تأسف است که بتوان به آسانی به زنان دست یافت. ویل دورانت نیز می‌گوید: آنچه می‌جوییم و نیابیم عزیز و گرانبها می‌گردد^{۱۵}. ویلیام جیمز به صراحت توصیه می‌کند: زنان عزت و احترامشان به این است که به دنبال مردان نروند، خود را مبتذل نکنند و خود را از دسترس مردان، دور نگهدارند. پس حجاب احساس ارزشمندی است؛ که موقعیتی بلند مرتبه برای زنان پدید می‌آورد و مردان را در محدودیت فرو می‌برد. اگر چه در بیان به زنان گفته می‌شود که پوشیده بیرون آید؛ ولی واقعیت آن است که به مرد گفته می‌شود، بهره برداری جنسی در همه جا ممنوع. چون راه چشم را که نافذترین کانال حس مردان است، نمی‌توان سد کرد.

۵. حجاب و استحکام خانواده

خانواده با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی است. خانواده کانون عشق و امید و تحقق آرزوهای آدمی و مرکز تولد و پرورش نسل بشر است؛ به گونه‌ای که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون خانواده پایدار بماند. در معارف الهی خانواده مهم‌ترین جایگاه پرورش انسان است. قرآن کریم همسران را «لباس» یکدیگر می‌داند و بدین ترتیب نقش هر یک را معین می‌کند. زن و شوهر نزدیک‌ترین افراد به یکدیگرند و چون لباس، یکدیگر را از آفات و آسیب‌های عفت‌سوز و ایمان‌برانداز حفظ می‌کنند^{۱۶}. افزون بر این، آن‌ها مانند لباس، مایه وقار و آراستگی یکدیگرند. بی‌تردید این نقش در پرتو تفاوت زن و شوهر شکل می‌گیرد. چنانچه زن و شوهر از تعهدات خانوادگی رها باشند، نمی‌توانند برای یکدیگر چون لباس به شمار آیند و عفت و وقار و شخصیت هم را پاس دارند. حجاب از لوازم سامان یافتن چنین بنیادی است و بی‌حجابی با آن تعارض آشکار دارد؛ زیرا بی‌بند و باری در پوشش، بی‌بند و باری در تحریک و احساس نیاز را در پی دارد و تأمین نیازهای شعله‌ور بنیاد خانواده را نشانه می‌رود^{۱۷}.

فردی و اجتماعی، استعداد و شرایطی را لازم می‌داند که رعایت پوشش خاص یکی از آن‌ها به شمار می‌آید. فرد بی‌حجاب با رعایت نکردن این شرط در واقع از قبول مسئولیت خودداری ورزیده، در پی خواسته‌های خود می‌رود و حتی دیگران را از انجام تعهدهای پذیرفته شده باز می‌دارد. بنابراین، حجاب هرگز به معنای محدود کردن حوزه مسئولیت زن نیست. حجاب شرط موفقیت در انجام دادن مسئولیت‌ها و سپردن برخی مسئولیت‌ها است. انسان، با انتخاب بی‌حجابی از قبول مسئولیت‌های حساس و سنگین شانه خالی می‌کند؛ آزاد از هر تعهدی سر بار دیگران می‌شود و مسئولیت‌ها را به دیگران وا می‌گذارد.

نتایج بی‌حجابی

رعایت نکردن پوشش اسلامی توسط زنان نه تنها از بین رفتن حساسیت مردان را به دنبال ندارد، بلکه موجب طغیان غریزه جنسی آنان نیز می‌گردد و پس از مدتی باعث دلزدگی و بی‌معنایی آن خواهد شد. رعایت نکردن حجاب، فسادها و بدبختی‌های بسیاری برای فرد و جامعه دارد که بخاطر همان‌ها، در اسلام، آن حجاب با همه ابعاد و جوانب آن مقرر شده و علت و فلسفه‌ی آن، مصونیت فرد و جامعه از آن آثار و پی‌آمدها بوده است که ذیلاً بناچار بدون پرده برخی از آنها ذکر میشود:

روشن است آنچه انسان ببیند فوراً در نهاد و ذهن و دل او منعکس می‌گردد، و دیدن و انعکاس هر چیزی، تأثیر خاص خود را بر روح و بلکه بر جسم وی خواهد گذاشت. نگاه مرد به زن و انعکاس چهره‌ی او در نهاد وی برای بسیاری قهراً و بدون اختیار، باعث تهییج‌ات تمایلات جنسی شده و هواهای وی را برمی‌انگیزد و بحسب چهره و البسه و خودآرایی و تفاوت افراد زن و مرد و... و خصوصاً با همکاری شیطان و نفس اماره، فکر مرد را بآن مشغول مینماید تا آنجا که گاه در خواب هم آن اشتغال فکری راداشته... و گاه مدتها از ذهن او بیرون نمی‌رود و امکان دارد در بعضی افراد تا حد از دست دادن کنترل اعصاب و اختلال فکری و رنجوری و... هم برسد... و در داستانی است که در راهی، زنی به مردی برخورد و از او آدرسی را پرسید و رفت و آن مرد حتی در سکر مرگ هم بیاد او شعر می‌خواند.

در نتیجه با همه اینها بدیهی است که در جامعه‌ای که آن حیا و حجاب چشم مرد و زن و پوشش زن نباشد چه مصیبت‌ها و بدبختی‌ها خواهد بود؟! ... گذشته از اینکه آیا با این همه دیگر چه جایی برای تقوا و تزکیه نفس و فضایل انسانی و دینداری می‌ماند؟! همانطور که اکنون در هر کجا که بی‌حجابی و بدحجابی رایج است خصوصاً مثل دنیای غرب چه گذشته و چه می‌گذرد؟! که در عین حال در این جا بخت‌سار گذشت.

و همه اینها در حدیث از حضرت امام رضا (ع) در فلسفه حرمت نگاه مرد خلاصه شده است: «... لما فيه من تهيج الرجال، و ما يدعو التهيج الى الفساد والدخول فيما لا يحل...» (وسائل الشیعة، کتاب النکاح) و نیز روایات فراوان از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) آمده که: «النظر سهم

غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است؛ اما برای پایداری‌اش کافی نیست. بعد از ازدواج به تدریج با گذر زمان اهداف جدید شکل می‌گیرد؛ خواسته‌های زیستی و جنسی اندک اندک جای خود را به نیازهای روانی و امنیتی و عاطفی و شناختی می‌دهد و دیگر سرمایه عشق ورزی به تنهایی برای تأمین اهداف خانواده و خواسته‌ها کافی نیست. نخستین شرط دستیابی بدین اهداف و تأمین خواسته‌های جدید، آن است که زن و شوهر از هویت و خواسته‌های فردی دست شویند و به سوی پی‌ریزی هویتی جمعی گام بردارند. چنانچه هر کس فقط خواهش خویش را پی‌گیرد؛ زن در جهت تجمل و خودنمایی و مورد پسند واقع شدن در اجتماع و جلب توجه مردان گام بردارد؛ در دغدغه مقبولیت خویش فرو رود و نقش مادری را به فراموشی سپارد؛ و از آن سوی مرد در اندیشه رسیدن به تمکین‌های نوتر و پر رونق‌تر به سر برد و نقش پدری را فراموش کند، بنیان خانواده بر باد می‌رود. بی‌تردید کانون خانواده با اموری چون توجه به لباس و بدن و روی و موی و انگشت نما شدن و مشخص‌تر معرفی کردن خود، پیوند تنگاتنگ دارد و پرداختن بدین امور و فراموش کردن اهداف خانواده و نیازهای برتر، پایه‌های خانواده را متزلزل می‌سازد.

۶. حجاب و مسئولیت‌پذیری

هر کس در برابر خود و دیگران مسؤول است. انجام موفقیت‌آمیز مسئولیت به استعداد و برخورداری از توانمندی‌های متناسب و ظرفیت‌های روان شناختی و جسمی نیاز دارد. توفیق در پاره‌ای از مسئولیت‌ها و حتی سپردن برخی از مسئولیت‌ها به حجاب تکیه دارد و افرادی که بی‌حجابی پیشه می‌کنند، توان انجام آن را ندارند. این گروه ناگزیر باید به خویش پردازند و - چنان که امروزه مشاهده می‌کنیم - چاره‌ای ندارند جز آن که انجام آن مسئولیت‌ها را به دیگران و حتی مردان بسپارند. زنانی که در پی دلربایی و جلب نظر دیگرانند و جز عرضه پیکر خود به چیزی نمی‌اندیشند، هرگز نمی‌توانند غمخوار هم‌نوع خود باشند؛ در برابر خانواده و اجتماع احساس مسئولیت کنند و به معنویت خود و اعضای خانواده و جامعه بیندیشند. این افراد، افزون بر آن که خود به دلیل ناتوانی یا شانه خالی کردن از انجام دادن مسئولیت‌های فردی باز می‌مانند، با روحیه و وضعیت بدنی خاص خویش محیط را آلوده و موقعیت را برای فعالیت مسئولیت‌پذیرانه نامساعد می‌سازند. بر این اساس، بازدهی فعالیت‌های خانوادگی و اجتماعی را کاهش می‌دهند و حتی دقت عمل را دچار اختلال می‌کنند؛ به عبارت دیگر، این افراد خود ناتوان می‌مانند و دیگران را نیز از انجام دادن تعهدات و مسئولیت‌هاشان باز می‌دارند. تحقیقات گسترده و به ویژه پژوهش‌های میدانی، حاکی از افت تولید و کاهش سطح کیفیت در مراکز آلوده به افراد بی‌حجاب، بر درستی این سخن گواهی می‌دهد. اسلام که عاقل و باطل مانند نیروهای عظیم انسانی و غیر انسانی را نمی‌پسندد، برای رسیدن به موفقیت در انجام تعهدات و مسئولیت‌های

بنابراین با همین مطلب فشرده روشن گشت که سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت در همان حجاب و حیای چشم و غیره است که خداوند حکیم مقرر فرموده و بدبختی دنیا و آخرت در رعایت نکردن آنها خواهد بود همانطور که در قرآن کریم در سوره نور آیه ۳۱ پس از آنکه دستور حجاب چشم و پوشش و غیره را (که انشاء الله بعداً خواهید خواند)، صادر نموده به آنها که تاکنون رعایت نکرده‌اند، می‌فرماید: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و توبه و بازگشت نمایید همگی بسوی خدا (در رعایت آنها) که شاید رستگار شوید» که مفهوم آن این است که فرد و جامعه‌ای که حجاب پوشش زن و... و پوشش چشم برای زن و مرد آنها نیست اصلاً شاید و امید و امکان سعادت و رستگاری و بهشت و رضوان الهی برای آنها نخواهد بود. و چه گناهان و عذاب‌ها که از سوی پیغمبر اکرم (ص) و ائمه (ع) خبر داده شده برای زنان بی‌حجاب و بدحجاب و آنها که از زن و مرد تقوای چشم و... ندارند، که از جمله روایات آن در همان ابواب وسائل و جامع سابق الذکر آمده و چون برای هر فرد معتقد همان یک آیه قرآن بامعنی و مفهوم مشارالیه کافی است، ضرورتی برای ذکر آن روایات ندیدیم هر که خواهد به آن ابواب و سایر کتب مفصله مربوطه مراجعه نماید.

پیشنهادهای توصیه‌ها

۱. پیشنهاد می‌شود در کتاب‌های درسی دختران دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، به طور سلسله‌وار مباحث مختلف حجاب و پوشش به ترتیب دوره‌های تحصیلی و با رعایت سطح‌بندی مباحث از ساده به پیچیده به شکل صحیح و زیبا طرح شود، تا دختران جامعه از همان خردسالی به عنوان مادران آینده، با مسایل مختلف حجاب، اعم از فلسفه و فواید حجاب، آثار فردی و اجتماعی آن، پیامدهای بدحجابی و بی‌حجابی و غیره آشنا شوند و نسبت به حجاب، اعتقاد راسخ پیدا نمایند، اگر دختران جامعه از همان سنین کودکی اعتقاد راسخ و عمیقی نسبت به حقانیت حجاب و مسایل آن، به عنوان یک حجاب درونی، پیدا نمایند یقیناً در مرحله‌ی حجاب بیرونی نیز بر اساس همان اعتقاد درونی عمل خواهند کرد. از آن جا که یکی از سوره‌های قرآنی که بسیاری از مسایل حجاب و پوشش در آن مطرح شده، سوره‌ی نور است؛ مناسب است که در مدارس دخترانه، زمینه‌ی آشنایی عمیق و تفصیلی دختران با معارف قرآنی این سوره درباره‌ی حجاب و پوشش، به طور صحیح و دقیق و کارشناسی شده فراهم گردد.

۲. پیشنهاد می‌گردد از برخی محصولات فرهنگی، مثل مجله‌ها به صورت ویژه‌نامه‌های هر چند وقت یکبار برای تبیین علمی و جذاب مسایل حجاب برای دختران استفاده شود؛ به عنوان مثال شماره‌ی ششم مجله‌ی «حدیث زندگی» ویژه‌ی جوانان که توسط موسسه‌ی فرهنگی دارالحدیث چاپ می‌گردد، ویژه‌ی عفاف و حجاب است که مطالعه‌ی آن را به خواهران و بانوان توصیه می‌کنیم.

من سهام ابلیس - نگاه [حرام] تیری از تیرهای شیطان است ...».

لذا بخاطر دفع آن مفسد و... هم دستور حیا و حجاب چشم برای زن و مرد و هم دستور حجاب پوشش و غیره برای زن داده شده است.

یکی از عواقب شوم بسیار خطرناک و مهلک دیگر بی‌حجابی و بدحجابی و نظر، بسیاری از بی‌علاقگی‌ها و کدورت‌ها و تفرقه‌های بین همسران و طلاق‌ها و... است، و خصوصاً با بیرون رفتن‌های غیرضروری و گردش در کوچه و خیابان‌ها و غیره است، زیرا اکثر مردم از زن و مرد، تقوای چشم و فکر نداشته که از نگاه خودداری نمایند، از سویی واضح است که زن‌ها و مردها از نظر قیافه و خودآرایی و لباس و غیره مختلفند، لذا وقتی حجاب یا حجاب کامل نبود و زن‌ها با آن گوناگونی در خارج منزل و یا در داخل منزل در مقابل دید و نظر مردان نامحرم قرار گرفته قهراً آن مردان از زوجه خود سرد می‌شوند، زن‌ها نیز با دیدن مردان مختلف از شوهران خود دلسرد خواهند شد. و اینجاست که در آن وضع، کمتر زن و شوهری یافت می‌شوند که آنچنان که باید با یکدیگر گرم باشند، گرچه اظهار هم نکنند، که این خود، زندگی هر دو را تیره و تار و تباه می‌نماید...

این دو امر، بر روی نسل آثار بسیار شوم و فساد اخلاق می‌گذارد که حتی در اینجا هم شایسته ذکر نیست. که می‌توان همه این فتنه‌ها و غیر آنها در احادیثی همانند فرموده‌های حضرت امیرالمؤمنین (ع) جمع و خلاصه شده باشد مانند: «للحظ رائد الفتن: نگاه‌ها یابنده‌ی فتنه‌هاست»، «من اطلق طرفه جلب حفته: هر که چشم خود را آزاد گذارد نابودی بدون کشتن و زدن خود را جلب کرده»، «من غَضَّ طرفه قَلَّ اسْفَهْ وَامِنَ تلفه: هر که چشم خود را ببندد تأسف و حسرت او کم و از تلف شدن ایمن خواهد گشت»... و باهمه این فتنه‌هاست که فرمودند: «ذهاب النظر خیر من النظر الی ما یوجب الفتنه: از بین رفتن بینائی و کوری بهتر است از نگاه به آنچه موجب فتنه می‌گردد» و فرمودند: «لعن... الناظر والمنظور الیه: خداوند لعنت فرماید آن نگاه کننده و آنرا که به او نگاه شده (که خود را در معرض نگاه قرار داده)» (جامع، ابواب فوق الذکر باب).

و از همه اینها شدت جنایت و گناه و عذاب زن‌های بی‌حجاب و بدحجاب که حتی با یک بیرون آمدن، باعث نگاه صدها و هزاران مرد می‌شوند، روشن می‌گردد. همانطور که شدت جنایت و گناه و عذاب استعمار و دولت‌های مزدور استعمار و عمال و مزدوران آنها در شرق و غرب جهان که این بی‌حجابی و بدحجابی را آورده روشن می‌گردد.

بدیهی است بالاتر و شدیدتر از همه این فتنه‌ها و آثار و عواقب شوم و... آنکه دیگر در آن قلب و ذهن و فکر فرد و جامعه‌ای که همواره با آن آثار و فتنه‌ها پر شده، خلأ و جایی برای دین و ایمان و تقوا و یاد و ذکر و عبادت خدا و آخرت و... نخواهد ماند همانطور که در هر جا که در شرق و غرب حتی در کشورهای اسلامی آن بی‌حجابی و بدحجابی و عدم کنترل نگاه‌ها بوده، چنین است و قهراً با از دست دادن دین و اسلام و ایمان یکسره به جهنم خواهند رفت و چه فتنه و عذابی از اینها بالاتر و...

۳. در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها که مقدار آگاهی و توانایی فهم دختران بیش‌تر است، جلسات پرسش و پاسخ درباره‌ی بعضی مسایل و شبهات جدید حجاب با حضور کارشناسان آگاه و مسلط دینی و اسلامی، با حضور زنان و خواهران مؤمن فرهیخته و دانشمند تشکیل گردد.

۴. یکی از مراکز فرهنگی مهم که نقش قابل توجهی در گسترش حجاب کامل دارد، سیمای جمهوری اسلامی است؛ زیرا تمام فیلم‌ها و برنامه‌های آن نقش‌الگودهی بسیار مهمی برای مردم دارد؛ بنابراین، جا دارد مسئولان سیمای جمهوری اسلامی به الگوپذیری مردم، خصوصاً زنان و دختران، از حجاب و پوشش هنرمندان و مجریان تلویزیون، توجه و دقت جدی نمایند.

۵. مراکز فرهنگی و رسانه‌های جمعی، مثل مطبوعات با نگارش آثار و مقالات علمی و استدلالی به تبیین مسایل مهم و اساسی حجاب برتر بپردازند؛ زیرا همان‌گونه که از لابلای اثر حاضر روشن گشت، حجاب حداکثری و بیش‌تر بانوان یکی از احکامی است که دین اسلام، بانوان را به آن ترغیب و تشویق نموده است. نکته‌ی فوق به منزله‌ی یک ملاک و معیار برای ارزیابی فعالیت‌های مطبوعاتی در ارتباط با ترویج فرهنگ حجاب و پوشش در جامعه اسلامی است؛ به این معنا که اگر نتیجه‌ی فعالیت‌های مطبوعاتی در راستای تقویت و تحکیم منطقی حجاب و پوشش بیش‌تر و برتر باشد، می‌توان گفت مطبوعات جامعه‌ی اسلامی، در این مورد به وظیفه‌ی اسلامی خود عمل نموده‌اند؛ ولی اگر فعالیت‌های مطبوعاتی آنان منجر به تضعیف و تخریب مصادیق حجاب برتر باشد در حقیقت به رسالت مطبوعاتی خود عمل نکرده‌اند.

۶. خانواده‌ها، خصوصاً مادران که مسؤولیت سنگین‌تری در تربیت دختران و ارتباط بیش‌تری با آنها دارند، خود در مواجهه با نامحرم از حجاب کامل، مثل چادر استفاده نمایند، تا از این طریق فرزندان دختر نیز از همان کودکی با حجاب اسلامی آشنا شوند و با تمرین کردن نسبت به آن انس بگیرند. البته در کنار تمرین و عادت دادن آنان، لازم است مادران ابعاد مختلف حجاب و پوشش و فواید آن را برای دختران تبیین و آنها را به رعایت پوشش کامل اسلامی تشویق، و در انتخاب دوستان آنها توجه نمایند که به مسایل شرعی و از جمله رعایت حجاب مقید باشند.

۷. به دلیل تأثیرپذیری دانش‌آموزان و دانش‌جویان از مدیران و معلمان و اساتید، رعایت حجاب کامل از سوی کادر آموزشی مراکز آموزش و پرورش و دانشگاه تأثیر رفتاری و عملی فراوانی روی مخاطبان دارد. برای استمرار و تقویت حجاب کامل در بین کادر آموزشی، مسئولان مراکز مذکور باید با تصمیم‌گیری قاطع و منطقی اولاً، لزوم استفاده از حجاب کامل اسلامی را قانونمند کنند؛ ثانیاً، افرادی که حجاب کامل را رعایت می‌کنند به شکل‌های مختلف مورد تشویق قرار گیرند؛ ثالثاً، پس از تبیین منطقی حکم حجاب با افراد متخلف، به طور قاطع و جدی و قانونی برخورد نمایند.

۸. اگر برخی مراکز فرهنگی از شعارنویسی روی دیوارها برای ترویج فرهنگ حجاب کمک می‌گیرند، در این زمینه باید از شعارهای جذاب و مثبت

استفاده کنند؛ مثل: «حجاب سلاح زن است در مقابل نگاه‌های آلوده»؛ «حجاب پند است، نه بند». افراد آشنا به مسایل و کارهای فرهنگی، به خوبی می‌دانند که استفاده از شعارهای منفی و دارای دافعه، نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه بر عکس باعث لجاجت و مقاومت در افراد بی‌حجاب می‌گردد.

۹. یکی از روش‌های تبلیغ منفی بر ضد حجاب، خصوصاً در شکل چادر این است که معمولاً افراد با حجاب و چادری را افرادی بی‌سواد و بدون فرهنگ معرفی می‌کنند و در مقابل، زنان بی‌حجاب را افراد با فرهنگ به حساب می‌آورند. با توجه به این که ادعای فوق توسط بعضی افراد، خصوصاً رسانه‌های خارجی و غربی مطرح می‌گردد، به منظور اثبات نادرستی این ادعا دو پیشنهاد ارایه می‌گردد:

الف) الگوهای برجسته‌ی زنان محجبه و چادری در زمینه‌های مختلف به وسیله رسانه‌ها، مثل صدا و سیما و مطبوعات و ... از طریق بیان جلوه‌های زندگانی، و موفقیت‌های آنها در کسب مدارج علمی و فرهنگی معرفی گردند. یکی از مطبوعاتی که تا حدودی در این زمینه موفق بوده است، مجله‌ی «پیام زن» است. در شماره‌های مختلف این مجله مصاحبه‌هایی با زنان متدین و محجبه که دارای موفقیت‌های علمی و فرهنگی بوده‌اند انجام شده است، که مطالعه‌ی آنها به دختران و بانوان توصیه می‌گردد.

ب) شرکت فعال زنان محجبه و دارای مدارک علمی و فرهنگی سطح بالا در کنفرانس‌های خارجی و بین‌المللی، در خنثی نمودن تبلیغات سوء رسانه‌های خارجی و غربی بر ضد زنان محجبه، نقش بسیار مؤثری دارد. یکی از نمونه‌های بارز آن، شرکت گسترده و عالمانه‌ی زنان محجبه در اجلاس پکن بود که نقش بسیار مؤثری را در تصحیح افکار جهانیان درباره‌ی زنان محجبه ایرانی داشته است.

۱۰. همان‌گونه که حکومت‌های لائیک و ضد دین، مثل حکومت رضاخان در ایران و حکومت آتاتورک در ترکیه، با طرح کشف حجاب، به طور برنامه‌ریزی شده به مقابله با آن برخاستند؛ و رژیم طاغوتی شاه نیز به دلیل ماهیت ضد دینی برای مقابله با دین و مقوله‌های دینی، مثل حجاب، دارای طرح و برنامه‌ی مشخص بود؛ لازم است حکومت‌های دینی، از جمله جمهوری اسلامی نیز برای مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی، که از مظاهر هجوم فرهنگی غرب است، دارای طرح روشن و مشخص و دقیق و کارشناسانه باشد؛ از این رو، پیش‌نهاد می‌شود شورایی از کارشناسان مسایل شرعی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی حجاب، با نظارت و حمایت شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شود و طرحی جامع برای مبارزه‌ی سنجیده و کارشناسی شده با مقوله‌ی بدحجابی و راه‌های گسترش حجاب برتر تهیه نمایند. در تهیه‌ی طرح مذکور لازم است از تجربه‌های زنان محجبه و فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی نیز استفاده شود.

۱۱. به زنان و دختران متدین و عفیف پیشنهاد می‌شود به طور مستمر مطالعات و تحقیقات خود را درباره‌ی فلسفه، فواید و مسایل حجاب افزایش

۳. الگوگیری از زنان برگزیده تاریخ

امروز یکی از تأسفهای جدی این است که زن مسلمان آن چنان که باید و شاید با چهره‌های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست، زندگانی حضرت زهرا(س) و فرزند برومندش، پیام آور عاشورا حضرت زینب(س) باید برای زن مؤمنه نشان داده شود تا بنگرد با حفظ هویت و شخصیت و وقار می‌تواند در جامعه حضور پیدا کند و ایفای نقش کند.

کلامی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که مطابق آن «آموختن دوستی آل علی (ع) به زنان برای آنها کافی است»، چرا که زن اگر حب علی را فراگرفت و او را راهبر شناخت و خاندان او را به عنوان الگو پذیرفت و بر راهی رفت که اهل بیت علیه السلام رفته‌اند و آنان را سرمشق قرار داد، رویین تن می‌شود و حضورش در جامعه دلهره آفرین نخواهد بود.

راه‌های مقابله با بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه

- ۱- رعایت اصل تقوای الهی در عمل از طرف آمرین به معروف و ناهین از منکر (یعنی عامل بودن آمر)؛
- ۲- رایۀ الگوی صحیح پوشش متناسب با اسلام و انقلاب برای دختران و پسران؛
- ۳- رایۀ الگوهای امروزی که برای نسل جوان ملموس باشد (مانند: دعوت از کسانی که در زمینه‌های علمی، اجتماعی و... در بین نسل جوان موفق بوده و پوشش برتر دارند)؛
- ۴- ترویج فرهنگ اصیل اسلامی و قرآنی در صدا و سیما، سینما، میادین شهرها (به صورت تابلوهای بزرگ)، ساخت فیلم، سریال و پخش مراسم عزاداری و هیأت‌های مذهبی؛
- ۵- بیان محسنات حجاب اسلامی و بیان مضرات بدحجابی و بی‌حجابی از طریق همایش، میزگرد و با بهره‌گیری از نسل جوان و با پوشش‌های مناسب؛
- ۶- در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی در امر به معروف و نهی از منکر بخاطر اثر گذاری و اثر پذیری و فرهنگ سازی از طریق مثبت نگری به مقوله حجاب و عدم بزرگنمایی بدحجابی؛
- ۷- رعایت حجاب از سوی خود و خانواده مسئولین و زیرمجموعه‌ی اداری آنان (مانند منشی‌ها)؛
- ۸- جلوگیری از تولید و فروش محصولات غیرفرهنگی و لباس‌های نامناسب؛
- ۹- توسعه و گسترش هیأت‌های مذهبی و پخش از صدا و سیما و همچنین در بعضی مناسبات کشاندن آنان به خیابان‌ها و میادین شهر؛
- ۱۰- برگزاری میزگردهای تخصصی با بهره‌گیری از متخصصین جوان در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی و...
- ۱۱- تعیین حدود قانونی حجاب اسلامی با عنایت به فرهنگ غنی اسلامی

دهند. این کار دو فایده‌ی مهم دارد:

الف) اعتقاد و ایمان آنها به حقانیت احکام متعالی و نورانی اسلام، افزایش می‌یابد و در نتیجه التزام عملی آنها به رعایت حجاب برتر بیش‌تر می‌شود. ب) از طریق فوق بهتر می‌توانند به تبلیغ و ترویج صحیح و منطقی حجاب برتر اقدام نمایند و حتی در مواقع لازم، از طریق جهاد فرهنگی به پاسخ‌گویی شبهات مخالفان حجاب نیز اقدام می‌کنند.

راه‌های ترویج حجاب

۱. راهکارهای فرهنگی:

- ارایه مدهای مشروع و اسلامی؛
- ایجاد نمایشگاه‌های مد لباس اسلامی؛
- تغییر و تنوع در طرح‌ها و رنگ‌های پوشش اسلامی؛
- ایجاد محتوا در عرصه‌های مجازی؛
- برگزاری کنفرانس‌های تشریح ماهیت زن در جوامع غربی؛
- اشتغال در مراکز مختلف (اولویت قرار دادن حجاب)؛
- ترویج حجاب از طریق اساتید و تمرکز بر روی پوشش مناسب اساتید و الگو قرار دادن اساتید و تشویق اساتید با حجاب؛
- ایجاد ارتباط بین سینما و حجاب؛
- ایجاد ارتباط بین رسانه و حجاب؛
- ایجاد ارتباط بین تبلیغات و حجاب؛
- تبلیغ گفته‌های اندیشمندان بزرگ غیر مسلمان راجع به حجاب؛
- ساختن فیلم‌هایی با موضوعات تأثیرات مخرب بی‌حجابی در آینده جامعه و زنان؛
- تلفیق اندیشه‌های وطن‌دوستانه با پوشش ملی ایرانی اسلامی؛
- ایجاد الگوهای جدید و ملموس و به روز؛
- شناساندن موقعیت و شخصیت واقعی زن.

۲. تبلیغ نگرش صحیح به ارزش و احترام زن

از نظر اجتماعی زن هر قدر متین‌تر، باوقارتر، عقیف‌تر و با حجاب‌تر باشد، بر احترام و ابهتش افزوده می‌شود. برای درک این مطلب کافیست بدانیم که حتی در کشورهایی که حجاب ندارند در مراسم رسمی خود، زنان با جلوه‌های متفاوت‌تر از شرایط عادی، ظاهر می‌شوند و از لباس‌هایی که پوشش بهتر و زیاده‌تری دارند استفاده می‌کنند. چرا که تا زمانی که سرشیشه عطر بسته است، عطر داخل آن هم محفوظ خواهد ماند، ولی به محض اینکه چند ساعتی سرشیشه عطر برداشته شود، عطر داخل آن می‌پرد و تنها شیشه خالی بدون عطر می‌ماند و کسی به آن تمایلی ندارد. حجاب هم مثل سر شیشه عطر است که بوی خوش و زیبایی و طراوت زنها را حفظ می‌کند و با برداشتن حجاب، آن زیبایی و طراوت از بین می‌رود و زنان کرامت خویش را از دست خواهند داد.



یکی از مهمترین راه‌های ترویج حجاب و مبارزه با بدحجابی این است که خانواده، منشیان و کارکنان مدیران مسئولان نظام، حجاب را رعایت کنند.

و ایرانی برای دختران و پسران در جامعه و مدرسه و دانشگاه با بهره‌مندی از نظر کارشناسان علوم اجتماعی و روانشناسان؛

۱۲- برخورد قاطع با متخلفین بصورت هماهنگ و متحد الشکل از طرف تمامی دستگاه‌های مسؤول از قبیل: قوه قضائیه، نیروی انتظامی و ضابطین آنان در بسیج و با پدیده ی بدحجابی و... (ارایه ی راه حل واحد در برخورد با بد حجابی و بی حجابی و پرهیز از تکرورهای و کج سلیقه‌های در برخوردها)؛

۱۳- برخورد اصولی و مبتنی بر عقلانیت با تکنولوژی‌های جدید (مانند ماهواره و اینترنت) و تلاش در جهت شناساندن محسنات آن‌ها به جای برخوردهای احساسی و گاهی خدای ناکرده نابخردانه با آن، که خودنوعی ترویج است.

۱۴- ایجاد حالت احساسی خوف و رجا در جامعه: خوف برای متخلفین و رجا برای مردم و افراد سالم جامعه با وضع قوانینی که ضمانت اجرای عملی را داشته باشند و نظارت دقیق بر حسن اجرای آن قوانین از طریق مجلس محترم و دستگاه‌های نظارتی؛

۱۵- ایجاد اعتماد عمومی به حکومت با برخورد قاطع با فاسقین و فاسدین و متجاهرین به فسق؛ ۱۶- ایجاد اشتغال برای جوانان و سرگرم کردن این قشر عظیم به کار و تلاش و ایجاد امنیت شغلی؛

۱۷- برقراری امنیت شغلی، اجتماعی، اقتصادی، رفاهی از طریق مسؤولین ذیربط و تبلیغات گسترده رسانه‌های گروهی؛

۱۸- ترویج فرهنگ ازدواج و استحکام بنای خانواده با حمایت از مزدوجین و فرهنگ سازی در این رابطه و ارایه ی راهکارهای عملی برای حصول به آن و سهل و آسان نمودن ازدواج از طریق ساخت خانه‌های با مساحت کم و بصورت اقساط در اختیار زوج‌های جوان گذاردن، تأمین اشتغال آنان، ارایه ی مشاوره‌های خانوادگی از طریق رسانه‌ی ملی و جراید و برگزاری میزگردهای تخصصی در این زمینه و یا ساخت سریال‌های مناسب؛

۱۹- بیان غیرمستقیم مسایل فرهنگی از طریق صدا و سیما با ساخت فیلم، سریال و مصاحبه و دعوت از خانواده‌های موفق؛

۲۰- از بین بردن دغدغه معیشت برای خانواده‌ها و کم کردن و در نهایت از بین بردن شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی و برخورد با سودجویان و سوء استفاده کنندگان در جامعه اعم از مسؤولین و طبقات اول و دوم جامعه و دیگران. چراکه همسر یا مرد خانه از صبح زود به دلیل عقب نماندن از دیگران و تأمین معاش و رفع نیاز و کسب رزق و روزی و بعضاً رفاه طلبی بیش از حد توان تا پاسی از شب در تمام هفته حتی گاهی جمع‌ها مشغول کار و تلاش بوده و از توجه عاطفی و معنوی اهل خانواده ی خود غافل است و هنگامی که همسر و پدر نتواند پاسخگوی احتیاجات غریزی و عاطفی خانواده ی خود باشد نوعی عقده و بیماری گریبانگیر آنان می‌شود که کمبود احساسی و عاطفی (محبت) است که در نهایت ممکن است برای ارضاء آن گرایش به غیر قوت گرفته و کم کم زمینه‌های ناهنجاری به وجود آید تا غریزه ارضاء شود. به عنوان نمونه: (به انحراف کشیده شدن بعضی از خانم‌های متأهل)؛

۲۱- رعایت اصول اخلاقی و پوشش مناسب والدین در منزل در حضور فرزندان مانند: پدر در مقابل دختر و مادر در مقابل پسر و حتی محارم نسبی که ممکن است موجب بروز حوادث بسیار شومی نیز گردد؛

۲۲- رعایت والدین در عدم استفاده از فیلم‌های مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای در حضور فرزندان چرا که زمینه ی کنجکاوی آنان ایجاد شده و کودکان نیز به دنبال تقلید برمی آیند؛

۲۳- کنترل فرزندان توسط والدین در خروج و ورود از منزل و نظارت بر حضور آنان در مجالس و محافل خصوصی و غیر خصوصی جوانان از قبیل: جشن تولدها، جشن‌های فارغ التحصیلی و پارتی‌ها و...؛

۲۴- تبلیغ در سطح شهرها و حتی روستاها بطور منسجم و یکنواخت توسط تراکت، بیل برد، پلاکارد و... با ذکر محاسن حجاب نه معایب آن؛

۳. اصلاح نظام الگوسازی

انسان پیوسته در این اندیشه است ارزش‌هایی را که باور دارد در چهره ای مجسم بنگرد. مسأله الگو در اخلاق اسلامی و روان‌شناسی نیز جایگاه مهمی دارد. از این رو، قرآن کریم زنانی شایسته چون آسیه همسر فرعون و حضرت مریم(س) را معرفی و از آنان تجلیل نموده است. یکی از تأسف‌های جدی عصر حاضر این است که زن مسلمان به طور بایسته با چهره‌های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست.

۴. به کارگیری روش‌های صحیح برای گسترش حجاب

طی کردن مسیر اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط می‌تواند فضای رغبت و میل به رعایت حجاب را فراهم نماید. اگر شهرسازی و معماری به ویژه در مراکز آموزشی دخترانه به گونه‌ای باشد که تا حدودی آزادی عمل را برای آنان فراهم نماید و نیز شرایط و مقتضیات فرهنگی، روحی و سنی افراد لحاظ شود و نیز به نوع کار و خصوصیات اقلیمی و منطقه‌ای توجه شود. و در نهایت به حس تنوع‌طلبی و مدرگرایی جوانان توجه شود و متناسب با فرهنگ دینی و آداب محلی و منطقه‌ای آنان، الگوهای پوششی ارائه شود.

منابع

- ۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۶، ۴۳۴ با تلخیص.
- ۲- فصلنامه تاریخ درآینه پژوهش، شماره سوم
- ۳- فسیر محمدی اشتیاردی، محمد؛ حجاب بیانگر شخصیت، چاپ اول نشر معاونت مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا، ۱۶۰ صفحه
- ۴- رزاقی، احمد، عوامل فساد و بدحجابی و شیوه‌های مقابله با آن، چاپ چهارم، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ ش، ۲۲۴ صفحه
- ۵- شجاعی، محمد، در و صدف، چاپ سوم، نشر ۱۳۷۸ ش، ۱۹۷ صفحه
- ۶- قرائتی، محسن، پوشش زن در اسلام، چاپ نهم، نشر ناصر، ۱۳۷۰ ش، ۱۱۸ صفحه
- ۷- جوادی آملی، زن درآئینه جلال و جمال، چاپ دوم، نشر فرهنگی رجاء ۱۳۷۱ ش، ۴۲۶ صفحه
- ۸- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ دوم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۶، ص ۲۱۰
- ۹- علی میرخلف زاده، داستان‌هایی از پوشش و حجاب
- ۱۰- محمد وحیدی، احکام دختران
- ۱۱- علی اکبر بابازاده، تحلیل سیره فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیه
- ۱۲- اسدالله محمدی نیا، بهشت جوانان
- ۱۳- المیزان، محمدحسین طباطبائی، ج ۳.
- ۱۴- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل.
- ۱۵- مجموعه مقالات کنفرانس زن، مقاله حجاب و آزادی.
- ۱۶- روان‌شناسی شخصیت، یوسف کریمی،
- ۱۷- روان‌شناسی کمال، دوان شولتس، گیتی خوشدل.
- ۱۸- مکتب‌ها و نظریه‌های روان‌شناسی، سعید شاملو.
- ۱۹- روان‌شناسی کمال.
- ۲۰- مسأله حجاب، مرتضی مطهری، صدا.
- ۲۱- نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، صدا.
- ۲۲- مسأله حجاب، مرتضی مطهری، صدا.
- ۲۴- المیزان، محمدحسین طباطبائی، ج ۳.

۲۵- پرهیز از دوگانگی و حتی چندگانگی در برخوردها و رفتارها و تبلیغ‌ها و...

۲۶- سلیقه‌ای عمل نکردن دستگاه‌های مسؤول از قبیل: ستاد امر به معروف و نهی از منکر، نیروی انتظامی، دستگاه قضایی و...

نتیجه‌گیری

پیاده کردن آموزه‌های دینی و عینی نمودن دستور العمل‌های شریعت، وظیفه آحاد جامعه است. اما در این میان سازمان فرهنگی حکومت دینی، وظیفه‌ای مضاعف به دوش می‌کشند و باید خط مشی کلی جامعه را بر اجتناب از رذایل اخلاقی، ترغیب جوانان به ازدواج بنا نهند.

عدم اهتمام به تقویت باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی سبب می‌شود نسل جوان نسبت به ارزش‌ها بیگانه گشته و نسبت به اعتقادات دینی خود احساس حقارت نماید و بن بست فکری در این باب خودباختگی به فرهنگ غرب را در پی دارد.

احیای ارزش‌های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل و دریافتن ارزش‌ها و آفریدن روح تعبد و تعهد نسبت به این‌ها نقش مهمی در این زمینه خواهد داشت.

۱. اصلاح نگرش‌های فرهنگی در سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان

تحلیل صحیح، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری درست آن گاه میسر می‌شود که از جزئی‌نگری پرهیز شود. گاهی برنامه‌ریزان به جای آسیب‌شناسی و پرداختن به معضلات اساسی جامعه، به اتخاذ برنامه‌های موقتی رو می‌آورند.

این شیوه، آسیب‌های جدی بر جامعه تحمیل می‌کند. آگاهی مجریان و توجه آنان به معضلات اخلاقی جامعه، اختصاص اعتبار مناسب و سوق دادن جامعه به سمت اصلاحات می‌تواند گام مؤثری در رفع مشکلات فرهنگی جامعه باشد.

۲. اصلاح عملکرد رسانه‌ها

گاهی برنامه‌های تبلیغی و فرهنگی، زمینه تحقیر زنان و تضعیف موقعیت آنان را فراهم نموده است. از این رو مناسب است با اجتناب از عرضه برنامه‌هایی که زنان را به سوی جلوه‌گری سوق می‌دهد زمینه تعالی آن‌ها را فراهم سازند.

رعایت متانت و حفظ پوشش که ضامن مصونیت اخلاقی و روانی زن به هنگام حضور در عرصه‌های اجتماعی است، گاه در میان هنرپیشگان مورد بی‌مهری قرار گرفته و حجاب سنتی و اصیل تحقیر شده است.

نهادهای فرهنگی باید بیش از پیش به تربیت هنرمندان و هنرپیشگان متعهد به مبانی اعتقادی بپردازند تا حفظ ارزش‌های دینی نه به عنوان تحمیل قانونی، بلکه به عنوان باورهای قلبی و تمایلاتی خودجوش متجلی شود.

■ نوشته: منصوره فصیح رامندی (کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق)

تحلیل مبانی کلی حجاب و عفاف

چکیده

حجاب و پوشش زن در برابر مرد بیگانه، یکی از مسائل مهم اسلامی است. فقهای شیعه بلکه تمامی علمای دین از صدر اسلام تا کنون با استناد به دلایل نقلی (آیات و روایات) و دلایل عقلی به وجوب حجاب حکم نموده و آن را از ضروریات دین دانسته‌اند. واژه حجاب در کتب لغت غالباً به معنی پرده و حائل تعریف شده و استعمال آن در فقه نسبتاً جدید است، زیرا فقها در کتب فقهی در ذیل بحث‌هایی چون صلاه و نکاح از واژه‌ی ستر به جای حجاب استفاده کرده و احکام و حدود آن را تعیین نموده‌اند. نباید از نظر دور داشت که حجاب در کنار عفاف معنا پیدا می‌کند. در واقع حجاب و عفاف دوازش اخلاقی هستند که در کنار هم باعث ایجاد نوعی فرهنگ در جهت حفظ امنیت اخلاقی و جنسی در جامعه می‌شوند که بخش عظیم این فرهنگ شامل حجاب خواهد بود. در واقع حجاب در کنار عفاف تدبیری است در جهت حفظ موقعیت زن و فزونی بخش، حرمت او، در عین اینکه مایه سلامت و آرامش روان جامعه است.

واژگان کلیدی

حجاب، ستر، عفاف، پوشش، وجه، کفین



۱- مقدمه

حجاب به عنوان یک تکلیف شرعی و حکم الهی از جایگاه ویژه‌ای در شریعت اسلام برخوردار است تا جایی که یکی از ضروریات دین به شمار می‌رود، و در کتب فقهی بیش از سی دلیل عقلی و نقلی بر این وجوب و ضرورت اقامه شده است. (موسوی خوانساری، ص ۷۵)

مسئله حجاب نیز، هم چون سایر مباحث فقهی و دینی مستند به آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از اهل بیت «علیهم السلام» می‌باشد که این امر موجب ثبوت و ضابطه‌مند بودن این مسئله شده است. در واقع فقها با استناد به همین آیات و روایات حکم وجوب حجاب و حدود آن را استنباط کرده‌اند. نکته مهمی که از مستندات قرآنی و روایی حجاب استفاده می‌شود این است که زن مسلمان باید در کنار حفظ پوشش چنان رفتاری داشته باشد که علایم وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد. با توجه به همین مستندات علی‌الخصوص آیات قرآن به این نکته پی می‌بریم که، مراد و مقصود اصلی از حجاب، حجاب همراه با عفاف است.

و حجاب بدون عفاف، خود نوعی برهنگی فرهنگی و در جهت گسترش فساد خواهد بود. نباید از نظر دور داشت که در عین این که این دو ارزش اخلاقی از یکدیگر جدایی ناپذیرند، ولی با دقت و بررسی در معنای هر یک به تفاوت این دو مقوله پی خواهیم برد.

در این نوشتار، تلاش شده است که مبانی کلی حجاب در قالب، بیان تعاریف، مستندات و مبانی فقهی مورد بررسی قرار گیرد که در کنار بحث از مبانی حجاب، عفاف و مصادیق آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۲- معنای لغوی و اصطلاحی حجاب

۲-۱ معنای لغوی حجاب

واژه حجاب از ریشه‌ی (ح. ج. ب) است که در لغت معانی گوناگونی برای آن ذکر شده است. به عنوان مثال روپوش، روبند، نقاب، برقع، آن چه با آن چیزی را بپوشانند. (لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۷۶۴)

در ساده‌ترین تعریف لغوی، می‌توان گفت که، حجاب به معنی پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است. "الحجاب، کل ما حال بین شیئین، هر آن چه میان دو چیز حایل شود حجاب است" (طریحی، ص ۳۴) ابن منظور در تعریف حجاب می‌نویسد، «الحجاب الستر... و الحجاب اسم ما احتجب به کل شیء منع شیءه فقد حجب» (ابن منظور، ص ۳۶) حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می‌گیرد و هر چیزی که میان دو چیز جدایی می‌اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع از چیز دیگری شود او را حجب نموده است.

پس، هر چیزی که حایل میان دو چیز باشد و آن را از هم جدا کند، حجاب است «الحجاب شیء عن شیء»، حجاب آن چیزی است که به واسطه آن چیزی از چیز دیگر در حجاب قرار گیرد. (فراهیدی، ص ۸۲)

پس حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاحب، و بیش ترین استعمال واژه‌ی حجاب در معنی پرده است، این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده و وسیله‌ی پوشش است. شاید بتوان گفت که بر اساس معنای لغوی هر پوششی حجاب نیست آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت می‌گیرد و در قرآن کریم در داستان سلیمان، غروب خورشید را این گونه توصیف می‌کند «حتی توارت بالحجاب» یعنی تا آن وقت که خورشید در پشت پرده مخفی شد. (مطهری، ص ۷۱) با توجه به معانی فوق می‌توان گفت در لغت حجاب در دو معنی به کار رفته است، یکی حایل و دیگر در پرده قرار دادن و پوشش.

۲-۲ تعریف فقهی حجاب

حجاب زن مسلمان به عنوان یک پوشش متعارف در جامعه‌ی اسلامی، یک مسئله فقهی است، به نوعی که در برهه‌هایی از تاریخ ایران زنان بدون توجه به نوح حکومت و قوانین آن سعی در حفظ پوشش خود داشته‌اند که این قضیه در جریان کشف حجاب به خوبی واضح است. بنابراین می‌توان گفت؛ فهم عرف از معنای حجاب همان معنای فقهی حجاب است. به کارگیری واژه حجاب در مورد پوشش زنان در مباحث یک اصطلاح نسبتاً جدید است و در گذشته به خصوص در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنی پوشش است به جای واژه حجاب به کار رفته است و فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب نکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه‌ی ستر را به کار برده‌اند نه کلمه‌ی حجاب را. (مطهری، ص ۷۱) و ستر را بر دو گونه تقسیم کرده‌اند:

- ۱- پوششی که ذاتاً واجب است، مانند پوشیده نگه داشتن شرمگاه از دید مردان و زنان دیگر بلکه کودکان ممیز و اهل تشخیص به جز همسر.
- ۲- پوشش در حال نماز. واجب است بانوان در هنگام نماز تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشانند، ولی پوشاندن دست تا مچ و گردن و صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود لازم نیست (طباطبایی یزدی، ص ۴۱۴)

چنان که در تعریف فقهی حجاب آمده است: "الحجاب ماتبلسه المرأة من الثیاب لستر العورة عن الاجانب، حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می‌پوشد." (قلعجی، ص ۱۲۷)

۳- مستندات قرآنی و روایی حجاب

حجاب هم چون سایر موضوعات فقهی، مستند به آیاتی از قرآن کریم و روایات اهل بیت «علیهم السلام» می‌باشد. این مسئله موجب ثبوت و ضابطه‌مند بودن حکم وجوب حجاب بوده و فقها با تکیه به مستندات قرآنی و روایی موجود در این زمینه حکم وجوب حجاب را استنباط نموده‌اند.

۳-۱- گستره ی حجاب در قرآن کریم

از جمله آیاتی که در قرآن به مسأله حجاب اختصاص دارد می‌توان با آیات (۳۰ و ۳۱ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ سوره ی نور) و آیات (۳۲ و ۵۳ و ۵۹ و ۶۰ سوره ی احزاب) اشاره کرد شاید بتوان گفت که آیات مذکور به نوعی ناظر به معنای فقهی حجاب می‌باشد.

آیات اصلی مربوط به پوشش آیات ۳۰ و ۳۱ سوره ی نور است، که احکام نگاه کردن، چشم چرانی و حجاب در آیات مذکور بیان شده است. «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهن ذلک ازکی لهم....» (۳۰/نور)

«و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لایبدین زینتهن الا ماظهر منها» (۳۱/نور)

در این آیات، ابتدا به مردان دستور حفظ نگاه و حفظ فرج داده شده و در ادامه همین دستورات به زنان داده شده، در عین این که تأکید شده که زنان زینت هایشان را جز آن چه که آشکار است هویدا نسازند.

بنا به تصریح آیات فوق بر زنان مسلمان واجب است با روسری‌های خود سر و گردن و سینه و دیگر مواضع زینت را از چشم مردان بپوشانند، اکثر مفسران چون علامه طباطبایی در مقام تفسیر این آیات شریفه این وجه را بیان کرده و بر این عقیده‌اند که مراد از زینت، مواضع و جاهای آن است. (علامه طباطبایی، ج ۱۵، ذیل آیه ۳۱ سوره ی نور)

صاحب تفسیر کشف در این رابطه می‌گوید: ذکر زینت و نه واضع آن به منظور تأکید و مبالغه در سترو پوشش است زیرا زینت در مواضع و قسمت هایی از بدن قرار می‌گیرد که برای نامحرمان نگاه به آن جایز نیست، همانند ذراع (فاصله میان آرنج تا مچ دست) ساق، سینه، گردن، بازو و گوش و سر. نهی از آشکار نمودن خود زینت به این معناست که وقتی نظر به زینت، به دلیل قرار داشتن در قسمت هایی از بدن حرام است؛ نظر بر خود آن جاها قطعاً و به طریق اولی حرام می‌باشد. (فضل الله، ص ۳۰۰ - ۳۰۴)

همان گونه که مطرح شد آیات (۳۲ و ۵۳ و ۵۹ و ۶۰) سوره ی احزاب نیز از جمله مستندات قرآنی در خصوص مسأله حجاب بوده که بخشی از آیات مربوط به زنان پیامبر و بخش دیگر در خصوص حفظ حریم عفاف می‌باشد.

به عنوان مثال در آیه ی ۵۹ سوره ی احزاب خداوند به همسران پیامبر و زنان مؤمن توصیه کرده است که جلیب خود را پیش بکشند تا کمتر مورد اذیت قرار گیرند. شأن نزول این آیه ی شریفه در تفسیر علی بن ابراهیم قمی چنین آمده است: «سبب نزول آیه این بود که زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و نماز جماعت را با پیامبر می‌خواندند، هنگامی که آن ها برای نماز مغرب وعشاء و یا صبح از خانه بیرون می‌رفتند، جوان ها بر سر راه آن ها می‌نشستند و به آزار نسبت به آنان مبادرت می نمودند، لذا آیه ی فوق نازل گردید و جهت مقابله با این مزاحمت ما زنان را به رعایت

پوشش فرا خواند؟ (قمی، ص ۳۶۶) هم چنین در «روائع» صابیونی به نقل از «المنثور» سیوطی در این زمینه نقل شده است، «افراد فاسق زنانی را که در شب از خانه خارج می‌شدند اذیت می‌کردند، اگر زنی را پوشیده می‌دیدند، می‌گفتند این زن آزاد است و او را دنبال نمی‌کردند و اگر می‌دیدند پوشیده نیست به تعقیب و آزار او می‌پرداختند» (الصابیونی، ص ۳۷۷)

بیان مذکور خالی از ایراد نیست، زیرا چنین می‌فهماند که مزاحمت نسبت به کنیزان مانعی ندارد و منافقین آن را به عنوان عذری مقبول برای خود ذکر می‌کرده اند، در حالی که چنین نیست. گرچه پوشانیدن موی سر بر کنیزان واجب نبوده است و شاید رمز آن این بوده که وضع کنیز معمولاً جالب و تحریک آمیز نیست و مورد رغبت کسی واقع نمی‌شود، ولی در هر حال این مزاحمت‌ها حتی در مورد کنیزان نیز گناه محسوب می‌شده است و منافقان نمی‌توانسته‌اند کنیز بودن را عذری برای خود قلمداد کنند. (مطهری، ص ۱۶۲)

در واقع آیات بیان شده مهم ترین سند در اثبات وجوب و لزوم حجاب بوده و فقها از مجموع این آیات حکم حجاب را استنباط نموده و طبق آن فتوا داده‌اند.

۳-۲- حجاب در روایات

روایات فراوانی در خصوص حجاب وارد شده است که در بعضی از آن‌ها معنای لغوی حجاب یعنی (پرده و مانع) لحاظ شده. به عنوان مثال در حکمت ۲۸۲ نهج البلاغه حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «بینکم و بین الموعظة حجاب من الغرة» یعنی: میان شما و پندپذیری پرده‌ای از غرور و خودخواهی وجود دارد.

و در بعضی دیگر مدلول روایات، نگاهی دستوری و یا توصیفی در ارتباط با این موضوع داشته اند. حضرت علی در نگاهی توصیفی به حجاب می‌فرمایند: «در آخر الزمان و نزدیک شدن قیامت که بدترین زمان هاست، زنانی آشکار می‌شوند که بی حجاب و خودنما هستند و از دین خارج و در فتنه‌ها داخل می‌باشند، متمایل به شهوت ها، شتابنده به سوی لذت‌ها بوده و گناهان را حلال شمرده‌اند و این‌ها برای همیشه در جهنم ماندگارند». (حر العاملی، ص ۳۵)

با وجود این که این روایت، در مقام توصیف است ولی مفاد آن مشتمل بر توصیه در رعایت پوشش زن در برابر مرد بیگانه است. در برخی روایات نیز نگاه دستوری به مسأله حجاب مشهود است، به عنوان مثال امام صادق (ع) فرموده‌اند «پیامبر (ص) نهی فرمود از این که زن برای مرد اجنبی زینت کند که اگر چنین کرد حق است که خدا او را به آتش بسوزاند» (الصابیونی، ص ۳۸۵)

در بعضی از روایات نیز بدون این که صراحتاً به لفظ حجاب اشاره شود، به پوشش زنان و حدود آن توجه شده، در سنن ابن داود نقل شده که اسماء دختر ابوبکر به خانه پیامبر اکرم آمد در حالی که جامه‌های نازک و بدن

الف - عفت در معنی خویشتن‌داری در اظهار نیاز

للفقراء الذين احصا في سبيل الله لا يستطیعون ضرب فی الارض یحسبهم الجاهل اغنیاء من التّعفف ... « (۲۷۳/بقره) صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا بازمانده و ناتوان شده‌اند و توانایی آن که در زمین بگردند ندارند و از فرط عفاف چنانند که هر کس که از حال آن‌ها آگاه نباشد پندارد غنی و بی‌نیازند ... »

در تفسیر میزان در خصوص این آیه علامه طباطبایی می‌فرماید: کلمه‌ی تعفف به معنای آن است که عفت، صفت آدمی شده باشد و «یحسبهم الجاهل اغنیاء» یعنی کسی که از حال ایشان اطلاع ندارد از شدت عفتی که دارند آنان را توانگر می‌پندارند، چون با این که فقیرند ولی تظاهر به فقر نمی‌کنند و مردم پی به حال آنان نمی‌برند، مگر این که شدت فقر رنگ و رویشان را زرد کند». (طباطبایی، ص ۶۱۳)

در آیه‌ی مذکور عفاف به معنای عدم اظهار فقر به عنوان یک ارزش اخلاقی برای مسلمین مطرح شده است، عفاف به همین معنا در روایات نیز آمده است: «العفاف زینة الفقر و الشکر زینة الغنی» یعنی: «عفاف زینت فقر و شکرگزاری زینت بی‌نیازی است» (ری شهری، ص ۳۸۲)

ب- عفت به معنی قناعت

«وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح ... و من کان غنیاً فلیستعفف و من کان فقیراً فلیأکل بالمعروف ... و کفی بالله حسیباً» (۶/نساء) یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و قدرت بر نکاح پیدا کنند آن گاه اگر آن‌ها را دانا به درک مصالح زندگی خود یافتید اموالشان را به آن‌ها باز دهید و به اسراف و عجله مال آن‌ها را حیف و میل نکنید، بدین اندیشه که مبادا بزرگ شوند و هر کس که دارا است از تصرف در اموال او خودداری کند ... و ثروتمندان به منظور مهرورزی به یتیم و باقی گذراندن مالش به ثروتی که خداوند روزی آنان کرده قناعت کنند».

روایتی نیز از امام محمد باقر (ع) تحت این مضمون وارد شده است، (طبرسی، ص ۵۵۵) هم‌چنین علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «گاهی سرپرست یتیم فقیر است و چاره‌ای ندارد، جز این که برای رفع حوایجش برای یتیم کار کند، و از اجرت کارش حوایج ضروریش را برآورد ولی گاهی سرپرست یتیم ثروتمند است، در این صورت خدای تعالی می‌فرماید: هر کس که ثروتمند است، طریق عفت در پیش گیرد و از مال یتیم چیزی را نگیرد و اگر فقیر است به طور شایسته از آن بخورد» (طباطبایی، ص ۳۷۶) پس عفاف در این آیه به معنای قناعت می‌باشد و در حدیثی از معصوم نقل شده که می‌فرماید: «ثمرۃ العفة القناعة - میوه عفت قناعت است» (ری شهری، ۳۸۲۸)

ج- عفت به معنی پاکدامنی

«و لیستعفف الذین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله ... (نور ۳۲) و آن که

نما پوشیده بود، رسول اکرم روی خویش را از وی برگرداند و فرمود: «ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این دو، و اشاره فرمودند به چهره و قسمت میج به پایین دست خویش» (محمدی ری شهری، ص ۲۷۶۲)

۴- حجاب و عفاف

حجاب و عفاف هر کدام از جمله ارزش‌های اخلاقی به خصوص در جوامع اسلامی است. عفاف را می‌توان نوعی فرهنگ در جهت ایجاد امنیت اخلاقی و جنسی در جامعه دانست که بخش عظیمی از این فرهنگ شامل حجاب خواهد بود. با وجود این که، این دو واژه غالباً در کنار هم به کار رفته اند، اما با کمی تأمل در متون دینی و کتب لغت، به این نتیجه می‌رسیم که حجاب و عفاف، تفاوت‌های اساسی دارند.

همان‌گونه که مطرح شد، حجاب در معنای لغوی به معنی پرده و حایل و یا آن چه که مانع رسیدن می‌شود، ذکر شده است.

با توجه به معانی ذکر شده برای حجاب در لغت، به این نکته پی می‌بریم که حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگر چه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است، ولی نوعی پوشش در ظاهر به ویژه برای زنان است که مانع نگاه نامحرم به آن‌ها می‌شود. ضروری است که برای آشنایی با مفهوم عفاف و تفاوت آن با حجاب اشاره‌ای اجمالی به معانی گوناگون از عفاف و رابطه‌ی آن با حجاب داشته باشیم.

۴-۱- معنای عفاف

در لسان العرب ذیل واژه عفت چنین آمده :

«الكف عما لا یحل و لا یجمل، عف عن المحارم و الاطماع الدنیة» (ابن منظور، ص ۲۵۲) «خودداری از آن چه که زیبا و شایسته نیست، خودداری از حرام‌ها و طمع‌های پست».

هم‌چنین واژه عفت در قاموس المحيط چنین تعریف شده است: «عف، کف عما لا یحل و لا یجمل کاستعف و تعفف»، خودداری از آن چه زیبا و شایسته نیست مانند استعف و تعفف (فیروزآبادی، ص ۱۷۷). با توجه به معنای لغوی عفت، عفت به معنی نگه داشتن نفسی از ارتکاب و کارهای حرام می‌باشد چنان که آیت الله مکارم شیرازی در کتاب اخلاق در قرآن در این خصوص می‌فرماید «عفت دارای مفهوم عام و خاص است، مفهوم عام آن خویشتن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی و نفسانی است و مفهوم خاص آن خویشتن‌داری در برابر تمایلات و بی‌بند و باری جنسی است» (مکارم شیرازی، ص ۲۸۳) بنابراین عفت به معنی حفظ شهوت تحت حاکمیت عقل است، البته با رعایت شرایط اعتدال.

در قرآن کریم واژه عفت در غالب دو کلمه‌ی «یستعفف» و «تعفف» در آیات ۲۷۳ بقره، ۶ نساء، ۳۳ و ۶۰ نور در معانی گوناگون ذکر شده که می‌توان این معانی را به ابعاد عفاف تلقی نمود.

وسیله نکاح نیابد، باید عفت نفس پیشه کند تا خدا آن‌ها را به لطف و فضل خود بی‌نیاز گرداند ...»

با توجه به این‌که در آیهی قبل ترغیب به ازدواج شده است، گاهی با تمام تلاش و کوشش وسیله‌ی ازدواج فراهم نمی‌شود و خواه یا ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند، مبادا کسانی که در این مرحله قرار دارند، گمان کنند که آلودگی جنسی برای آنان مجاز است و ضرورت چنین ایجاب می‌کند، لذا بلافاصله در آیهی بعد دستور پارسایی می‌دهد. (مکارم شیرازی، ص ۴۷۹)

د- عفاف به معنی پوشیدن چادر

«القواعد من لئساء اللاتی لایر جون نکاحا فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرجات بزینة وان یتستغفن خیر لهن والله سمیع علیم» (نور/۶۰)

و زنان سالخورده که باز نشسته‌اند و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست در صورتی که اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه‌های خود را از نزد محرمان برگیرند و باز هم عفت و تقوا گزینی برای آنان بهتر است» این آیهی شریفه پوشش و حجاب زنان سالخورده را استثنا نموده است و می‌فرماید: زنان سالخورده‌ای که از سن ازدواج آن‌ها گذشته باشد و دیگر امیدی به ازدواج ندارند گناهی بر آنان نیست که لباس‌های روئین خود را بر زمین گذارند. در واقع برای این استثناء دو شرط وجود دارد: این‌که در سن و سالی باشند که معمولاً امیدی به ازدواج ندارند و به تعبیر دیگر جاذبه جنسی را از دست داده باشند. دوم این‌که خود را زینت نکرده باشند. روشن است که با قیود مذکور، مفاسد کشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین دلیل اسلام این حکم را از آنان برداشته است. این نکته نیز روشن است که منظور از بر زمین گذاشتن لباس، برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباس‌ها نیست بلکه تنها کنار گذاشتن لباس‌های رو است که در بعضی از روایات از آن به چادر یا روسری تعبیر شده است. به عنوان مثال روایتی در تفسیر آیهی ۶۰ سوره‌ی نور وارد شده است که حضرت صادق (ع) می‌فرماید: «الغمد و الجلباب اذا كانت المرأة مسنة» یعنی وقتی زن سالخورده‌ای باشد جایز است چارقد و روسری را زمین بگذارد (کلینی، ص ۵۲۲)

۴-۲- رابطه‌ی عفاف و حجاب

با توجه به معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می‌توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می‌دارد. عفاف حالتی درونی و نفسانی است که غرایز را تعدیل و تحت کنترل خود در می‌آورد.

نشانه‌های عفاف، نوع پوشش، رفتار و گفتار فرد است. در واقع حفظ چشم، گوش، قلب، و تمامی اعضاء و جوارح از هر گونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است.

عفاف و تسلط بر خود غریزی، آثاری دارد که متناسب با عفت در هر ساحت و عرصه‌ای در رفتار، گفتار و روابط اجتماعی فرد عقیف پدیدار می‌گردد.

حرکات و سکنت انسان گاهی زیان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن، سخن گفتن معنی دار است و به زبان بی‌زبانی می‌گوید دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن. گاهی بر عکس با بی‌زبانی می‌گوید دست تعرض از این حریم کوتاه است.

بنابراین زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود، و در این وقت است که بیماردلان که دنبال شکار می‌گردند از آن‌ها مایوس می‌گردند و فکر بهره‌کشی از آن‌ها در مخیله شان خطور نمی‌کند.

(مطهری، ص ۱۶۳، ۱۶۲)

حضرت امام خمینی (ره) در خصوص تأثیر حجاب و عفاف بر یکدیگر می‌فرماید: «توجه داشته باشید که حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ ارزش‌های شماس، هر چه را که خدا دستور فرموده است، چه برای مرد و چه برای زن، برای این است که آن ارزش‌های واقعی که این‌ها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی با دست‌های فاسد استعمار پایمال شوند، این ارزش‌ها زنده بشوند.» (موسوی الخمینی، ص ۱۲۱)

با توجه به این‌که زن از ظرافت‌ها و زیبایی خاصی برخوردار است، همواره مورد توجه بوده و این توجه نوعی کشش و جذب مرد را به سوی زن در پی دارد. بنابراین حجاب مهم‌ترین عامل در تعدیل این کشش و جذب است.

حضرت علی (ع) پوشش را مهم‌ترین عامل تعدیل حس زیبایی دوستی و خود نمایی دانسته و می‌فرماید: «زکات الجمال، العفاف - زکات زیبایی عفاف است.» (آمدی، ص ۱۰۵)

در عین این‌که حجاب شرط لازم برای رسیدن به عفاف است اما شرط کافی نیست، زیرا همان گونه که مطرح شد عفاف شامل پوشش در رفتار و گفتار فرد نیز هست، بنابراین ضروری است که افراد در عین حفظ پوشش ظاهر، غرایز خود را نیز کنترل کرده و در تعاملات اجتماعی و گفتار و کردار خود عفاف را ملحوظ نمایند.

اما در خصوص این‌که در شریعت مقدس اسلام، کدام یک از این دو ارزش اخلاقی ارجح است، باید گفت اسلام مبتنی بر دو بخش اخلاق و فقه است، اسلام در غالب دستورات و تعالیم اخلاقی بر عفاف و مخصوصاً عفت در پوشش تأکید فراوانی کرده است تا جایی که بی‌عفت را بی‌دین می‌داند، «لا دین لا عفاف له» و در فقه در قالب حکم شرعی، بر حجاب و نحوه ی پوشش خاص زنان اصرار ورزیده است. پس در شریعت اسلام، دو ارزش حجاب و عفاف با حفظ جایگاه، توأمان مورد تأکید و تصریح واقع شده است.

۵- آرا و نظریات فقها پیرامون حجاب

با توجه به متون فقهی، حجاب به عنوان یک تکلیف شرعی و حکم الهی

**در کتب دینی و منابع فقهی،
بیش از ۳۰ دلیل عقلی و نقلی
بر وجوب و ضرورت حجاب
اقامه شده است**



بنابراین از نظر فقها، پوشش وجه و کفین واجب نیست و حتی نگاه کردن به وجه و کفین زن به شرط این که بدون تلذذ و ریبه باشد جایز است، و برای این نظر به ادله‌ی زیر استدلال نموده‌اند.

به عنوان مثال، آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور، که پوشاندن وجه و کفین را لازم نشمرده است. در این آیه به دو جمله می‌توان استناد جست. یکی جمله «و لا یبدین زینتین الا ما ظهر منها» و دیگری جمله‌ی «و لیضربن بخمر هن علی جویبهن» ظهور آیه را در این که قسمتی از زینت بدن را استثنا می‌کند «نمی‌توان منکر شد و این که آیه دلالت دارد که پوشانیدن گریبان لازم است، و چون در مقام بیان حد است اگر پوشانیدن چهره هم لازم بود بیان می‌کرد. (مطهری، ص ۱۷۳)

از جمله‌ی ادله‌ی دیگر در خصوص عدم پوشش وجه و کفین، روایاتی است که مستقیماً حکم وجه کفین را چه از نظر پوشیدن وجه از جنبه نگاه کردن بیان می‌کند.

فضیل بن یسار می‌گوید: از امام صادق پرسیدم که آیا ذراع‌های زن از قسمت‌هایی است که باید از غیر محارم بپوشاند فرمود: بلی و آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد باید پوشیده شود، و همچنین از محل دستبند به بالا. (کلینی، ص ۱۲۵)

هم چنین روایت دیگری از جابر بن عبدالله انصاری در کافی تحت این مضمون وارد شده است؛ جابر می‌گوید:

«در خدمت رسول خدا در خانه‌ی فاطمه آمدم. رسول خدا سلام کرد و اجازه‌ی ورود خواست. فاطمه (ص) اجازه داد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: با کسی که همراه من است وارد شوم؟ زهرا(س) فرمود: پدر جان، چیزی بر سر ندارم. پیامبر فرمود: با قسمت‌های اضافی روپوش خودت آن را بپوشان.» دلالت این احادیث بر این که پوشانیدن چهره واجب نیست و نیز این که نظر کردن به چهره جایز است، بسیار روشن می‌باشد. سیره‌ای که در جمیع ازمنه و امکان وجود دارد این است که از وجه و کفین به عنوان عورت یاد نمی‌شده که پوشش آن ضروری باشد. به همین دلیل در نماز آن‌ها را نمی‌پوشانند. از سوی دیگر پوشاندن وجه و کفین موجب عسر

از جایگاه ویژه‌ای در شریعت اسلام برخوردار است. به گونه‌ای که اصل این حکم از ضروریات دین و مذهب به شمار می‌رود و فقها بر ضرورت آن اجماع نموده‌اند. (حکیم، ص ۲۳۹)

هم‌چنین در کتب و منابع فقهی بیش از سی دلیل عقلی و نقلی بر وجوب و ضرورت حجاب اقامه شده است، که خود نشان دهنده اهمیت ویژه این مسأله می‌باشد. (موسوی خوانساری، ص ۲۳۵)

البته در متون فقهی باب مستقلی به موضوع حجاب اختصاص پیدا نکرده و احکام آن در ذیل احکام دیگر چون نکاح و صلاه مطرح شده است. به عنوان مثال شهیدثانی در روضه البهیة، باب نکاح، در خصوص جواز نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با وی را دارد، حدود حجاب را چنین تعریف می‌کند «و یجوز النظر الی وجه امراه یرید نکاحها و یختص الجواز بالوجه و الکفین، جواز نگاه کردن مرد نسبت به اعضای زنی که می‌خواهد با او از دواج کند مختص صورت و دو کف دست زن می‌باشد. «(شهید ثانی، ص ۱۰۸)

هم‌چنین در برخی از متون فقهی در فصلی تحت عنوان فی الستر و الساتر حدود پوشش زن در نماز چنین تعیین شده است؛ «یجب الستر للمرأة تمام بدنھا عن عدا الزوج و المحارم الا الوجه و الکفین مع التلذذ و الریبه» (طباطبایی یزدی، ص ۳۹۲) امام خمینی در تحریر الوسیله ذیل احکام پوشش نمازگزار، در خصوص حدود پوشش زن در نماز می‌فرماید: «عورت در زن که واجب است در نماز پوشیده شود همه بدن، حتی سر و موی اوست به استثنای مقداری از صورت که در وضو باید شسته شود و دست‌ها تا مچ و پاها تا ساق، و بر زن واجب است مقداری از اطراف موارد استثناء شده را نیز بپوشاند تا یقین کند که تکلیف خدای تعالی را انجام داده» (موسوی خمینی، ص ۲۱۹، ذیل مسأله ۳)

در این که پوشانیدن غیر وجه بر زن واجب است از لحاظ فقه اسلام هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. این قسمت جز ضروریات و مسلمات است. نه از نظر قرآن و حدیث و نه از نظر فتاوی در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد. (مطهری، ص ۱۶۵)

و حرج است، زیرا زنان به خرید و فروش مبادرت می‌نمایند

۶- فلسفه حجاب

پوشش زن در اسلام به این معناست که زن در معاشرت با مردان بدن خود را بیوشاند و از جلوه‌گری و خودنمایی خودداری کند. بنابراین، لزوم حجاب از سوی اسلام در حقیقت برای حفظ کرامت زن است تا مورد بهره‌برداری هوسبازان قرار نگیرد.

حجاب در اسلام از یک مسأله کلی و اساسی ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، و اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد. به طور کلی فلسفه‌ی حجاب از چهار جهت قابل بررسی است:

۱- آرامش روانی

آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد. از سوی دیگر غریزه‌ی جنسی، غریزه‌ای نیرومند است که هر چه بیش‌تر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد، به هر حال اسلام به قدرت شگرف این غریزه‌ی آتشین توجه کامل کرده است، اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه‌ی مشترک برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است، «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهن... قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن» خلاصه‌ی این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند، یک وظیفه هم خاص زنان مقرر شده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده نگه دارد و موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم نسازد.

اما علت این که در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد بیگانه را دلباخته و در دام علاقه‌ی به خود اسیر

سازد. لهذا انحراف تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.

۲- استحکام پیوند خانواده

اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهر را محکم می‌سازد و به هر یک از طرفین این اعتماد را می‌دهد که او تنها کسی است که مورد عنایت و علاقه‌ی شریک زندگی خود قرار دارد در حالی که در جوامع غربی و سیستم‌های آزاد، رقیب و مزاحم، امنیت خاطر زوجین را از بین می‌برد.

۳- استواری اجتماع

ارتباط حساب نشده و بی‌بند و باری‌ها، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. اسلام با فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی زن و تحصیل او مخالف نیست. ولی با آلوده کردن محیط کار و فساد مخالف است. لذا در اجتماعی که حریم زن و مرد رعایت نشود، رکود فعالیت‌های اجتماعی و انحطاط اخلاقی خواهد بود.

۴- ارزش و احترام زن

زن از نظر عاطفی و تأثیر پذیری، همیشه بر مرد تفوق دارد. لذا با رعایت حریم بین خود و مرد باعث حفظ ارزش و موقعیت خویش می‌شود. اسلام تأکید دارد که هر اندازه زن متین‌تر و با وقارتر باشد، احترامش افزوده می‌شود (مطهری، ص ۷۹-۸۰-۸۱)

۷- ارزش حجاب

عفاف و پوشش تدبیری است که خود زن با یک الهام برای گرانها کردن خود و حفظ موقعیت خود، در برابر مرد به کار برده است. حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسایل رموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است.

اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و با وقارتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش مرد نگذارد به احترامش افزوده می‌شود.



غریزه جنسی، غریزه‌ای
نیرومند است که هر چه
بیشتر به شکل نامشروع و
افسارگسیخته اطاعت شود،
سرکش‌تر می‌گردد

منابع

- ۱- آمدی، محمد، غرالحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی درایتی، بی تا، قم، مکتب الاعلام
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۴۰۵ ه.ق، نشر الادب الجوزه
- ۳- الحر العاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه الى التفضيل الشريعه، ۱۴۱۴ ه.ق، قم، موسسه آل البيت
- ۴- حکيم، سيد محسن، مستمسک العروه الوثقی، ۱۹۶۹، بيروت، دار الاحيا التراث العربی
- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۵، بی تا، تهران، امیر کبیر
- ۶- الشيخ زين الدين عاملي (شهيد ثاني)، الروضه البهيه فی شرح المعه الدمشقيه، ۱۳۸۴، قم، حقوق اسلامی
- ۷- الصابوني، محمد علی، روائع البيان تفسیر آیات الاحکام فی القرآن، ۱۴۲۱ ه.ق، لبنان، دار الاحياء التراث العربی
- ۸- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، بی تا، قم، انتشارات جامعه مدرسين
- ۹- طباطبائی یزدی، سيد محمد کاظم، العروه الوثقی ۱۴۲۲ ه.ق، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار
- ۱۰- طبرسی، تفسیر مجمع البيان، ۱۴۱۵ ه.ق، لبنان، موسسه الاعلمی للمطبوعات
- ۱۱- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ۱۳۷۵ ه.ق، تهران، مکتبه المرمضويه
- ۱۲- فرانس فانون، انقلاب الجزایر، مترجم نور علی تابنده، ۱۳۸۴، بی جا، نشر حقیقت
- ۱۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العين، ۱۴۰۷، قم، دارالهجره
- ۱۴- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، الطبعة الاولى، بی تا، بيروت، دار الجیل
- ۱۵- قلعجي، محمد، معجم الغه الفقها، ۱۴۰۹، بيروت، دار النفائس للطباعة والنشر
- ۱۶- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح موسوی الجزایری، ۱۳۸۷ ه.ق، نجف، منشورات مکتبه الهدی
- ۱۷- الکلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۱۸- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ۱۴۱۶ ه.ق، قم، مکتب الاعلام الاسلامی
- ۱۹- مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ۱۴۲۹ ه.ق، تهران، نشر صدا
- ۲۰- مکارمشیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۱، قم، بی تا
- ۲۱- مکتبی، سيد محمد/ هدایتی، سعید، زن از دیدگاه امام خمینی، بی تا، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، نشر دفتر عقل
- ۲۲- موسوی الخمينی، روح الله، صحیفه نور، ۱۳۸۰، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام
- ۲۳- موسوی الخمينی، روح الله، تحرير الوسیله، مترجم سيد محمد باقر موسوی، ۱۳۸۴، قم، دارالعلم
- ۲۴- موسوی خوانساری، اسدالله، حکمه الحجاب و ادله النقاب، ۱۳۴۹ ه.ق، تهران، چاپخانه علمی

امام خمینی (ره) درباره ارزش حجاب زن می‌فرمایند: «حجاب اسلامی یعنی حجاب وقار، حجاب شخصیت، ساخته من فقیه نیست، این نص صریح قرآن است. آن قدری که قرآن مجید بیان کرده نه ما می‌توانیم از آن حدود خارج شویم و نه زنانی که معتقد به این کتاب بزرگ آسمانی هستند». (مکتبی هدایتی، ص ۱۴۷)

پس حجاب پاسخی است به ندای فطرت، نشان تمدن و فرهنگ اسلامی است، فزونی بخش حرمت زنان و مایه سلامت و آرامش روان جامعه است. حجاب نه تنها باعث سلامت و امنیت در جامعه است بلکه جریانات تاریخی در کشورهای مسلمان، ثابت کرده که حجاب نقش اساسی در مقابله با اهداف استعماری سلطه جویان غربی در آن کشورها داشته است، در واقع استعمارگران حجاب را به عنوان عامل مزاحم در دستیابی به اهداف خویش دانسته‌اند و با سیاست‌هایی چون کشف حجاب یا القاء فرهنگ برهنگی به عنوان نوعی تمدن در صدد از بین بردن امنیت اخلاقی و غیرت در کشورهای اسلامی بوده‌اند.

فرانس فانون در کتاب انقلاب الجزیره می‌نویسد: «هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که بر استعمارگران ممنوع بود در برابرشان می‌گشاید و بدن زن الجزایری را که عریان شده است به او نشان می‌دهد. پس از دیدن هر چهره‌ی بی حجاب امیدهای حمله ور شدن اشغالگران ده برابر می‌گردد. هر بار که یک زن کشف حجاب می‌کند، در واقع وجود جامعه الجزایری را بر سیستم دفاعی سست بنیاد، باز و متلاشی شده به اشغال گران اعلام می‌دارد.» (فرانس فانون، ص ۲۱۰)

نتیجه

حجاب از ضروریات مذهب بلکه ضروری دین اسلام است و هدف شارع از تشریع حجاب حفظ شخصیت حقیقی زن و توسعه امنیت جنسی در جامعه است. در بررسی مبانی حجاب روشن شد که مسأله حجاب نیز همچون سایر مباحث فقهی و دینی مستند به آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از اهل بیت (علیهم السلام) بوده که با امان نظر در این آیات و روایات فقها ضرورت و وجوب حجاب را استنباط نموده‌اند. البته با دقت و توجه در آیات و روایات ناظر به حجاب به این نکته پی می‌بریم که مقصود از حجاب، حجاب همراه با عفاف است. با وجود اینکه این دو واژه غالباً همراه با هم به کار رفته‌اند اما در تحلیل رابطه میان حجاب و عفاف مشخص می‌شود که عفاف نوعی حجاب درونی است که غرایز را کنترل و تعدیل نموده و انسان را از گناه باز می‌دارد. در واقع حجاب و عفاف متمم و مکمل یکدیگرند، بنابراین زن مسلمان باید آن چنان رفتار کند که علائم وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد. در واقع عفاف فرهنگ ایجاد امنیت اخلاقی در جامعه است که بخش عظیمی از این فرهنگ را حجاب تشکیل داده است.

□ نوشته: علی اکبر شایسته‌نژاد (عضو هیأت علمی دانشگاه شهید رجایی)

ویژه‌نامه سومین جشنواره دختران آفتاب
مقالات

حجاب و عفاف از منظر اعتقادی - تربیتی

چکیده

عفاف و پاکدامنی از اموری است که با فطرت انسان سازگار است و عقل سلیم آن را تجویز می‌کند. از آنجا که اسلام به حضور زنان در جامعه ارج می‌نهد، برخورداری از عفت و حجاب را برای آنان لازم می‌داند تا امنیت فردی آنان محفوظ بماند، شخصیت اجتماعی آنان به دیده احترام نگریسته شود و ارزش‌های جامعه انسانی خدشه دار نشود.

حضور زنان با عفت در جامعه آثار و برکات فراوانی دارد که از آن جمله می‌توان به عبودیت خداوند، آرامش روانی، فعالیت اجتماعی، ارزش آفرینی اشاره کرد.

همچنین عدم رعایت عفت زنان موجب ایجاد مشکلات متعددی برای جامعه خواهد بود که مهم‌ترین آن سلب آرامش عمومی، تحریک قوه شهوانی و ایجاد مزاحمت برای کار و تلاش جوانان است.

این نوشتار به شرح و توضیح برخی از این امور پرداخته است. امید است مورد عنایت و توجه علاقمندان قرار گیرد.

واژگان کلیدی

عفاف، حجاب، آرامش روانی، ارزش آفرینی، امنیت



مقدمه

فطرت انسان، به حفظ پاکی و پاکدامنی متمایل است. خداوند متعال، پاک بودن و پاک زیستن را در سرشت و نهاد بشر به ودیعت گذاشته است. از این رو آنگاه که آدم و حوا، به دلیل نزدیک شدن به شجره ممنوعه، خود را برهنه یافتند، احساس شرم کرده و سعی کردند خود را از آن وضع برهانند. قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفَقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» (سوره اعراف: آیه ۲۲): و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [عورتشان] بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. این عمل آن دو، نشان دهنده ناسازگاری طبع و فطرت انسان با عریانی و برهنه بودن است.

در تبیین قرآن از جایگاه انسان در نظام هستی، مرد و زن هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. خداوند عزیز می‌فرماید: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ... ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سوره سجده: آیه ۷): او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد... سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید.

قرآن از زبان پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي» (سوره یوسف: آیه ۱۰۸): بگو: این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! از این آیه استفاده می‌شود که در مراحل شکل‌گیری، موزون سازی اندام انسان، در دمیدن روح الهی به کالبد او و هدایت آنان، تفاوتی بین زن و مرد، وجود ندارد.

از آنجا که یکی از جلوه‌های عظمت انسان، برتری او نسبت به سایر موجودات عالم و از جمله حیوانات است. پس هر صفتی که انسان را به حیوان نزدیک کند، نشانه سقوط و انحطاط اوست. برهنگی و بی‌حجابی، انسان را به حیوان نزدیک و ارزش‌های متعالی او را تباه می‌کند.

این مقاله به بررسی ارزش و آثار تربیتی و اخلاقی حجاب و عفاف از منظر قرآن و پیشوایان دین می‌پردازد.

مفهوم عفاف

"عفاف"، از ریشه "عفت" و به معنای اکتفا به حداقل لذت مادی و جسمانی است.

راغب اصفهانی نوشته است: عفت پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از افزون‌طلبی قوه شهوانیه جلوگیری می‌شود. (مفردات، ص ۳۵۰)

طریحی می‌نویسد: از چیزی عفاف ورزید، یعنی از آن امتناع کرد. (مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۰۱)

ابن منظور می‌نویسد: عفت یعنی خویشتن‌داری از آن‌چه که حلال و زیبا

نیست. (لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۳)

دهخدا نوشته است: "عفاف به معنای پارسایی و پرهیزگاری، نهفتگی، پاکدامنی و خویشتن‌داری است". (لغتنامه، مدخل عفاف؛ نیز فرهنگ معین ج ۲، ص ۲۰۷)

نراقی می‌نویسد: عفت آن است که قوه شهوانیه، مطیع و منقاد قوه عاقله شود که در اقدام به خوردن و نکاح، حدود اوامر الهی را از نظر کمی و کیفی، نگهدارد. (معراج السعاده، ص ۲۴۳)

بر این اساس عفت، اعتدال عقلی و شرعی و توجه به حریم دین و اخلاق در همه نیازهای انسان است.

عفاف در قرآن

خداوند متعال عفت را از صفات مؤمنین شمرده و فرموده است: «وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَوْنَهُمْ حَافِظُونَ» (سوره مؤمنون: آیه ۵): و آنها که دامن خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند.

واژه‌های از ریشه "عفاف"، چهار بار در قرآن استفاده شده است که عبارتند از:

۱- «يُحَسِّبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» (سوره بقره: آیه ۲۷۳): و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند.

انسان‌های نیازمند، به دلیل بزرگ منشی، برخورداری از مناعت طبع و عزت نفس، دست‌نیاز به سوی دیگران دراز نمی‌کنند، به گونه‌ای که مردم آنان را غنی می‌پندارند.

۲- «... مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ...» (سوره نساء: آیه ۶): هر کس که بی‌نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند.

در این آیه سخن از کسانی است که امانتدار اموال یتیم هستند، تا آنان به سن بلوغ برسند و خویشتن قدرت مراقبت از اموال خود را بیابند. خداوند می‌فرماید نگهدارندگان این اموال اگر ثروتمند هستند و نیاز مالی ندارد، از دست‌یازی به اموال آنان خودداری کنند و چیزی به عنوان حق الزحمه از مال آنان به خود اختصاص ندهند.

۳- «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (سوره نور: آیه ۳۲): و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند!

در این آیه خداوند به کسانی که شرایط مناسب مالی، روحی و ... را برای ازدواج ندارند، فرمان می‌دهد در برابر طغیان قوه جنسی، خویشتن‌داری کنند تا به فضل الهی زمان مناسب برای ازدواج آنان فرا رسد.

۴- «... وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره نور: آیه ۶۰): و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست.

در این آیه خداوند به زنانی که به دلایل کهولت سن ملزم به حفظ پوشش نیستند، توصیه می‌کند که برای حفظ عفت عمومی خود را بپوشانند. زیرا این کار امری پسندیده و نیکو بشمار می‌رود.

نتیجه بررسی نشان می‌دهد که از نظر قرآن کریم، عفاف دارای دایره گسترده‌ای است و مناعت طبع، پرهیز از تجاوز به حریم مالی یتیمان، پاکدامنی و بردباری در برابر طغیان شهوت و پوشش اختیاری برای سلامت جامعه را در بر می‌گیرد.

عفاف در روایات

در اکثر روایات، عفت در مورد مراقبت از شکم و شهوت و بازداشتن این دو از فزون‌خواهی و غلطیدن در حرام، به کار رفته است. (نک: بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۶۸)

امام علی (ع) فرمود: «حَلُّوا أَنْفُسَكُمْ بِالْعَفَافِ وَ تَجَنَّبُوا التَّبَذِيرَ وَ الْإِسْرَافَ» (مستدرک، ج ۱۵، ص ۲۶۶): نفس خود را به زیور عفاف ببرایید و از اسراف و تبذیر بپرهیزید.

و نیز (ع) فرمود: «الْعِفَّةُ تُضَعِّفُ الشَّهْوَةَ» (مستدرک، ج ۱۱، ص ۲۷۵): خوشتن‌داری شهوت را ناتوان می‌سازد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعِفَّةُ أَفْضَلُ الْفُتُوَّةِ» (غررالحکم، ص ۲۵۵): عفت و پاکدامنی اصل جوانمردی است.

و نیز می‌فرماید: «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ. وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدَرِ غَيْرَتِهِ» (نهج‌البلاغه، ص ۴۷۷، حکمت ۴۷): ارزش مرد به اندازه همت او، ... و عفت او به اندازه غیرت وی خواهد بود.

انسان به اقتضای فطرتش عفت مدار و طالب زیبایی و با زشتی و پلیدی نامأنوس است. لذا با قوه عقل به تمییز زشتی از زیبایی و نیکی از بدی می‌پردازد.

امام علی (ع) فرمود: «أَصْلُ الْعَقْلِ الْعَفَافُ وَ ثَمَرَتُهُ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْأَثَامِ» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۷): اساس عقل عفاف است و ثمره آن دوری از زشتی است.

در کتب اخلاقی از افراط و زیاده روی در شهوت، به عنوان "شره" و از تفریط آن، به عنوان "خمود" و از اعتدال و میانه روی در ارضای آن به عنوان "عفت" یاد شده است. (نک: شبر، اخلاق، ص ۳۳، همچنین معراج السعاده) ملکی تبریزی (ره) می‌نویسد: اگر خواستیم که عقل و شرع حاکم بر شهوت شوند، می‌بایست که شهوت را تضعیف و عفت را تقویت کنیم. (اسرارالصلوة، ص ۲۲۷)

از این رو معرفت نسبت به مرزهای عفاف و شهوت، برای انسان ضروری است، زیرا انحراف در آن موجب ورود به وادی تهتک و بی‌پروایی است.

مطهری می‌نویسد: عفاف، یعنی آن حالت نفسانی، یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، عفاف و پاکدامنی، یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن. یعنی جزو آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می‌گیرند، بی‌اختیار می‌شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن. این، معنای عفاف است. (مجموعه آثار، ج ۲، ص ۶۱۵)

شهوت

چنانکه گفته شد: واژه مقابل عفت، شهوت است. پس برای شناخت حریم عفت ناچار باید مفهوم شهوت را نیز بشناسیم.

راغب می‌نویسد: اصل شهوت، کشش و اشتیاق نفس است به آنچه در دنیا اراده کند. و بر دو گونه است: حقیقی و غیر حقیقی. اشتیاق حقیقی حد ضرورت است که اگر تأمین نشود، بدن انسان آسیب می‌بیند. و اشتیاق غیر حقیقی (کاذب) حد کمتر یا بیشتر از میزان ضرورت است که موجب آسیب به انسان می‌شود. (مفردات، ص ۲۷۶)

طریحی می‌نویسد: شهوات جمع شهوت، به معنای اشتیاق نفس به چیزی است. (مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۵۲)

دهخدا می‌نویسد: شهوت عبارت است از: آرزو، میل، رغبت، اشتیاق، خواهش، شوق نفس، حصول لذت و منفعت» (لغت نامه، مدخل شهوت) قرآن کریم شهوت را به معنی عام به کار برده و فرموده است: «زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثُ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (سوره آل عمران: آیه ۱۴): محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است.

رابطه عفت با شهوت

عفت همان غلبه نیروی عقل بر شهوت است که موجب کرامت نفس انسان و تعالی اوست. اگر قوای عقلانی بر امیال نفسانی غلبه کند، گوهر وجود آدمی و هویت انسانی اش آشکار می‌گردد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَقَلَ عَفٌّ» (غررالحکم، ص ۵۲) هر کس که عقل دارد، عفاف می‌ورزد.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «إِنَّ الْعَقْلَ عَقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَ النَّفْسُ مِثْلُ أَخْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنْ لَمْ تُعَقَّلْ خَارَتْ» (مستدرک، ج ۱، ص ۸۳): عقل مهار کننده نفس انسان از نادانی و هلاکت است، زیرا نفس همانند حیوان سرکشی است که اگر مهار نشود، انسان را به ورطه نابودی می‌کشد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِالتَّحَلِّيِ بِالْعِفَّةِ وَ الْقَنَاعَةِ» (غررالحکم، ص ۲۷۵): میزان اندیشمندی انسان به میزان آراستگی او به عفت و قناعت سنجیده می‌شود.

و نیز فرمود: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْغَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج‌البلاغه، ص ۵۵۹): اجر انسانی که در راه خدا جهاد می‌کند و به شهادت می‌رسد، برتر از اجر کسی که سنجیده عمل می‌کند و عفت می‌ورزد، نیست. انسان عقیف به مرحله ورود به جمع ملائکه نزدیک است.

انسان عصر حاضر، گرچه از نظر علم و تجربه، پیشرفت‌های قابل توجهی

و غیر مادی است، بنابراین از پشت پرده معنویت با انسان مادی سخن می‌گوید و ذات او از رؤیت انسان پوشیده و پنهان است. و نیز می‌فرماید: «حَتَّى تَوَازَتْ بِالْحِجَابِ» (سوره ص: آیه ۳۲): «او هم چنان به آنها نگاه می‌کرد» تا از دیدگانش پنهان شدند». سخن از اسب‌هایی است که حضرت سلیمان از آنان برای جهاد در راه خداوند استفاده می‌کرد و به همین علت به آنها علاقه داشت و به آنها نگاه می‌کرد تا از نظر او پنهان شدند.

کلمه حاجب و نگهبان نیز به معنای پوشاندن است. به ابرو حاجب می‌گویند زیرا همانند نگهبان از چشم انسان مراقبت می‌کنند. حاجب خورشید، یعنی انسان برای مراقبت چشم خود از شدت تابش خورشید، مانعی قرار می‌دهد تا بتواند ببیند.

همچنین در قرآن کریم آمده است: «كَأَنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ لَمَحْجُوبُونَ» (سوره مطففین: آیه ۱۵): چنین نیست که می‌پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند!».

از بررسی آیات قرآن می‌توان دریافت که حجاب به معنای پوشش و پرده، پنهان بودن به کار رفته است.

دو نوع حجاب

اساساً در فرهنگ دین، دو نوع حجاب وجود دارد:

۱. حجاب از بدی‌ها و امور ناشایست. در این حالت وظیفه انسان باز داشتن خویش از بی‌حجابی است.
۲. حجاب از حقیقت و اسرار و رازهای نهفته در باطن عالم، که بر اثر گناه و آلودگی برای انسان ایجاد می‌شود و وظیفه انسان آن است که با ریاضت و سلوک این حجاب را از برابر دیده قلب خویش بردارد، تا به ژرفای ایمان دست یابد.

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم

خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است

روم به روضه رضوان که مرغ آن چمنم

امام خمینی(ره) می‌نویسد: حقیقت عرفان و شهود و نتیجه ریاضت و سلوک، رفع حجاب از وجه حقیقت و رؤیت ذلّ عبودیت و اصل فقر و تدلیّ است در خود و در همه موجودات. (آداب الصلوة، ص ۱۱)

و نیز می‌فرماید: این موجودات مادی را که ما خیال می‌کنیم قدرت، علم و هیچ یک از کمالات را ندارند، این طور نیست. ما در حجاب هستیم که نمی‌توانیم ادراک کنیم. (تفسیر سوره حمد، ص ۹۸)

سخن ما درباره حجاب نوع اول یعنی حفظ عفاف و پاکدامنی است.

حدود حجاب و عفاف در قرآن کریم

قرآن کریم برای حجاب انسان(اعم از مرد و زن) معیارهایی چون نوع نگاه،

کرده است، اما از نظر اخلاقی گرفتار نوعی بحران و ناامنی است. در مرداب کشنده بی‌عفتی، حیران و سرگردان است و دستیابی او به تکنو لوژی و صنعت نتوانسته است از گسترش پدیده شوم ابتذال و بی‌بند و باری جلوگیری کند.

شکوه و عظمت انسان در تلاش درونی او برای حاکمیت خوبی‌ها و تقویت عفت و پاکی و حرکت به عالم قدس و ملکوت تجلی می‌کند. از نظر مولانا انسان آخر بین، سعادت‌مند و زبند نام خلیفه الهی است و انسان آخر بین، در منجلاب گناه و شهوت سقوط می‌کند.

رابطه عفت با حیا

یکی از عواملی که با عفت و پاکدامنی رابطه دو جانبه و متقابل دارد و مانع رشد شهوت می‌شود، حیا است.

حیا هم از زمینه‌های عفاف و هم یکی از ثمرات آن است و از مهم‌ترین موانع انحراف جنسی محسوب می‌شود.

هر چه احساس شرم و آزر در انسان بیشتر باشد، عفت او نیز بیشتر خواهد بود.

امام علی(ع) فرمود: «أَعْفَكُمُ أَحْيَاكُمُ» (غررالحکم، ص ۲۵۶): عقیف‌ترین شما، با حیاترین شماست.

نقش حیا به قدر است که ممکن است برخی افراد جامعه پای‌بند به اخلاق و ایمان نباشند، ولی به سبب حیا از دیگران، به پاره‌ای از گناهان دست نزنند. آنان از ترس سرزنش افکار عمومی و ملامت مردم، و رسوایی نزد دیگران از ارتکاب گناه سر باز می‌زنند.

فلسفی از قول دکتر فلاسن، استاد دانشگاه روچستر، می‌نویسد: خجالت کشیدن و حیا علامت سلامت است و در میان تمام افراد بشر رایج است. (کودک، ج ۲، ص ۳۷۱)

مفهوم حجاب

راغب می‌نویسد: حجب و الحجاب یعنی باز داشتن و ممانعت از دسترسی به چیزی و نیز به معنای جوف و باطن و آنچه که در دل پوشیده و پنهان است، می‌باشد. (مفردات، ص ۲۱۹)

خدای تعالی گوید: «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ» (سوره اعراف: آیه ۴۶): و در میان آن دو [بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است.

در این آیه منظور از این حجاب، چیزی است که مانع رسیدن لذت‌های بهشتی، به دوزخیان و نیز مانع رسیدن رنج و آزار دوزخیان به بهشتیان می‌شود.

و نیز می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (سوره شوری: آیه ۵۱): و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن

گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب.

یعنی هیچ انسان نمی‌تواند بی‌پرده با خداوند روبرو شود، زیرا خداوند لطیف

نوع سخن گفتن و نوع پوشش را ارایه کرده است و بر میزان پوشش زنان، به دلیل جایگاه ویژه آنان در نظام تربیتی خانواده و جامعه تأکید ورزیده است. پس پوشش قسمتی از حجاب است و تسمیه آن به حجاب از نوع تسمیه جز به کل است.

آیات قرآن در این زمینه عبارتند از:

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» (سوره نور، آیات ۳۰-۳۱): به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند... و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار ن سازند.

در این آیه به مردان و زنان توصیه شده است که نگاه خود را فرو افکنند و به نامحرم چشم ندوزند. و عفت خویش را حفظ کنند. اما برای زنان به پوشاندن مو و سر و گردن نیز تأکید کرده است.

همچنین قرآن کریم به همسران، دختران پیامبر (ص) و زنان مؤمن توصیه می‌کند که از پوشش خویش به خوبی مراقبت کنند، تا از آزار نگاه‌های هوس‌آلود، ایمن بمانند. (سوره احزاب، آیه ۵۹)

۲. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (سوره احزاب: آیه ۳۲): پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند.

خداوند به همسران رسول خدا (ص) دستور می‌دهد که به گونه‌ای سخن نگویند که تحریک کننده باشد. زیرا ممکن است شهوت عده‌ای از افراد بیمار دل را برانگیزد. بنابراین رعایت نوع سخن گفتن نیز از مصادیق حجاب است.

بنابراین لازمه عفت و پاکدامنی، برخورداری از پوشش و گویش مناسب و کنترل نگاه است.

در برخی آموزه‌های دین، نوع راه رفتن نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اگر حرکت بدن افراد مخصوصاً زنان موزون باشد، شهوت افراد سست عنصر و بی‌اراده را بر می‌انگیزد. پس باید شیوه راه رفتن آنان متعارف و بدون هیچ‌گونه نشانه هوس برانگیز و تحریک آمیز باشد.

آثار تربیتی عفاف و حجاب

۱. عبودیت خداوند

یکی از مهم‌ترین هدف‌های خلقت انسان، عبودیت و بندگی خداوند و اطاعت از دستورات اوست.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره

ذاریات: آیه ۵۶): من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)!

لازمه عبودیت حضرت حق، معرفت و شناخت و اطاعت از تعالیم اوست. انسان در جهان ماده محصور است و آگاهی او از ظواهر امور تجاوز نمی‌کند و باطن و حقیقت اشیاء را در نمی‌یابد.

خداوند عزیز فرمود: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (سوره روم: آیه ۷): آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند!

انسان تا در این دنیای مادی زندگی می‌کند چشمان او نسبت به عمق حقایق امور بسته است و فقط در جهان آخرت است که چشم انسان تیز بین می‌شود و حقیقت اشیاء را درک می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (سوره ق: آیه ۲۲): (به او خطاب می‌شود): تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است!

از این رو معصومین (ع) در دعای خود از خداوند درخواست می‌کنند تا حقیقت اشیاء را آن‌گونه که هست، دریابند.

سعادت انسان در پرتو جلب رضایت محبوب و آفریدگار عالم تحقق می‌یابد و اگر انسان لذت اطاعت را بچشد، شیرینی ماندگار رحمت و لطف او را بر ذائقه جانش احساس می‌کند. همانطور که در اثر عدم اطاعت از خداوند زنگاری بر جان انسان می‌نشیند و او را از لذت انس با محبوب، محروم می‌کند.

خداوند فرمود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (سوره طه: آیه ۱۲۴): و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم.

ما بنده خدا هستیم و لازمه عبودیت، اطاعت است، پس اگر به فرمان الهی تن دهیم و از دستورات او اطاعت کنیم، رسم بندگی را به جا آورده و موجبات رضایت محبوب خود را فراهم کرده‌ایم.

بدون عفت و پاکدامنی هرگز نمی‌توان از لذت عبودیت بهره برد. کسی که ایمان دارد که خداوند، ناظر اعمال اوست، هرگز تن به ناپاکی و بی‌عفتی نمی‌دهد.

۲. آرامش روانی

یکی از فواید مهم حجاب، برخورداری از آرامش روانی است. انسانی که پا به عرصه اجتماع می‌گذارد و ناچار است در کنار جنس مخالف به فعالیت بپردازد، اگر حریم حجاب را رعایت کند، هم خودش از آرامش روحی و سلامت روانی برخوردار خواهد بود و هم آرامش روانی دیگران را نخواهد ریخت.



عریانی را برای اعضای خانواده خود نمی‌پسندند. نگاه هرزه و هوس‌آلود، به شکار زیبایی ظاهری در چهره افراد بی‌حجاب می‌رود ولی چون همیشه افراد زیباتری وجود دارند، با مقایسه آنان در پی به دست آوردن زیباترین است، لذا پیوسته در ناآرامی و عدم تعادل درونی به سر می‌برد و هیچگاه از تعادل و ثبات برخوردار نیست. چنین کسی همیشه با بحران روحی و فشارهای روانی خود در تنگنا قرار دارد و

پای‌بندی به حجاب که یکی از ارزش‌های مهم انسانی است، شخصیت زن را نزد افراد فهیم بالا می‌برد و مردان ارزشمند به زنان محجوب با دیده تکریم و عظمت می‌نگرند. فقط افراد هرزه و بی‌بند بار که همه ارزش‌ها را به امور ظاهری می‌بینند، چشم خود را به اندام زنان بی‌حجاب می‌دوزند و دیدگان هوس‌آلود خود به مرداب هرز بی‌عفتی می‌سپارند. حتی خود این افراد اگر از غیرت انسانی و معرفت خانوادگی برخوردار باشند، بی‌حجابی و

با شکستن شخصیت انسانی خود به هوسرانی و لذت‌های لحظه‌ای و آنی دل می‌بندد و خود و دیگران را به وادی بی‌عفتی می‌کشانند. زنی که حجاب را رعایت نمی‌کند، ملعبه هوس دیگران می‌شود و آنگاه که چشم هوس باز و دل شهوت‌خواه کسی را پر کرد، طرد می‌شود و ناچار باید به سراغ فرد دیگری برود که یقیناً چنین کسی هم نمی‌تواند انسانی عقیف و با حیا باشد. از این رو پیوسته با خود به کشمکش می‌پردازد و هرگز از آرامش روانی برخوردار نمی‌شود.

مطهری می‌نویسد: یکی از ایرادهایی که بر حجاب گرفته‌اند این است که ایجاد حریم میان زن و مرد بر اشتیاق‌ها و التهاب‌ها می‌افزاید و طبق اصل "الْأُنْثَى حَرِيصٌ عَلَى مَا مَنَعَ مِنْهُ" حرص و ولع نسبت به اعمال جنسی را در زن و مرد بیشتر می‌کند. به علاوه، سرکوب کردن غرایز موجب انواع اختلال‌های روانی و بیماری‌های روحی می‌گردد.

در روانشناسی جدید و مخصوصاً در مکتب روانکاوی فروید روی این نوع محرومیت‌ها و ناکامی‌ها بسیار تکیه شده است. فروید می‌گوید: "ناکامی‌ها معلول قیود اجتماعی است، و پیشنهاد می‌کند که تا ممکن است باید غریزه را آزاد گذاشت تا ناکامی و عوارض ناشی از آن پیش نیاید."

درست است که ناکامی، به‌ویژه ناکامی جنسی، عوارض وخیم و ناگواری دارد و مبارزه با اقتضای غرایز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است، ولی برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید. در مورد غریزه جنسی و برخی غرایز دیگر برداشتن قیود، عشق به مفهوم واقعی را می‌میراند ولی طبیعت را هرزه و بی‌بند و بار می‌کند. در این مورد هرچه عرضه بیشتر گردد، هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد.

بدین نکته باید توجه کرد که آزادی در مسایل جنسی سبب شعله‌ور شدن شهوات به صورت حرص و آز می‌گردد، از نوع حرص و آزهایی که در صاحبان حرمسراهای رومی و ایرانی و عرب سراغ داریم. ولی ممنوعیت و حریم، نیروی عشق و تغزل را به صورت یک احساس عالی و رفیق و لطیف و انسانی تحریک می‌کند و رشد می‌دهد و تنها در این هنگام است که مبدأ و منشأ خلق هنرها و ابداع‌ها و فلسفه‌ها می‌گردد.

میان آنچه "عشق" و به قول ابن سینا "عشق عقیف" نامیده می‌شود و آنچه به صورت هوس و حرص و آز و حس تملک در می‌آید (با اینکه هر دو روحی و پایان‌ناپذیر است) تفاوت بسیار است. عشق، عمیق و متمرکزکننده نیروها و یگانه‌پرست است و اما هوس، سطحی و پخش‌کننده نیرو و متمایل به تنوع و هرزه صفت است. (نک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۵-۴۶)

عفاف، موجب سلامت جامعه، مصونیت زن و مرد از آشفته‌گی‌های ذهنی، بزهکاری، آوارگی و بالاخره بیماری روحی و روانی می‌شود و از انحطاط اخلاقی جامعه و از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها جلوگیری می‌کند.

نگاه حرام، قدرت تصمیم‌گیری درست و استفاده از عقل را از انسان سلب می‌کند. بیشتر انحرافات جنسی و خلاف اخلاق اسلامی، از یک نگاه آغاز

شده است.

یکی از عواملی که باعث تحریک میل جنسی در انسان می‌شود، فکر گناه و مشغول کردن ذهن به مسایل جنسی است که سرانجام موجب تحریک و تهییج غریزه و ارتکاب به گناه می‌شود، از این رو، در روایات اسلامی، «از فکر گناه» نهی شده است، زیرا فکر گناه، به خود گناه منجر می‌شود.

امام علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ كَثَرَ فِكْرَهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا» (غزوالحکم، ص ۱۸۶): کسی که در اندیشه گناه باشد و درباره آن بسیار فکر کند، سرانجام همان افکار او را به گناه می‌کشانند.

۳. کرامت انسانی

از نظر قرآن کریم شخصیت انسان بسیار ارزشمند و متعالی است. خداوند همه عالم را برای انسان رام کرده است تا او با استفاده از همه نعمت‌های خداوند به کرامت خویش دست یابد.

از نظر قرآن کریم کرامت انسان در تقوی و پاکدامنی است. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (سوره حجرات: آیه ۱۳): گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

انسان‌های پاکدامن، علاوه بر آنکه نزد خداوند و پیشوایان دین از عزت و احترام ویژه‌ای برخوردارند، در نظر افراد جامعه اعم از خانواده، دوستان و دیگران مورد احترام و اعتمادند. این عزت و اعتبار در برخوردها و مناسبات اجتماعی پدیدار می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی افراد بی‌پروا، امانات و اسرار خود را به انسان‌های عقیف و امین می‌سپارند و در دل خویش، آنها را بزرگ و پاک می‌دانند.

تحقیقات تاریخی و ملاحظات روانی ثابت کرده است که تأثیر زن در ساختن شخصیت مرد بیشتر از تأثیر مرد در ساختن شخصیت زن بوده است.

امام خمینی(ره) فرمود: زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۹) و نیز فرمود: زن پرورش‌ده زن و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. (همان، ص ۳۴۱) پس تأثیر غیرمستقیم زن در ساختن تاریخ غیرقابل انکار است. شهید مطهری می‌نویسد: زن به سه شکل می‌تواند در ساختن تاریخ نقش ایفا کند: ۱. زن، «شیء گرانبها» و بدون نقش؛ ۲. زن، «شخص بی‌بها» و دارای نقش؛ ۳. زن «شخص گرانبها» و دارای نقش.

آنچه دیگران در پی آن بوده‌اند، نقش اول و دوم است، اما اسلام به دنبال تحقق نقش سوم است. یعنی برای زن لازم است که هم شخصیت، کمالات

هاجر، همسر فرعون، مادر و خواهر موسی، دختران شعیب، مریم، فاطمه(س)، زینب کبری(س) و ... به زنان مسلمان می‌آموزند که حضور فعال در اجتماع و انجام مسؤولیت‌های مهم و تاریخ‌ساز، با عفت و پاکدامنی و حجاب منافاتی ندارد.

۵. ارزش آفرینی

اگر به تاریخ اسلام نگاه کنید می‌بینید که تاریخ اسلام یک تاریخ مذکر- مؤنث است ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش. پیغمبر صلی الله علیه و آله یاران مذکری دارد و یاران مؤنثی؛ هم راوی زن دارد و هم راوی مرد. در کتبی که در هزار سال پیش نوشته شده است شاید اسم همه آنها هست و ما روایات زیادی داریم که راوی آنها زن بوده است. کتابی است به نام «بلاغات النساء» یعنی خطبه‌ها و خطابه‌های بلیغی که توسط زن‌ها ایراد شده است. از جمله خطبه‌هایی که بغدادی در کتابش ذکر کرده است، خطبه حضرت زینب در مسجد یزید و خطبه ایشان در مجلس ابن زیاد و خطبه حضرت زهرا علیها السلام در اوایل خلافت ابوبکر است. (مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۰۴)

حجاب زن، زمینه ظهور و رشد ارزش‌های فراوان اخلاقی و معنوی فرد و اجتماع را فراهم می‌کند. از نظر اسلام نقش زن در احیای، دفاع و رشد ارزش‌های قرین با حجاب و عفت اوست. زن بی عفت نه تنها نمی‌تواند ارزشی بیافریند یا در احیا و رشد آن بکوشد، بلکه خود عاملی برای سقوط ارزش‌ها و زمینه ساز انحطاط فرهنگی و اخلاقی جامعه است. از این رو همه نقش آفرینی زن به حجاب و عفت او وابسته است.

برخی از ارزش‌هایی که زن عقیف و پاکدامن در احیا، دفع و رشد آن نقش برجسته و کلیدی دارد، عبارتند از:

۵.۱. سلامت خانواده:

از دیدگاه اسلام خانواده نقش و اهمیت به سزایی در حفظ عفت و حجاب فرد و اجتماع دارد. در خانواده مرزهای لذت‌طلبی‌ها، کنترل و هدایت می‌شود و فرزندان صالح، زمینه سلامت اجتماع از آلودگی‌ها را فراهم می‌کنند. خداوند کریم درباره آموزش عفت خانوادگی و حفظ مسایل زناشویی می‌فرماید: هرگز فرزندان نباید بدون اذن پدر و مادر به خوابگاه ایشان وارد شوند. (سوره نور، آیه ۵۸)

حریم شناسی مادران در حفظ رابطه صحیح زناشویی و دقت در تربیت فرزندان سالم از امور بسیار حیاتی و وظیفه‌ای سنگین و دشوار و همراه با اجر معنوی و برکات و الطاف الهی است.

متأسفانه بسیاری از زنان، به دلیل عدم تلاش برای آموزش شیوه‌های صحیح معرفتی در ایجاد ارتباط سالم با همسر و فرزندان، مبتلای به افراط و تفریط می‌شوند و کانون گرم خانواده را دچار آسیب‌های جدی می‌کنند و آثار آن در اجتماع رخ می‌نماید.

روحی و معنوی، مانند علم، تخصص، ایمان و ... داشته باشد و هم با عفت و پاکی در اجتماع حضور یابد و مبتذل نباشد. یعنی محدودیت افراطی و اختلاط افراطی نباشد، بلکه با حفظ حریم به فعلیت‌های اجتماعی بپردازد. در اثر گرانیهای شخصیت زن، عفاف در جامعه مستقر می‌شود، روان‌ها سالم باقی می‌مانند، کانون‌های خانوادگی در جامعه سالم می‌مانند. گرانها بودن زن به این است که بین او و مرد در حدودی که اسلام مشخص کرده، حریم باشد؛ یعنی اسلام اجازه نمی‌دهد که جز کانون خانوادگی، یعنی صحنه اجتماع، صحنه بهره برداری و التذاذ جنسی مرد از زن باشد چه به صورت نگاه کردن به بدن و اندامش، چه به صورت لمس کردن بدنش، چه به صورت استنشام عطر زنانه‌اش و یا شنیدن صدای پایش که مهیج باشد. اسلام برای زن شخصیت می‌خواهد نه ابتذال. (نک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، صص ۳۹۸-۴۰۱)

۴. حضور در اجتماع

خداوند در آیه‌ی ۳۵ سوره احزاب ده صفت اسلام، ایمان، اطاعت از خدا، صداقت، بردباری، فروتنی، انفاق، روزه‌داری، پاکدامنی و پیوسته به یاد خدا بودن را برای زن و مرد ذکر می‌کند. آنگاه می‌فرماید: خداوند برای مردان و زنانی که این ویژگی‌ها را داشته باشند، مغفرت و اجر عظیمی فراهم ساخته است.

طبرسی درباره سبب نزول آیه نوشته است: هنگامی که «اسماء بنت عمیس» همسر جعفر بن ابیطالب، با شوهرش از حبشه برگشت به دیدن همسران پیامبر(ص) رفت و از آنان پرسید: «یا آیه ای از قرآن درباره زنان نازل شده است؟» گفتند: «نه!» اسماء خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا(ص) جنس زن، گرفتار خسران و زیان است، زیرا در قرآن درباره زنان فضیلتی همانند مردان بیان نشده است». پس از این گفت و گو، آیه فوق نازل شد. (مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۶۱) و تأکید کرد که ارزش و منزلت زن و مرد، در صورتی که از اعتقاد، عمل، اخلاق و فضایل اسلامی برخوردار باشند، در پیشگاه خدا یکسان است.

قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نحل: آیه ۹۷). هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

این آیه یک قانون کلی را درباره نتیجه اعمال صالح همراه با ایمان، که همان حیات طیبه است، را بیان می‌کند. یعنی تحقق جامعه‌ای که سرشار از آرامش و امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی است و از نابسامانی‌ها، درد و رنج‌ها، ظلم و طغیان، هواپرستی و انحصارطلبی به دور است.

قرآن کریم و ائمه با ذکر الگوهای زنان پارسایی چون ساره(همسر ابراهیم)،

برخی از زنان برای حفظ ارتباط جنسی با همسران خود، حق فرزندان را تبه می‌کنند و برخی برای تربیت فرزندان از ادای حق همسران خویش، کوتاهی می‌کنند. بدون تردید هر دو روش موجب تبه‌ای است و زیبایی زندگی را دستخوش آسیب‌های اخلاقی می‌کند.

زنان بزرگوار و عقیف باید وظیفه خود را به خوبی بشناسند و مرزهای اخلاقی لازم در انجام وظیفه خود نسبت به همسر و فرزندان بشناسند، تا آرامش معنوی خانواده تأمین شود و همسر و فرزند خانواده در مواجهه با اجتماع دچار آسیب نشوند. مباد که به دلیل فعالیت‌های اجتماعی کانون خانواده مورد بی‌مهری قرار گیرد و نیازهای اعضای خانواده، به روش صحیح برآورده نشود.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: شما خانم‌ها شرف مادری دارید، که در این شرف از مردها جلو هستید؛ و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اول مدرسه‌ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۸۳)

بدون تردید، نهاد خانواده، فقط در پرتو عفاف و پاکدامنی، درخشش و بالندگی لازم را پیدا می‌کند، زیرا اگر در جامعه‌ای عفاف و پاکدامنی رعایت گردد و لذت‌های جنسی به محیط خانواده محدود شود جوانان به ازدواج روی می‌آورند و خانواده ثبات بیشتری می‌یابد، ولی اگر بی‌بند و باری و بی‌عفتی در جامعه رواج یابد و بهره‌برداری‌های جنسی در خارج از محیط خانواده میسر گردد، جوانان زیر بار مسئولیت‌های ازدواج نرفته و خانواده‌ها نیز متزلزل می‌شود. بنابراین رعایت عفاف در رفتار و گفتار، خانواده از آسیب‌های اخلاقی حفظ می‌کند.

۵.۲. سلامت فعالیت اجتماعی

اسلام به زنان دستور می‌دهد که در رفتار خود وقار و سنگینی را کاملاً رعایت کنند تا از آزار افراد مزاحم مصونیت پیدا کنند و بتوانند از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود به نفع اجتماع استفاده کنند.

شهید مطهری می‌نویسد: حجاب در اسلام از یک مسأله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد. اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند. کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده‌گیری کرده‌اند و گفته‌اند: "حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است" بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است.

آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست حجاب

به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار و بیچاره بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. (مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۴۳) و نیز می‌نویسد: آیا آنجا که سلسله مقررات اخلاقی به نام عفت و تقوی بر روح مرد و زن حکومت می‌کند و زن به عنوان چیزی گرانبها دور از دسترس مرد است این استعداد بهتر به فعلیت می‌رسد یا آنجا که احساس منعی به نام عفت و تقوی در روح آنها حکومت نمی‌کند و اساساً چنین مقرراتی وجود ندارد، و زن در نهایت ابتذال در اختیار مرد است. (مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۶۶۷)

۵.۳. سلامت جسمی

قرآن کریم و پیشوایان دین با بیان آموزه‌های دستوری و ارشادی، پیشگیری از ابتلای به بیماری را بر معالجه و درمان مقدم داشته است.

رعایت حریم عفاف و حجاب، علاوه بر سلامت روح و روان موجب سلامت جسم انسان نیز می‌شود. نگاه‌های آلوده فقط زمانی می‌تواند وجود داشته باشد که اندام‌های نیمه عریانی و کم پوششی را در برابر خود ببینند، پس اگر زنان حریم عفاف را رعایت کنند، چشمان هوس آلود ناکام می‌مانند. به هر حال پزشکان برای چشم‌چرانی که از عواقب عدم رعایت حجاب و عفت است، آثار منفی متعددی مانند: دشواری تنفس، درد اطراف قلب، ضعف و خستگی عمومی، سردرد، بی‌قراری، بدخوابی و ... بر شمرده‌اند.

آیا سزاوار است که انسان برای عدم توجه به وظیفه خویش، موجب بروز این امور ناخواسته برای دیگران شود.

۵.۴. احترام به حق دیگران

رعایت حجاب و عفت در اجتماع، نشانه احترام به قانون و حقوق دیگران است. زنانی که با عدم رعایت حجاب و با آراستن خویش وارد جامعه می‌شوند، حق دیگران را ضایع می‌کنند. عمل آنان همانند فردی که بدون پوشیدن لباس استریزه وارد اتاق عمل جراحی شود و موجب پراکندن ده‌ها میکروب در این فضای حساس و عامل شدت عفونت و افزایش بیماری افراد بیمار گردد.

غریزه جنسی جوانانی که در آستانه بلوغ هستند با مشاهده چهره‌های نقش و نگار شده زنان، تحریک می‌شود و ناچار برای ارضای خویش به کارهای خلاف شرع اقدام کنند و نسبت به مطالعه، پژوهش، کار و سایر امور کم توجه و دلسرد می‌گردند. همه تلاش چنین جوانانی صرف به دست آوردن دوستانی از جنس مخالف است تا برای آتش شهوت برافروخته درون خود را خاکستری فراهم کنند که به یقین این آتش زیر خاکستر، عواقب

و مرد میسر است. حضور فعال زنان در اجتماع امری لازم و موجب رشد فرد و جامعه است. سلامت روابط اجتماعی انسان ها نیازمند حریم شناسی و رعایت اصول اخلاقی و انسانی است.

پاسداری از عفت و حجاب ، یکی از امور مهمی است که رعایت آن توسط زنان نوعی عبادت و موجب تقرب به خداوند است. همچنین با حجاب و عفاف کرامت انسانی او محفوظ می‌ماند، در جامعه به فعالیت سالم می‌پردازد و موجب احیا و تقویت ارزش‌های انسانی می‌شود و خود نیز از آرامش روانی بهره می‌برد.

ارزش‌هایی چون سلامت خانواده، سلامت فعالیت‌های اجتماعی، سلامت جسمانی، احترام به حق دیگران و حریت و آزادی در پرتو حجاب و عفاف رونق می‌یابند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی
۳. آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰
۴. ابن منظور الافریقی المصری، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳
۵. اصفهانی، راغب، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، تهران، المکتبه المرتضویه، بی تا
۶. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، قم، آل البیت ۱۴۰۹
۷. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸
۸. خمینی، روح الله، سر الصلوه، ۱۳۷۸
۹. _____، آداب الصلوه، ۱۳۷۸
۱۰. _____، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۸
۱۱. دهخدا، محمد، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۱۲. شبر، سید عبدالله، اخلاق، قم، مکتب عزیزی، ۱۳۷۴
۱۳. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی علوم القرآن، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳
۱۴. طریحی، فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵
۱۵. فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، دارالاحیاء، ۱۴۰۳
۱۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸
۱۸. _____، ج ۱۹
۱۹. _____، ج ۱۷
۲۰. نراقی، احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات هجرت، ۱۳۷۷
۲۱. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸

ناخوشایندی برای آنان به بار خواهد آورد.

زنانی که حریم عفت و حجاب را رعایت کنند، حقوق دیگران را محترم می‌دانند و با رفتار خود نشان می‌دهند که به سایر شهروندان ارج می‌نهند و پای خویش را به اندازه گلیم خود دراز می‌کنند.

حفظ حرمت دیگران و احترام به حقوق اجتماعی مخصوصاً توجه به اموری که سلامت روح و روان افراد جامعه را تضمین کند، نشان دهنده بلوغ و رشد شخصیت انسان است.

همه زنان از نظر وضع ظاهری، لباس و نظافت در یک سطح نیستند، کار روزانه، وضعیت اشتغال و معیشت و سطح درآمد خانوادگی وضع ظاهری افراد را متفاوت می‌سازد. زنانی که فرصت بهتر و درآمد بالاتری دارند می‌توانند با جذابیت بیشتری در میان مردم ظاهر شوند، اگر حجاب و عفاف نباشد، این جذابیت‌ها باعث انحراف خواهد شد، یعنی چشمان مردانی را به دنبال خود خواهد کشاند. این امر علاوه بر تضییع حقوق افراد، بنیان خانواده را دچار تزلزل می‌کند.

۵.۵. حریت و آزادی

انسانی که حجاب و عفت خویش را مراعات کند، از نوعی حریت و آزادی برخوردار است. یعنی خود را برتر از آن می‌بیند که بخواهد بازپچه نگاه‌های آلوده و ملعبه دیگران شود. او آزادی خویش را در رهایی از نفس خویش و مبارزه بابت خودخواهی، خودآرایی و خودنمایی می‌بیند. آنچنان که خداوند از زبان یوسف صدیق، وارسته از هوای نفس و پیوسته به معبود حقیقی عالم نقل می‌کند که فرمود: «قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ» (سوره یوسف: آیه ۳۳) یعنی یوسف گفت: «پروردگار! زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می‌خوانند!»

شهید مرتضی مطهری معتقد است اسلام بزرگترین خدمت‌ها را نسبت به جنس زن انجام داد، وی می‌نویسد: خدمت اسلام به زن تنها در ناحیه سلب اختیار داری مطلق پدران نبود، بطور کلی به او حریت داد، شخصیت داد، استقلال فکر و نظر داد. حقوق طبیعی او را به رسمیت شناخت، اما گامی که اسلام در طریق حقوق زن برداشت با آنچه در مغرب زمین می‌گذرد و دیگران از آن‌ها تقلید می‌کنند دو تفاوت اساسی دارد: اول در ناحیه روان‌شناسی زن و مرد... تفاوت دوم در این است که اسلام در عین آن که زنان را به حقوق انسانی‌شان آشنا کرد... هرگز آنان را به تمرد و عصیان و طغیان و بدبینی نسبت به جنس مرد وادار نکرد احترام پدران را نزد دختران و احترام شوهران را نزد زنان از میان نبرد. اساس خانواده را متزلزل نکرد، زنان را به شوهرداری و مادری و تربیت فرزندان بدبین نکرد. (مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۸۹)

نتیجه‌گیری

سیر و سلوک و تلاش در مسیر تهذیب نفس برای همه انسان‌ها، اعم از زن

■ نوشته: لیلا ناصری - مصطفی ناصری

حجاب و عفاف از منظر فقه، تاریخ و حقوق بین‌الملل

مقدمه

بی‌هیچ شبهه‌ای حجاب از مسلمات شریعت و از واجبات قطعی و ضروری آن است و لااقل فقهای امامیه در این زمینه تردیدی ندارند. وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است و ما حدود این پوشش را با استفاده از قرآن و منابع سنت ذکر خواهیم کرد.

نشانه بودن «حجاب» برای «عفاف» گریزناپذیر است. پوشش، نشان عفاف است. عفت و حیا، خصلتی انسانی است که تاریخ بر نمی‌تابد و مورد پذیرش تمامی انسانها بوده و هست. و انسانهای بزرگ و ادیان آسمانی نیز بدان توصیه کرده‌اند. در شریعت اسلامی نیز بر آن تأکید فراوان شده است. همین خصلت انسانی یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی بوده است. حیا و عفاف از ویژگیهای درونی انسان است و حجاب به شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش بر می‌گردد. تفاوت باطن و ظاهر یا روح و جسد و یا گوهر و صدف را می‌توان به عنوان تمثیل در این زمینه به کاربرد. پوشش اسلامی و حجاب یکی از آموزه‌های دین اسلام است که بسیاری از زنان مسلمان به عنوان تکلیف دینی به آن عمل می‌کنند.

بر اساس موازین حقوق بشر نیز هر انسانی از حق آزادی فکر، وجدان و دین برخوردار است. این حق شامل اظهار عقیده و ایمان، تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی به نحو فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی خواهد بود (ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر).

علیرغم بحث‌های فراوان، برخی کشورهای اروپایی با گذراندن قانون خاص، استفاده از پوشش اسلامی را در مدارس ابتدایی و راهنمایی ممنوع کردند؛

چکیده

گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان است. اما میزان و شکل آن رابطه مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع داشته و دارد. احکام اسلام بر اساس جلب مصالح و دفع مفاسد مبتنی بر فطرت پاک انسان و عدم ضرر است. خالق انسان بهتر از هر نهاد یا منبعی می‌داند که نیاز فطری انسان چیست؛ زیرا بدون تردید اگر پروردگار را تنها علت اصلی پیدایش عالم هستی بدانیم، به طور قطع علم و عدالت آن ذات بی‌همتا اقتضا دارد که منبع اصلی قانونگذاری نیز برای رفتار و گفتار شخصی و اجتماعی انسان باشد.

تاریخ مکتوب انسانی مدنی، بر این واقعیت گواهی می‌دهد که همزمان با آغاز زندگی اجتماعی بشر، در قالب خانواده، خویشاوندان و جامعه، مفاهیم محرم و نامحرم و گونه‌ای از حریم‌گیری و محدودیت، به عنوان معیار باید‌ها و نباید‌ها در برقراری روابط جنسی، شکل معاشرت، چگونگی تماس گفتاری و پوشش بدنی، مطرح بوده و جلوه حجب، حیا و عفاف او به حساب می‌آمده است. یکی از نمادهای حیا و عفاف، نماد پوشش و لباس، بوده است و پابندی به آن برای زنان یک کمال به حساب می‌آمده است. ولی چهار قرن پیش، در اثر رنسانس در غرب فرهنگ شرم ستیزی و عفت‌گریزی، طراحی گردید. با این تحول، محرم و نامحرم معنای خود را از دست داد، شرم، حیا و عفت همراه با لباس زن فرو ریخت، تمام محدودیتها، در تعامل دو جنس مخالف، از میان برداشته شد و پوشش اندام مشخص‌کننده جنسیت زن، نشانه عقب ماندگی و مخالف حق آزادی او قلمداد گردید.

از آن جا که در دهه‌های اخیر برخی کشورهای اروپایی محدودیت‌هایی برای پوشش زنان مسلمان وضع نموده‌اند، لذا تبیین حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل ضروری می‌باشد. این مقاله ضمن اشاره به مفاهیم، مبانی و تاریخچه حجاب، به بررسی این مقوله از منظر فقهی و حقوقی (داخلی و بین‌المللی) می‌پردازد. در نهایت برآیند مقاله این است که با احراز شرایط در مورد مجرم، عمل بی‌حجابی، جرم تلقی می‌شود و قابل مجازات است و ممنوع دانستن حجاب نقض حقوق بشری افراد و آزادی دینی آنان است و بیشتر ناشی از فشارهای سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

واژگان کلیدی

حجاب - عفاف - فقه - حقوق - اقلیت‌ها.



در نتیجه، محدودیت‌هایی برای زنان و دختران مسلمان ایجاد شده است.

تعریف مفاهیم

قانون‌گذار در هیچ جا «حجاب شرعی» را تعریف نکرده است و علمای حقوق نیز در بیان تعریف، به آیات قرآن و فقه مراجعه کرده اند. در بحث‌های بعدی به معنای فقهی و حدود حجاب می‌پردازیم.

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می‌شوند و در نگاه اول به نظر می‌آید هر دو به یک معنا باشند، اما با جستجو در متون دینی و فرهنگ‌نامه‌ها به نکته قابل توجهی می‌رسیم و آن تفاوت این دو واژه است.

الف) مفهوم حجاب

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه‌ی «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده، ستر، نقابی که زنان چهره‌ی خود را به آن می‌پوشانند، روی بند، برقع، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان

می‌پوشانند.» ۵ (معین، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۳۴۰/ عمید، ۱۳۶۷: ۵۵۷) آمده است.

شهید مطهری در مورد واژه «حجاب» تأکید بر مفهوم پوشش بیان می‌کنند: «کلمه‌ی حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله‌ی پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.»

این منظور می‌نویسد: «الحجاب: الستر ... و الحجاب اسم ما احتجب به وکل ما حال بین شیئین: حجاب ... و کل شیء منع شیئاً فقد حجب ...»؛ (ابن منظور، ۲۰۰۰ م، ج ۴: ۳۶) «حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می‌گیرد و هر چیزی که میان دو چیز، جدایی می‌اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود او را حجب نموده است.»

و در کلامی دیگر خداوند متان می‌فرماید: «و من بنینا و بینک حجاب.» (سوره فصلت: آیه

۵)؛ «میان ما و شما حاجز و فاصله‌ای در نحلّه و دین وجود دارد، نیز بدین معنا به کار رفته است.»

با توجه به معانی ذکر شده در می‌یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگر چه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است، ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد؛ یعنی پوشش ظاهری افراد و بویژه زنان را حجاب می‌گویند که مانع از نگاه نامحرم به آنان می‌شود. در کل می‌توان گفت حجاب به معنی پوشش، بدیهی ترین تعریفی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

ب) مفهوم عفاف

عفاف نیز دارای معانی گوناگونی است که در مجموع تعریف کاملی را به ما خواهد داد. راغب اصفهانی در مفردات القرآن می‌نویسد: «العفة حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة» یعنی: عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود.

البته قابل ذکر است که در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده شده است؛ گاه به

معنای خودنگهداری و پاکدامنی است که در مورد برخی افراد آمده است، مانند: «و ان يستعففن خیر لهن» و «وليستعفف الذین لا یجدون نکاحا».

در کتب لغت آورده‌اند: تعفف (عفت داشتن): نگاه داشتن نفس از انجام حرام و درخواست از مردم است. برخی از لغت‌شناسان، عفت را به معنای ترک شهوات و پاک‌ی خوی و جسم آورده‌اند. از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می‌توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه بازمی‌دارد.

مبانی حجاب

حجاب در کلام الله مجید در سوره‌های نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است. در این آیات شریفه حدود حجاب، آثار و کارکردهای آن بیان گردیده است؛ در حقیقت، حجاب زن مسلمان به فتوای همه‌ی مراجع معروف تقلید در این زمان یکی از ضروریات دین است. لزوم پوشیدگی زن براساس شش دلیل قطعی قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است: ۱- قرآن کریم، ۲- روایات شریفه، ۳- سیره‌ی اهل بیت علیه السلام، ۴- براهین عقلی، ۵- فطرت و طبیعت انسانی و تاریخ.

پیشینه حجاب

«مورخان به ندرت از اقوامی بدوی یاد می‌کنند که زنان‌شان دارای حجاب مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند. تعداد این اقوام به قدری نادر است که در مقام مقایسه - به قول اندیشمندان - قابل ذکر نیستند و شاید بتوان گفت: وجود برخی موانع سبب جلوگیری از بروز تمایلات و استعدادهای فطری و طبیعی آنان شده است و یا عواملی باعث انحراف آنان از مسیر فطرت گشته است.» (محمدی آشنانی، ۱۳۷۳: ۲۲)

«در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آن چه

در قانون اسلام آمده سخت‌تر بوده است اما در عرب جاهلیت حجاب وجود نداشته است و به وسیله‌ی اسلام در عرب پیدا شده است.» (مطهری، ۱۳۵۳: ۵)

«اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم به خوبی حجاب و پوشش زن را در می‌یابیم. براون و اشنایور، نویسنده‌ی غربی، در کتابی به نام پوشاک اقوام مختلف، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارایه کرده‌اند. نگاهی کوتاه به این کتاب روشنگر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتی‌ها، یونانیان و اهالی روم، آلمان، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می‌شده است، به گونه‌ای که زنان چین در معابر عمومی جز در پرده و ملحفه ظاهر نمی‌شدند و در خانه نیز دارای اندرونی و بیرونی بوده‌اند.» (هدایت، ۱۳۶۳: ۴۰۵)

پوشاندن موی سر از دیر باز در همه دین‌ها رواج داشته و زن و مرد کم و بیش از آن پیروی می‌کنند. در آیین یهود، مردان با کلاهک کوچک سیاه رنگی موی را می‌پوشانند و در باب ۱۴ از سفر پیدایش چنین می‌خوانیم: چون ربقوا (زن آینده او) از آمدن اسحاق به وسیله غلام خود آگاهی یافت، برق(روبند) بر گرفته خود را بپوشاندی بدین روی، زنان هم موی و روی از مرد بیگانه پنهان می‌کردند. در میان رومیان و یونانیان باستان، زنان بایستی با لباس‌های بلند و موی پوشیده در روسری در اجتماع دیده می‌شدند. در شاخه کاتولیک مسیحیت، زنان دیرنشین در لباس‌های روحانیت، با موی پوشیده و روی بدون آرایش، به کارهای مذهبی و اجتماعی می‌پردازند. به عقیده پولس، حواری معروف عیسی مسیح: نقاب شرف زن است. پس اگر گیسو فرو گذارد این مایه بزرگواری اوست.

حجاب آنچنان که در آیات قرآن در سوره‌های مختلف آمده، سدی برای فعالیت اجتماعی زنان و یا پیشرفت علمی و یادگیری و آموختن دانش برای آنها نبوده است. در نخستین دوران

گسترش اسلام و زندگی پیامبر، زنان با مردان در میدان‌های جنگ دوشادوش شراکت داشتند، با هم به نمازهای دسته جمعی و مسجد میرفتند. در میان آنان زنان شاعر، دانشمند، پزشک و بازرگان دیده شده است.

کتاب «زن در آینه تاریخ» پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، می‌نویسد: با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود؛ و به این دلایل، عقیده عده‌ای که می‌گویند «مذهب» موجد حجاب می‌باشد، صحت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار موثر بوده است. (علی اکبر علویقی، زن در آینه تاریخ).

پیشینه تاریخی چادر

بر اساس شهادت و گواهی منابع حجاب و لباس، اسناد و مدارک تاریخی زیر مبین آن است که پیشینه‌ی تاریخی که حجاب در شکل چادر، به صدها سال قبل از پیدایش قاجار در ایران بر می‌گردد. حجاب در شکل چادر، علاوه بر ریشه‌ی عمیق دینی، دارای ریشه‌ی عمیق تاریخی و ملی نیز هست و صدها سال قبل از پیدایش قاجار از آن استفاده می‌شده است. در ایران قبل از اسلام که بیشتر ایرانیان زرتشتی بودند استفاده از چادر رواج داشته و پوششی بوده که موی سر زنان را پوشانده و تا نزدیکی‌های زانو می‌آمده است. برای همین است که چادر بیشتر از آن که سنتی عربی باشد پوششی است ایرانی. در زمان ایران باستان به تصاویری از بانوان ایرانی بر می‌خوریم که علاوه بر لباس، بدن خود را با چادری که شبیه به چادر زن امروز ایران است می‌پوشانند. مهدی قانع، «انسان پوشش و ریشه‌های تاریخی» پیام زن، شماره ۱۹، ص ۶۹)

پارسی‌ها از نظر لباس همانند مادها بودند. در مورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است: «از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند.

و اسلامی و ماده ۶۳۸، عملی را جرم دانست. بعضی از حقوق دانان نیز نظریه‌ای مخالف این عقیده دارند. با این حال، همه حقوق دانان اتفاق نظر دارند که اگر عملی از نظر قانون‌گذار، جرم شناخته شده است، ولی قانون دچار ابهام یا نقض یا سکوت یا تعارض باشد، به استناد دو ماده یادشده، قاضی موظف به مراجعه به منابع دیگر است. حتی قانون‌گذار از این هم شدیدتر برخورد کرده است و در ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب می‌گوید: «قرا‌ها و احکام دادگاه‌ها باید مستدل بوده و مستند به قانون و شرع و اصولی باشد که مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشای رأی بدون استناد، موجب محکومیت انتظامی خواهد بود.» از این ماده برداشت می‌شود که در صورت استناد نکردن به قانون و شرع، قاضی، متخلف شناخته و محکوم به مجازات انتظامی می‌شود. پس درباره تعیین حدود حجاب شرعی باید به منابع معتبر اسلامی و منابع شرعی مراجعه کرد که در ادامه بیش تر به آن خواهیم پرداخت.

مواد قانونی مرتبط:

۱. تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۸)

ماده ۶۳۸ ق.م.ا بیان می‌کند: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

تبصره این ماده نیز چنین مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

حجاب در اسلام، برای زنان و مردان بیان

توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

با گذری در قوانین موجود، به این نکته پی می‌بریم که قانون‌گذار در هیچ قانون یا آیین‌نامه‌ای، به طور کامل، حجاب شرعی را تعریف نکرده است. با مراجعه به قانون اساسی می‌بینیم که قانون‌گذار، اصلی را بیان کرده است که بر اساس آن مقرر می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدو‌نه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدو‌نه، از رسیدگی به دعوا یا صدور حکم امتناع ورزد.» هم چنین قانون‌گذار در ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ بیان می‌کند: «احکام دادگاه‌های کیفری باید مستدل و موجه بوده، مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. دادگاه‌ها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدو‌نه بیابند و اگر قانونی نباشد یا مستفاد به منابع فقهی معتبر و یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نمایند و دادگاه‌ها نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال و یا تعارض قوانین مدو‌نه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند.»

در ماده ۲۸۹، قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری نیز در عبارتی مشابه با ماده ۲۹ قانون یادشده آمده است.

از این دو ماده نتیجه گرفته می‌شود که قاضی در صورت وجود نداشتن قوانین مدو‌نه، باید به منابع معتبر اسلامی، فتاوی مشهور و معتبر مراجعه کند. قانون‌گذار با صراحت منابع معتبر اسلامی و فتاوی مشهور را جزو مستندات قاضی، ذکر می‌کند. باید پرسید محدوده مراجعه قاضی به منابع یادشده چیست؟ اگر در قانون، عملی جرم تلقی نشده باشد، ولی در شرع، حرام باشد، آیا با استناد به این ماده می‌توان آن عمل را مجازات کرد یا خیر؟ بعضی از حقوق دانان معتقدند به استناد ماده ۲ ق.م.ا و اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نمی‌توان با استناد به منابع فقهی

پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی‌خوریم که از پهلوی به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به مچ پا نمایان است.» (ضیاء پور، پوشاک باستانی ایرانیان، ص ۵۱)

«لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تاروی زمین، گشاد، پرچین، آستین دار و یقه راست بوده است. پیراهن دیگری داشته اند که روی اولی می‌پوشیدند و قد این یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سرمی‌کردند.» (جلیل ضیاء پور، پوشاک زنان ایرانی، ص ۱۹۴)

زنان عهد هخامنشی عموماً چادر بر سر داشته و پیراهن‌های بلندی که تا مچ پای آنان را می‌پوشانده به تن می‌کرده‌اند (غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۲۵)

زنان عهد ساسانی، گاهی چادر گشاد و پرچین به سر می‌کردند که تا وسط ساق پا می‌رسیده است. نقوشی از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره ساخته شده است که در آن هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند. (مهدی مهریزی، حجاب، ص ۴۶). زنان در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می‌شده است، همچنان دارای حجاب کامل بودند. در مورد پوشاک زنان چنین آمده است: «چادر که از دوره‌های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صورت مختلف مورد استعمال داشته است.» (جلیل ضیاء پور، پوشاک زنان ایرانی، ص ۱۱۴)

حجاب از منظر حقوقی

الف- حجاب و جرم بی‌حجابی

قانون‌گذار در چند مورد درباره حجاب اشاراتی داشته و عدم رعایت آن را جرم یا تخلف دانسته است. اکنون با بیان یکایک این مواد، به شرح و

شده، ولی این ماده تنها درباره زنان است و از حجاب و پوشش مردان سخن نمی‌گوید. اسلام، رعایت حجاب را نه فقط درباره پوشش ظاهری و پوشش اندام، بلکه درباره تمامی اعضا و جوارح مانند چشم و گوش ضروری دانسته، ولی قانون‌گذار در این ماده، فقط درباره پوشش اندام سخن گفته است. در این ماده، «حضور زنان بدون حجاب شرعی» یکی از مصداق‌های تظاهر به عمل حرام و اعمالی شمرده شده است که عفت عمومی را جریحه دار می‌کند.

اولین نکته در تبیین جرایم، بیان و تطبیق عناصر سه گانه جرم است. تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا، که عنصر قانونی این جرم است، در این تبصره، برای رعایت نکردن حجاب اسلامی، مجازات تعیین شده است و با توجه به تعریف جرم در ماده ۲ ق.م.ا، این عمل جرم تلقی می‌شود.

ظاهر شدن زنان بدون حجاب شرعی، عنصر مادی است. بحث معاونت در این جرم نیز مانند دیگر جرایم است. برای مثال، اگر مردی با وسیله خود، زن بی‌حجابی را در معابر بگرداند، معاونت در جرم کرده است و شروع به جرم نیز در این جرم وجود دارد.

عنصر سوم جرم، عنصر معنوی است. این جرم، از جرایم عمدی است؛ زیرا مرتکب باید علاوه بر علم و آگاهی به غیر قانونی بودن و حرام بودن عمل ارتكابی، قصد انجام آن را نیز داشته باشد. لازم نیست که این قصد به منظور جریحه دار کردن عفت عمومی باشد، بلکه ممکن است عمل ارتكابی از روی غفلت یا بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی صورت گرفته باشد، هر چند فاعل قصد خاص عمل حرام را نداشته باشد. هم چنین امکان مشاهده دیگران کافی است، هر چند باید احتیاط لازم را انجام داده باشد. در مورد علم و آگاهی باید گفت جهل به قانون، مسموع نیست و پس از ۱۵ روز از انتشار قانون در روزنامه رسمی، لازم الاجرا است.

نکته بعدی، تعریف «معابر و انتظار عمومی» و «علناً» است. شرط تحقق جرم در متن ماده، آن است که در انتظار عمومی و معابر صورت گیرد.

بنابراین، اگر در خفا صورت گیرد، مشمول این ماده نخواهد شد. البته نکته مهم این است که صرف ارتكاب عمل با سوء نیت خاص در انتظار و اماکن عمومی، برای تحقق بزه کافی است اعم از این که بیننده‌ای حضور داشته یا نداشته باشد.

در تعریف این دو اصطلاح، ابتدا باید به قوانین مراجعه کنیم. در هیچ قانونی، این دو اصطلاح تعریف نشده است. در ماده ۲۱۴ مکرر الف قانون مجازات عمومی چنین آمده بود: «از نقطه نظر قوانین جزایی (خواه این قانون و خواه قوانین جزایی دیگر)، مقصود از ارتكاب عمل به طور علنی، ارتكاب آن در مرئی و منظر عموم است، اعم از این که محل ارتكاب از اماکن عمومی باشد یا نه و یا ارتكاب آن در اماکنی است که معدّ برای پذیرفتن عموم باشد؛ از قبیل حمام‌های عمومی و قهوه‌خانه و نمایشگاه و مانند آن». هم چنین در حکم شماره ۴۱۳ به تاریخ ۸۱/۲/۱۳، صادره از شعبه ۲ این گونه تعریف شده است: «مقصود از ارتكاب عمل به طور علنی در قوانین جزایی اعم از این است که در مرئی و منظر عموم واقع شود یا در اماکنی که معدّ برای عموم باشد و معابر اعم از کوچه و خیابان و به طور کلی، هر محلی که ممرّ عام شناخته شود، اماکنه عمومی محسوب است. احتراز مرتکب از رؤیت مردم و آشکار شدن موضوع، به هیچ وجه تأثیری در علنی بودن موضوع ندارد و همین که عمل در محلی به وصف مذکور، ارتكاب شود، علنی محسوب است».

ارتكاب عمل در انتظار عمومی به معنای آن است که مردم شاهد آن باشند. بنابراین، به ظاهر، شرط تحقق عمل در انتظار عمومی آن است که عده‌ای از مردم، آن را مشاهده کنند، ولی ارتكاب عمل در معابر، چنین شرطی را ندارد؛ یعنی انجام عمل در معابر کافی است، هر چند مردم شاهد آن نباشند. هم چنین با توجه به این که کلمه «معابر»، به وسیله حرف «واو» به انتظار عمومی عطف شده است و با استناد به تفسیر مضیق قانون، ممکن است منظور قانون‌گذار، موردی باشد که عمل، واجد هر دو جنبه باشد؛

یعنی هم در انتظار عمومی و هم در معابر باشد، اگر کسی در خانه خود و در مقابل عده‌ای از مردم، مرتکب جرم یا حرامی شود یا در معبر، این کارها را انجام دهد، ولی کسی شاهد آن نباشد، مشمول حکم این ماده نخواهد بود. این تفسیر اگرچه تا حدودی با ظاهر ماده، سازگار است، ولی به نظر می‌رسد کلمه «معابر»، در متن ماده و تبصره آن به عنوان ذکر مصداق به همراه عنوان کلی است؛ یعنی قانون‌گذار، عنوان عام «انتظار عمومی» را بیان کرده و به همراه آن، یکی از مصداق‌های آن، یعنی «معابر» را آورده است؛ چون معابر خود به خود، در انتظار عمومی به شمار می‌رود. بنابراین، ارتكاب عمل در معبر، مدخلیتی در تحقق این جرم ندارد، بلکه مهم آن است که در انتظار عمومی باشد و انتظار عمومی - همان گونه که گفته شد - به معنای آن نیست که کسی آن را ببیند، بلکه همین که محلی قابلیت مشاهده دیگران را داشته باشد، کفایت می‌کند؛ مگر این که عمل در مکان خصوصی صورت گیرد که در این صورت، دیدن دیگران لازم است. هر چند در این جا ممکن است اختلاف پیش آید که چند نفر باید عمل را ببینند تا انتظار عمومی بر آن صدق کند. به نظر می‌رسد بر اساس تفسیر مضیق این قانون، لازم است عده‌ای که کمتر از سه نفر نباشند، شاهد جرم یا عمل منافی عفت عمومی یا بی‌حجابی باشند. البته در مورد بدحجابی یا بی‌حجابی، با توجه به این که قید «علناً» برای آن به کار رفته است، احتمال لزوم آن در معابر و اماکن عمومی تقویت می‌شود.

با توجه به ماده و حکمی که ذکر شد «علناً» تقریباً هم معنای انتظار عمومی است و میان تبصره و خود ماده در این مورد تفاوتی نیست؛ چون نکته‌ای که به آن دقت نشده، این است که کلمه انتظار عمومی در تبصره ماده، قید شده است.

۲. بند ۲۰ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات

هتک عفت عمومی، عرف و تشخیص آن بر عهده دادگاه است. ممکن است عملی در منطقه‌ای سبب هتک عفت عمومی شود و در منطقه‌ای دیگر، امری عادی تلقی شود. برای مثال، پوشیدن لباس قرمز در منطقه‌ای، مطابق عرف و در منطقه‌ای دیگر، خلاف عرف باشد و مایه هتک عفت عمومی شود. منظور از عفت عمومی، ارزش‌های اخلاقی یا دینی یا اجتماعی است که توده مردم به آن احترام می‌گذارند، هر چند در نظر اقلیت مردم، ارزش به شمار نرود.

۴. مجازات‌های یادشده از تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش و تهدید آغاز می‌شود و به جرمه نقدی از بیست تا دویست هزار ریال می‌رسد. دادگاه با توجه به شرایط و حالات مجرم، دفعات و زمان و مکان وقوع جرم و دیگر مقتضیات، مجرم را به یکی از مجازات‌های مذکور محکوم می‌کند.

۵. بخشی از موارد تعیین شده از جانب «کمیسیون سیاست گذاری در امور اجرایی مبارزه با فساد»، به عنوان البسه و آرایش غیر مجاز (مصوب سال ۷۱) به شرح زیر است: «استفاده از انواع لباس‌های شهرت از قبیل: کت و شلوار مردانه (برای بانوان)؛ بلوز و دامن بدون مانتو؛ مانتوهای کوتاه، بالای زانو و آستین کوتاه و...».

در سال ۱۳۷۶ نیز فهرست دیگری از لباس‌ها و وسایل ممنوع از وزارت کشور به قوه قضاییه ابلاغ شده است. در این مصوبه، حتی استفاده از کمر بند، مچ بند، عینک‌های دارای طرح‌های غیرمتمعارف، انگشترهای دارای نقوش و حروف لاتینی، لباس‌هایی که روی آن‌ها تصویر حیوانات، نظیر سر گرگ، سر روباه و دیگر حیوانات که مظهر درندگی، مودنی‌گری و شهوترانی یا تصویر حشرات وجود داشته باشد، ممنوع شده است.

در این ماده نیز بی‌حجابی یا به عبارت دیگر، استفاده از آرایش و لباس‌هایی که خلاف شرع است یا موجب فساد یا هتک عفت عمومی می‌شود، جرم است و مجازات‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

۶۷ بیان می‌کند: «پوشش دانش‌آموزان دختر شامل ۱- چادر، مانتو، شلوار، مقنعه ۲- مانتو، شلوار، مقنعه می‌باشد». این ماده، نوع پوشش را مشخص کرده، ولی به حدود پوشش و شیوه پوشش، اشاره‌ای نکرده است. قانون‌گذار در بند ۸، ماده ۶۸، با عنوان «مقررات انضباطی دانش‌آموزان» تنها به «استفاده از لباس و کفش و جوراب ساده و مناسب و... رعایت حجاب مناسب برای دختران اشاره می‌کند». قانون‌گذار در شیوه پوشش تنها به الفاظ «ساده» و «مناسب» بسنده کرده و هیچ توضیح دیگری درباره آن نداده است.

۶. ماده ۳ قانون رسیدگی به تخلفات استفاده کنندگان البسه خلاف شرع (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸)

ماده ۳ این قانون تصریح می‌کند: «کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آن‌ها، خلاف شرع و یا موجب فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت، در دادگاه صالحه محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌شوند». نکته‌های مهم این ماده به شرح زیر است:

۱. قید «انظار عمومی» در این ماده ذکر شده و یکی از شرایط تحقق جرم است. (انظار عمومی و تقسیم بندی‌های مربوط به آن ذیل ماده ۶۳۸ ق.م.ا بحث شد).

۲. این ماده، نه تنها شامل زنان، بلکه شامل مردان نیز می‌شود؛ زیرا در متن ماده، لفظ «کسانی» ذکر شده است که اعم از زنان است.

۳. عنصر مادی جرم، مربوط به وضع پوشیدن لباس و آرایش است و این دو عمل در صورتی جرم تلقی می‌شود که ناظر بر یکی از موارد ذیل باشد:

الف) خلاف شرع باشد.

ب) موجب فساد شود. به نظر می‌رسد سببیت برای فساد در جامعه، یک امر عرفی باشد و تشخیص آن بر عهده دادگاه صالحه است.

ج) موجب هتک عفت عمومی شود. ملاک

اداری (مصوب ۱۳۷۲/۹/۷)

این قانون که مشتمل بر ۲۷ ماده است، این قانون شامل مقررات تشکیل «هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان»، تشکیلات، حدود و وظایف، احصای تخلفات اداری و چگونگی رسیدگی، تجدید نظر و انواع مجازات‌هاست. در فصل دوم این قانون، با عنوان «تخلفات اداری» که شامل ماده ۸ می‌شود، از ۳۸ مورد به عنوان تخلفات اداری نام برده شده است. قانون‌گذار در ماده ۸ بیان می‌کند: «تخلفات اداری به شرح زیر می‌باشد: ... ۲۰. رعایت نکردن حجاب اسلامی...». جرم «بی‌حجابی» در این قانون، تخلف شناخته شده است و شامل تنبیه‌های یادشده در ماده ۹ می‌شود.

۳. بند ۵ ماده ۱۸ قانون بازداری نیروی انسانی وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت (مصوب ۱۳۶۰/۷/۵)

در بند ۵ ماده ۱۸ این قانون، رعایت نکردن حجاب اسلامی جزو اعمال خلاف اخلاق عمومی ذکر شده و ذیل ماده ۲۰ همین قانون، مجازات‌ها آمده است.

۴. بند ۱۲ ماده ۷ قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقات کشور (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲)

قانون‌گذار در ماده ۷ این قانون مقرر می‌دارد: «تخلفات انتظامی و جرایم شامل تخلفات انضباطی و اعمال خلاف شرع و اخلاق عمومی به قرار زیر می‌باشد: ... ۱۲. ارتکاب اعمال خلاف شرع و عدم رعایت حجاب اسلامی...».

قانون‌گذار برای جرایم یاد شده در ماده ۷، مجازات‌هایی را در ماده ۸ پیش بینی کرده است.

۵. بند ۸ ماده ۶۷ و ۶۸ آیین نامه اجرایی مدارس (مصوب ۱۳۷۹/۵/۲)

قانون‌گذار در این آیین نامه، به پوشش دانش‌آموزان دختر اشاره کرده است و در ماده

۷. ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بازی‌های هم‌بستگی بانوان کشورهای اسلامی

این آیین‌نامه همان گونه که از نام آن پیداست، برای اجرای بازی‌ها و مسابقات ورزشی است. قانون‌گذار در ماده ۲ آیین‌نامه، حجاب را تعریف کرده است، ولی نه به صورت کامل «تعریف حجاب: حجاب اسلامی عبارت از پوشیدگی اعضای بدن و موی سر».

این ماده، تنها جایی است که قانون‌گذار، حجاب را تعریف کرده است، ولی ابهام‌هایی در آن وجود دارد:

۱. آیا منظور از پوشیدگی اعضای بدن، شامل صورت و کفین نیز می‌شود؟
۲. شیوه پوشیدگی باید چگونه باشد؟ آیا صرف پوشیدگی کافی است یا لباسی که با آن بدن را می‌پوشاند، باید ویژگی خاصی داشته باشد؟ مثلاً اگر شخص لباس غواصی بپوشد، مصداق این ماده است یا نه؟

این ابهام‌ها نه فقط در این ماده، بلکه در تمام قوانین و آیین‌نامه‌هایی به چشم می‌خورد که قانون‌گذار به گونه‌ای در آن‌ها به مسأله حجاب، اشاره کرده است. بنابراین، برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، با توجه به ابهام، سکوت و اجمال قانون و با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۲۸۹ قانون اصلاح موادی از آیین دادرسی کیفری، ماده ۲۹۹ قانون تشکیلات دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و مراجعه به منابع معتبر اسلامی می‌کوشیم تعریف دقیق، حدود و مصداق‌های حجاب را از آن‌ها استخراج کنیم.

ب- حجاب در حقوق بین‌الملل

آنچه اقلیت‌های دینی را از دیگران متمایز می‌سازد، باورهای مذهبی آنها است. اگر در حمایت از آنان این تفاوت منظور نگردد، در واقع حق فردی آنها و حق موجودیت و هویت آنان نیز نادیده گرفته می‌شود. رفتار برابر با اکثریت، بدون توجه به تفاوت‌های مذهبی یا قومی بی‌اثر ساختن آن دسته از قواعد حقوق

بین‌الملل بشری است که اجازه می‌دهد این تفاوت مورد توجه قرار گیرد. وانگهی تفاوت‌های قومی و فرهنگی افراد داخل در قلمرو زندگی خصوصی است، بدین جهت آنها از اکثریت متمایز می‌شوند. اجتماع باید اقلیت‌ها را تحمل کند و دولت هم باید این گروه‌ها را در برابر فشار اکثریت حمایت نماید.

همچنین با توجه به فقدان یک سند جامع خاص حقوق اقلیت‌ها، ممنوعیت پوشش اسلامی در هر کشور با توجه به مقررات داخلی همان کشور قابل بررسی است.

۱- اصل عدم تبعیض و برابری

عدم تبعیض بر اساس مذهب و آزادی مذهبی در بسیاری از اسناد حقوق بشری آمده است. ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی سیاسی مقرر می‌دارد:

«۱- هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حقوق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات، به صورت فردی یا جمعی، علنی یا پنهان، در عبادات و اجرای آداب، اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد».

«۲- هیچ کس نباید مورد اکراه واقع شود تا به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا به معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد».

«۳- آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌ها نمود، مگر منحصر به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد».

«۴- دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و بر حسب مورد، سرپرست‌های قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند».

ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مشابه متن فوق است.

بر اساس موازین حقوق بین‌الملل بشر، دولت‌ها

متعهدند درباره آزادی‌های دینی از اجبار خودداری کنند. دولت‌ها آنگونه که در بند ۳، ماده ۱۸ میثاق مزبور آمده، فقط تحت شرایط خاصی، مثلاً هرگاه ضرورت سلامت، نظم و اخلاق عمومی جامعه ایجاب نماید یا ابراز عقیده با حقوق اساسی دیگران در تعارض باشد؛ می‌توانند در انجام امور دینی محدودیت ایجاد کنند

بر این اساس به نظر نمی‌رسد «چادر»، «عبا»، «مانتو» و لباس زن مسلمان، «دستار» و «عمامه» پیروان مذهب سیک، «کلاه» یهودیان، «صلیب» مسیحیان، خطری برای سلامت عمومی جامعه و نظم عمومی یا اخلاق باشد و با حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران نیز در تعارض قرار گیرد.

۲- ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی سیاسی

منع حجاب، نقض ماده ۲۷ میثاق است. یک نمونه قانون ناقض این ماده قانون منع حجاب در مدارس فرانسه (۱۵ مارس ۲۰۰۴م) است که با مخالفت‌های بسیاری از سوی جوامع مذهبی و حقوق بشری مواجه گردید. به تصریح برخی از سازمان‌های مدافع حقوق بشر، قانون منع استفاده از نشان‌های مذهبی در فرانسه، حتی اگر در عبارات بی‌طرفانه‌ای تنظیم شود؛ بیشترین پی‌آمد آن متوجه دختران و زنان مسلمان خواهد شد و این ناقض اصل عدم تبعیض و حق برابری در فرصت‌های آموزشی است.

زیرا دولت فرانسه در رابطه با ماده ۲۷ میثاق اعلام نموده: «با توجه به اصل ۲ قانون اساسی، این ماده را تا آنجا که مربوط به دولت فرانسه می‌شود، قابل اجرا نمی‌داند». مطابق اعلامیه دولت فرانسه: «این دولت مساوات افراد در برابر قانون را بدون ملاحظه تفاوت قومی و مذهبی افراد در نظر می‌گیرد... فرانسه کشوری است که در آن اقلیت وجود ندارد». همچنین در سال ۱۹۹۱م. دولت فرانسه اعلام داشت: «تأمینیت فرانسوی در منطق برابری نهفته است و نه

زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی است. پس موارد زیر نیز شامل این حاکمیت است: (الف) مناطق آزاد (گاه دیده شده است حجاب در آن جا رعایت نمی‌شود)؛ (ب) سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گری‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور؛ (ج) فرودگاه‌ها و سالن‌های ترانزیت (چون جزو قلمرو حاکمیت زمینی ایران است)؛ (د) هواپیماهایی که وارد قلمرو هوایی جمهوری اسلامی ایران می‌شوند.

حجاب از منظر فقهی

بی‌گمان بدحجابی و بی‌حجابی از دیدگاه شرع مقدس حرام بوده و از مصادیق منکر محسوب می‌شود و نهی از آن به ضرورت دین و مذهب واجب است و بسیاری از فقها به وجوب نهی از این گونه منکرات تصریح نموده‌اند (الاقتصاد الیه الی طریق الرشاد، شیخ طوسی، ص ۱۴۸؛ غایه المراد، المقدمه، ص ۶۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۶۳؛ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۵۶-۳۵۷؛ ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۳۹۷-۳۹۹) و این در حالی است که تبعات و آثار اجتماعی برهنگی زنان و بی‌بند باری و ولنگاری بر کسی پوشیده نیست و حتی جوامع و کشورهای که روزگاری به سمت و سوی بی‌حجابی رفتند مانند کشور همسایه‌مان ترکیه، اینک قانون منع حجاب را منسوخ نموده است.

محمل دیگری که برای الزام حجاب در جامعه وجود دارد مساله تعزیر است که برخی از موارد آن در سیره عملی حضرات معصومین - علیه‌السلام - و روایات وارده یافت می‌شود و برخی از آن را از کلیاتی که از معصومین به ما رسیده است به دست می‌آید به عنوان مثال در کتب فقهی و روایی ما برای مصادیقی چون ترک نماز از روی عمد و بدون عذر، روزه خواری عمدی و تظاهر به آن در ماه رمضان، امتناع از پرداختن دین و بدهی، غضب خوردن مال یتیم، خیانت در امانت و... تعزیر در نظر گرفته شده است و در مواردی که مصادیق و افراد آن

به این کشور مهاجرت کردند و در حقوق خصوصی به سنت‌های خود عمل نمودند، حضور در مساجد و برپایی تشریفات مذهبی و... مخالف نظم عمومی نیست. از منظر حقوقی نمی‌توان با وجود حق شناخته شده آزادی دینی، پوشش تعدادی از دانش آموزان و دانشجویان را در مدارس دولتی نشان مذهبی قلمداد نمود که می‌تواند اصول جدایی دین و دولت را در مدارس تضعیف نماید. اصولی که به این آسانی تضعیف شود؛ باید در استحکام آن چاره‌ای اندیشید. شاید به همین خاطر است، برخی در جانبداری از ممنوعیت حجاب، آن را حمایت از دختران مسلمان در برابر اجبار والدین تصور کرده‌اند. اما بر عکس حقوق بین الملل، در مواد ۱۸ و ۵ کنوانسیون حقوق کودک و مانند آن همواره بر مسؤولیت‌های والدین و تکالیف آنان در قبال فرزندان تأکید داشته و مسؤولیت اخلاقی و آموزش‌های دینی را در درجه نخست، حق والدین می‌داند.

ج- قلمرو حجاب

ماده ۳ ق. م. ۱ مقرر می‌دارد: «قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی، هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌گردد، مگر آن که به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

از این ماده می‌توان نتیجه گرفت:

۱. اطلاق این ماده، شامل مسلمان و غیرمسلمان می‌شود. بنابراین، به جز موارد خاصی که ارتکاب آن‌ها برای غیر مسلمانان، جایز دانسته شده است، در دیگر موارد، با توجه به صراحت ماده ۳ ق. م. ۱، مسلمان و غیرمسلمان یک‌سان است. خارجیانی که بر اساس مفاد قانون اتباع بیگانه و مقررات ماده ۴۱ قرارداد بین‌المللی مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۸ از مصونیت‌هایی بهره‌مند می‌شوند، مکلف به حفظ و اجرای قوانین و مقررات کشور پذیرنده هستند و باید آن را محترم شمارند.
۲. دایره شمول قوانین جزایی، قلمرو حاکمیت

منطق اقلیت‌ها... افراد صرف نظر از هر نوع تعلق به نژاد یا مذهب در برابر قانون مساوی هستند» (poulter, ۱۹۹۷: p. ۵۱). بر این اساس در فرانسه مفهوم اقلیت مذهبی شناسایی نشده است. لذا با این اعلام معلوم می‌شود، حقوق بشر در فرانسه دستخوش تحول شده است.

اگر این اعلام و حق شرط فرانسه مبنای ارزیابی قرار گیرد، معیارهای دوگانه پذیرفته نیست؛ زیرا همانگونه که یهودیان می‌توانند روزهای شنبه در مدرسه حاضر نشوند، دختران محجبه نیز باید در برابر قانون نسبت به ابراز نشان‌های مذهبی مساوی باشند. اصل عدم تبعیض منطق این برابری است. اگر چه به نظر برخی حجاب بیشتر یک وابستگی فرهنگی است تا یک سمبل و نشان مذهبی؛ زیرا در کشورهای مختلف تنوع پوشش و حجاب وجود دارد و بین پوشش‌های روستایی و شهری نیز تفاوت مشهود است. از آنجا که اسلام در مورد نوع و رنگ لباس قواعد خاصی را تحمیل نکرده است، هر ملتی می‌تواند با بهره‌گیری از سنت خود پوششی که عرفاً حجاب محسوب می‌شود، استفاده نماید. حجاب در برداشت بسیاری از مسلمانان، نشان عفاف است که ریشه در آیات قرآن از جمله آیه ۳۱ سوره نور دارد. بر این اساس اگر حجاب، نشان فرهنگی نیز باشد، باید بر اساس موازین حقوق بشر اقلیت‌ها به این دسته اجازه داد، از پوشش مورد نظر خود استفاده نمایند.

البته مفهوم لائسیسته در این کشور مبهم و چند پهلواست. از یک سو لائسیسته را بی‌طرفی منفعل تعریف می‌کنند که در پرتو اصل عدم تبعیض به دولت اجازه نمی‌دهد، در زندگی خصوصی و مذهبی افراد مداخله کند، از سوی دیگر چنان فعال قلمداد می‌شود که در برابر هرگونه اختیارات مذهبی، واکنش نشان داده و دولت را مجاز می‌دارد، در امور سازمان‌های مذهبی به نفع نظم عمومی مداخله نماید. در فرانسه این پارادوکس و تناقض آنگاه پدید آمد که بسیاری از افراد از سرزمین‌های تحت استعمار این کشور از جمله الجزایر و شمال آفریقا از سال ۱۹۶۰ م.

بیان نگردیده بر اساس آموزه‌های فقهی باید از کلیات مدد جست و احکام مصادیق و جزئیات را استخراج کرد از این رو ائمه معصومین - علیهم السلام - فرموده‌اند: «علینا إلقاء الاصول و علیکم التفریع» (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۶۲؛ الفوائد الطوسیة، ص ۴۶۳؛ السرائر، ج ۳، ص ۵۷۵). «ما اصول و کلیات را برای شما بیان می‌کنیم و شما مصادیق و جزئیات را از آن استخراج و استنباط کنید» و همچنان که جمعی از فقیهان برجسته و فرهیخته امامیه تصریح نموده‌اند در مورد تعزیر نیز چنین کلیاتی وجود دارد مرحوم شیخ طوسی در مبسوط خویش می‌نویسد: «کل من اتی معصیه لایجب بها الحد فانه یعزّر» هر گناهی که دارای حدّ شرعی نباشد تعزیر دارد. (المبسوط، ج ۸، ص ۶۹)

مرحوم محقق حلی در شرایع الاسلام و علامه حلی در قواعد الاحکام آورده‌اند: «کل من فعل محرما او ترک و اجبا فللامام تعزیر» هر کس کار حرامی را مرتکب شود یا عمل واجبی را ترک کند، امام و حاکم اسلامی می‌تواند او را تعزیر کند. (شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۱۶۸؛ قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۶۲)

صاحب جواهر، فاضل اصفهانی و ابو الصلاح حلبی و شهید ثانی نیز در کتب فقهی خود به همین بیان تصریح نموده‌اند. (جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۴۸؛ کشف اللثام، ج ۱۰، ص ۵۴۴؛ الکافی فی الفقه، ص ۴۱۹؛ مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۴۵۷). فقیه محقق صاحب ریاض در کتاب دیگر خود پس از بیان این کلیات، می‌نویسد: «اگر نهی و توبیخ و امثال آن تأثر کرد آن گاه تعزیر واجب می‌شود». (الشرح الصغیر، ج ۳، ص ۳۶۹-۳۶۸)

مرحوم صاحب جواهر (جواهر الکلام، همان، ص ۴۴۹-۴۴۸) و آیت الله العظمی خویی مدعی شهرت عظیم و بلکه اتفاق فقه‌های امامیه در این زمینه‌اند. (مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۱، ص ۴۰۹-۴۰۷؛ رک: مذهب الاحکام، ج ۲۸، ص ۳۵)

بنابراین اگر در مورد حجاب و وجوب ستر و

پوشش نص خاصی هم وارد نشده باشد می‌توان با استفاده از این قواعد کلی که برگرفته از روایات اهلبیت - علیهم السلام (الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۱۵؛ الوافی، ج ۱۵، ص ۲۰۷؛ المحاسن للبرقی، ج ۱، ص ۲۷۵) است حکم قضیه را استخراج نمود. از این رو حضرت امام علی بن موسی الرضا - علیه السلام - بنا بر نقل شیخ المحدثین صدوق در فلسفه ارسال رسل و جعل وصی و امام، فرمود: «فجعل علیهم قیما یمنعهم من الفساد و یتیم فیهم الحدود و الاحکام» (علل الشرایع، ص ۲۵۲؛ الجامع للشرایع، ص ۵۶۸). و حداقل مفسده‌ای که بر ترک حجاب و عفاف مترتب است شکسته شدن هیمنه دین، تجری بر احکام خدا و ریختن قبح و زشتی گناه است و چه مفسده‌ای از این بالاتر.

حدود، کیفیت و مصادیق‌های حجاب

آیات ذیل به «آیات حجاب» معروف هستند و فقیهان برای تعیین حدود حجاب به این آیات مراجعه می‌کنند. البته تفسیر این آیات، بحث بسیار مفصلی است که در این مقال نمی‌گنجد.

الف- قرآن کریم

آیه اول - سوره نور، آیه ۳۱.

و به زنان با ایمان بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر مجاز) چشم پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ کنید و جز آن چه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گردن خویش بیافکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر خود، یا پدر خود یا پدر شوهر خود، یا پسر خود، یا پسر شوهر خود (که از همسر دیگر است) یا برادر خود، یا پسر برادر خود، یا پسر خواهر خود، یا زنان (هم کیش) خود، یا آن چه را مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمت‌گزار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سن تمییز نرسیده) و به امور جنسی زنان آگاه نیستند. پای خود را نیز

به گونه‌ای به زمین نکوبند که آن چه از زیور مخفی دارند، آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید.

آیه دوم - سوره نور، آیه ۶۰.

و بر زنان بازنشسته‌ای که امیدی به ازدواج ندارند، باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند، به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است.

آیه سوم - سوره احزاب، آیه ۵۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود برای خوردن غذا (به شرط آن که پیش از موعد نیابید) و در انتظار وقت غذا نباشید، ولی هرگاه دعوت شدید، پس داخل شوید و وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید و (پس از خوردن غذا) به گفت و گو نپردازید. همانا این (گفت و گوهای پس از غذا) پیامبر را آزار می‌دهد، ولی او از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) و خداوند از (گفتن) حق شرم ندارد. هرگاه از همسران پیامبر، چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید، از پشت پرده بخواهید. این رفتار برای دل‌های شما و دل‌های آنان به پاکی و پاک دامنی است و شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است.

آیه چهارم - سوره احزاب، آیه ۵۵.

بر زنان، (نداشتن حجاب) در مورد پدران شان و پسران شان و برادران شان و پسران برادران شان و پسران خواهران شان و دیگر زنان مسلمان و کنیزان شان گناهی نیست و تقوای الهی پیشه کنید؛ زیرا خداوند بر هر چیزی گواه است.

آیه پنجم - سوره احزاب، آیه ۵۹

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان

مصادق‌های حجاب و این که در چه جاهایی باید حجاب رعایت شود و در چه جاهایی می‌توان بدون حجاب بود

۱. در صورتی که عکاسی نامحرم و ظهور آن، به ترویج باطل صدق کند، باید حجاب شرعی رعایت شود.

۲. زن باید از بچه ممیز، خود را بپوشاند.

۳. اختلاط زن و مرد اگر مستلزم نگاه کردن نامحرم به زن، بدون پوشش باشد یا با زینت باشد، حرام است.

۴. دکتر نامحرم، جز در مواقع اضطرار نمی‌تواند به بدن زن نامحرم نگاه کند.

۵. برای آمپول زدن، فشار خون یا نبض گرفتن، بالا زدن آستین، جایز نیست، مگر در مقام اضطرار.

۶. عکس گرفتن همراه نامحرم، بدون پوشش کافی، برای زن جایز نیست.

۷. اگر خانمی بداند، عکسی که بدون حجاب کامل شرعی می‌گیرد را نامحرم می‌بیند؛ جایز نیست بدون حجاب عکس بگیرد.

بایان آیات، روایات و فتاوای معتبر، معنای دقیق حجاب، حدود و شیوه پوشش و مصادق‌های آن مشخص شد. ممکن است این ابهام پیش آید که این موارد، همه مربوط به بی‌حجابی است، نه بدحجابی. باید گفت به طور کلی، واژه «بدحجابی»، غلط است؛ زیرا حجاب معنای تشکیکی ندارد؛ یعنی حدود حجاب و شیوه و مصادق‌های آن روشن است و جز آن، بی‌حجابی تلقی می‌شود. رابطه دو واژه حجاب اسلامی و بی‌حجابی، رابطه متناقضی است و حدّ سومی وجود ندارد.

راهکارهای گسترش حجاب و عفاف

حجاب ملی و اسلامی با ید با ارایه‌ی الگوی واحد و متناسب با دو اصل اسلامیت و ملیت برگرفته از تمدن اسلامی و ملی که پشتوانه‌ی کار کارشناسانه‌ی مبتنی بر تحقیق و بررسی عملی به همراه داشته باشد، ارایه شود و در قانون احصاء گردد و ملاک عمل در رفتار و کردار فردی

حدود پوشش بانوان

۱. پوشاندن دست، در صورت داشتن انگشتر.

۲. پوشاندن آن چه در عرف، زینت محسوب می‌شود.

۳. در صورت وجود مفسده، در عدم پوشاندن وجه و کفین، واجب آن است که پوشانده شود.

۴. نمایاندن کف پا، روی پا، قوزک پا و پاشنه پا، در مقابل نامحرم، شرعاً جایز نیست.

۵. پوشاندن موی سر (تمام موی سر)، واجب است.

۶. اصل آرایش کردن، اشکال ندارد، اما واجب است از نامحرم پوشانده شود.

۷. وجوب پوشاندن پایین چانه و عدم وجوب پوشاندن خود چانه؛ (چون جزو صورت است).

شیوه پوشش بانوان

۱. پوشیدن جوراب‌های نازک و بدن نما برای حجاب شرعی کفایت نمی‌کند.

۲. پوشیدن چیزی که از جهت رنگ یا شکل یا نحوه پوشیدن، باعث جلب توجه اجنبی شود و موجب فساد و ارتکاب حرام گردد، جایز نیست.

۳. از پوشیدن هرگونه لباس مهیج باید خودداری شود.

۴. خودداری از پوشیدن لباسی که پارچه یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشد، معمول نیست.

۵. استفاده از لباس‌هایی که ترویج فرهنگ غیر مسلمین مهاجم بر مسلمان است، اشکال دارد.

۶. استفاده از چادرهای براق (شرمن)، در صورتی که جلب نظر نامحرم کند و باعث انگشت نما شدن شود، اشکال دارد.

۷. پوشیدن چادرهایی که مو یا سایه دست‌ها از پشت آن نمایان باشد، جایز نیست.

۸. هرگونه لباس مهیج برای عروس به منظور استفاده کردن در میان نامحرم، حرام است.

۹. پوشیدن لباس‌هایی که فقط کفار می‌پوشند، حرام است.

۱۰. جوراب‌های نازک که پوست پا نمایان می‌شود، حکم پوشش ندارد.

بگو: روسری‌های بلند بر خود بیافکنند. این (کار) مناسب تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و آزار نبینند و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

آیه ششم - سوره احزاب، آیه ۳۳

و در خانه‌های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیت نخستین، با خودآرایی ظاهر نشوید (و زینت‌های خود را آشکار نکنید) و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسولش پیروی کنید. همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت (پیامبر) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

ب- فتاوی فقیهان درباره حجاب

به جز منابع معتبر اسلامی، قانون‌گذار برای رفع ابهام، اجمال و سکوت قانون به منبع دیگری نیز اشاره کرده و آن فتاوی معتبر است که در قانون تعریف نشده است. به نظر می‌رسد منظور از فتاوی معتبر، فتاوی علما و مراجعی است که مورد تأیید اهل علم باشد. با توجه به تعداد زیاد فتاوا و مجال کم، اکنون تنها به بیان نظر رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌پردازیم. بیان این نکته ضروری است؛ چون ممکن است فقیهان در این مورد با هم اختلاف نظرهایی داشته باشند.

در تعریف حجاب، پرسشی بدین شرح مطرح شده است: حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ آیا برای این منظور، پوشیدن لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند؟ اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر نامحرم باید رعایت شود؟

پاسخ امام خمینی (ره) نیز چنین است: «واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند، مانع ندارد، ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباس‌هایی که توجه نامحرم را جلب می‌کند، باید اجتناب کرد».

و اجتماعی باشد.

حجاب و پوشش قومی، محلی، منطقه‌ای که مربوط به مناطق و قومیت‌های مختلف بوده و مبتنی بر نوعی عادت و الزام قومی، قبیله‌ای و از نسل‌های گذشته بعنوان یک الگو در هر قبیله و قوم اجراء می‌شود، مورد توجه قرار گیرد.

اهمیت ندادن به عفاف و حجاب از سوی برخی و کم‌توجهی مسئولان و متولیان امور فرهنگی به اجرای آن در جامعه، آثار زینبار فردی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت و ممکن است به تدریج بنیادهای ارزشی و اخلاقی را سست و متزلزل کند و زمینه‌های انحطاط فرهنگی و معنوی را فراهم سازد، از این رو شناخت عوامل مؤثر در سیر نزولی توجه به عفاف و حجاب بسیار مهم است و می‌تواند ما را در تبیین و تقویت هرچه بهتر راهکارهای اجرایی عفاف و حجاب یاری دهد.

روشن است که همه کشورهای اسلامی به ویژه کشور ایران در حال حاضر مورد شدیدترین تهاجمات فرهنگی قرار دارد و استکبار جهانی با امکانات بسیار گسترده و بکارگیری دهها و صدها فرستنده رادیویی و تلویزیونی و کانال‌های بی‌شمار ماهواره‌ای و شبکه‌های گسترده خبری و رسانه‌ای و صرف میلیاردها دلار، به شدت می‌کوشد ارزش‌های معنوی و اخلاقی و اعتقادات دینی را زیر سؤال ببرد و جوانان مسلمان را از پایبندی به آموزه‌های دینی دور سازد و آنان را به سمت اباحی‌گری سوق دهد، و آزادی بی‌بندوباری را ترویج کند. از اینرو، توسعه فرهنگ کنکاش و تفکر در مفاهیم دینی توسط جوانان به منظور پذیرش درونی و قلبی و عمل به آنها - ارتقای سطح آگاهی جوانان در خصوص ارتباطات صحیح انسانی و اخلاقی بین آنها و حفظ حدود عفاف و حجاب در جامعه و خانواده؛ تبیین دیدگاه اسلام در خصوص عفاف، پوشش، حجاب و ضرورت بیان، فلسفه، احکام و دستاوردهای مثبت رعایت آن در جامعه متناسب با شرایط سنی جوانان و نوجوانان با شیوه‌های جذاب؛ - تبیین نقش عفاف و حجاب

در تقویت هویت ملی و فرهنگی جوانان و تأثیر آن بر استقلال فرهنگی و سیاسی کشور؛ زمینه‌سازی اجتماعی مناسب برای دختران و پسران جهت کشف، هدایت و بروز قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و تأمین مطالبات خود به منظور جلوگیری از بروز جلوه‌گری‌های نامناسب در حیطه فرهنگ عفاف و حجاب؛ اهتمام جدی نهاد خانواده نسبت به تأمین نیازهای عاطفی و شخصیتی فرزندان به ویژه دختران و تأثیر آن در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی آنها؛ تبیین آموزه‌های دینی در خصوص ضرورت رعایت اصول حیا و عفت متناسب با قابلیت‌ها و ویژگی‌های زنان و مردان و ایجاد تعادل در روابط اجتماعی آنها؛ توجه دادن به رعایت و نیز باور پوشش نه به عنوان یک اجبار اجتماعی بلکه به عنوان یک ارزش انسانی، دینی و معنوی و یک باور قلبی جهت مصونیت از زشتی‌ها و آسیب‌های اجتماعی؛ تبیین ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و نشانه‌های روشن از وجود حجاب و پوشش در ادیان الهی و جوامع دارای سابقه تاریخی و تمدن فرهنگی؛ اهتمام جدی مراکز فرهنگی و کلیه رسانه‌های کشور نسبت به ارایه الگوی مطلوب از عفاف و حجاب در محصولات فرهنگی خود (فیلم، سریال، تئاتر و...) و پرهیز از ایجاد تضاد و تناقض برای جوانان در این امر؛ الگوسازی و ایجاد گرایش‌های عمیق و پایدار نسبت به امر حجاب و عفاف از طریق معرفی سیره عملی معصومین (ع)، بزرگان علمی و ادبی و فرهنگی، منطبق با مقتضیات زمان و مکان و شرایط سنی جوانان؛ جهت‌دهی و تقویت امر عفاف و حجاب با استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت سازمان‌ها، احزاب، تشکلات غیر دولتی و هیأت‌های مذهبی در کشور؛ نظارت دقیق و همه جانبه در امر تولید و نشر کتاب، مطبوعات و مجلات سینمایی در خصوص رعایت حریم عفاف و حجاب از نظر محتوایی و شکلی؛ تبیین عدم مغایرت پوشیدگی، حجاب و عفاف با حضور و فعالیت‌های اجتماعی زنان و رفع شبهه تعارض بین آن دو؛ پرهیز از برخورد‌های خشن، فیزیکی

و تحقیرآمیز یا متخلفین؛ هماهنگی و وحدت رویه مستمر و پایداری در برخورد باناهنجاری‌های فرهنگی توسط دستگاه‌های مختلف در چارچوب قانون از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند در گسترش فرهنگ حجاب و عفاف مؤثر واقع شوند.

جمع بندی و نتیجه گیری

حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده و گرایش‌های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است. اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان، اروپا، قوم یهود و ... مرسوم بوده است. اسلام، نه تنها واضع قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارایه نموده است.

بنا بر فتاوی فقها حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه لغوی عفت نیز وجود دارد؛ بنابراین، دو واژه‌ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش‌تری دارد؛ و

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۴.

۱۰- زارعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۲

۱۱- ضیایی بیگدلی، محمدرضا: «حقوق بین‌الملل عمومی»، گنج دانش، چ بیست و دوم، ۱۳۸۴.

۱۲- صفار دستگردی، مهدی، «اسب‌های جامعه شناختی بدحجابی زنان»، بالاثارات الحسین، شماره ۲۷۱، تهران، ۱۳۸۳، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۵۳.

۱۳- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷.

۱۴- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

۱۵- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: گلبان، ۱۳۸۰.

۱۶- قریشی، علی اکبر. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، ج ۵، ج ۱.

۱۷- قیاسی، جلال الدین، روش تفسیر قوانین کیفری، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹

۱۸- کرباسی، محمد مهدی، «ماهیت جرم از دیدگاه فقه و قانون جزا»، معرفت، شماره ۵۸، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۳۱.

۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب اسحاق. اصول کافی. بیروت. دارالاضواء، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۵.

۲۰- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲.

۲۱- گودرزی، محمدرضا، «محدوده قانون جزا و گستره جرم انگاری از دید مکاتب حقوق کیفری»، مجله حقوقی

۲۲- قضایی دادگستری، شماره ۲۹، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۳۱.

۲۳- محمدی آشنائی، علی. حجاب در ادیان الهی. قم: اشراق، ۱۳۷۳.

۲۴- مطهری، مرتضی. مسأله حجاب. تهران: نشریه انجمن اسلامی، ۱۳۵۳.

۲۵- معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹، ج ۱.

۲۶- مهدی‌زاده، حسین، «دفاع غیر حقوقی از جرم مشهود بدحجابی»، روزنامه رسالت، ۱۳۸۳/۴/۳، تهران، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۵۳.

۲۷- مهدی قانع، «انسان پوشش و ریشه‌های تاریخی» پیام زن، شماره ۱۹،

۲۸- میرزا وزیر، هما، سیری دوباره در آیات حجاب، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۶، ۱۳۸۳، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۵۳.

۲۹- منصور، جهان‌گیر، قانون مجازات اسلامی (حدود - قصاص - دیات - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، چاپ هجدهم، تهران، نشر دیدار، ۱۳۸۲.

۳۰- هدایت، مهدی قلی. خاطرات و خطرات. تهران: زوار، چ ۴، ۱۳۶۳.

۳۱- هدایت‌خواه، ستار. زبور عفاف. مشهد: معاونت پرورشی سازمان آموزش و پرورش خراسان، ۱۳۷۴.

استفاده از پوشش اسلامی بیش از آنکه بر مبانی حقوقی محکمی استوار باشد؛ ریشه در فشارهای سیاسی و اجتماعی دارد.

بر اساس معیارهای حقوق بشر باید استفاده از پوشش اسلامی یا عدم استفاده از آن یکسان حمایت شود. منع حجاب علاوه بر آنکه تبعیض محسوب می‌شود با حق آزادی دینی و حق تحصیل زنان مسلمان در تعارض است. چنین مقرراتی کمتر با منطق حقوقی همراه است و به تصمیمات سیاسی شبیه‌تر است که البته دیوان اروپایی حقوق بشر نیز از تأثیرات آن دور نمانده است.

منابع

- ۱- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین. لسان العرب. بیروت: دارصادر، ۲۰۰۰، چ ۴.
- ۲- الحرائی، حسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین ۱۳۶۳.
- ۳- ترنبری، پاتریک: «حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها»، مترجمان، آزیتا شمشادی، علی اکبر آقایی، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، چ اول، ۱۳۷۹.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، چاپ اول، تهران، کتاب خانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
- ۵- حبیب زاده، محمد جعفر و محسن عینی نجف آبادی، «مینا و ملاک تعزیر»، قسمت اول، نشریه دادرسی، سال ششم، ۳۲، خرداد و تیر ۱۳۸۲، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۲۷؛ شماره ۳۴، مهر و آبان ۱۳۸۱، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۳۱.
- ۶- حبیب زاده، محمد جعفر و کیانوش کوراهی مقدم، «ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و رویارویی آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات»، دو ماه نامه علمی و پژوهشی دانشور، سال نهم، شماره ۳۹، تیر ۱۳۸۳، تهران، دانشگاه شاهد، لوح فشرده نمایه، شماره ۱۳۵.
- ۷- حجتی اشرفی، غلام‌رضا، مجموعه قوانین اساسی - مدنی (با آخرین اصلاحات و الحاقات)، چاپ هفتم، تهران، کتاب خانه گنج دانش، ۱۳۸۱.
- ۸- حدادی، مهدی: «ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- ۹- ذوالعین، نادر: «حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل» مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۷۳ تا تابستان ۱۳۷۴.
- ۹- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالشماعیه، ۱۹۹۲ م.
- زمانی، سید قاسم: «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده

بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش‌تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد. قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس‌های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می‌گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر را نیز بر ندارند، بهتر است. علاوه بر رابطه‌ی قبل، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه‌ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله‌ی خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه‌ی مراتب عفاف نیست و عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انتظار عمومی ظاهر می‌شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. با احراز شرایط در مورد مجرم، عمل بی‌حجابی، جرم تلقی می‌شود و قابل مجازات است. حقوق بین‌الملل در پرتو اصل عدم تبعیض و برابری، از اقلیت‌های دینی حمایت می‌نماید. با الهام از این اصول، ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی سیاسی، اعلامیه ۱۹۹۲ م. و کنوانسیون ۱۹۸۹ م. حقوق کودک بر حقوق اقلیت‌ها تصریح نموده‌اند. با وجود محدودیت‌هایی که در حفظ و حمایت از حقوق اقلیت‌های دینی وجود دارد؛ نظام بین‌الملل حقوق بشر از آنان حمایت به عمل می‌آورد. ممنوع دانستن حجاب نقض حقوق بشری افراد و آزادی دینی آنان است. اصل عدم تبعیض و برابری، حق آزادی دینی و عمل به آن از اقلیت‌های دینی که مایل به انجام وظایف دینی هستند، حمایت می‌نماید. ممنوعیت

□ نوشته: مرضیه محمدخانی (کارشناس ادبیات فارسی منطقه یک قم)

ویژه‌نامه سومین جشنواره دختران آفتاب
مقالات

چکیده

تربیت دینی و عمق بخشیدن به آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان؛ باعث مصونیت آنان از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود، زیرا بسیاری از شرارت‌های افراد ناشی از نداشتن تربیت دینی و اخلاقی می‌باشد و درونی شدن ارزش‌های دینی مانند حجاب باعث می‌شود آنان در برابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند. والدین و مربیان اگر بخواهند کودکان را با حجاب آشنا کنند و این امر را در آنان نهادینه سازند، باید از سنین کودکی و نوجوانی شروع کنند، چرا که فردا دیر است. در نظام تربیتی اسلامی آغاز تعلیم و تربیت با استفاده از روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های صحیح تربیتی جایگاه ویژه‌ای دارد. درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می‌نشیند که نظریه‌های تربیتی در قالب شیوه‌های صحیح و درست به اجرا درآید.

یافته‌ها

روش‌های محبت، تشویق، بصیرت بخشی، الگوآفرینی و روش قصه‌گویی مؤثرترین روش‌هایی هستند که والدین و مربیان را در درونی کردن حجاب در کودکان و نوجوانان یاری می‌دهند.

روش تحقیق
توصیفی-تحلیلی

واژگان کلیدی
کودک و نوجوان، نهادینه کردن، تربیت دینی، روش‌شناسی، حجاب و عفاف

شیوه‌های مؤثر برای نهادینه کردن حجاب در کودکان و نوجوانان

مقدمه

آشنا کردن کودکان و نوجوانان با معارف و ارزش‌های دینی و مذهبی یکی از اصول مهم در تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می‌شود. و روز به روز با توسعه‌ی زندگی اجتماعی، علمی و سیاسی ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود. بنابراین یکی از محورهای مهم و اصلی تربیت باید عمق بخشیدن آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان باشد، زیرا در این صورت است که فرزندان از هر نوع آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند. بسیاری از شرارت‌ها و آسیب‌هایی که به دختران و زنان جامعه وارد می‌شود ناشی از نداشتن حجاب و عفاف می‌باشد. درونی کردن این ارزش بین دختران و زنان باعث می‌شود آنان در برابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند. مناسب‌ترین زمان برای درونی کردن ارزش‌های اسلامی و تربیت دینی فرزندان دوره کودکی و نوجوانی می‌باشد. زیرا روح آنان در این زمان انعطاف‌پذیری قابل توجهی دارد و هر چه انسان بزرگتر می‌شود از این انعطاف کاسته می‌شود. و با توجه به این که کودک در این دوران از حساسیت‌ها و لطافت‌های خاصی برخوردار است باید از بهترین شیوه‌ها بهره گرفت تا نتایج مفید و مؤثر حاصل شود. یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت تشویق کارهای خوب کودکان و نوجوانان است. تشویق راهی مناسب در ایجاد انگیزش به سوی حجاب و عفاف می‌باشد. تشویق در روح آنان اثر می‌گذارد و آنها را به انجام اعمال نیک تحریض و ترغیب می‌کند. یکی دیگر از شیوه‌ها روش الگویی است. در این روش فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌کند و تحت تأثیر مشاهده، از رفتار دیگران پیروی نموده و خود را با آن همساز می‌کند. روش محبت یکی از عوامل بسیار مهم در جذب افراد می‌باشد که اثر آن بر روی فرد تربیت شونده عمیق و درازمدت می‌باشد. و در این مدت مربی می‌تواند منویات تربیتی خود را به کودک القا کند و تغییر رفتار را در کودک را مشاهده کند. داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به انجام یک کار دوام و قوام آن عمل را بیشتر خواهد کرد بنابراین روش بصیرت بخشی روش مؤثری برای نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. با روش قصه‌گویی می‌توانیم در اعماق روح کودک نفوذ کنیم و با بیان قصه‌های آموزنده و جذاب کودکان را با شخصیت‌های قصه همانند سازیم.

ضرورت تربیت دینی در کودکی

پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) وقتی به بعضی از کودکان نظر افکند فرمود: «وای به فرزندان آخرالزمان از روش ناپسند پدرانشان» عرض شد: یا رسول الله از پدران مشرک؟ فرمود: «نه از پدران مسلمان که به فرزندان خود هیچ یک از فرائض دینی را نمی‌آموزد و به ناچیزی از امور مادی درباره‌ی آنان قانع هستند، من از این مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزار». (مستدرک، جلد دوم، ص ۶۲۵)

تربیت دینی فرزند یک ضرورت است کسانی که تربیت کودکان و نوجوانان

خود را از وظایف خویش به حساب نمی‌آورند و بیشتر به امور روزمره‌ی خود می‌پردازند منتظر پیامدهای این بی توجهی‌ها باشند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: مانند ستم پیشگان دوران جاهلیت نباشید که نه در پی آگاهی دینی بودند و نه در شناسائی خدا اندیشه می‌کردند، مثل تخم افعی در لانه پرندگان که شکستن آن گناه است، زیرا گمان می‌رود تخم‌پرنده باشد، اما جوجه آن شر و زیانبار است، یعنی ظاهر شما به حکم محیط اسلامی ایمان است، ولی در باطن صفات جاهلیت را دارید. برای این اساس می‌توان گفت یکی از دلایل مهم آسیب‌های فردی و اجتماعی که در آینده در افراد به وجود می‌آید بی توجهی و غفلت در تربیت دینی در دوره‌ی کودکی و نوجوانی است. با این استدلال که حضرت علی علیه السلام در باره‌ی تربیت‌پذیر بودن کودک و نوجوان به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

"إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ" (نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱) یعنی: «قلب نونهال مانند زمین خالی است که هر تخمی در آن افشاندن شود می‌پذیرد.»

امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی ضرورت و اهمیت تربیت دینی کودکان و نوجوانان می‌فرماید: "بادروا أولادکم بالحدیث قبل أن یسبقکم الیهم المُرَجَّةُ" (اصول کافی، جلد ششم، ص ۴۷) به این معنا که: «زودتر معارف اسلامی را به فرزندان خود بیاموزید؛ پیش از آن که منافقان با آموزش‌های انحرافی بر شما سبقت بگیرند.»

بنابراین «.....کودک در خطر اخلاقی را باید در ردیف انحرافات جوانی قرار داد، زیرا اگر از آن جلوگیری نشود سقوط در تبهکاری او فراهم می‌شود.» (پیاژه، شکیباپور، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹)

مولوی راجع به این که هر چه انسان بزرگتر می‌شود صفات او قوی‌تر و ریشه دارتر می‌گردد مثلی می‌آورد آنجا که می‌گوید: مردی خاری در معبر کاشت و مردم از این بوته خار در رنج بودند. او قول داد که سال دیگر آن را بکند و سال دیگر نیز کار را به سال بعد موکول کرد و سال‌های بعد نیز به همین ترتیب عمل کرد. از طرفی، درخت، سال به سال ریشه دارتر می‌شد و خارکن ضعیف‌تر می‌گردید. یعنی میان رشد درخت و قوت او نسبت معکوس برقرار بود. حالات انسان نیز مانند خاربن و خارکن است. روز به روز صفات در انسان ریشه‌های عمیق‌تری پیدا می‌کند و اراده انسان را ضعیف‌تر می‌کند بنابراین قدرت یک جوان در اصلاح نفس خود، از یک پیر بیشتر است. (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۷۹-۸۰)

همچو آن شخص درشت خوش سخن

در میان ره نشاند او خاربن^۲

ره گذریانش ملامت‌گر شدند

بس بگفتندش بکن این را نکند

هر دمی آن خار بن افزون شدی

پای خلق از زخم آن پر خون شدی

چون به جد حاکم بدو گفت این بکن
گفت آری برکنم روزیش من
مدتی فردا و فردا وعده داد
شد درخت خار او محکم نهاد
گفت روزی حاکمش ای وعده کژ
پیش درآ در کار ما و پس مغز^۳
تو که می‌گویی که فردا این بدان
که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درخت بد جوان تر می‌شود
وین کننده پیر و مضطر می‌شود
خاربن در قوت و برخاستن
خارکن در پیری و در کاستن
خاربن هر روز و هر دم سبزتر
خار کن هر روز زار و خشک‌تر
(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم)
سعدی نیز می‌گوید:

هر که در خوردیش ادب نکنند
در بزرگی ادب از او برخاست
چوب تر را چنان که خواهی پیچ
نشود خشک جز به آتش راست

در این ابیات مولوی و سعدی نیز بر این عقیده هستند که آموختن فضایل و تربیت فرزندان باید از سنین کودکی و نوجوانی باید آغاز کرد زیرا در این سنین آمادگی و صلاحیت‌های لازم برای امر تربیت در آنان به میزان کافی وجود دارد.

وقتی محور تربیت، عمق بخشی دیانت و تقوای دینی در کودکان و نوجوانان باشد، مسلماً فرزندان از هر نوع آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند چرا که بسیاری از شرارت‌ها و آسیب‌های که به دختران وارد می‌شود، ناشی از نداشتن حجاب و عفاف می‌باشد و درونی شدن ارزش‌های دینی خصوصاً حجاب و عفاف باعث می‌شود آنان در برابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند و کمتر در دام انحرافات اخلاقی و اجتماعی قرار بگیرند. والدین و مربیان اگر بخواهند کودکان را با معارف دینی آشنا کنند و این امر را در آنان درونی سازند، باید از سنین کودکی و نوجوانی شروع کنند، چرا که فردا دیر است.

اما برای شروع چه باید کرد؟ از چه روش‌هایی استفاده کنیم؟ مؤثرترین روش‌ها و عوامل کدامند؟

پاسخ به این سؤالات موضوع و محتوای این نوشتار می‌باشد. امید است که مورد توجه والدین و مربیان محترم قرار گیرد.

ضرورت داشتن روش

روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تربیتی اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می‌نشیند که نظریه‌های تربیتی در قالب شیوه‌های صحیح و درست به اجرا درآید. برای موفقیت در هر کاری، آگاهی به اسباب و وسایلی که بتواند به گونه‌ای سریع و آسان، ما را در رسیدن به هدف یاری کند، لازم است. اتخاذ روش‌هایی که بتواند ما را به آسانی در پیمودن جاده موفقیت یار و مددکار باشد، از شرایط توفیق در انجام هر کاری است. در قرآن کریم آمده است:

«... لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره، ۱۸۹)

(تیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه درآیید) چه این کار ناشایسته است) نیکی آن است که پارسا باشید و در هر کاری از "راه" آن وارد شوید.

در تفسیر آیه فوق فرموده اند که "وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا" یعنی باید هر کاری را از راه خودش انجام داد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۸۰)
حضرت علی - علیه السلام - درباره ضرورت داشتن روش در کارها می‌فرماید:

"ما خاصگان و یاران، و گنجوران نبوت و درهای رسالت هستیم و در خانه‌ها جز از درهای آن نتوان وارد شد."^۴

در اهمیت داشتن روش امام صادق - علیه السلام - فرمود: «العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر طریق فلا تزیدہ سرعة السیر الا بعدا»
عمل کننده بی‌بصیرت مانند رهنوردی است که به بیراهه می‌رود. سرعت حرکت او را به هدف نمیرساند جز آنکه دورش سازد. (تحف العقول، ص ۳۷۹)

حضرت علی - علیه السلام - به مردم سفارش می‌کند که: "ای مردم آن کس که راه آشکار را ببیند به آب در آید، و آن کس که راه بیراهه را در پیش گیرد، در بیابان بی‌نشان می‌افتد."^۵ بنا بر این هر رشته‌ای از علوم شیوه و روش خاص خود را دارد که اگر درست و به جا به کار گرفته شود، نتایج مطلوبی به همراه خواهد داشت. تعلیم و تربیت نیز چنین است و مربیان و والدین می‌توانند با شناسایی بهترین شیوه‌ها و روش‌ها، در رسیدن به اهداف از آن‌ها بهره ببرند.

کَر اصلی کش نبود آغاز گوش لال باشد کی کند در نطق جوش^۶
زان که اول سمع باید نطق را سوی منطق از ره سمع درآ
ادخلوا الابیات من ابوابها واطلبوا الاغراض فی اسبابها
(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول)

روش‌های نهادینه کردن حجاب

۱- روش تشویق

یکی از روش‌های بسیار مؤثر در نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان

حکیمانه الهی مستقر شده است انگیزه حب ذات است. هر انسانی قبل از هر چیز و هر کس، به خود علاقه دارد و بالفطره عاشق و شیفته‌ی خویشتن است و هیچ چیز در نظر آدمی به قدر خودش عزیز و محبوب نیست. از سوی دیگر خداوند عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص را در وجود انسان قرارداده است به گونه‌ای که هر انسانی به صورت فطری متمایل به کامل‌تر شدن و پیشرفت است. تشویق باعث می‌شود کودک یا نوجوان از کار خودشان احساس لذت کنند و در آنها احساس رضایت به وجود آید. نتیجه این امر، مضاعف شدن تکرار عمل است. تشویق باعث پیدایش نشاط و رفع کسالت در فرد می‌گردد، و وقتی این حالت ایجاد شد، اشتیاقش برانگیخته می‌شود. و زمینه رشد و کمال او فراهم می‌گردد.

نکته‌هایی در باره تشویق و تنبیه

برای اینکه امر تشویق، زیان و خطری را برای کودک به دنبال نداشته باشد، رعایت نکات ذیل حایز اهمیت است

- ۱- باید عمل حجاب و عفاف را تحسین کرد، نه کودک را، در ضمن او را نیز متوجه کنیم که آنچه ارزشمند است عمل و صفت اوست
- ۲- تشویق باید به جا و به موقع و متناسب با نوع رفتار کودک و نوجوان باشد و روحیه شخص در انتخاب شکل آن یعنی زبانی، رفتاری، مالی، معنوی و جز اینها ملاحظه گردد.

غزالی تفاوت های قابل توجه در انواع تشویق و ترغیب را این گونه بیان می‌کند: اگر کودک را گویند: به دبیرستان شو تا به درجه ریاست رسی، وی خود لذت ریاست نداند که چه باشد لکن باید گفت: به دبیرستان شو تا شبانگاه، چوگان و گوی به تو دهم، تا بازی کنی، تا کودک به حرص آن به دبیرستان شود و چون بزرگتر شود، وی را ترغیب کند به جامه نیکو و زینت، تا دست از بازی بدارد، چون بزرگتر شود وی را به خواجگی و ریاست وعده دهد و گوید: جامه دیبا کار زنان باشد و چون بزرگتر شود آنگاه گوید: خواجگی و ریاست دنیا اصلی ندارد که همه به مرگ تباه شود، آنگاه وی را به پادشاهی جاوید وعده دهد. (عطاران، ۱۳۷۹، ۵۹)



استفاده از روش تشویق می‌باشد، تشویق یک شیوه‌ی مناسب در ایجاد انگیزش به سوی کارهای مثبت می‌باشد. تشویق در روح کودک و نوجوان ایجاد انگیزش می‌کند و آنان را به انجام اعمال نیک تحریض و ترغیب می‌کند. امیرمؤمنان علی ((علیه السلام)) درباره نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی می‌فرماید: خدای سبحان پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش بازدارد و به سوی بهشت روانه سازد. (نهج البلاغه حکمت ۳۶۸)

مقصود از تشویق و تنبیه چیست؟

"مقصود از تشویق پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب کودک (متربی)، ابراز مهرورزی به او، واگذاری مسؤولیت مناسب به او، وعده پاداش و... جلوه‌گر شود. نقطه مقابل تشویق تنبیه است که مقصود از آن پاسخ منفی در برابر رفتار نامطلوب متربی است و برای آن مصادیقی است، از جمله نگاه سرد، روی برگرداندن، بی‌اعتنایی، تغییر چهره، محروم ساختن، جریمه و تنبیه بدنی با این بیان روشن می‌شود که تشویق پاداش دادن به فردی است که تن به کوشش داده و سعی خود را کرده است. و تنبیه مجازات نمودن از راه های مختلف است." (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۰)

ابن سینا فیلسوف و اندیشمند بزرگ اسلام تشویق را به منزله ضمانت اجرای تعلیم و تربیت مورد توصیه قرار می‌دهد و مصادیق تشویق و تنبیه را متنوع و متعدد می‌داند و معتقد است واکنش مربی در برابر رفتار ناپسند متربی باید متناسب و تدریجی باشد. ابتدا روگردانی، سپس ترش‌روی پس از آن ترساندن و آن‌گاه توبیخ است و مربی در شرایط خاص می‌تواند به تنبیه بدنی روی آورد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۲۸۷)

برای ترغیب کودکان و نوجوانان به امر حجاب روش اصلی بهتر است تشویق باشد زیرا تعلیم و تربیت اسلامی بر سهولت، محبت و ملاطفت تأکید دارد و انگیزی از طریق تشویق می‌توان انگیزه و میل فطری او را به مهر و محبت و قدردانی تأمین و اعتماد او را جلب کرد. البته در صورتی که تشویق مؤثر واقع نشود و خطا و تخلفی از سوی متربی صورت گیرد به منظور آگاهی دادن به او و جلوگیری از اهمال کاری در انجام [امور دینی] می‌توان ابتدا به انذار و سپس به تنبیه روی آورد، و منظور از تنبیه در اینجا تنبیه بدنی نیست؛ بلکه در درجه اول استفاده از روش‌هایی است که کودک را از انجام کارهای نامطلوب (مثل نماز نخواندن) ناخشنود کند. بی‌توجهی، قهر (کوتاه مدت)، سرزنش، محروم سازی و امثال آن از شیوه‌های تنبیه‌ای هستند که جنبه انسانی دارند و برای تنبیه بهتر است از آنها استفاده کنیم نه تنبیه بدنی. (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳)

چگونه تشویق باعث نهادینه شدن حجاب در کودکان و نوجوانان می‌شود؟

یکی از سرمایه‌های فطری و ذخایر طبیعی که در باطن هر انسان به مقتضای

۳- تشویق باید به گونه‌ای باشد که باعث ترغیب دیگران بشود نه دلسردی آنان.

۴- تشویق باید به اندازه و معقول باشد و به هیچ وجه از حد تجاوز نکند، زیرا در این صورت موجب غرور و تبااهی شخص می‌شود، و نیز نباید کمتر از اندازه باشد، زیرا نتیجه مطلوب خود را از دست می‌دهد.

۵- تشویق وسیله‌ای برای ایجاد انگیزه است بنابراین نباید به صورت هدف در آید و تمام ذهن و فکر کودک را به خود مشغول سازد؛ زیرا در این صورت، نقش بازدارنده پیدا می‌کند.

۶- موقعی که کودک را تشویق می‌کنید باید علت آن را برایش بگویید و این عمل باید به گونه‌ای صورت گیرد که کودک خود را مستحق آن ببیند و آن را در درون تایید کند.

۷- تشویق در حضور جمع اثر بیشتری دارد.

در باب تنبیه نکات مهم و قابل توجهی مطرح است که رعایت آن‌ها کمک قابل توجهی در ترغیب کودکان و نوجوانان به حجاب می‌کند.

۱- تنبیه از آخرین گزینه‌های تربیت است. بنابراین سزاوار است بعد از نتیجه نگرفتن از سایر روش‌های تربیتی آن را به کار بگیریم.

۲- در تنبیه کردن هدف تربیت فرزند باشد نه اینکه مربی یا والدین بخواهند تخلیه روانی شوند.

۳- تنبیه کردن به صورت اخم، قهر کوتاه مدت و یا منع کردن (به صورت منطقی) باشد و از تنبیه بدنی خود داری شود.

۴- تنبیه به گونه‌ای باشد که کودکان و نوجوانان به اشتباه خود پی ببرند، نه اینکه باعث بوجود آمدن عقده‌های درونی در آنان شود.

۵- تنبیه کودکان و نوجوانان نباید باعث سرخوردگی آنان شود.

۲- روش الگویی

یکی از شیوه‌های مؤثر در نهادینه کردن حجاب و عفاف کودکان و نوجوانان روش الگویی است. در این روش فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌کند و تحت تأثیر مشاهده از رفتار دیگران پیروی نموده و خود را با آنان همساز می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: "الگو پیروی عینی و مشهود از یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون، جهت رسیدن به کمال است." بنابراین داشتن الگوهای رفتاری و گفتاری برای شاگردان و فرزندان امری ضروری و مهم است به گونه‌ای که سرپیچی از این امر مایه‌ی گمراهی و سردرگمی آنان می‌شود.

در این بحر جز مرد داعی نرفت گم آن شد که دنبال راعی نرفت
کسانی کز این راه برگشته‌اند برفتند بسیار و سرگشته‌اند
(سعدی، بوستان)

تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد. کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه کارهایش را از افراد پیرامون خود که در درجه اول پدر و مادر اویند، الگوبرداری می‌کند و با تقلید از آنان

رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. از این رو روش الگویی در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک، نقش به سزایی دارد. گزینه‌ی تقلید یکی از گرایش‌های نیرومند وریشه دار در انسان است. به برکت وجود همین گزینه است که کودک بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن، طرز تکلم، ادای کلمات و جمله‌ها را از پدر و مادر و سایر معاشران فرا می‌گیرد و به کار می‌بندد. چشم و گوش کودکان و نوجوانان چون دریچه‌ای باز است، می‌بینند و می‌شنوند و ذهنشان چون آینه‌ای است که رفتارهای والدین را تقلید می‌کند و الگوهای عملی‌ای را که خانواده ارایه می‌دهد مانند نحوه پوشش و حجاب مادر یا پدر، تأثیر عمیقی بر رفتار کودک دارد و در واقع پدر و مادر با ارایه اعمال و رفتار مناسب و به شکل غیر کلامی ارزش‌ها و هنجارهای سالم را از همان ابتدا در شخصیت کودک ایجاد می‌کنند که هر چیزی در آن منعکس می‌شود، بنابراین والدین و مربیان می‌توانند فعالیت‌ها و رفتارهای دینی و مذهبی خود را به گونه‌ای هماهنگ کنند که فرزندان متوجه شوند و الگوی ذهنی آنان را در انجام این امور شکل دهند.

باندورا در رابطه با تقلید و تکرار رفتار الگو تحقیق بسیار جالبی انجام داده است که در آن کودکان یک مهد کودک را به پنج گروه تقسیم کرد. در گروه آزمایشی اول، کودکان به مشاهده رفتار الگوی فرد بزرگسالی می‌پردازند که به طور فیزیکی و لفظی به یک آدم پلاستیکی حمله می‌کند. در گروه دوم کودکان حوادث و رفتار فوق را در فیلمی مشاهده می‌کنند. در گروه آزمایشی سوم، کودکان رفتار تهاجمی شخصیت‌ها را در فیلم کارتون می‌بینند. در گروه آزمایشی چهارم کودکان در هیچ یک از سه موقعیت فوق قرار نمی‌گیرند، و بالاخره در گروه آزمایشی پنجم کودکان به مشاهده یک الگو با رفتار آرام، مطیع و غیر تهاجمی مبادرت می‌ورزند. بعد از مشاهده رفتارهای مختلف در زمان معین شده، تمام کودکان در موقعیت یکسانی قرار داده می‌شوند. آزمایشگر از طریق یک پنجره به مشاهده رفتار کودکان می‌پردازد و رفتارهای تهاجمی شفاهی و عملی آنان را یادداشت می‌کند. در تحلیل اطلاعات به دست آمده از یادداشت‌ها به این نتیجه می‌رسند که: الگوی پر خاشگیری را که گروه‌های اول تا سوم دیده بودند، رفتار تهاجمی بیشتری نسبت به گروه چهارم (گروهی که هیچ موردی را مشاهده نکردند) از خود نشان می‌دهند. و بر عکس گروهی که (گروه پنجم) الگوی رفتار آرام، مطیع و غیر تهاجمی را مشاهده کرده بودند، رفتار تهاجمی کمتری نسبت به گروه کنترل (گروه چهارم که هیچ موردی را ندیده بودند) از خود نشان می‌دادند. (شعبانی، ۱۳۷۱، ۶۳)

کودک، مقلد خوبی هست. و به آسانی و بدون هیچ گونه زحمت و مشقتی تنها از راه تقلید می‌آموزد. او می‌بیند، می‌شنود. و پس از مدتی تکرار می‌کند. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند از سنین تشخیص یعنی حدود شش سالگی، پسران از پدران تقلید می‌کنند و دختران از مادران، و این تقلید در آنان نا آگاهانه است. کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری الگو

که بود زاغی زمن افزون به فن

(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم)

خداوند در قرآن صراحتاً رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید: "البته شما را در اقتدای به رسول خدا چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو، خیر و سعادت بسیار است برای آن کسی که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند." (احزاب / ۲۳)

حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: "به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است، و به سنت او بگروید که راهنماترین سنت است." (نهج البلاغه خطبه ۱۱۶)

پیامبر گرامی اسلام - صلی الله و علیه و آله - به عنوان الگویی شایسته برای اصحاب بود که چگونگی عبادت‌ها را از این روش به آنها می‌آموخت. از ابی حازم روایت شده است که یک بار پیامبر (صلی الله و علیه و آله) بر روی منبر نماز خواند، وقتی نمازش تمام شد رو به مردم کرد و فرمود: ای مردم، من این کار را بدین خاطر انجام دادم که شما از من پیروی کنید و کیفیت خواندن نماز را از من یاد بگیرید.

امام کاظم - علیه السلام - می‌فرماید: "يَحْفَظُ الْاَطْفَالُ بِصَلَاةِ آبَائِهِمْ" (بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۷۸) رفتار کودکان در اثر خوبی‌های رفتار والدین حفظ می‌شود.

بنابراین الگوهای پاک و بافضیلت، انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در جوامع ایجاد می‌کنند و الگوهای ناپاک و بی فضیلت، جوامع را به سوی ناپاکی و رذایل برمی‌انگیزند. آن همه تأکیدی که بر نقش الگوها شده است بدین خاطر است. الگوها چون مقبول واقع شوند دیگران را مطابق خود می‌سازند، چنانکه هر هنری که استادی داشته باشد، جان شاگردش بدان هنر متصف می‌شود.

هر هنر که استا بدان معروف شد	جان شاگردش بدان موصوف شد
پیش استاد اصولی هم اصول	خواند آن شاگرد چست با حصول
پیش استاد فقیه آن فقه خوان	فقه خواند، نه اصول اندر بیان
پیش استادی ک او نحوی بود	جان شاگردش از او نحوی شود
باز استادی که او محوره است	جان شاگردش ازو محو شه است

(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول)

مسئولیت الگوها

با توجه به نقش خطیر الگوها، مسئولیتی بس سنگین نیز متوجه آنها است. والدین و مربیان زمانی می‌توانند از روش الگویی استفاده و نتیجه بگیرند که موارد ذیل را رعایت کنند:

۱- والدین قبل از توصیه به ارزش‌های دینی باید خود در این امر پیش‌تاز باشند. امیرمومنان علی - علیه السلام - در این باره می‌فرماید: هر که خود را پیشوای مردم سازد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خویش بپردازد،

می‌پذیرد و تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های بسیاری است. همه اطرافیان به گونه‌ای در او اثر می‌گذارند و مدل و الگوی کود کند، ولی والدین از همه آنها مهم‌تر و مؤثرتر هستند و این اهمیت و تأثیر در کودکان تا سنین نوجوانی همچنان تداوم دارد. بر این اساس، وظیفه والدین در این دوران بسیار سنگین است و باید به فرزندان فرصت بدهند تا از اخلاق و رفتار خوب خود بهره‌مند گردند. اگر سخن ناروا خوب نیست نباید این گونه سخنان را در حضور فرزندان خود جاری کنند، اگر از اولاد خود انتظار کار خوب دارند باید در کار خیر برای کودکان خود الگو باشند. اگر دوست دارند فرزندان نماز اول وقت بخوانند خود باید پیشگام باشند. والدین باید به گونه‌ای عمل کنند که فرزندان به آنان دید مثبت داشته باشند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ۲۳۴)

بنابراین اولیا و مربیان محترم همواره این نکته را مد نظر داشته باشند که با رفتار و کردار و گفتار درست خود قادر خواهند بود به الگویی شایسته برای متربیان تبدیل شوند و از این طریق متربیان را به پیروی از رفتار مطلوب خود بخوانند.

الگو در قرآن و سیره معصومین علیهم السلام

در قرآن کریم استفاده از الگو و اسوه به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی مطرح است. قرآن نمونه‌ها و مثال‌های زیادی را بیان کرده که بیانگر تأثیر فراوان این روش در یادگیری و شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها است. به عنوان مثال آن‌جا که داستان قابیل را نقل می‌کند که برادرش هابیل را کشت اما نمی‌دانست با جسد برادر چه کند؟ در این جا خداوند کلاغی را فرستاد که مشغول کردن زمین شود و کلاغ مرده را دفن کند. قابیل از کلاغ آموخت که چگونه برادر را زیر زمین پنهان سازد.

کندن گوری که کمتر پیشه بود
کی ز فکر وحيله و اندیشه بود
گربدی این فهم مر قابیل را
کی نهادی بر سر او هابیل را
که کجا غایب کنم این کشته را
این به خون و خاک در آغشته را
دید زاغی زاغ مرده در دهان
بر گرفته تیز می آمد چنان
از هوا زیر آمد و شد او به فن
از پی تعلیم او را گور کن
پس به چنگال از زمین انگیخت گرد
زود زاغ مرده را در گور کرد
دفن کردش پس بپوشیدش به خاک
زاغ از الهام حق بود علمناک
گفت قابیل آه شه^۱ بر عقل من

و باید تربیت کردنش، پیش از آنکه با زبانش باشد، با سیرت و رفتارش باشد؛ و آن که خود را تعلیم دهد و تربیت نماید، شایسته‌تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و تربیت نماید.^{۱۰}

۲- مربیان و والدین سعی کنند به صورت عملی و رفتاری کودکان را به مسایل دینی دعوت کنند. امام صادق (علیه السلام) به این امر توجه می‌دهند، آن جا که می‌فرمایند: مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید نه با زبان خویش (قرب الاسناد، ص ۳۹)

حضرت علی (علیه السلام) نیز می‌فرمایند: مردم را با غیر زبان (یعنی عمل خود) به نیکی دعوت کنید.

۳- والدین سعی کنند با ابتکار عمل از الگوهای غیر جاندار برای کودکان و نوجوانان، الگوهای هدفمند و معنا دار بسازند. به عنوان مثال وقتی برای کودک خود عروسک می‌خرند چادر یا مانتوی زیبا و جذاب هم برای عروسک کودک خود بخرند

۴- والدین همواره باید مراقب باشند بین گفتار و عملشان تناقض بوجود نیاید

۵- اشتیاق مربیان و والدین باید در انجام مسایل دینی نسبت به کودکان و نوجوانان چند برابر باشد. فریده مصطفوی فرزند حضرت امام خمینی (ره) در خاطرات خود می‌گوید: «امام (ره) ما را مقید می‌کردند معصیت نکنیم و مؤدب به آداب اسلامی باشیم. بخصوص مقید بودند ما حجاب شرعی را حفظ کنیم و در منزل حق هیچ گونه گناهی از جمله غیبت، دروغ، بی‌احترامی به بزرگترها و توهین به مسلمانان را نداشتیم. ما عملاً این درس‌ها را از امام (ره) آموخته بودیم با این شیوه و روش بود که ما ارزش‌های اسلامی را فرا گرفتیم و از نظر تربیتی خود ایشان برای ما الگو بودند، چون وقتی کاری را به ما می‌گفتند انجام ندهید و ما می‌دیدیم که خودشان آن کار را انجام نمی‌دهند، برای خانواده الگوی بسیار خوبی بودند.»

هیچ کس را نیست ره سوی وصال تا نباشد رهبرش صاحب کمال
۶- با توجه به این که محیط‌ها و گروه‌های هم سال تأثیر زیادی بر یکدیگر می‌گذارند؛ بهتر است والدین و مربیان با آگاهی از نگرش این گروه‌ها و تفکرات، آمادگی ذهنی و رفتاری متری را تقویت نمایند.

۳- روش محبت

«انسان از انس اشتقاق یافته و به انس و محبت سخت نیازمند است، زیرا نه تنها نیاز طبیعی او تامین می‌گردد، بلکه مهم‌ترین عامل سلامت روح او نیز به شمار می‌آید و فقدان آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. بنابراین تعلیم و تربیت مبتنی بر محبت سازنده، موفق و تأثیر گذار خواهد بود.» (بهشتی، ج ۴، ۱۳۸۱، ۵۴) یکی از ابزارهای تربیتی که می‌تواند ما را در نهادینه کردن عفاف و حجاب در فرزندان یاری کند محبت کردن است. محبت یکی از عوامل بسیار مهم در جذب افراد می‌باشد که اثر آن بر روی فرد تربیت شونده عمیق و درازمدت می‌باشد. در این مدت والدین



دختر امام خمینی (ره) می‌گوید:

امام ما را مقید کرده بود که مؤدب به آداب اسلامی باشیم. بخصوص مقید بودند ما حجاب شرعی را حفظ کنیم و در منزل حق هیچ گونه گناهی از جمله غیبت، دروغ، بی‌احترامی به بزرگترها و توهین به مسلمانان را نداشتیم.
با این روش عملی بود که ما ارزش‌های اسلامی را فرا گرفتیم.
از نظر تربیتی هم خود ایشان برای ما الگو بودند.



و البته این نتیجه طبیعی محبت‌ورزی نسبت به انسانی است که فطرت بشری خویش را از دست نداده باشد.

اگر والدین و مربیان بین کودکان و نوجوانان رابطه‌ی توأم با مهر و محبت برقرار کنند بین خود و کودک یک حوزه‌ی عاطفی ایجاد خواهند کرد که به واسطه‌ی آن توجه کودک را جلب می‌شود وقتی توجه کودک جلب شد، پاسخ‌های مثبتی در برابر دستورات و راهنمایی‌ها از خود نشان می‌دهد و در صورت دوام این محبت و راهنمایی‌ها و پاسخ‌های مثبت، آموزه‌های دینی (حجاب و عفاف) در کودک و نوجوان به صورت ارزش در می‌آید و در او نهادینه می‌شود. سعدی معتقد است تأثیر محبت و مهرورزی و احسان، معجزه آسا است به گونه‌ای که علاوه بر انسان، حیوانات را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. و در این باره می‌گوید:

به ره در یکی پیشم آمد جوان به اندر پی‌اش گوسفندی روان
بدو گفتم که این ریسمانست و بند که می‌آرد اندر پی‌ات گوسفند
سبک طوق و زنجیر از او باز کرد چپ و راست پویدن آغاز کرد
هنوز از پی‌اش تازیان می‌دوید که جوخورده بود از کف مرد و خوید
چو باز آمد از عیش و شادی به جای مرا دید و گفت ای خداوند رای
نه این ریسمان می‌برد با منش که احسان کمندیست در گردنش
به لطفی که دیدست پیل دمان نیارد همی حمله بر پیلبان
(سعدی، بوستان)

بوجود آوردن احساسات عاطفی و اخلاقی یکی از اصول مهم و اصلی است که باید بین کودک و پدر و مادریا بزرگسال بوجود آید، زیرا هر کدام به نوبه خود نقش مهمی در سازندگی شخصیت کودک دارند و اگر این اصول بر پایه درستی در محیط خانواده استوار نباشد، بدون تردید نا هنجاری در رفتار و اخلاق کودک بوجود می‌آید. (پیاژه، شکیبا پور، ۱۳۶۹) ژان ژاک روسو در کتاب امیل در این باره می‌گوید کودک دارای شخصیت مستقلی است. او نباید به طور آشکار و جابرانه تحت فرمان قرار گیرد. پدر و مادر باید با او مانند دوست و موافق باشند و یا لاقلاً نباید بدانند که تحت فرمان قرار گرفته است و بایستی فرمان او را بپذیرد، فرزندان نباید فکر کنند که پدران و مادران به آنان دستور می‌دهند، فرمان اگر دوستانه باشد، کودکان با والدینشان دوست می‌شوند.

درواقع محبت نیاز مستمر و همیشگی کودک است و همواره باید کودک را با محبت کردن همراه خود کرد. بر این اساس می‌توان گفت که نگرش مثبت فرزندان نسبت به مذهب و امور دینی ریشه در مهرورزی و محبت والدین دارد. آنان می‌توانند با این روش دست به ایجاد فضایی آکنده از مهر و محبت بزنند و تجربه خوشایندی در ذهن کودک نسبت به حجاب و عفاف ایجاد نمایند و بین امر حجاب و ذهن کودک ارتباط قوی برقرار نمایند.

البته محبت شرایطی دارد که عبارتست از:

- محبت به کودک باید راستین باشد.

- محبت را باید از دل به زبان آورد تا فرزند آن را با تمام وجود لمس کند.

می‌توانند منویات تربیتی خود را به افراد القا کنند و تغییر رفتار را در آنان مشاهده نماید.

از محبت تلخها شیرین شود از محبت سرکه‌ها زرین شود
از محبت دُردها صافی شود از محبت دُردها شافی شود
از محبت مرده زنده می‌کنند از محبت شاه بنده می‌کنند

(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم)

در دین اسلام، محبت به عنوان اساس و رکن در جذب و هدایت انسان‌ها مطرح است. ادیان الهی بر پایه محبت به دل‌ها رسوخ کرده و راسخ مانده اند. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) استفاده از این روش بوده است. زیرا با این روش هم جاذبه در افراد ایجاد می‌کرد و هم انگیزه آنها را افزایش می‌داد. و اگر پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) این روش را پی نمی‌گرفت، آن همه اعراب بادیه نشین به دورش جمع نمی‌شدند تا از بادیه نشینی و بربریت به تربیت و فرهنگ دین پناه آورند. حضرت علی (علیه السلام) در باره اهمیت و تأثیر این روش می‌فرماید: «دوستی ورزیدن نیمی از خرد است» (نهج البلاغه حکمت ۱۴۲) و در جای دیگر می‌فرماید: «دوستی ورزیدن پیوند با مردم را فراهم می‌آورد» (نهج البلاغه حکمت ۲۱۱) درواقع نیروی محبت از نظر تربیتی، نیروی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت آن است که بدین روش تحقق یابد، زیرا محبت با فطرت و سرشت آدمی سازگاری زیادی دارد و پذیرش آنها از ناحیه درون وبدون هیچ‌گونه تحمیلی است، ضرورت و اهمیت به کارگیری روش محبت از این روست که محبت اطاعت آور است و سبب همسانی و همراهی فرزند با والدین و مربی می‌شود. از علی (ع) نقل شده است که از رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) درباره روش و سنت آن حضرت پرسیدم، فرمود: «والحب اساسی» محبت بنیاد و اساس (روش و سنت) من است. (الشفای بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۱۸۷)

کَرَم کن، نه پرخاش و کین آوری که عالم به زیر نگیں آوری
چو کاری بر آید به لطف و خوشی چه حاجت به تندی و گردن کشی؟
نخواهی که باشد دلت دردمند دل درد مندان بر آور زبند
به نرمی ز دشمن توان کرد دوست چو با دوست سختی کنی دشمن
اوست به اخلاق با هر که بینی بساز اگر زیر دست است اگر سر افراز
به شیرین زبانی توان برد گوی که پیوسته تلخی بَرَد تند روی
(سعدی، بوستان)

چگونه محبت، باعث درونی‌شدن عفاف در کودکان می‌شود؟

میان محبت و اطاعت رابطه‌ی بسیار قوی وجود دارد. با ظهور محبت همرنگی و اطاعت پیدا می‌شود. محبت هر کسی که در دل آدمی بنشیند مطیع و پیرو او می‌شود و از خواست او سرپیچی نمی‌کند. انسان اسیر محبت و محکوم آن است، تا جایی که گفته‌اند: «لَا نَسَانُ عَبْدًا إِلَّا خَسَانًا» احسان و اظهار دوستی، می‌تواند بشر را تا سر حد بندگی به پیش ببرد

ممکن است پدری و مادری فرزند خود را در دل دوست داشته باشند اما اظهار نظر نکنند این نوع محبت تاثیر چندانی ندارد.

- محبت به فرزندان باید یکسان باشد.
- محبت نباید مانع ام رو نهی گردد.
- محبت به کودک باید معقول و به اندازه صورت گیرد.

۴- روش بصیرت بخشی

بصیرت چنین تعریف شده است: «قوای در قلب، نورانی به نور قدسی است که به واسطه آن حقایق و بواطن را می بیند، همانطوری که چشم، صورت اشیا را می بیند» (التعريفات، ص ۲۰)

دکتر شرفی در کتاب تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی بصیرت در تربیت را اینگونه معرفی می کند «در حقیقت، بصیرت یا بینش به طرز تلقی آدمی از امور و حوادث نیز اطلاق می شود و به تعبیری دیگر، بینش، نوعی آگاهی عمیق و گسترده است.»

در مکتب تربیتی اسلام برای بهره گیری بیشتر از دین و حاکم ساختن آن بر حیات عادی و مبارزه با دیانت تقلیدی و تحدید و تعدیل آن، ابتدا همگان را دعوت به تفکر و تعقل در مفاهیم و مبادی دین و کشف حقانیت دیانت الهی از میان ادیان سنتی و موروثی می نماید و از تقلید و متابعت کورکورانه از آبا و اجداد به شدت منع می کند چنانچه می فرماید:

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال / ۲۲)

بدترین جنبندگان نزد خداوند کسانی هستند که تعقل نمی کنند و از استماع و اظهار حق عاجز ناتوان هستند.

یکی از محورهای اساسی در امر تربیت، توجه به روش معرفت و بصیرت می باشد، معرفت و بصیرت به معنای نوعی آگاهی عمیق و گسترده است که نتیجه آن ایجاد پیوند بین انسان و واقعیت مورد نظر می باشد. در قرآن کریم نیز این روش مورد تصریح قرار گرفته است:

«قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» (انعام / ۱۰۴)

«آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست البته از طرف خدا آمد پس هر کس بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس کور بماند در زیان افتاد.»

اگر انسان بصیرت و آگاهی نداشته باشد نمی تواند تکالیف الهی را بشناسد تا به اطاعت از آنها تن در دهد و به هدف حیات خویش برسد. پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) در این خصوص می فرماید: لیس الاعمی من یمعی بصره انما الامی من تعمی بصیرته» (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۲۳۷۳، ص ۳۶۲) "کور آن نیست که چشم او نتواند ببیند، بلکه کور کسی است که بصیرتش کور باشد."

پیامبر اکرم - صلی الله و علیه و آله - از سوی خداوند مأمور می شود به صراحت اعلام کند که «حرکت او و پیروانش بر مبنای بصیرت و روشن بینی است»^{۲۱}

بصیرت به چه کسی اطلاق می شود؟

در روایات بصیرت به کسی اطلاق می شود که بعد از شنیدن سخنان به تفکر می پردازد، بعد از مشاهده امور درباره آنها به تفکر می پردازد، و از مایه های عبرتی که در حوادث است عبرت می گیرد و تلاش می کند در راهی که دارای علایم و نشانه های واضح است، سیر کند و در اثر درک و بینش درونی حالتی برای او ایجاد می شود که از افتادن در مهالک پرهیز می کند «فانما البصیر من سمع فتفكر ونظر فأبصر، وانتفع بالعبر ثم سلک جدداً واضحاً يتجنب فيه الصرعة في المهادی.»^{۲۱}

سوق دادن به سوی نور و روشنگری درون انسان ها که وظیفه پیامبران الهی بوده، بر مبنای روش بصیرت صورت می گرفت. زیرا در شناخت بر مبنای بصیرت و آگاهی و تعقل، انحراف و کج روی نیست. در مسأله حجاب هم باید شناختی صحیح از انسان، زن، فلسفه عفاف و حجاب داشت، زیرا هنگامی که فرد به فلسفه و منافع و مضرات موضوعی آگاهی و شناخت پیدا می کند با قدرت تشخیص خود خیر، خوبی و صلاح خویش را انتخاب می کند و همانطور که خداوند با فرستادن انبیا به آموزش و افزایش شعور و آگاهی انسان اقدام کرده، بنابراین اساسی ترین مرحله در نهادینه کردن فرهنگ حجاب و عفاف آموزش کودکان و نوجوانان است. بنابراین اگر والدین خواستار عفاف که مایه آرامش و زیبایی زندگی در آینده کودکان و نوجوانان است می باشند باید به کودکان مزایا و فواید عفاف و پاکدامنی را آموزش دهند و فلسفه ای این کار را به زبان ساده برایشان تبیین کنند و مطمئن باشند اگر بتوانند به شیوه صحیح، دگرگونی درونی در کودک ایجاد کنند تغییر رفتار و ترغیب کودکان و نوجوانان این امر را مشاهده خواهند کرد.

کودکان را می بری مکتب به زور زانکه هستند از فواید چشم کور چون شود واقف، به مکتب می دود جانش از رفتن شکوفه می شود می رود کودک به مکتب پیچ پیچ چون ندید از مزد کار خویش هیچ^{۲۱}

محقق و فاضل نراقی بسیاری از رفتارهای نابهنجار، غیر اخلاقی و غیردینی و وسوسه های شیطانی را ناشی از عدم بصیرت و بینش صحیح مرتبی در مسایل اعتقادی، فکری، اخلاقی و اجتماعی و عدم شناخت وافی در افعال، رفتار و انگیزه ها و آثار و عوارض آنها می دانند و معتقدند با دادن بینش و شناخت درست می توان مرتبی را تربیت کرد و اخلاق وی را اصلاح نمود و از وقوع مشکلات روانی، رفتارهای زشت، و سرنوشتی ناخواسته پیش گیری کرد؛ از این رو این دو مربی و متفکر اسلامی در همه جنبه های تربیتی، بویژه تربیت اخلاقی، بر این روش تأکید می ورزند و معمولاً آن را پیش از روش های دیگر ذکر می کنند و اعتبار زیر بنایی برای آن قایلند.

محقق و فاضل نراقی برای اجرای این روش و تحقق بینش در مرتبی توصیه می کنند که مربی به امور زیر بپردازد:

- مرتبی از آیات و احادیث در مدح یا ذم صفات و رفتارهای مورد تعلیم و تربیت آگاه سازد و آثار و عوارض آنها را که در قرآن، کلمات معصومان



مذهبی بودند که مادران ایشان در توجیه و تربیت آنان موفق نبوده‌اند. در نظرخواهی از مادران، آن‌ها اظهار کرده‌اند که با همه اعتقاد خود به خوبی حجاب، نتوانسته‌اند دلایل قانع‌کننده‌ای به فرزندانشان ارائه کنند. (همان) - شناخت درستی از عظمت، عزت، قدرت، محبت، رضایت، خشم، عدالت و رحمت خداوند و قضا و قدر ارائه دهد تا با بینش صحیح راه عبودیت و صراط مستقیم را در نیل به هدف عالی تربیت ببیند و اگر عملکردهای نادرستی داشت مایوس نشود و راه صلاح را طی نماید. «(بهشتی، ج ۴، ۲۶۳)

آثار بصیرت آفرینی

- بصیرت، نگاه فرد را از سطح و پوسته رویدادها می‌گذراند و به عمق و باطن آنها نفوذ می‌دهد.
- بصیرت موجب تعادل و ثبات روح فرزندان می‌شود و آسیب پذیری در برابر حوادث و عوامل تهدید کننده معنویت کمتر شود
- بصیرت مشکلات و سختی‌ها را آسان جلوه می‌دهد.

۶- روش قصه گوئی

یکی از وسایل تعلیم و تربیت داستان است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که داستان و قصه یک وسیله رایج و عمومی در بین همه اقوام و ملل بوده

علیهم السلام ذکر شده، به وی آموزش دهند و از وی بخواهند درباره آن‌ها اندیشه و تأمل نماید.

- شناخت کافی از فضیلت و ردیلت ارائه دهد و حسن و قبح صفت یا رفتار را بیان نماید تا مرتبی به تشخیص در ست از نادرست و اخلاق و رفتار نیک از اخلاق و رفتار ناپسند برسد و زیبایی یا زشتی رفتاری را که می‌خواهد از او سر بزند، بباید.

- ارتباط عینی بین کمال، شرافت و رفتار مطلوب با قوت و عزت نفس را برای مرتبی مکشوف سازد و رابطه نقصان، بیماری‌های روانی و صفات و رفتارهای ضد ارزشی با ضعف و ذلت نفس را تبیین کند.

«در یکی از تحقیقات از میان پانصد نفر بانوی کم حجاب، اظهارات هشتاد درصد آنان نشان داد که بی‌اطلاعی از فواید و آثار پوشیدگی و پیامدهای ناپوشیدگی، اصلی‌ترین عامل کم حجابی ایشان است؛ هر چند انگیزه‌های دیگری نیز در رفتار آنان تأثیر داشته است.» (مبلغان و پدیده‌ی کم حجابی، نوشته یوسف غلامی)

- از علل و اسباب بروز صفت یا وقوع عملی که به صورت ناخواسته از مرتبی صادر شده، پرده بردارد تا مرتبی به درک درستی از آنچه انجام داده است برسد و در آینده از بروز چنین رفتارهای ناخواسته پیش‌گیری کند.
در میان بانوان بی‌تفاوت به حجاب، برخی دخترانی از خانواده‌های

است. و معمولاً هرزمان، نقلاتی حرفه‌ای وجود داشته اند که در مجامع عمومی مردم قصه می‌گفته‌اند. یونانیان قدیم فرزندان خود را از کوچکی به حفظ داستان‌هایی از "ایلیاد"، "همر"، و "ادیسه" وادار می‌کردند.

افلاطون ارزش واهمیت اقصه‌ها، داستان‌ها و افسانه‌ها را در تربیت کودک دریافته می‌گوید: "پس باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته‌ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می‌کند به مراتب بیشتر از تربیتی است که جسم آنها به وسیله ورزش پیدا می‌کند." (عطاران، ۱۳۶۸، ۱۲۳)

بسیاری از ادیبان، نویسندگان، فیلسوفان و عالمان اخلاق که به قدرت زبان قصه آگاه بوده اند، افکار خود را در این قالب بیان کرده اند. بوعلی از جمله کسانی است که در "قصه‌حی بن یقضان" بسیاری از مضامین بلند عرفانی را آورده است. و یا غزالی در کتاب "کیمیای سعادت" فراوان از حکایت و تمثیل بهره جسته است.

اهمیت قصه در قرآن

قصه در قرآن، بازگو کردن سرگذشتی است که از واقعیات عینی حیات بشر حکایت دارد تا برای آیندگان عبرتی باشد. قرآن خودش را به عنوان یک منبع داستان معرفی می‌نماید و می‌گوید

"ما اخبار پیامبران را به صورت قصه برای تو بیان می‌کنیم تا به قلب تو آرامش دهیم. و به همین وسیله حق آشکار می‌گردد، و برای مؤمنین موعظه و تذکر خواهد بود." (هود/ ۱۲۰)

آنچه از آیات قرآن به دست می‌آید نشان می‌دهد که اهداف قصه‌های قرآن در محورهای زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- تربیت و آموزش از طریق آموزش القاء غیر مستقیم
- ۲- عبرت و تفکر
- ۳- بیان حقایق و احیای تفکر دینی صحیح بر مبنای زدودن خرافات
- ۴- شاهد صدق نبوت و زمینه برای گسترش دعوت.
- ۵- آرامش خاطر پیامبر و امیدآفرینی در دل‌های مؤمنین با نوید موفقیت (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۲۷۶)

چگونه قصه و داستان بر انسان تأثیر می‌گذارد؟

در تعلیم و تربیت قصه‌گویی روشی است که به وسیله آن به طور غیر مستقیم در اعماق روح کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارد. داستان‌نویس و قصه‌گو، ضمن بیان وقایع مهم اقوام، ملل و شخصیت‌های مهم تاریخ، روح خواننده و شنونده را به همراه خویش تا عمق تاریخ می‌برد، و الگوهایی را برایش مجسم می‌سازد تا از گفتار و رفتارشان سر مشق بگیرند و پیروی کنند. تأثیرات قصه و داستان غیرمستقیم و نامرئی است. به طور غیر مستقیم راه را نشان می‌دهد و هدایت می‌کند، عبرت می‌دهد، موعظه

می‌کند، تشویق می‌نماید، می‌ترساند، امیدوار می‌کند، همه اینها به طور غیرمستقیم القا می‌شود و به همین جهت پایدار خواهد بود. (امینی، جلد دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹)

در واقع شنیدن قصه، یکی از کارهای مورد علاقه کودکان و نوجوانان است. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می‌دهند. و خود را در اختیار قصه‌گو قرار می‌دهند که در این صورت به صورت غیر مستقیم تأثیرات لازم را می‌پذیرند. قصه، نه تنها پیام‌های مفیدی برای کودک دارد، بلکه اگر به گونه‌ای جذاب و مناسب طراحی و بیان شود، کودک و نوجوان می‌کوشند خود را با شخصیت‌های آن قصه همانند سازند (جمعی از نویسندگان، جلد اول، ۱۳۸۶، ص ۲۴۹). والدین و مربیان می‌توانند با بیان داستان‌های مربوط به امام زمان - علیه السلام - و یاورانش، زمینه‌ی رشد شناختی کودک را فراهم سازند، و با آرایه‌ی قصه‌های آموزنده و جذاب به ساخت الگوی ذهنی آنان با گرایشات معنوی بپردازند و زمینه‌ی علاقه و انگیزه‌ی آنان را در انجام مسایل معنوی فراهم آورند، در این صورت نوعی اشتیاق در آنان ایجاد می‌شود و در نتیجه کودک و نوجوان از انجام اعمال دینی احساس رضایت می‌کند که این رضایت باعث درونی شدن عمل اخلاقی در آنان می‌شود.

نتیجه

آشنا کردن کودکان و نوجوانان با معارف و ارزشهای دینی و مذهبی یکی از اصول مهم در تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می‌شود. و روز به روز با توسعه‌ی زندگی اجتماعی، علمی و سیاسی ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود. بنابراین یکی از محورهای مهم و اصلی تربیت باید عمق بخشیدن آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان باشد، زیرا در این صورت است که فرزندان از هر نوع آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند. بسیاری از شرارت‌ها و آسیب‌هایی که به دختران و زنان جامعه وارد می‌شود ناشی از نداشتن حجاب و عفاف می‌باشد. درونی کردن این ارزش بین دختران و زنان باعث می‌شود آنان در برابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند. مناسب‌ترین زمان برای درونی کردن ارزش‌های اسلامی و تربیت دینی فرزندان دوره کودکی و نوجوانی می‌باشد. زیرا روح آنان در این زمان انعطاف پذیری قابل توجهی دارد و هر چه انسان بزرگتر می‌شود از این انعطاف کاسته می‌شود. و با توجه به این که کودک در این دوران از حساسیت‌ها و لطافت‌های خاصی برخوردار است باید از بهترین شیوه‌ها بهره گرفت تا نتایج مفید و مؤثر حاصل شود. یکی از روشهای بسیار مؤثر در تربیت تشویق کارهای خوب کودکان و نوجوانان است. تشویق راهی مناسب در ایجاد انگیزش به سوی حجاب و عفاف می‌باشد. تشویق در روح آنان اثر می‌گذارد و آنها را به انجام اعمال نیک تحریض و ترغیب می‌کند. یکی دیگر از شیوه‌ها روش الگویی است. در این روش فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌کند و تحت تأثیر مشاهده، از

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- آشتیانی، محمد رضا (۱۳۸۴). گنجینه آداب اسلامی، قم: انتشارات زهیر.
- ۴- احمدی، احمد (۱۳۶۴)، اصول و روشهای تربیت در اسلام، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی.
- ۵- امینی، ابراهیم (۱۳۷۹)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۶- بهشتی، محمد (۱۳۷۹)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۷- پیازه، ژان، پیر هانری سیمون، ترجمه عنایت الله شکیب پور روان شناسی کودک و اصول تربیتی جوانان، تهران: کتاب فروشی نیما، ۱۳۹۶.
- ۸- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات نماز و خانواده، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۹- حسینی زاده، علی (۱۳۸۳)، (زیر نظر علی رضا اعرافی)، سیره تربیتی پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام، جلد دوم، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- ۱۰- خادمی عین الله، (۱۳۷۹) بررسی عوامل مؤثر بر درونی کردن ارزشهای اسلامی در دانش آموزان، تهران: انتشارات اداره کل آموزش و پرورش.
- ۱۱- دفتر تحقیقات و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، اخلاق و تربیت اسلامی، انتشارات چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۹.
- ۱۲- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا.
- ۱۳- سعدی، مصلح الدین، بوستان.
- ۱۴- شرفی، محمد رضا، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۵- شعبانی، حسن (۱۳۷۱)، مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۶- عطاران، محمد (۱۳۶۸)، آرای مربیان بزرگ مسلمان در باره تربیت کودک، تهران: وزارت آموزش و پرورش - دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه ها.
- ۱۷- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۱۸- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، تعلیم و تربیت در اسلام، قم: انتشارات صدرا.
- ۱۹- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹)، علوم قرآنی، انتشارات موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- ۲۰- مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۲.
- ۲۱- نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸)، المستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

رفتار دیگران پیروی نموده و خود را با آن همساز می‌کند. روش محبت یکی از عوامل بسیار مهم در جذب افراد می‌باشد که اثر آن بر روی فرد تربیت شونده عمیق و دراز مدت می‌باشد. و در این مدت مربی می‌تواند منویات تربیتی خود را به کودک القا کند و تغییر رفتار را در کودک مشاهده کند.

داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به انجام یک کار دوام و قوام آن عمل را بیشتر خواهد کرد بنابراین روش بصیرت بخشی روش مؤثری برای نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. با روش قصه‌گویی می‌توانیم در اعماق روح کودک نفوذ کنیم و با بیان قصه‌های آموزنده و جذاب کودکان را با شخصیت‌های قصه همانند سازیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. قال (علیه السلام): ولاتکونوا کجفاه الجاهلیه لا فی الدین یتفقهن ولا عن الله یعقلون کقیض بیض فی اداح یکون کسرهما وزرا ویخرج حضانهما شرا. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶.
۲. بوته خار
۳. کنایه از تعلل کردن - به معنی کند راه رفتن
۴. نحن الشعاع والاصحاب، والخزنه والابواب، ولا تؤتی البیوت الا من ابوابها. نهج البلاغه خطبه ۱۵۴.
۵. ایها الناس من سلک الطریق الواضح ورد الماء ومن خالف وقع فی التیه، نهج البلاغه کلام ۲۰۱.
۶. ناشنوی واقعی که از ابتدا توانایی شنیدن ندارد بالتبع لال خواهد ماند.
۷. ان الله سبحانه وضع الثواب علی طاعته، والعقاب علی معصيته زیاده لعباده عن نعمته و حیاشه لهم الی جنته.
۸. اف، تف
- ۹.
۱۰. من نصب نفسه للناس اماما فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره، ولیکن تأدیهه بسیرته قبل تأدیهه بلسانه، و معلم نفسه و مؤدبها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم. نهج البلاغه، حکمت ۷۳.
۱۱. در این جا به معنی کینه و غل و غش می‌باشد.
۱۲. قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي - (سوره یوسف، آیه ۱۰۸).
۱۳. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، جلد ۱، ص ۴۲۳
۱۴. جلال الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم.

حکمت‌های حجاب و نقشه‌های دشمنان

«حجت‌الاسلام و المسلمین اختری» رییس و «آقای بیاتی» دبیر جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب با حضور در برنامه زنده «اردی‌بهشت» در شبکه چهارم سیما، درباره مسأله حجاب و عفاف سخن گفتند.

مجری: دلیل برگزاری این جشنواره در سطح دانشگاه‌ها چیست؟

بیاتی (دبیر جشنواره): بسم الله الرحمن الرحيم. همانطور که می‌دانید مسأله حجاب مسأله روز جامعه است. یعنی از یک سو حجاب بحثی است که این روزها عمدتاً طرح می‌شود، و از سوی دیگر، نقش دانشجو در جامعه و خانواده مهم است و در جامعه هم الگویی مهم است. لذا ما تلاش کردیم در محیط دانشگاه که محیطی علمی است، به دور از سیاسی‌کاری، به بحث حجاب و عفاف بپردازیم.

محیط دانشگاه محیطی علمی است؛ رابطه میان دین و علم هم کاملاً متقابل است. لذا در این جشنواره، به حجاب و عفاف اینگونه نگاه کرده‌ایم.

مجری: پس این جشنواره، علمی است.

بیاتی: بله، در این جشنواره به دنبال کار تشریفاتی و تبلیغاتی نبوده‌ایم؛ بلکه با دعوت از اساتید برگزیده در این حوزه، به دنبال بحث‌های مشکل‌گشا هستیم. در این جشنواره همچنین حدود ۱۰ دانشمند از نمایندگان دانشگاه‌های کشورهای اسلامی نیز شرکت دارند و جلسه رسمی و بیش از ۳۰ جلسه غیر رسمی برگزار کرده‌ایم.

مجری: چه راهکارهای عملی را پیشنهاد می‌کنید؟

بیاتی: راهکار اول، کار در خانواده است که بستر رشد جوانان و نوجوانان محسوب می‌شود. را بررسی کنیم تا به مشکلات اصلی در رابطه حجاب و عفاف پی ببریم. یکی دیگر از راهکارها این است که بتوانیم بر سلیقه مردم نظارت داشت؛ به طور مثال در مسأله ازدواج جوانان تاکنون اینگونه بوده است که مرد، خانم عقیق را بهتر قبول می‌کند تا دیگری را، اما این سلیقه در حال جابجایی است و امروز می‌بینیم که برخی خانم‌ها به عنوان مانکن در جامعه ظاهر شده‌اند و مورد توجه قرار می‌گیرند. در اینجا این نکته هم مهم است که بحث حجاب و عفاف، فقط مختص به خانم‌ها نیست ولی درباره خانم‌ها بیشتر است.

مجری: آقای اختری! اگر بخواهیم بگوییم فلسفه حجاب چیست؟ برای چه باید حجاب در جامعه باشد؟ برای اینکه به این سمت دانشجویان هدایت شوند؟

اختری (رییس جشنواره): بسم الله الرحمن الرحيم. برای بیان فلسفه حجاب مطالب عمده و فراوانی هست که در یک برنامه نمی‌گنجد؛ اما به

طور خلاصه می‌دانیم که حجاب در همه ادیان وجود داشته است؛ منتها در کم و کیف و گسترش و جهات مختلفش، گوناگون بوده‌اند. دقیقاً معلوم نیست که نحوه حجاب در ادیان مختلف چگونه بوده، اما در نمونه‌های مختلف تاریخی، و زندگی پیامبران می‌فهمیم که حجاب در همه وجود داشته است. اما حجاب در دین اسلام، به عنوان یکی از فرائض اسلامی است که در قرآن به آن تاکید شده است. لذا اسلام احکام مختلفی برای آن دارد و همه مسلمانان و علمای اسلامی آن را قبول دارند و آن را از "ضروریات دین" می‌دانند.

اما درباره فلسفه آن، چون از حقایق واقعی احکام مطلع نیستیم از فلسفه واقعی آن هم اطلاع نداریم که به خاطر چه حلال یا حرام شده است، اما "حکمت احکام" را تا حدودی تشخیص می‌دهیم و می‌دانیم خداوندی که برای ما عزت، سلامت، ترقی و تکامل خواسته است احکامی صادر می‌کند که به نفع ما است. حدیثی از امام (ع) هست که می‌فرماید: «آنچه خداوند حلال و حرام کرده برای مصلحتی است که برای ما یا جامعه ما قرار داده و یا برای خیری است که برای ما و جامعه داشته است».

حکمتی که می‌توانیم در اینجا به آن اشاره کنیم این است که حجاب، زمینه‌ساز عفت فرد و عفت جامعه است. ما چند نوع عفت داریم: "عفت ظاهری"، "عفت باطنی و واقعی"، "عفت کردار"، "عفت برخورد" و ... که در زمینه‌های اخلاقی وجود دارد. کسی که حجاب دارد نه تنها عفت ظاهری را دارد بلکه با این کار، زمینه‌ی عفت واقعی را هم برای خود فراهم می‌کند. یعنی همانطور که خودنمایی‌ها، ظاهرسازی‌ها و بی‌حجابی‌ها زمینه‌ساز بی‌عفتی می‌شود حجاب هم زمینه‌ساز عفاف می‌شود.

حکمت دیگر اینکه: حجاب، حفظ ظواهر و زینت انسان است. حجاب در لغت به معنای پوشش و مخفی کردن است؛ لذا زمینه‌ای است برای حفظ کردن ظاهر جسم و مظاهر زیبایی‌های انسان که جلوی خودبینی‌ها و ظاهر سازی‌ها را می‌گیرد.

حکمت سوم حجاب، جلوگیری از بروز بسیاری از مفاسد اجتماعی است. بنابراین در قرآن هم نسبت به مردان و هم نسبت به زنان دستور حفظ حجاب وجود دارد؛ و لذا مردها هم باید جسم خودشان و بدنشان را بپوشانند و استثنائاتی برای زنان و هم برای مردان وجود دارد.

مجری: از صحبت‌های شما اینگونه فهمیده می‌شود که دو علت برای حجاب وجود دارد؛ یکی اینکه جلوی مفاسد را بگیرد و دوم



از زمان «رضا شاه» کم کم این بی بند وباری‌ها شیوع پیدا کرد و زنان بعضی از این سفارت‌خانه‌ها مدهایی را وارد کرده و خودشان می‌پوشیدند و آن را شیوع می‌دادند.

در زمان ما هم بعضی از این در وارد شده و بعضی از افراد مأموریت دارند که در مناطق عمومی مسأله بی‌حجابی را نشان بدهند و اینکه به بی‌دینی عمل می‌شود و این مسأله را گسترش و شیوع بدهند و این مقابله با دین و حاکمیت و حکومت اسلامی است. ما نباید بپذیریم این حرکت گسترش پیدا کند، ما خوشحالیم که عده‌ای از دانشجویان به تکاپو افتاده‌اند و لذا ما باید به کار فرهنگی اهمیت بدهیم و کار فرهنگی بکنیم.

کتاب به حد کافی است و مقاله هم به اندازه کافی نوشته شده و فلسفه حجاب را هم علما بیان کرده‌اند و زمانی است که ما باید عمل کنیم، کار فرهنگی کنیم و آن را شیوع بدهیم.

جامعه نباید تحت تاثیر تبلیغات غرب و به خصوص فمینیست‌ها قرار بگیرند، آنها هر چه می‌خواهند بگویند! ما در جامعه خودمان نشان دادیم نظام سیاسی با این خانم‌های عالم، با متخصصین علوم مختلف، این را نشان دادند که حجاب مانعی برای پیشرفت یک خانم نیست همانگونه که می‌بینیم به بالاترین مرحله و به بالاترین تخصص رسیده‌اند. حتی در بضعی کشورها می‌بینیم با اینکه حجاب نیست خانم‌ها نمی‌توانند درس بخوانند. به عنوان نکته آخر باید بگویم که مسأله حجاب با قانون زنان متفاوت است بنابراین کسی که در خانه به او ظلم می‌شود تفاوت دارد با مسأله حجاب، و نباید آن را به مسأله حجاب ربط داد.

مجری: از حضور شما در این برنامه تشکر می‌کنیم.

اختری: متشکرم. انتظار این است که رسانه‌ها هم در این امر سرمایه‌گذاری کنند تا در ابعاد مختلف مورد توجه قرار بگیرد. ان شاءالله خداوند ما مردم ایران را که ارادتمندان حضرت فاطمه زهرا(س) هستیم لایق بداند تا فرهنگ فاطمی را محقق کنیم و زندگی خودمان را به آنها نزدیک کنیم و آنها برای ما الگو شوند و مردان و زنان ما با این فرهنگ خو بگیرند.

اینکه واجب است. شهید مطهری هم می‌گوید حجاب مصونیت است نه محدودیت و براساس اینکه "ما حکم به الشرع حکم به العقل"، احکام اسلامی عقلایی و برای حفظ مصونیت خانواده‌ها است. بنابراین بی‌حجابی باعث محدودیت می‌شود. در این مورد توضیح بفرمایید؟

اختری: به نظر بنده - به عنوان یک طلبه - درباره بلاهای اجتماعی و سایر امراض اخلاقی عمومی در جامعه، مانند فساد و اعتیاد که به عنوان یک بیماری خامناسوز در ایران شیوع دارد، باید اندیشمندان بحث کنند. آنها باید بررسی کنند که چگونه با این مسائل برخورد شود. من به کار قهری معتقد نیستم. برخورد قهری ممکن است جواب بدهد ولی به شکل موقتی و کوتاه‌مدت. لذا همانگونه که امام(ره) و مقام معظم رهبری فرموده‌اند باید به گونه‌ای برخورد شود که این مسائل نهادینه شود.

دشمنان ما که نتوانسته‌اند با کار نظامی و یا اقتصادی ما را مورد حمله قرار دهند، به دنبال این هستند که با کار فرهنگی رخنه کنند و لذا فکر نکنیم که این کار بی‌اهمیت است.

به تاریخ نگاه کنیم، تاریخ اندلس، که اسپانیا قسمتی از اندلس آن زمان بوده که کشوری اسلامی بود که مسلمانان حاکم بودند؛ اما این کشور سقوط کرد نه از کانال‌های نظامی و نه قهری بلکه به خاطر مسائل فرهنگی سقوط کرد که بی‌حجابی، مشروب‌خواری، فساد اخلاقی در میان جامعه آنها نفوذ کرد و مسئولان آن به بی‌بند وباری دست زدند و جامعه شروع کرد به سقوط کردن.

و حالا دشمن این دام را پهن کرده همه باید این مسائل را در نظر بگیرند و به نظر می‌آید یک بی‌مسئولیتی احساس می‌شود و بعضی مسئولان به این بی‌توجه هستند که دولت می‌تواند جلوی بعضی از این مسائل را بگیرد. در بعضی ادارات، بیمارستان‌ها وقتی وارد می‌شوی گویی بویی از دین به مشام نمی‌رسد. در دانشگاه‌های ما عده‌ای از دانشجویان اعم از دختر و پسر صدایشان بلند شده و ناراحتند از وضعی که هست. اینها نقشه دشمن است که پنهان و آشکار در این زمینه کار می‌کنند. مثلاً

آیت‌الله جنتی در مراسم اختتامیه:

روش‌های قرآنی، نافذترین روش نهادینه کردن حجاب است

جنتی در ادامه این مطلب تأکید کرد: «بی‌حجابی و بی‌عفتی، مسائلی همچون طلاق، سقط جنین، فرزندان بی‌سرپرست را به دنبال خواهد داشت که غرب هم‌اکنون به آن مبتلا شده است».

امام جمعه موقت تهران با تأکید بر اینکه حجاب و عفاف جزء حدودالله است و باید با دید قرآنی به این مسأله نگاه کرد، افزود: «بنا بر آیات متعدد قرآن، حجاب از حدود الهی است و کسی که به این مسئله توجهی ندارد و آن را رعایت نمی‌کند در حقیقت به قرآن و اولیاء خدا دهن کجی می‌کند». رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر در ادامه خاطرنشان کرد: «قرآن در خصوص حجاب تأکید می‌کند که زن و مرد باید دلشان پاک باشد که اگر دل و قلبی ناپاک شد، آثار منفی از خود به جا می‌گذارد و در ارتباط بین خدا و انسان تأثیر خواهد داشت».

دبیر شورای نگهبان در خصوص افرادی که تا حدودی معتقد هستند اما بی‌حجابی می‌کنند، گفت: «این دسته افراد تاجر به فسق و گناه مضاعف دارند و در حقیقت جامعه را سمپاشی می‌کنند».

وی با تأکید بر اینکه دولت‌ها مقرر شدید وضعیت نامناسب حجاب و بی‌حجابی در جامعه امروز هستند، گفت: «دستگاه‌های دولتی حتی در خصوص افرادی که حقوق‌بگیر دولت هستند و حجاب را رعایت نمی‌کنند، هیچ برخوردی نداشته‌اند».

جنتی با بیان اینکه زنان باحجاب ما کم نیستند و در حقیقت آنها با حفظ حجاب جهاد می‌کنند، تصریح کرد: «از کسی که با عدم رعایت حجاب در دانشگاه تحصیل می‌کند و مدرکی اخذ می‌کند و در آینده پستی را مدیریت خواهد کرد نباید انتظار داشته باشیم که قانون را رعایت کند و پاکدامنی و عدالت را از او ببینیم، چرا که این شخص که قانون خدا را رعایت نمی‌کند، نمی‌تواند جامعه و کشور را به جایی برساند».

وی با اشاره به اینکه مسأله حجاب و عفاف هم‌اکنون همه را درگیر خود کرده است، گفت: «حتی مراجع تقلید از این وضعیت به تنگ آمده‌اند».

جنتی در خصوص راهکارهای مقابله با این معضل اجتماعی گفت: «باید با هر قشر و فردی متناسب با خودش رفتار کرد، از این رو روش‌های قرآنی برای بعضی‌ها مؤثر است؛ چرا که قرآن مندر و بشیر است. اگر بتوانیم از الهامات قرآنی برای خود و دیگران استفاده و بیان کنیم تأثیر بسزایی در فرد خواهد داشت؛ چرا که روش‌های قرآنی از نافذترین و موفق‌ترین روش‌هاست».

در پایان مراسم اختتامیه این جشنواره، هدایایی به رسم یادبود به میهمانان و دانشجویان برگزیده اهداء شد.

مراسم اختتامیه سومین جشنواره دختران آفتاب با حضور «آیت‌الله احمد جنتی» دبیر شورای نگهبان، «حجت الاسلام و المسلمین اختری» دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع)، «دکتر دباغ» معاون دانشگاه شهید بهشتی و حدود ۳۰۰ میهمان داخلی و خارجی برگزار شد. در ابتدای مراسم «مهدی بیاتی» دبیر این جشنواره گزارشی از برگزاری این جشنواره چندروزه ارائه کرد.

سپس حجت الاسلام و المسلمین اختری رئیس سومین جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب با تشکر از مدیران و شرکت‌کنندگان این جشنواره، آن را مثبت ارزیابی کرد.

سخنران پایانی این مراسم هم «آیت‌الله جنتی» بود که با ارزشی دانستن این جشنواره اظهار امیدواری کرد اینگونه جشنواره‌ها ادامه داشته باشد. ایشان با ابراز تشکر و قدردانی از دست‌اندرکاران برپایی این جشنواره، این اقدام را بسیار ارزنده دانست و گفت: «افرادی که با این اهداف و برپایی اینگونه مراسم‌ها موافق هستند باید در این زمینه بیشتر کمک کنند. برپایی این جشنواره‌ها و پرداختن به مسئله مهم حجاب و عفاف مصداق آیه شریفه سوره صف است که "مؤمنین باید یار خدا باشند"؛ لذا برپایی چنین همایش‌هایی کار "یاران خداوند" است. از آنجایی که صدای "هل من ناصر ینصرنی حضرت زهرا(س)" بلند است و از مسلمانان می‌خواهد که اجازه ندهند زحمات پدرش از بین رود، هر فردی این ندا را لبیک گوید از انصار الله و یاران خداوند است».

وی مسئله حجاب و عفاف را بسیار حساس دانست و تأکید کرد: «برپایی اینگونه جشنواره‌ها باید نتیجه عملی داشته باشد و اثرگذار باشد».

دبیر شورای نگهبان با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی به دلایل مختلف در مسئله حجاب و عفاف کوتاهی کرده است، تأکید کرد: «در این زمینه، آنچه باید و شاید دولت‌ها به وظیفه خود عمل نکرده‌اند. مسؤولان نهادهای مختلف مانند رؤسای دولت‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها، صدا و سیما، آموزش و پرورش و حتی روحانیت وظیفه‌ای را که باید در این امر مهم انجام می‌دادند، به خوبی انجام ندادند و خود را با گرفتاری مسائل دیگر مشغول کردند».

آیت‌الله جنتی با بیان اینکه اهمیت لازم به فریضه حجاب داده نشده، اظهار داشت: «بعضی‌ها خیال می‌کردند که مسئله حجاب و عفاف مشکلی ندارد و زمانی که از برخورد با بی‌حجابی صحبت می‌شد و برخی افراد در خصوص برخورد با بی‌حجابی طرح‌هایی را ارائه می‌کردند آن را رد می‌کردند؛ در صورتی که اگر این فریضه مهم به درستی انجام نشود، ام‌الفساد خواهد بود».

حجت‌الاسلام والمسلمین اختری در مراسم اختتامیه:

تبلیغ حجاب به زبان نیست، به عمل است

دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) در مراسم اختتامیه جشنواره دختران آفتاب گفت: برای حاکم شدن فرهنگ فاطمی و علوی در کشور، نیازمند خودسازی و عامل به دستورات دین بودن افراد جامعه هستیم. حجت‌الاسلام محمدحسن اختری دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) و رئیس جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب در آئین اختتامیه این جشنواره گفت: «برای گسترش حجاب در جامعه، اولاً باید هدف خود را باور کنیم و ثانیاً برای گسترش و توسعه این هدف تمام تلاش خود را مبذول داریم.» حجت‌الاسلام اختری افزود: «ما نیازمند آئیم تا فرهنگ فاطمی و علوی در جامعه حاکم شود و برای نیل به این منظور، باید خودمان عامل به دستورات دین باشیم و با "خودسازی"، به گسترش این فرهنگ غنی شیعی بپردازیم.»

رئیس سومین جشنواره بین‌المللی دختران آفتاب در ادامه سخنان خود به مسأله الگو بودن حضرت زهرا(س) در جامعه اشاره کرد و گفت: «برای آنکه بتوانیم به این نوع از الگوسازی در جامعه دست یابیم، باید همه شاخص‌های زندگی یک انسان کامل را که در وجود ایشان(حضرت زهرا(س)) نهفته است، در جامعه اسلامی و میان زنان و مردان پیاده کنیم.» به گفته اختری، امام عصر(عج) در روایتی می‌فرمایند که الگوی من در زندگی، فاطمه زهرا(س) است. حضرت زهرا(س) نیز الگوی خود را رسول اکرم(ص) ذکر می‌فرمایند. وی سپس از این گفته خود چنین نتیجه گرفت که: «این مسأله نشان می‌دهد معصومین(ع) همگی الگوی بارز و شاخص خود در زندگی را حضرت زهرا(س) و رسول گرامی اسلام(ص) می‌دانند. ما هم باید از زندگی این بزرگان الگوبرداری کنیم؛ یعنی زهرا(س) تنها برای زنان الگو نیست و مردان هم باید رفتارهای ایشان را سرلوحه امور خود قرار دهند.»

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با تمجید از دستاورد این جشنواره که تشکیل کانون‌های عفاف و حجاب در جامعه است، گفت: «امیدوارم این حرکت بابرکت به زودی نتایج مثبتی به بار داشته باشد و با عنایت خداوند متعال شاهد رشد و شکوفایی آنها باشیم.»

وی در پایان از دختران آفتاب و سفیران حجاب در دانشگاه‌ها خواست تا مهمترین بخش تبلیغ که همانا عامل بودن خود مبلغ به آداب اسلامی است را رعایت کنند و تنها به تبلیغ لسانی و زبانی اکتفا ننمایند

مورد تقدیر قرار گرفتند:

برگزیدگان بخش مقالات جشنواره

اهدای جوایز نفرات برگزیده بخش مقالات سومین جشنواره دختران آفتاب، حسن ختام مراسم اختتامیه این جشنواره بود. نفرات زیر افرادی بودند که به طور انفرادی یا به شکل مشترک، برنده جوایز این جشنواره در بخش مقالات شدند:

۱. سعید مسعودی پور
۲. الهه هادیان رسانی
۳. لیلا ناصری و مصطفی ناصری
۴. زهرا گواهی و زینب محمدزاده
۵. مرضیه خانی
۶. فاطمه اسفندیار، زهرا یوسفیان و محمد صالح هاشم زاده
۷. منصوره فصیح رامندی
۸. علی اکبر شایسته نژاد
۹. سیاوش پورطهماسبی، شاپور نورآذر و آذر تاجور
۱۰. زهره سادات میرمقتدایی
۱۱. محمد صالحی و حسین باقری
۱۲. طیبیه مطلوبی



اهانت‌ها را تحمل کردم... اما حجاب را برگزیدم



کارم را از
دست دادم...
اما حجاب را
برگزیدم

«خانم بسا بوتوچی» یک نوشیعه‌ی اهل کوزوو است. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته ریاضیات بوده و با وجود اینکه هفده سال سابقه تدریس در مدارس و دبیرستان‌های کوزوو دارد به دلیل انتخاب حجاب اسلامی از ادامه فعالیت آموزشی در مدارس این کشور منع گردیده است.

ایشان که همسر «آقای منصور بوتوچی» از اعضای مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع) است در سفری به ایران، جشن رسمی حجاب‌گذاری خود را در شهر مقدس قم برگزار کرد.

وی می‌گوید: «از آنجا که زن و مرد در خلقت تفاوت‌هایی دارند طبیعی است که در حقوق نیز به این تفاوت‌ها توجه گردد. این تفاوت‌ها، فیزیکی، جنسی، بلوغ و روانی هستند. لذا با توجه به تفاوت‌هایی که وجود دارد اسلام بر خود لازم نمی‌داند که مرد و زن در حقوق، یکسان و یکی باشند همچنان که به امتیاز و تبعیض به نفع مرد معتقد نیست. اسلام به برابری حقوق آن دو رای داده ولی نه به اتحاد در حقوق. با توجه به این تفاوت‌ها، در قوانین و مقررات نسبت به زن و مرد نیز تفاوت‌هایی داشته باشد. یکی از این تفاوت‌ها فرق در نحوه لباس پوشیدن می‌باشد. موضوع پوشش، شکل و گونه آن یک موضوع ساده نیست که قابل اغماض و مسامحه باشد یا آن را مسئله‌ای ذوقی و سلیقه‌ای تلقی نمود. در قرآن آیاتی از قبیل احزاب ۵۹ و نور ۳۱/۳۰ در این زمینه توضیح داده است. در این آیه‌ها ضرورت حجاب را می‌بینیم که خداوند این قانون را در چند آیه جداگانه مورد تأکید قرار داده است.

مطلب دیگری که حائز اهمیت می‌باشد این است که این حکم الهی با مخالفت سرسخت دشمنان اسلام و مورد تخطئه از طرف آنها واقع شده است. غربی‌ها حجاب را به منزله علم عقب ماندگی تلقی می‌کنند و می‌گویند که حجاب موجب بدبختی زن هست، مانع از رشد او می‌گردد و افتراات بی پایه و اساس دیگر. متأسفانه خیلی از دول در سیاست‌شان این نقطه گنجانده شده است که با حجاب و مسئله زنان برخورد شود و تبلیغات سوئی صورت گیرد».

گذشته!!» یکی دیگر از بچه‌ها برای من اشغال پرتاب کرد، دیگری حرف‌های رکیک نثارم کرد... می‌خواستم فرار کنم؛ اما راننده اتوبوس در را بست و گفت: «بنشین!» بایم بسیار سنگین شده بود و یارای حمل من به سمت صندلی را نداشت؛ همان دو یا سه قدم به سمت صندلی برایم به اندازه یک سال طول کشید. بالاخره بر روی یکی از صندلی‌ها در ردیف جلوی اتوبوس نشستم. همچنان فحاشی‌ها و پرتاب اشیاء به سمت خودم را حس می‌کردم و می‌شنیدم؛ ولی به روی خودم نمی‌آورد. به مدرسه که رسیدیم، احساس کردم روسری‌ام خیس شده؛ بعدها یکی از دوستانم گفت که بچه‌ها در سرویس و در طول راه، یکی یکی به سمت من می‌آمده‌اند و به روسریم آب دهان می‌انداختند!

این داستان هرروز برای من تکرار می‌شد و من مجبور بودم با خودم دو یا سه روسری به مدرسه بیاورم تا پس از پرتاب‌های آب دهان از طرف دانش‌آموزان، دومی یا سومی را به سر کنم!

خانم گونزالس با شور و حرارت این داستان را تعریف می‌کرد گویی که اصلاً از بیان این خاطرات تلخ ناراحت نیست!

وقتی پرسیدم: «آیا از یادآوری این قضایا ناراحت می‌شوید؟» گفت: «ما رأیت الا جمیلاً! مگر من از حضرت زینب (س) بالاترم؟ هرگز! او با آن همه سختی، مصائب کربلا را زیبا می‌دید؛ حال من بیایم و از اینکه به وظیفه مسلمانی‌م عمل کرده‌ام ناراحت باشم؟»

"زهر" در پایان گفت: «از اینکه می‌بینم در ایران تعداد زیادی از زنان و دختران اهتمام جدی‌ای به حجاب و پوشش خود ندارند، دلم به درد می‌آید!»

این را گفت و با لیخندی به سمت کودک خردسال خود که در کالسکه خوابیده بود، رفت.

«خانم زهر گونزالس» بانوی مسلمان و نوشیعه‌ی آمریکایی، در حاشیه جشنواره دختران آفتاب، برایمان از وضعیت دشوار زنان مسلمان و بانوان محجبه در جوامع غربی گفت. در طول این مصاحبه، چند باری لرزه بر اندامم افتاد و هوای دل و دیده‌ام را ابری کرد؛ نه به خاطر اینکه او چه سختی‌هایی کشیده است، بلکه به این دلیل که اینگونه زنان مسلمان در غرب، برای حفظ حجاب خود از جان مایه می‌گذارند؛ اما در ایران و برخی کشورهای اسلامی که همه در انتخاب حجاب آزادند و کرامت زن مسلمان محفوظ است، متأسفانه برخی از دختران و زنان مان حرمت پوشش اسلامی را پاس نمی‌دارند!

زهر گونزالس می‌گفت: «۱۲ یا ۱۳ ساله بودم که مادرم به دین اسلام گروید. بعد از اسلام آوردن مادرم، او من و برادران و خواهرانم را نیز بدون هیچ اجباری به اسلام دعوت کرد و ما همگی به عشق و علاقه خود مسلمان شدیم.

از آن به بعد همواره با پوشیدن روسری، در انظار ظاهر می‌شدم. درست یادم هست که روز آغاز سال تحصیلی بود. من به کلاس اول راهنمایی می‌رفتم و اولین بار بود که می‌خواستم با روسری به محیط آموزشی بروم. بارها خود را در آینه مشاهده کردم و از اینکه روسری‌ام به رنگ آسمان است، بسیار شاد بودم. می‌خواستم با دوستانم هم این شادی را تقسیم کنم. فکر می‌کردم همگی از نوع پوشش من لذت می‌برند...

اتوبوس مدرسه رسیده بود و من آخرین نفری بودم که سوار شدم. از همین اتوبوس‌های زرد بزرگ که همیشه برای سرویس مدارس استفاده می‌شود. همینکه وارد اتوبوس شدم و چشم بچه‌ها به من افتاد، ناگهان برای مدتی "سکوت" بر اتوبوس حکم‌فرما شد. سپس یکی فریاد زد که «اینو ببینید؛ چی سرش

با انتخاب حجاب دوباره متولد شدم

«ماشا الیلکینا» نام مشهوری در مناطق روسی زبان است. او حدود ۳ سال پیش به عنوان یک هنرپیشه جذاب و یک مدل زیبا مطرح بود و شهرت و محبوبیتش با اوج گرفتن "گروه رقص و موسیقی فابریک" در روسیه، به بالاترین حد رسید.



اما ماشا همانقدر که به سرعت در آسمان شهرت و محبوبیت طلوع کرد خیلی زود نیز از صحنه ناپدید شد. این امر، نه به دلیل افول ستاره‌ی بخت وی بود و نه به علت از دست دادن "زیبایی چهره" یا "سحر صدا"؛ بلکه به این دلیل بود که: «ماشا مسلمان شد و لباس عفت و ایمان را بر درخشش‌های کاذب دنیوی ترجیح داد». این ستاره سابق سینما و آواز، اینک حجابی اسلامی در بر دارد و به تدریس در مدارس مشغول است. وی می‌گوید از جلوه‌های کاذب سابق متنفر است و اکنون احساس خوشبختی می‌کند.

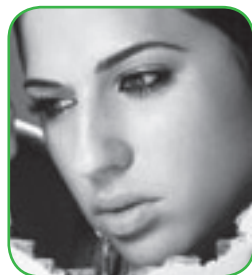
او اضافه می‌کند: «خدایان به ما تفکر و تعقل نداده است تا بیاییم، زندگی کنیم، بخوریم، بخوابیم و بمیریم. خدا به ما فرصت زندگی کردن داده است تا به او برسیم. من به لطف خداوند به سوی او گام برداشتم. این اراده خدا بود. از اینکه مسلمان شده‌ام احساس خوشبختی می‌کنم. امروز من این فرصت را دارم که مقایسه کنم قبلاً چه بودم و حالا چه هستم. من اکنون با حیات واقعی آشنا شده‌ام. پس خوشبختم. اسلام نسبت به ادیان دیگر، محکم‌ترین اساس را دارد. راه اسلام سعادت‌بخش است. من برای فهم بهتر آن دارم عربی یاد می‌گیرم. در ابتدا فکر می‌کردم که آموختن زبان عربی مشکل باشد؛ اما آن را شروع کرده‌ام و خیلی هم آن را دوست دارم و فکر می‌کنم کلیدی برای فهم دانش برتر باشد. اکنون به موفقیت‌ها و درآمد سابق خود فکر نمی‌کنم و حسرت آن را نمی‌خورم. آن جلوه‌ها، پس از مسلمان شدن، برایم بی‌ارزش و منفور هستند. من دوست ندارم به عکس‌های سابقم که در اینترنت هست نگاه کنم. اما اشکال ندارد که مردم آنها را ببینند تا برایشان عبرت شود و بدانند که انسان می‌تواند تولد دیگری داشته باشد و از نو به دنیا بیاید. انسان می‌تواند توبه کند و با انجام کارهای خوب، تمام سیاهی‌های گذشته‌اش را پاک کند، ان شاء الله.»

آرامش خود را در اسلام یافتیم

«میلانی جورجیادیز» مشهور به «دیامس» خواننده جوان و مشهور رپ فرانسوی با حضور در مسجد ژان فیلیپ در پاریس اسلام آورد و خود را ملتزم به رعایت شئون اسلامی از جمله حجاب و قطع ارتباط با مردان نامحرم کرد.

او در حدود یک سال پیش با جوانی مسلمان ازدواج کرد و در این مدت، تغییراتی اساسی در عقاید، اخلاق و زندگی او رخ داد.

دیامس که مدتی نیز به دلیل ابتلا به بیماری افسردگی از حضور در اجتماع خودداری می‌کرد، در صحبت با دوستانش گفت: «من نزد پزشکان زیادی رفته‌ام ولی درمان بیماری خود را تنها در عمل به دستورات اسلام یافته‌ام».



دیامس ۲۹ ساله که به علت اشعار و شخصیت سیاسی‌اش در اذهان عمومی فرانسویان شناخته شده است، در آهنگ‌های خود شدیداً به سازمان‌های بین‌المللی مدعی حقوق بشر اعتراض و از کودکان بی‌سرپرست مهاجر کشورهای آفریقایی و اسلامی دفاع می‌کرد. او نه تنها با سیاستمداران راست‌گرای همچون «ژان لوپن» و «دخترش «ماری لوپن» به مخالفت شدید پرداخته، بلکه با سیاست‌های رییس جمهور فعلی فرانسه «نیکولا سارکوزی» هم مخالف است.

دیامس اکنون با گرویدن به دین مبین اسلام، راه آرامش و رستگاری را در آموزه‌های آن یافته است.

کاش از روز اول حجاب را برگزیده بودم

«خانم حنان ترک» ستاره سینمای مصر پس از هفت سال تفکر برای انتخاب حجاب، سرانجام پوشش اسلامی را برای خود برگزید.

وی درباره دوران بی‌حجابی خود می‌گوید: «این دوران، دوران زینباری بود و ای کاش از روز اول حجاب را انتخاب کرده بودم. من وقتی فیلم‌های ایرانی را در سینما دیدم، فهمیدم که می‌توان هم دین‌دار بود و هم هنرمند! پس التزام من به حجاب مانعی بر اجرای نقش‌های متفاوت در سینما نیست».

این بازیگر در پاسخ به این سؤال که با حجاب به کجا

می‌خواهی برسی، گفت: «مدتی ستاره اهل زمین بودم و از خدا می‌خواهم تا مرا به ستاره آسمان‌ها تبدیل کند».



وی در پاسخ به سؤالی درباره این که کارگردانان معتقدند نشان دادن زن باحجاب در خانه‌ها، برای بیننده قانع‌کننده نیست، گفت: «من با بسیاری از مردم مصر در رابطه‌ام. آنها چنین نظری ندارند».

با انتخاب حجاب بهشت را انتخاب کردم

«آلیسا حسینووا» خواننده مشهور موسیقی رپ در تاتارستان روسیه پس از گرایش به اسلام و انتخاب حجاب در سن جوانی و در اوج شهرت، از محبوبیت و ستاره بودن چشم‌پوشی کرد و عفاف برگزید.

این ستاره سابق باشگاه مسکو، در آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی با خلایقیت و استعداد خود مورد توجه هنرمندان اروپایی واقع شد. تا جاییکه مطبوعات روسی او را سلطان خواننده‌های تاتار نامیدند؛ اما او ناگهان از همه آنها دست کشیده و صحنه نمایش را به کلی ترک گفت.



آلیسا اکنون دین اسلام را مطالعه می‌کند و می‌گوید: «از دوران گذشته زندگی خود بیزارم. من دیگر نمی‌خواهم در مقابل جمعیت قرار بگیرم. من از موسیقی مایوس شده‌ام و دیگر نمی‌خواهم برای جلب رضایت افراد معتاد به موسیقی، آواز بخوانم. همچنین نمی‌خواهم خود را نمایش دهم تا دیگران خوششان بیاید. آنها مرا به بسیاری از جشنواره‌ها و کنسرت‌ها دعوت نمودند، مثلاً به فستیوال‌هایی در سوئیس، استونی و...؛ اما من دعوت آنها را رد کردم.»

آلیسا می‌گوید: «به نظر من، هر انسانی باید آرزوی رفتن به بهشت را داشته باشد. من نمی‌دانم چه چیزی می‌تواند بهتر از این باشد؟!»



دبیرکل مجمع در دیدار مدیران خبرگزاری ایونا:

خبرگزاری زنان درباره بانوان موفق و عقیف اطلاع‌رسانی کند

مدیران خبرگزاری بین‌المللی زنان ایران - ایونا - روز یکشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۹ با حضور در دفتر دبیرکل مجمع جهانی اهل‌بیت(ع) گزارشی از فعالیت‌های این خبرگزاری ارائه کردند.

«حجت الاسلام والمسلمین اختری» در این دیدار، فعالیت رسانه‌ای اسلامی را امری بسیار مهم و ضروری دانست و تأکید کرد: «یکی از مشکلاتی که معمولاً در کشورهای اسلامی وجود دارد بی‌اطلاعی از یکدیگر است».

وی با یادآوری دوران مبارزات خود گفت: «در دوران خفقان ستمشاهی، همیشه ناراحتی ما این بود که چرا وقتی یک اطلاعیه از سوی امام(ره) صادر می‌شود هیچ خبرگزاری یا رسانه‌ای در جهان حاضر نیست که آن اطلاعیه را منتشر کند. لذا اگر یک رسانه یا مجله‌ای آن خبر یا اطلاعیه را چاپ می‌کرد ما خیلی خوشحال می‌شدیم».

اختری با تشبیه انحصار رسانه‌ای فعلی از سوی غرب به وضعیت دوران خفقان در ایران افزود: «الان هم اخبار دینی و اسلامی، به انحاء مختلف در رسانه‌های جهان بایکوت می‌شود. لذا لازم است که خبرگزاری شما مسایلی را که آن رسانه‌ها بدان نمی‌پردازند را انعکاس دهد. بنابراین معیار فعالیت شما باید این باشد که "اطلاعات و اخبار و گزارش‌هایی که معمولاً رسانه‌های دیگر به آن بی‌توجه هستند و برای آن اهمیت قائل نیستند را منعکس کنید." خود نقل این خبر باعث می‌شود که دیگران احساس کنند زنان مسلمان این کارهای مهم و مفید را می‌توانند انجام دهند».

دبیرکل مجمع جهانی اهل‌بیت(ع) به ضرورت فعالیت خبرگزاری زنان ایران اشاره کرد و گفت: «اگر حقوقی از زنان مسلمان یا مستضعف پامال می‌شود یا هر ظلم عمومی نسبت به افراد صورت می‌گیرد، امثال این خبرگزاری باید آنها را منتشر کنند».

وی به لزوم معرفی فعالیت‌های مضر و امر به معروف و نهی از منکر اخلاقی هم تأکید کرد و افزود: «یکی از مسائل مهم خبر، جنبه تحلیلی و نیز جنبه دینی آنهاست که معمولاً در اخبار دیگر خبرگزاری‌ها وجود ندارد. شما باید با منطق و عقلانیت، باورهای اخلاقی صحیح را تأیید و تبلیغات ضدینی و ضد ارزشی را نفی کنید».

رئیس جمعیت مسجدسازان ادامه داد: «خبرگزاری شما می‌تواند با معرفی زنان نیکوکار زیادی که در زمینه‌های مختلف وجود دارند در تشویق دیگران برای امور خیر تاثیر داشته باشد. ضمن اینکه می‌توانید روی این مسأله کار کنید که



وی با اشاره به اینکه هم‌اکنون سه دفتر خبرگزاری ایونا در سوریه، لبنان و عراق ایجاد شده است، گفت: «تعداد بازدیدکنندگان خبرگزاری از کشورهای مختلف خوب است. ضمن اینکه علاوه بر انعکاس اخبار در سایت، این اخبار روزانه به پنج میلیون ایمیل هم ارسال می‌شود و تأثیرگذار است».

سردبیر خبرگزاری زنان "تصحیح قانون نامناسب در زمینه زنان ایرانی که با اتباع خارجی ازدواج می‌کنند" و نیز "رشد سه‌برابری اخبار مطلوب زنان" را از دستاوردهای ملموس ایجاد این خبرگزاری دانست و گفت: «کلاس‌هایی نیز با عنوان افسران جوان جنگ نرم راه‌اندازی کرده‌ایم که مسایل روز و جریان‌شناسی مسایل زنان را در دهها ساعت آموزش می‌دهد».

اسلامی‌فرد با اعلام اینکه بیش از ۶۰ درصد خبرنگاران ایران، زن هستند "خانه خبرنگاران زن" و "جشنواره کلام زینب(س)" را به عنوان فعالیت‌های جانبی خبرگزاری ایونا معرفی کرد و گفت: «هدف از این برنامه‌ها این است که تبلیغات دشمنان که حجاب را مانع زنان مسلمان نشان می‌دهند را خنثی و چهره واقعی زنان مسلمان را مطرح کنیم».

وی افزود: «در این جشنواره که قرار است همزمان با ایام دهه فجر برگزار شود می‌خواهیم ضمن تجلیل از خبرنگاران زن مسلمان، یک NGO بین‌المللی از خبرنگاران زن ایجاد کنیم. همچنین با تدوین منشور اخلاقی خبرنگاران زن، تبیین کنیم که چگونه یک خبرنگار زن می‌تواند با رعایت عفاف و حجاب، فعالیت خبری مفید داشته باشد. هدف دیگر این جشنواره، ایجاد بانک اطلاعات خبرنگاران زن است که امیدواریم با راهنمایی و حمایتی شما انجام شود».

رئیس هیأت مدیره خبرگزاری زنان ایران در پایان از دبیر کل مجمع درخواست کرد نماینده‌ای از مجمع در شورای سیاستگذاری این مجمع شرکت نماید. در این دیدار «خانم طاهره چک» معاونت خبر و «حجت‌الاسلام الهیاری» معاونت پژوهشی خبرگزاری ایونا و نیز «حجت‌الاسلام حسینی عارف» مدیر خبرگزاری اهل‌بیت(ع) - ایونا - هم حضور داشتند.

به خانواده‌های گرفتار، بیماران خاص و کسانی که نیاز به کمک دارند - طوری که حرمتشان لکه‌دار نشود - کمک شود».

وی با بیان اینکه حجاب و عفاف و ایمان مانع از فعالیت مفید اجتماعی زنان نیست، اضافه کرد: «الان زنان زیادی در دانشگاه‌ها، پارلمان‌ها و عرصه‌های مختلف جهان اسلام داریم که با حجاب، تدین و وقار فعالیت می‌کنند. شما می‌توانید با آنها تبادل خبر و مطلب کنید و مطابق با رویکرد خودتان با آنها ارتباط داشته باشید. الان زنان متدین و متخصص زیادی داریم که لازم است فعالیت‌های آنان منعکس شود. مثلاً «خانم صفارزاده» چند دهه کار مفید کرد ولی فعالیت‌هایش تا زمان وفاتش بروز پیدا نکرد. در خارج هم زنان مسلمان و زنان دانشمند پیرو اهل‌بیت(ع) را داریم که انعکاس فعالیت‌های آنان در بالا بردن سطح جامعه می‌تواند تأثیرگذار باشد».

رئیس جشنواره دختران آفتاب به «همایش کلام زینب(س)» و «جشنواره تولیدات رسانه‌ای زنان جهان اسلام» که قرار است از سوی این خبرگزاری برگزار شود هم اشاره کرد و گفت: «با توجه به هزینه‌های کلانی که اینگونه جشنواره‌ها دارند، در صورتی باید آنها را برگزار کنیم که از جشنواره، بهره‌ای گرفته شود که بدون جشنواره امکان نداشته باشد؛ نه اینکه فقط به چند مقاله یا چند کار نمایشی و تشریفاتی بسنده شود».

دبیر کل مجمع جهانی اهل‌بیت(ع) در پایان آمادگی این مجمع را برای همکاری با خبرگزاری ایونا اعلام کرد و گفت: «شما می‌توانید با خبرگزاری مجمع - ایونا - همکاری داشته باشید. دو خبرگزاری ایونا و ایونا می‌توانند با هم توافق و کار کنند. همچنین اداره زنان و کودکان مجمع جهانی اهل‌بیت (ع) فعالیت خوبی دارد که می‌توانید با آن بخش و نیز با جمعیت‌های زنان پیرو اهل‌بیت(ع) در کشورهای مختلف در ارتباط باشید و اگر در این زمینه برنامه‌ریزی خوبی شود می‌توانید از توانایی زنان مرتبط با مجمع بخوبی استفاده کنید».

در ابتدای این دیدار «آقای اسلامی‌فرد» رئیس هیأت مدیره و سردبیر خبرگزاری زنان ایران، هدف از تأسیس و فعالیت این خبرگزاری را توانمندسازی زنان مسلمان و بررسی مشکلات و موانع آنان بدون گرایش‌های فمینیستی اعلام کرد و گفت: «این خبرگزاری حدود پنج سال به شکل یک سایت خبری در مشهد کار کرد و اکنون یک سال و نیم است که با دریافت مجوز لازم، به عنوان یک خبرگزاری رسمی فعالیت می‌کند».

□ به قلم: میثم منصوری کیا
(خبرگزاری ابنا - وابسته به مجمع)

ناوگان آزادی ... کاروانی در بند

اسرائیلی از امضای هر سند عبوری که از سوی آنها ارائه می‌شود سرباز زند و به راه خود ادامه دهند و تنها به ارائه‌ی گذرنامه‌ها و معرفی خود اکتفا کنند.

بازتاب‌ها

پس از این فاجعه «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم اشغالگر که در کانادا به سر می‌برد سفر خود را نیمه کاره رها کرد و بسرعت به تل‌آویو بازگشت. وی قرار بود بعد از سفر به کانادا به واشنگتن سفر و با «اوباما» رییس جمهور آمریکا دیدار کند. در جلسه‌ی اضطراری دیشب شورای امنیت که از طرف ترکیه پیشنهاد شده بود، بیانیه‌ای معمولی از سوی رئیس شورا، اقدام دولت اسرائیل را محکوم کرد. در این جلسه بار دیگر آمریکا به دلیل داشتن حق و تومانع صدور قطعنامه‌ای علیه اسرائیل شد و گفت که این حادثه نیازمند تحقیقات بی طرفانه‌ای است که باید طی مدت ۳۰ روز انجام گیرد. بعد از مکالمه‌ی تلفتی باراک اوباما با نتانیاهو، دفتر اوباما طی بیانیه‌ای اظهار داشت که حمله‌ی اسرائیل به ناوگان آزادی بدون هیچ گونه نقض قوانین بین‌المللی و حقوق دریایی صورت گرفته است!!!

بعد از این حادثه، نفرت از اسرائیل در جهان به اوج خود رسیده است. تظاهرات گسترده‌ای در ایران، ترکیه، پاکستان، انگلستان، فرانسه، آلمان، یونان، سوئیس، بوسنی و هرزگوین، دانمارک، نروژ، هلند، بلژیک و آمریکا گزارش شده است که در آن تظاهر کنندگان خشم خود را در بالاترین سطح خود نشان داده‌اند.

چند علامت سؤال بزرگ

آنچه باعث شده که این عمل اسرائیلی‌ها بیشتر مورد انتقاد قرار گیرد این است که فعالان صلحی که در کشتی‌های ناوگان آزادی مستقر بودند ملیت‌های مختلفی از جمله اروپایی داشتند که تعدادی از آنها چهره‌های دولتی و پارلمانی کشورهای خود به حساب می‌آیند. آیا منطقی است که این چهره‌های شناخته‌شده اعتبار خود را خدشه‌دار و در ناوگانی حضور پیدا کنند که بنا به اظهارات مقامات رسمی رژیم غاصب، تروریست‌ها نیز در آن حضور داشته‌اند.

به هر حال این عملیات ماجراجویانه‌ی رژیم صهیونیستی هم از نظر اعتبار و هم از نظر سیاسی ضربه‌ی بزرگی را به این کشور وارد کرده است. اکثر کشورهای جهان به جز ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه - که واکنشی مطابق معمول جانبدارانه داشتند - اتحادیه‌ی اروپا، اتحادیه‌ی عرب، سازمان عفو بین‌الملل و مؤسسات فعال در زمینه‌ی حقوق بشر این عمل صهیونیست‌ها را محکوم کرده و خواستار تحقیقی فوری در این زمینه شده‌اند.

اینک تمام نگاه‌ها به سمت غزه رفته و جامعه‌ی جهانی این سؤال را از خود می‌پرسد که چرا این شهر در محاصره است؟ چه بسا خون شهدای این حادثه باعث شود که این حصار شکسته شود و مردم مقاوم این خطه بعد از چهار سال طعم آزادی را بچشند. دیپلماسی اسرائیل نیز که در این اواخر می‌خواست چهره‌ای صلح‌طلب را از خود نشان دهد و مدام از طرح صلح بین خود و فلسطینیان سخن می‌راند با این جنایت عجیب وضعیتی مبهم پیدا کرده است.

ناوگانی متشکل از ۸ کشتی که هرکدام وابسته به گروهی است؛ آنها نه تروریست بوده‌اند، نه هستند و نه خواهند بود؛ کمپینی وابسته به برخی از اروپایی‌های طرفدار حقوق بشر، جنبش غزه‌ی آزاد و کمک‌های بشردوستانه در ترکیه، و دو کمپین یونانی و سوئدی؛ که می‌خواستند به غزه‌ی در بند کمک کنند. این ناوگان امیدوار بود تا محاصره‌ی ناعادلانه و چهار ساله‌ی غزه را در هم شکند و امید را برای دل‌های مردم این خطه به ارمغان بیاورد.

... تا اینکه اسرائیل - اسرائیلی که از هیچ چیز و هیچ کس واهمه ندارد - حمام دیگری از خون به راه انداخت؛ اسرائیلی که از همان ابتدا متعهد شده بود که ناوگان آزادی را از رسیدن به هدفش منع کند(!) ولی هیچ کس حتی بدبین‌ترین افراد نیز توقع چنین حادثه‌ی دردناکی را نداشت.

شرح فاجعه

بامداد روز دوشنبه کماندوهای نیروی دریایی اسرائیل با حمله به ناوگان آزادی ضمن درگیری با کسانی که در این ناوگان حضور داشتند ۱۹ نفر از آنها را به شهادت رساندند. فعالان صلح گزارش دادند که کماندوهای اسرائیلی به محض ورود به ناوگان با آنها درگیر شده و به رویشان آتش گشودند.

صهیونیست‌ها منکر این قضیه شدند و می‌گویند که آنها مورد آتشباری فعالان صلح قرار گرفته‌اند!! آنها قبل از این هم مدعی شده بودند که هدف اسلحه‌ی سرد قرار گرفته‌اند. این اظهارات اسرائیلی‌ها به نظر متناقض می‌رسد. یک مسؤول اسرائیلی که نخواست نامش فاش شود گفت که ناوگان آزادی از دستورات نیروی دریایی اسرائیل مبنی بر ترک منطقه خودداری کرده است.

بعد از این عملیات پیروزمندانه(!) قایق‌های نظامی اسرائیلی کشتی‌های ناوگان آزادی را به بنادر اسرائیل اسکورت و سرنشینان را اسیر کردند. منابع دولتی صهیونیست‌ها گفته‌اند که سرنشینان این کشتی‌ها به کشورهایشان فرستاده خواهند شد.

آنچه عجیب به نظر می‌رسد این است که این حادثه در آبهای بین‌المللی آزاد انجام گرفته و نقض فاحش قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود.

ناوگان حامل چه بود؟

این ناوگان حدود ۶۵۰ فعال صلح در خود جای داده بود که در بین آنها نام ۴۴ مقام رسمی دولتی، پارلمانی و سیاسی از اروپا و برخی کشورهای عربی نیز دیده می‌شود.

آنها نه با خود سلاحی داشتند و نه می‌خواستند سلاحی به غزه برسانند. کل کمک‌های این ناوگان چیزی فراتر از سیمن، ژنراتورهای الکتریکی، تجهیزات پزشکی، دارو و مواد غذایی نبود. ناوگان آزادی که باید آن را "ناوگان در بند" نامید، «بندر آنتالیا»ی ترکیه را به مقصد غزه ترک کرد و انتظار می‌رفت چند روز بعد وارد این شهر شود.

یکی از خبرنگارانی که همراه ناوگان بود قبل از حادثه گزارش داد که افراد حاضر در ناوگان با خود عهد بسته بودند که در صورت عدم دستگیری توسط نظامیان

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی
در پی حمله رژیم صهیونیستی به ناوگان آزادی

صهیونیسم چهره جدید و خشن تر فاشیسم است

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی، حمله جنایتکارانه و قساوت آمیز رژیم صهیونیستی به کاروان دریائی امدادی و بشردوستانه را، حمله به افکار عمومی و وجدان‌های بشری از سراسر جهان خواندند و تاکید کردند: امروز فلسطین دیگر نه مسأله عربی و حتی نه فقط اسلامی، بلکه مسأله حقوق بشری جهان معاصر است و حامیان این رژیم سفاک و گستاخ بویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه جدا باید پاسخگو باشند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:



بسم الله الرحمن الرحيم

حمله‌ی جنایتکارانه و قساوت‌آمیز رژیم صهیونیست به کاروان دریائی امدادی و بشردوستانه، حلقه‌ی دیگری از زنجیره‌ی جنایت‌های بزرگی است که آن حکومت شریر و خبیث، هفتمین دهه‌ی حیات ننگین خود را با آن انباشته است. این نمونه‌ای است از رفتار گستاخانه و بی‌رحمانه‌ی که مسلمانان در این منطقه و بخصوص در سرزمین مظلوم فلسطین دهها سال است که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. این بار این کاروان، اسلامی یا عربی نبود، بلکه افکار عمومی و وجدانهای بشری از سراسر جهان را نمایندگی میکرد. این حمله‌ی جنایت‌بار باید برای همه مدلل کرده باشد که صهیونیسم، چهره‌ی جدید و خشن‌تری از فاشیزم است که این بار از سوی دولتهای مدعی آزادی و حقوق بشر و بیش از همه دولت ایالات متحده آمریکا، حمایت و کمک میشود.

آمریکا و انگلیس، فرانسه و دیگر دولتهای اروپائی که از این جانان بالفطره، حمایت سیاسی و رسانه‌ای و نظامی و اقتصادی کرده و همواره پشت‌سر فاجعه‌آفرینی‌های آنان ایستاده‌اند، جدا باید پاسخگو باشند. وجدان‌های بیدار در سراسر جهان باید جدا ببیندند که بشریت امروز با چه پدیده‌ی خطرناکی در منطقه‌ی حساس خاورمیانه روبرو است؟ چه رژیم سفاک و گستاخ و دیوانه‌ای امروز بر کشور غصب شده‌ی فلسطین و مردم مظلوم و داغ‌دیده‌ی آن تحکیم می‌کند؛ سه سال محاصره‌ی غذائی و داروئی و حیاتی یک و نیم میلیون زن و مرد و کودک در غزه، به چه معنی است؛ کشتار و حبس و شکنجه‌ی روزانه‌ی جوانان در غزه و ساحل غربی چگونه قابل فهم است.

فلسطین، دیگر نه مسأله‌ای عربی و حتی نه فقط مسأله‌ای اسلامی، بلکه مهمترین مسأله‌ی حقوق بشری جهان معاصر است.

کار نمادین و درخشان اعزام کاروان دریائی به غزه، باید در دهها شکل و شیوه‌ی دیگر بارها و بارها تکرار شود. حکومت سفاک صهیونیست و حامیان آن بویژه آمریکا و انگلیس باید قدرت شکست‌ناپذیر عزم و بیداری وجدان عمومی جهان را در برابر خود ببینند و حس کنند.

دولتهای عربی در معرض آزمونی دشوار قرار گرفته‌اند. ملت‌های بیدار عرب از آنان اقدامی قاطع و جازم مطالبه میکنند. کنفرانس اسلامی و اتحادیه‌ی عرب نباید به کمتر از برداشتن کامل محاصره‌ی غزه و توقف کامل دست‌اندازی به خانه‌ها و سرزمینهای فلسطینی در کرانه‌ی غربی و محاکمه‌ی جنایتکارانی چون نتانیاهو و ایهود باراک، قانع شوند.

ملت مجاهد فلسطین و مردم و دولت مردمی غزه نیز بدانند که دشمن خبیث آنان اکنون از همیشه ضعیفتر و آسیب‌پذیرتر است. جنایت دریائی روز دوشنبه نه نشانه‌ی قدرت، که نشان درماندگی و سراسیمگی رژیم غاصب است. سنت الهی بر این جاری شده که ستمگران در اواخر دوران ننگ‌آلود خود، به دست خویش، سرنوشت محتوم فنا و زوال خود را نزدیکتر کنند. حمله به لبنان و سپس حمله به غزه در سال‌های پیش، از جمله‌ی همین اقدام‌های دیوانه‌وار بود که تروریست‌های اریکه‌نشین صهیونیست را به دره‌ی سقوط نهائی نزدیکتر کرد. حمله به کاروان امدادی بین‌المللی در آبهای مدیترانه نیز اقدام ابلهانه‌ی دیگری از همان قبیل است. برادران و خواهران فلسطینی! به خداوند حکیم و قدیر اعتماد کنید، قدرت خود را باور کنید و بر آن بیفزائید. و به پیروزی نهائی یقین داشته باشید و بدانید که: وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۱/ خرداد/ ۱۳۸۹

مطالبات مجمع از سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب

بسم الله الرحمن الرحيم

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ... (مائده - ۸۲)

حمله ددمنشانه و بهت انگیز ارتش رژیم اشغالگر قدس به کشتی‌های ناوگان آزادی و به شهادت رساندن افراد انساندوست و مجروح و اسیر کردن عده ای دیگر، آنچه سالهاست جمهوری اسلامی ایران بر آن تأکید می کند را بار دیگر به اثبات رساند.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی، همواره براین نکته‌ی راهبردی تأکید کرده است که رژیم اسرائیل، غده‌ای سرطانی است که ماهیت و موجودیت آن، سبب ناامنی جهان و به خطر افتادن صلح است. شخصیت‌های دینی و سیاسی ایران - مانند امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی - و نیز دولت و ملت ایران بیش از سی سال است که فریاد سر داده و به مردم جهان و مجامع بین‌المللی اعلام می کنند که سرنوشت این سرزمین مظلوم و آینده‌ی این رژیم پلید را باید خود ساکنان اصلی این سرزمین اشغالی - اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی - مشخص نمایند.

اما در مقابل این سیاست اصولی و آزادمنشانه، قدرت‌های استکباری با همکاری زورمداران و سلطه‌جویان بین‌المللی، بی چون و چرا از این دولت غاصب و خونخوار، حمایت می کنند. سران اکثریت کشورهای مسلمان و عرب نیز، بازپچه دست صهیونیسم بین‌الملل شده و به جای اقدام عاجل و قاطع، زمان را در مسیر بی‌پایان رفت و برگشت به کنفرانس‌های بی‌حاصل صلح، از دست می دهند!

اینک، پس از شصت سال از غرس این شجره خبیثه در بین کشورهای اسلامی و نیز بیش از سی سال از ارائه راهکار نهایی حل مسأله فلسطین از سوی انقلاب اسلامی، وقت آن است که امت اسلامی یک بار برای همیشه به خود آید.

اگر خون‌های ریخته شده در صبرا، شتیلا، قانا، اریحا، غزه و ضاحیه برای بیدارشدن وجدان‌های آزاده جهان کافی نبوده است، اینک حمله‌ی فاجعه‌بار صهیونیست‌ها به ناوگانی از انسان‌های بشردوست که تلاش می کرد به کودکان گرسنه و بیمار غزه دارو و غذا برساند، حجت را بر همه تمام کرده است.

این ناوگان انسان‌دوستانه که از سوی بنیادها و مؤسسات خیریه‌ی اروپایی، آسیایی و آمریکایی، کمک‌های مردم را برای مظلومان محاصره‌شده‌ی غزه می‌برد، آماج حملات شگفت انگیز و وحشیانه‌ی نظامیان صهیونیست قرار گرفت. طرف اسرائیلی، به این هم بسنده نکرده و با به اسارت گرفتن صدها نفر

در پی حمله جنایتکارانه‌ی رژیم صهیونیستی به ناوگان آزادی، مجمع جهانی اهل بیت (ع) در بیانیه‌ی شدیداللحنی ضمن محکومیت شدید این فاجعه، سازمان‌های بین‌المللی را مسؤول اصلی پیگیری سریع این حادثه دانست و دولت‌های عربی را در معرض آزمونی دشوارتر از پیش ارزیابی نمود.

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - متن این بیانیه به شرح زیر است:

دیگر از اعضای این کاروان بشردوستانه، تهدید به غرق نمودن این کشتی‌ها و کاروان‌های آینده نموده است!!

مجمع جهانی اهل بیت - علیهم السلام - به عنوان نهادی بین‌المللی که برای رفع محرومیت‌های فکری، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی مستضعفان جهان می کوشد، ضمن محکوم نمودن شدید این فاجعه، نکات زیر را یادآور می‌شود:

۱. سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و همه سازمان‌های حقوق بشری اولین مسؤول پیگیری سریع این حادثه هستند. آنها باید رژیم سفاک را مجبور کنند که ضمن آزادی بی قید و شرط گروگان‌ها و اسرا، محموله ناوگان را به نیازمندان غزه برساند.

۲. با این فاجعه، دولت‌های عربی در معرض آزمونی دشوارتر از پیش قرار گرفته‌اند. این دولت‌ها نباید تنها به محکوم کردن فاجعه بسنده کنند؛ بلکه باید ضمن فشار به نهادهای بین‌المللی برای «محاکمه‌ی جنایتکاران و مجرمان این جنایت»، رفع کامل محاصره غزه و توقف کامل تجاوز به خانه و کاشانه‌ی فلسطینیان مظلوم را مطالبه نمایند.

۳. بی شک دولت‌های ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه و دیگر دولت‌های اروپایی که اسرائیل غاصب را مورد حمایت سیاسی، رسانه‌ای، نظامی و اقتصادی قرار می‌دهند در این جنایت شریک بوده و باید در قبال آن پاسخگو باشند.

۴. هم‌اکنون بیش از پیش آشکار شده است که این حرکات عجیب، قساوت‌آمیز و جنایتکارانه، علامت به شماره افتادن نفس‌های این رژیم جعلی است؛ و عنقریب است که خورشید آزادی در قبه‌ی اول مسلمانان طلوع کند.

۵. مجمع جهانی اهل بیت (ع) در پایان، ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های شهدای این فاجعه، از درگاه خداوند رحمان برای مجروحان شفای عاجل و برای اسرا، آزادی سریع را مسألت می‌نماید و بار دیگر تأکید می‌کند که بهترین انتخاب برای دولتمردان اسلامی و عربی این است که دست از انفعال و وقت‌کشی‌های خود بردارند و همگام با کشورهایی مانند ایران، سوریه، ترکیه و لبنان به یاری مردم مظلوم و مقاوم فلسطین بشتابند؛ چرا که در غیر اینصورت، در صبح قریب آزادی سرزمین پیامبران، چیزی جز روسیاهی و شرمندگی برای آنان باقی نخواهد ماند.

به امید پیروزی و نصرت الهی

مجمع جهانی اهل بیت (ع)

۱۰ خردادماه ۱۳۸۹



نامه دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) به اسیر رژیم صهیونیستی

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) در نامه خود به رئیس بنیاد امداد ترکیه که جزء اسرای کاروان آزادی بود، حمایت همه جانبه خود را از کلیه فعالیت های بشر دوستانه آن سازمان و سایر مؤسسات و آزادی خواهان جهان در ارتباط با کمک به محاصره شدگان غزه عزیز اعلام کرده است. متن کامل این نامه به شرح زیر است:

باسمه تعالی

«اسرائیل این غده سرطانی باید از بین برود» امام خمینی (ره)

برادر ارجمند جناب آقای فهمی بلند ایلدیریم
ریاست محترم بنیاد امداد ترکیه (سازمان IHH)

سلام علیکم

مجمع جهانی اهل بیت (ع) بر خود فرض می‌داند به تبعیت از پرچم دار محو اسرائیل حضرت امام خمینی (ره) و با عنایت به پیام رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای - دام ظلّه العالی - که به همین مناسبت فرمودند: «حمله به این کشتی‌ها، حمله به افکار عمومی و وجدان بشری جهان است»، از ابتکار عمل آن سازمان و تلاش های گسترده برای جمع آوری کمک های انسان دوستانه و گسیل آن برای مردم مظلوم فلسطین تحت عنوان "کاروان آزادی" که بسیاری از مؤسسات و انسان های آزاده در این امر خطیر شما را یاری کرده، تشکر نماید.

همچنین مراتب تسلیت این مجمع را نیز در ارتباط با شهادت جمعی از اعضای معزز خود و همراهانتان در این کاروان پذیرا باشید. ما بدینوسیله آمادگی کامل و حمایت همه جانبه خود را از کلیه فعالیت های بشر دوستانه آن سازمان و سایر مؤسسات و آزادی خواهان جهان در ارتباط با کمک به محاصره شدگان غزه عزیز اعلام نموده، و از درگاه خداوند منان مسئلت می‌نماییم که هر چه زودتر حضرت عالی و سایر عزیزان این کاروان، از چنگال غاصبان فلسطین رها گردید.

ان شاء الله تلاش های وافر جنابعالی و همراهان تداوم یافته و به واسطه این سببیت و جنایت در حمله به این کاروان - آن هم در آب های آزاد - متوقف نگردد و این گونه خدمات که آن سازمان برای دومین بار به مقصد غزه سازماندهی نموده است مورد رضایت خداوند متعال قرار گیرد.

«ولا تحسبن الله غافلاً عما یعملون انما یؤخرهم لیوم تشخیص فیه الابصار»

محمد حسن اختری - دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع)

۱۳۸۹/۳/۱۲

به کوشش: محمد رضا نوری
(خبرنگار خبرگزاری ابنا در تهران)

دبیر کل مجمع در مراسم یادبود شهدای کاروان آزادی غزه:

سرزمینی که با زور اشغال شده جز با قدرت و مقاومت آزاد نمی‌شود

مراسم یادبود شهدای کاروان آزادی غزه عصر روز چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۹ در مسجد نور تهران و با حضور مسؤولان کشوری و لشگری، سفرای کشورهای اسلامی، نمایندگان جنبش‌های اسلامی و مردم شهیدپرور برگزار شد.

«حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن اختری» دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) در ابتدای مراسم ضمن خیر مقدم و تشکر از حاضران، در خصوص برگزاری این مراسم گفت: «این مجلس به پاس ارج نهادن به رشادتهای انسان‌های خداجوی و و عاشق مردم ستمدیده فلسطین برگزار شده است که جان خود را در کف گرفته و به سوی غزه حرکت کردند و در این راه به شهادت رسیدند».

وی که سخنران اصلی این مراسم بود به تأثیرات کم‌نظیر امام راحل در مقاومت اسلامی پرداخت و تأکید کرد: «حضرت امام خمینی (ره) چند سال پیش بر مردمی کردن مسئله فلسطین و مقابله با اسرائیل غاصب تأکید داشتند و این را می‌توان به خوبی در اعلامیه سال ۱۳۴۶ که در نجف صادر کردند، دید. امام با این اندیشه که قضیه فلسطین مربوط به فلسطین و مردم آن است و به دیگران ربطی ندارد سخت مخالف بود و همیشه می‌فرمود که همه مسلمانان وظیفه دارند در قضیه فلسطین دخالت کنند. این فکر و اندیشه امام بود که توانست حرکات آمریکا، انگلیس و اسرائیل را خنثی کند و خواب را از چشمان آنها برباید. الحمدلله امروز می‌بینیم که سوریه و لبنان در مقابل رژیم غاصب





اسلامی در سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد و گفت: «همه مسلمانها باید به هر طریق ممکن اجازه تداوم این اقدام از سوی صهیونیست‌ها را ندهند».

آقای اختری با ابراز تأسف از سست عنصری برخی دول عربی گفت: «با این وجود که راهکار مذاکره در ۶۰ سال گذشته نتوانسته است کوچکترین مشکلی از مردم فلسطین برطرف کند ولی آنها باز هم از این تجربه عبرت نگرفتند».

وی تأکید کرد: «سرزمین‌هایی که با زور گرفته شده را جز با قدرت و مقاومت نمی‌توان پس گرفت و سازمانهای بین‌المللی نیز کوچکترین اختیاری از خود در این زمینه ندارند؛ زیرا اگر آنها می‌توانستند کاری انجام دهند در مدت دو سال محاصره غزه کمکی هر چند کوچک به مردم مظلوم این منطقه می‌کردند».

اختری دلیل دشمنی استعمارگران با جمهوری اسلامی ایران را نیز حمایت از مقاومت اسلامی دانست و گفت: «شما دیدید که در حوادث اخیر ایران هم این سازمان‌های باصلاح حقوق بشری چطور قصد تخریب ایران اسلامی را داشتند و چطور به مقدسات این کشور حمله کردند. همه‌ی جرم این ملت و کشور این است که می‌خواهد در کنار مردم مظلوم فلسطین باشد و آنها را نجات دهد. اما همانطور که خدا می‌فرماید "ما پیامبران را در همین دنیا پیروز خواهیم کرد" ان‌شاءالله ما پیروز هستیم و نماز جمعه پیروزی را به امامت مقام معظم رهبری که در قدس شریف برگزار خواهیم کرد».

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) در پایان اعلام کرد: «همانگونه که صهیونیست‌ها در جنگ‌های ۲۲ روزه و ۳۳ روزه شکست مفتضحانه خوردند این بار نیز در مقابل کاروان کشتی‌ها آزادی شکست دیگری را تجربه خواهند کرد و به همین خاطر باید اعزام کشتی کمک‌های انسان‌دوستانه برای مردم غزه تداوم یابد».

وی خطاب به خانواده‌های شهدا و مجروحین این سانحه گفت: «ما امروز اینجا جمع شدیم تا صدای خود را با صدای شما یکسان، و حرکت خود را با حرکت شما همسو اعلام کنیم. بدانید که مردم آزاده دنیا تاکنون به فکر شما بوده‌اند و از این پس شما را تنها نخواهند گذاشت و شما را همراهی می‌کنند».

صهیونیستی ایستادگی به خرج دادند و مقاومت کردند».

سفیر سابق ایران در سوریه تأسیس رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی فلسطین را توطئه خطرناک آمریکا و انگلیس عنوان کرد و گفت: امام (ره) در همان سالهای ابتدای ایجاد این رژیم نسبت به غیر قانونی بودن آن هشدارهای لازم را دادند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم پرچم مبارزه با این رژیم جعلی را به دست گرفتند.

آقای اختری با یادآوری توافقی که در سالیان نخست بعد از انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، گفت: «صهیونیست‌ها و حامیانشان در صدد این بودند که فلسطین را به مسئله‌ای در ابعاد کوچک و جمعیت کم تبدیل کنند، ولی امام در همان زمان این موضوع را برای مسلمانان حیاتی عنوان کردند و فلسطین را به عنوان قبله اول مسلمانان برای مسلمانان و غیر مسلمانان یک مسئله مهم معرفی کردند».

وی در ادامه گفت: «مقام معظم رهبری تأکید بر تداوم راه امام و خط امام دارند و به یکایک ما دستور دادند و سفارش و نصیحت کردند که مسلمانان نباید خسته شوند و باید به این حرکات ادامه دهند و دیدیم که در نماز جمعه اخیر نیز بر این مسأله تأکید داشتند».

وی در عین حال گفت: «اما برخی کشورهای عربی گرفتار این نیرنگ سیاسی شدند و بدنبال راهکارهایی رفتند که تا به امروز نتیجه بخش نبوده است و تنها برخی از کشورهای مسلمان مثل لبنان و سوریه حاضر به مقاومت در این زمینه شدند. اما این حادثه مسائل مهمی را برای جهانیان و مسلمانان روشن کرد».

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) با اشاره به کاروان کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم فلسطین گفت: «این ثمره درختی است که امام (ره) کاشتند و امروز می‌بینیم که به بار نشسته است و مسلمانان و غیر مسلمانان جان برکف برای شهادت در این راه اعلام آمادگی می‌کنند. همانگونه که مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام‌عزه) در سخنان مکرر و بیانات شریفشان در طول سالهای متمادین مخصوصاً این ایام بر آن تأکید داشتند این شیوه رژیم صهیونیستی شیوه درندگی و خوی وحشیانه آنهاست. نمی‌توان از کشتارهایی که رژیم صهیونیستی در طول ۶۰ سال انجام داده به سادگی گذشت».

وی در ادامه سخنان خود به مسأله یهودی‌سازی قدس شریف و از بین بردن آثار

دبیر کل حزب الله لبنان:

پاسخ سختی به حمله کنندگان به ناوگان آزادی خواهیم داد

دبیر کل حزب الله لبنان با تبریک و تسلیت به خانواده‌های شهدای ترکیه‌ای ناوگان آزادی و نیز تجلیل از بازماندگان حاضر در کاروان، از همه مردم لبنان، فلسطین و ملت عرب خواست تا در مراسم تکریم و گرامی‌داشت مسافران ناوگان آزادی شرکت کنند



به گفته نصرالله تکیه امام تنها بر سنت نبوی و قرآن نبود. او عقل انسانی را نیز همواره در نظر داشت و همه سخنان او با مدار و محور عقل بشری همخوانی داشت. نماد مقاومت شیعیان لبنان، در بخش دیگری از سخنان خود به ناوگان آزادی و شهادت تعدادی از مسلمانان ترک‌تبار آن اشاره کرد و گفت امروزه جهان فهمیده که قضیه فلسطین تنها به اعراب یا مسلمانان منتهی نمی‌شود. بلکه آن را مسأله‌ای انسانی می‌داند. چراکه عده‌ای از انسانهای بی‌پناه در غزه گرفتار رژیم نژادپرست صهیونیستی شده و در محاصره و تحریم دارو و غذا و نیازهای اولیه گرفتار آمده است.

دبیر کل حزب الله اضافه کرد: «به همین خاطر بود که در ناوگان آزادی عده‌ای از مسیحیان و طرفداران حقوق بشر و فعالان حقوق انسانی نیز همراه مسلمانان برای آزادی غزه از چنگال رژیم اشغالگر و صهیونیست تلاش می‌کردند. سید حسن نصرالله در مهمترین بخش سخنان خود گفت: «رژیم صهیونیستی بداند که ضربه سختی در اثر این عمل وحشیانه خود خواهد خورد و جامعه جهانی نیز باید مواضع سخت‌گیرانه‌تری علیه اسرائیل و رژیم غاصب بگیرد.» نصرالله در پایان این مراسم ضمن تجلیل از شهدای ناوگان آزادی و اعلام تسلیت خود به خانواده‌های آنان و نیز تکریم سایر مسافران ناوگان، از همه مردم فلسطین و لبنان خواست تا در مراسمی که برای تجلیل از شهدای ناوگان آزادی از سوی حزب الله لبنان برگزار خواهد شد، شرکت کنند.

«حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله» دبیر کل حزب الله لبنان در سخنانی که به مناسبت سالگرد بنیانگذار انقلاب اسلامی در حسینیه سیدالشهدای ضاحیه بیروت و از طریق ویدئو کنفرانس برای حاضران بیان کرد، گفت: «امام خمینی (ره) با قیام خود دستاوردهای زیادی برای امت اسلامی به ارمغان آورد. از جمله آنها زنده کردن روح انقلاب و قیام علیه جور و ستم در ملت‌های عربی و اسلامی بود. بسیاری از انسانهای آزاده در سراسر عالم از قیام امام برای مقابله با طاغوت‌ها، محدودیت‌ها، مصائب و مشکلاتی که برای پیشرفت جامعه خویش با آن دست به گریبان بودند، الهام گرفتند.»

امام (ره) با آمدن خود و با قیام خود روح و فرهنگ عزت و بیدارمنشی و عدالتخواهی‌ای را که در انسانها به سبب رخنه فرهنگ راحت‌طلبی و روح شهوانی و حیوانی به خواب رفته بود، بیدار کرد. نصرالله پس از این جمله افزود: «جازه دهید راحت‌تر بگوییم؛ امام (ره) در تمام بشریت روح قیام، معنویت و اتصال به پروردگار را زنده کرد.»

سید حسن نصرالله سپس به جنبه دیگری از خصوصیات فکری و عقیدتی حضرت امام (ره) اشاره کرد و گفت: «امام خمینی (ره) در تلاش برای پیروزی انقلاب خود تنها به مسلمانان توجه نداشت؛ ایشان تمام مستضعفان و محرومان عالم را مدنظر داشتند و قصد داشت تا طاغوت رابه هر شکلی و ظالم را که بر هر قومی ظلم می‌کند، نابود گرداند.»



تکالیف شیعیان در مقابل حضرت موعود علیه السلام

۳- دعا کردن

از تکالیف شیعیان و منتظران، دعا کردن برای حفظ وجود مبارک امام عصر (عج) از شرور شیاطین انس و جن، و نیز دعا کردن برای تعجیل فرج و نصرت و ظفر آن جناب است. این دعا اثرات مختلفی دارد؛ از جمله:

– نوعی است از اظهار بندگی و رضا به آنچه خدای تعالی وعده فرموده است.

– باعث زیادت محبت و ثواب و رضا به موهبت کبرای خداوندی می گردد.

سیدبن طاووس در فلاح السائل نوشته است: «هرگاه درباره دعا برای برادران دینی این همه فضل وارد شده است، پس چگونه خواهد بود فضل دعا کردن برای کسی که سبب وجود توست و تو اعتقاد داری که اگر آن جناب نبود، خداوند نه تو و نه احدی از مکلفین را نمی آفرید... پس حذر کن و باز حذر کن از اینکه مقدم بداری نفس خود را یا احدی از خلائق را در ولاء و دعا، بر آن جناب (ع)، و حاضر کن قلب و زبان خود را در دعا از برای آن سلطان عظیم الشان».

روزنامه ای

از دستاوردهای الکترونیک جدید

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام



AhlulBayt Portal

افتتاح سایت

پورتال اهل بیت (ع)

و سایت های زیر مجموعه



رونمایی از نرم افزار

فی رحاب اهل بیت (ع)

بر روی تلفن همراه



رونمایی از نرم افزار

کتاب های الکترونیک مجمع

به ۶ زبان

مردادماه ۱۳۸۹
قم - بلوار جمهوری اسلامی - مجمع جهانی اهل بیت (ع)

